



نشریه اتحادیه انجمن های
دانشجویان مسلمان خارج کشور
(هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران)

جمعه ۱/ اسفند/ ۱۳۶۵ (۲۰/ فوریه/ ۱۹۸۷)
تک شماره معادل نیم دلار (۵۰ ریال)

پیام رادیویی
مسئول شورای ملی مقاومت
بمناسبت هشتمین سالگرد
انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران
(قسمت آخر)
(در صفحات ۴ تا ۱۲ و ۵۶ تا ۶۵)

عملیات بزرگ و درخشان
رزمندگان دلیر مجاهد خلق
در شهرهای
تهران، مشهد، کرمان و اهواز

پیروزی بزرگ مقاومت عادلانه مردم ایران در رابطه با قطع بمباران شهرهای میهنمان

رئیس جمهور عراق با تقاضای رهبر مقاومت ایران مبنی بر قطع بمباران شهرهای میهنمان موافقت کرد

روز سه شنبه گذشته مسئول شورای ملی مقاومت ایران و مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران که به بغداد آمده بود، در کاخ ریاست جمهوری عراق با آقای صدام حسین رئیس جمهور عراق دیدار و گفتگو نمود. برادر مجاهد مسعود رجوی در این دیدار که ۲ ساعت ونیم بطول انجامید، از سوی مردم ایران، شورای ملی مقاومت ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران تقاضای پیشین خود مبنی بر قطع بمباران شهرها و غیرنظامیان را تجدید کرد. متعاقباً روز چهارشنبه (۲۹/ بهمن) شورای فرماندهی انقلاب و شورای رهبری کشوری عراق برای بررسی درخواست رهبر مقاومت ایران تشکیل جلسه داد و در پایان قطع بمباران شهرها را بشرط رعایت متقابل رژیم خمینی بمدت ۲ هفته اعلام کرد. البته شورای فرماندهی عراق در اطلاعیهای خود تاکید کرده است که ضربه زدن به اهداف نظامی و اقتصادی رژیم خمینی که در جنگ افروزی این رژیم نقش پشتیبانی جنگی را بر عهده دارند به قوت خود باقی است چرا که رژیم خمینی تمامی پیشنهادات صلح جویانه و کلیه طرحهای عراق را برای استقرار صلح عادلانه مستمراً بی پاسخ گذاشته و همچنان بر ادامه جنگ پافشاری می کند. همزمان اعلام شد که رهبر مقاومت ایران با آرزوی سرنگونی هرچه سریعتر رژیم جنگ افروز و ضد بشری خمینی و استقرار صلح پایدار و روابط حسن همجواری میان دو کشور و دو ملت همسایه و با آرزوی قطع دائمی هرگونه بمباران و گلوله باران شهرها و موشک اندازی به مناطق غیرنظامی، مراتب تشکر خود از قطع موقت بمباران شهرهای میهنمان را ابراز داشته است.

پیام مهم
رهبر مقاومت ایران
برادر مجاهد مسعود رجوی
به مردم سراسر کشور
درباره
قطع موقت بمباران شهرها
(در صفحه ۲)

مجازات امام جمعه موقت خمینی

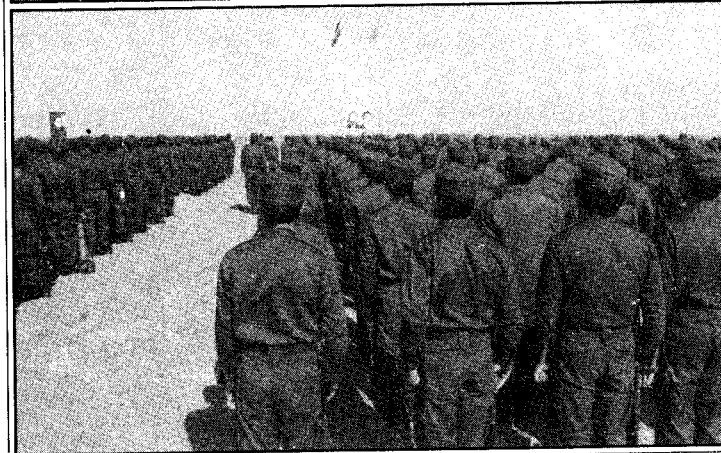
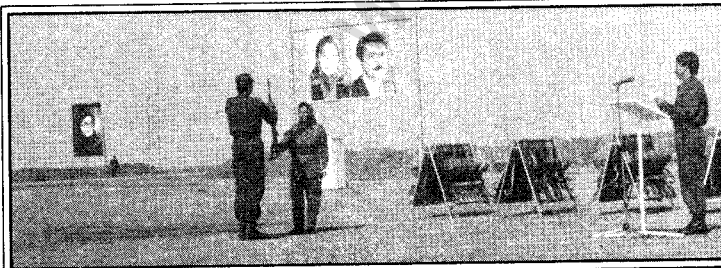
و مهره اصلی سرکوب و جنگ در کرمان

آخوند جنایتکار علی ایران منش، توسط خمینی بعنوان مدیرکل آموزش و پرورش کرمان گمارده شده بود و ۴۳،۰۰۰ دانش آموز را با قساوت تمام به مسلخ جنگ ضد میهنی فرستاده بود. (در صفحه ۱۴)

تهاجم بزرگ و قهرمانانه مجاهدین

به تجمع مهمترین مهره های رژیم در مشهد

در این تهاجم مسلحانه هادی خامنه ای نماینده مجلس ضد خلقی و برادر رئیس جمهور رژیم خمینی و سرهنگ مظفری فرماندهی مزدور پایگاه هوایی مشهد بشدت زخمی شدند، آخوند صمدی و دو پاسدار مزدور بهلاکت رسیدند و ۵۰ تن از مزدوران و مهره های مهم جنگ و سرکوب مجروح شدند. (در صفحه ۱۳)



گزارشی

از مراسم پایانی

سومین دوره

آموزش رزمی

هنگ آموزشی

شهید اشرف رجوی

۲۰۰ رزمنده ی مجاهد خلق در مراسم پایانی این دوره توسط خواهر مجاهد ثریا شهری عضو هیئت اجرائی سازمان مجاهدین خلق ایران و فرماندهی مرکز آموزشی "شهید اشرف رجوی" تسلیح شدند.

(در صفحات ۱۸، ۱۹، ۵۱، ۶۸)

★ رئیس زندان مرکزی اهواز

با آتش مسلسل رزمندگان مجاهد

بهلاکت رسید

★ تهران: انهدام يك واحد گشتی

ویژه کمیته مرکزی و هلاکت

فرمانده مزدوران همراه با

۳ پاسدار ضد خلقی

★ مشهد: در تهاجم به مرکز اصلی

عملیات سپاه پاسداران ۶ مزدور

سرکوبگر از پای در آمدند

★ کرمان: با انهدام يك گشتی پاسداران

۵ مزدور سرکوبگر کشته

و زخمی شدند

★ مشهد: تهاجم به واحد گشتی دشمن

و هلاکت ۳ پاسدار سرکوبگر

(در صفحات ۱۴ تا ۱۷)

پیام مهم رهبر مقاومت ایران برادر مجاهد مسعود رجوی به مردم سراسر کشور درباره قطع موقت بمباران شهرها

هموطنان عزیز،

خواهران و برادران،

مردم مصیبت زده و داغدار و جنگ زده؛

شرح مصیبت ها و دربدری شما در زیر آوار ستم و اختناق خمینی و در محاصره ی شعله های تنور جنگ او - جنگ ضد مردمی و ضد میهنی اش - مخصوصاً در این روزهای بمباران، برآستی که خیلی دردناک و جانگداز است...

ولی حالا من خوشحالم که سرانجام با قطع موقت بمباران شهرها توانستیم یک مرهم کوچک - ولو به مدت دو هفته - بر اینهمه رنج و دردها و بی خانمانی ها و جراحت های جسمی و روحی بگذاریم. البته اگر این پیرگفتار خون آشام جماران بگذارد و لااقل برای دو هفته هم که شده به جنگ افروزی جدید و به موشک اندازی و به گلوله باران شهرهای عراق مبادرت نکند، دست از پا خطا نکند و شهوت شقاوت و خونریزی و ماجراجویی جنگی خود را کمی مهار کند و بگذارد هم مردم ایران و هم مردم عراق در این بحبوحه نفسی بکشند. البته بگذریم که در همین هفته ها خود خمینی هم شدیداً به وحشت افتاده بود و می ترسید که مبادا در همین اثناء سررشته ی کار از چنگالش در برود و ناراضیتی و خشم مردم قبا ی خودش و رژیمش را بگیرد. آخر او از چند سال پیش پیوسته به سایر آخوندها و مزدورانش می گفت که "اگر یک وقتی مردم توی خیابان ریخته و شعار برضد ما دادند آنوقت چه مصیبتی است! ما بس مان است آن شعارها که در خارج برایمان می دهند و آن شعارهایی که مجاهدین می دهند." به همین خاطر، رژیم خمینی از چند هفته ی پیش در اطلاعیه های رسمی اش و از طریق مهره های مختلفش به لطایف الحیل خواستار قطع بمباران ها بود. اگر در حرف ها و موضع گیری های رژیم خمینی در این ایام دقت کرده باشید، درست در همان شرایطی که تهاجمات ضد گربلا را به پیش می برد و آشکارا شعار تسخیر و تصرف بعضی شهرهای عراق مثل بصره را می داد؛ وقتی معلوم شد که با گلوله باران و پرتاب موشک و بمباران کردن شهرهای عراق از پس حریف بر نمی آید، اعلام کرد که عراق باید بمباران را قطع کند و الا چنین و چنان خواهیم کرد. ولی فایده نکرد. بعد دست به دامان سازمان ملل و بعد هم دست به دامان واتیکان و پاپ

اعظم شد، ولی باز هم فایده نکرد. سپس عمال و وزرای خودش را در همین رابطه به اینطرف و آنطرف دنیا فرستاد، اما باز هم برایش فایده ای نداشت. دست آخر از سرناچاری و فلاکت خمینی دستور داد که تمام بوق و گرنای تبلیغاتی رژیمش را علیه مجاهدین گوگ کنند و تقصیر بمباران ها را در رادیو و تلویزیون و اطلاعیه های رسمی و در نمایشات روزهای جمعه به گردن ما بیاندازند. از خودش گرفته تا رئیس جمهورش و نخست وزیرش و رفسنجانی و سایر مزدوران یگی یگی به صحنه آمدند و گفتند ما این بمباران ها را زیر سر مقاومت و زیر سر مجاهدین می بینیم. چون خیلی خوب می دانستند که مردم این لاطائلات را باور نمی کنند و خوب می دانند که چه کسی زوزه "جنگ، جنگ، اختناق" می کشد و چه کسی مدت ها ست ندای "صلح، صلح آزادی" را نه فقط در ایران بلکه در سراسر جهان بسود خلق اسپرش طنین افکن کرده است. هدفشان این بود که ما را وادار به پادرمیانی کنند بلکه ما از عراق بخواهیم و مؤثر واقع شود. این بود که برای گشاندن مزدوران و ایادی خودشان به مراسم دهی ظلمات و تظاهرات شکست خورده ی ۲۲/بهمن، بدستور خمینی شایع می کردند که نترسید مجاهدین هستند و فلانی از عراق درخواست قطع بمباران را کرده و...

بله، خمینی با شناختی که از اصول و مواضع و از ماهیت مجاهدین و مقاومت عادلانه ی مردم ایران و شورای ملی مقاومت ایران داشت، از قضا این یکی را درست فکر کرده بود. زیرا مثل روز روشن است و هر کس هم که گمترین آگاهی نسبت به مواضع انقلاب نوین ایران و مجاهدین داشته باشد به سادگی می تواند بداند و بفهمد که ما از روز اول با بمباران شهرها و غیر نظامی ها در هر دو کشور مخالف بوده و به کرات آنرا محکوم کرده ایم و درخواست قطع آن را نیز - قطع دائمی آنرا - داشته و داریم و خواهیم داشت. اینکه مسئله ی بفرنج و پیچیده های نیست. اصلاً ما برای این با خمینی به حکم خدا و خلق و تاریخ وارد در مقاومت و مبارزه ی مردمی و مسلحانه شده ایم؛ که این موجود ضد بشر و ضد خدا و خلق و ضدايران و ایرانی کمترین ارزشی برای جان و مال و زندگی و خون مردم قائل نیست. پس فهم این نکته کار مشکلی نیست که ما درست در نقطه ی مقابل شیطان پلید جماران هر وقت و

در هر گجا و در هر موقعیتی که گاری از دستان بر بیاید برای مردمان خواهیم کرد و الا برای چی و برای گی مبارزه می کنیم؟ برای چی رزمندگان و شهیدان و اسیران و خانواده هایمان اینهمه داغ جگر و رنج و شکنج و نثار کردن تمام هستی خود را پذیرفته اند؟ برای چی رزمندگان مجاهد، از زن و مرد، خودشان را به آن آیت الشیطان های دژخیم می رسانند و به عملیات مقدس انتحاری دست می زنند و خودشان هم قطعه قطعه می شوند؟ به همین دلیل، واضح بود که ما از اول مصرانه و فعالانه از هر طریق ممکن خواستار قطع بمباران شهرها بوده و هستیم و خواهیم بود. ولو اینکه آنرا اعلام هم نکنیم. چون که وقتی پای جان و خون مردمان در میان است، دیگر هدف اعلام کردن و تبلیغات کردن نیست.

نباید از شما مخفی کنم که اینبار چه از داخل و چه از خارج کشور و از جوانب مختلف من پیام هایی دریافت می کردم که خلاصه از فرط ناراحتی و تأثر و استیصال در برابر ددمشی های خمینی می گفتند که تو اینبار دخالت نکن. پادرمیانی نکن. تا بحال دوبار - در سال ۶۲ و در سال ۶۴ - دخالت کرده ای بس است. حالا که رژیم خودش هم وحشت کرده، بگذار مردم از بمباران ها به جان بیایند و قیام کنند...

اما قلب و وجدانمان در این شورا و در این سازمان رضایت نمی داد. آخر چطور می شود مسئول مقاومتی با اینهمه پاکیزگی و پاک باختگی بشنود که در گرمانشاه یا پل دختر و دزفول و بروجرد تهران یا تبریز و سایر شهرها هموطنانش در رنج و عذابند و گاری را که از دستش می آید نکند؟ مگر ما بخاطر همین مردمی که در زیر ستم خمینی هستند، همین بچه های یتیم، همین زن های بیوه و همین خانواده های داغدار و همین انبوه آواره و در بدر قیام نکرده ایم؟ وانگهی وقتی که ظلم اختناق را بشکنیم محققاً و قطعاً مردم هم بخواهند خاست و رژیم خمینی را مثل همان رژیم شاه بر زمین خواهند زد. حال بگذار خمینی هم که خوب ما را در نقطه مقابل شقاوت و پلیدی خودش شناخته، چند روز هم به این بهانه که نترسید، مجاهدین هستند، مزدورانش را دلداری بدهد. ما که خوب می دانیم که او و رژیمش هیچ گریزی از سقوط و نگونساری محکوم نخواهند داشت.

پیام مهم رهبر مقاومت ایران برادر مجاهد مسعود در جوی به مردم سراسر کشور درباره قطع موقت بمباران شهرها

رهبری این کشور در همین یکی دو روز اخیر مجدداً پیرامون این موضوع به بحث پرداخته و ادامه‌ی بمباران‌ها را اجتناب‌ناپذیر یافته است. بخصوص که رژیم حاکم بر ایران همه‌ی پیشنهادات صلح؛ بالاخص آخرین پیشنهاد صلح رئیس‌جمهور عراق را که تابستان گذشته ارائه شد و ماه گذشته نیز در آستانه‌ی کنفرانس کشورهای اسلامی یکبار دیگر مورد تأیید و تأکید قرار گرفت؛ را رد کرده است و دائماً در فکر تهاجم جنگی جدید به خاک عراق می‌باشد و نقشی تصرف خاک و شهرهای این کشور از قبیل بصره را در سر می‌پروراند. رئیس‌جمهور عراق همچنین افزود مگر شما از تابستان گذشته در خاک ما -عراق- نبوده‌اید و نمی‌دانید که در برابر موشک‌اندازی‌های رژیم خمینی و گلوله‌باران شبانه‌روزی برخی شهرهایمان چه مدت صبر کردیم و فقط هشدار دادیم؟ مگر تظاهرات مردم خشمگین ما را در شهرهای مختلف ندیدید که مستمراً از تابستان گذشته خواهان مقابله به مثل بودند؟ مگر پیشنهاد صلح فوری بر اساس مرزهای شناخته‌شده‌ی بین‌المللی ایران و عراق ندادیم؟ مگر مبادله‌ی بلادرنگ گلیه‌ی اسیران را نپذیرفتیم؟ و مگر ما هستیم که خواهان ادامه‌ی جنگ و اشغال یا تصرف خاک ایران یا شهرهای ایران می‌باشیم؟ مگر دولت عراق حتی مراجعه به یک مرجع ذیصلاح یا دادگاه بین‌المللی را برای حل و فصل گلیه‌ی دعاوی فیما بین در چارچوب یک صلح پایدار و همه‌جانبه را نپذیرفته است؟...

پس این را بدانید که ما به عنوان آخرین چاره و من به عنوان آخرین فرد در جنگی که به قول خودتان هم فقط طرف مقابل خواستار ادامه‌ی آن است در جنگ شهرها به مقابله تن داده‌ایم. حال اگر شما و مردم ایران می‌توانید، گاری کنید که رژیم حاکم بر ایران دست از تعرض به آب و خاک ما بردارد و صلح عادلانه را بپذیرد...

من در پاسخ گفتم نیازی به قانع کردن ما (مقاومت ایران) نیست زیرا که به همین دلایل و بر اساس خیلی دلایل داخلی دیگر، مخصوصاً سرکوب و اختناق ضدبشری، ما رژیم خمینی را رژیم دجال و جنگ‌افروز می‌خوانیم و معتقدیم که باید خودمان -یعنی مردم ایران- او را سرنگون کنیم تا به صلح پایدار دست یابیم.

بر آنها شرف دارند) شاید اگر خدا همین تأکید را در مورد امثال خمینی نمی‌کرد همه‌ی حیوانات اعتصاب می‌کردند! و عارض می‌شدند به خدا که مگر ما چه کرده‌ایم که امثال خمینی را با ما قیاس می‌کنی. راستی هم که مگر مار و مور و ملخ هم گی اینقدر خونریزی و فساد بپا کرده‌اند؟! *

تازه چند روز پیش چنانکه شنیدید خمینی باز برای سر پا نگاه داشتن رژیم درمانده‌اش تأکید کرد که در این جنگ لعنتی تا در این کشور خانه‌ی آخر را خراب نکند و نفر آخر را هم به تنور نریزد، دست برنخواهد داشت چونکه جنگ سرپوش اختناق است.

بهرحال دیروز من به بغداد رفتم و با رئیس‌جمهور عراق دیدار و درباره‌ی قطع بمباران مفصلاً گفتگو کردم. رئیس‌جمهور عراق آقای صدام‌حسین به گرمی از من به عنوان یک ایرانی و بعنوان یک مجاهد خلق و مسئول مقاومت استقبال کرد و من تقاضایم را برای قطع بمباران شهرهای وطنمان -که در هفته‌های گذشته مع‌الواسطه عنوان کرده بودم- مجدداً بطور حضوری در میان گذاشتم و البته اصرار هم کردم. رئیس‌جمهور

داستان این خمینی داستان همان سگی است که به قول قرآن در هر حال پارس می‌کند، چه بر او بتازیم و چه او را به حال خودش بگذاریم و ولش کنیم. گوش کنید:

بسم الله الرحمن الرحيم

وَ اتل علیهم نبا الذی آتیناه ایتنا فانسلخ منها فاتبعه الشیطان فکان من الغاوین و لوشئنا لرفعناه بها و لکنه اخلد الی الارض و اتبع هویه فمثله کمثل الکلب ان تحمل علیه یلهث او تترکه یلهث ...

و بخوان برایشان خبر و داستان کسی را که آیت‌های خود را به او دادیم (و مثل خمینی او را مرجع و مورد اعتماد و امید مردم ایران قرار دادیم) پس (بر آن عهد و پیمان‌ها و قول‌ها که می‌داد) خروج کرد و از شیطان پیروی نمود و خبردار شد و شیطان او را بدنبال خود کشید و جزئی از روح پلید خودش کرد -پس گمراه شد.

و اگر می‌خواستیم (و امثال خمینی شایستگی این آیت‌ها و اعتماد و امید مردم ایران و قرار گرفتن در موضع رهبری را می‌داشت) همانا که به آن آیت‌ها

از خمینی بپرسید که چرا جنگ را ادامه می‌دهد. چرا حرث و نسل ایران را در تنور جنگی‌اش می‌ریزد و چرا به صلح عادلانه و در دسترس تن نمی‌دهد؟... البته در شرایطی که ارتجاع خمینی برای سرپوش گذاشتن بر اختناق و برای ادامه‌ی حیات ننگینش همچنان زوزه می‌کشد "جنگ، جنگ، اختناق"؛ "جنگ، جنگ، تا نابودی"؛ از سوی مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران برای صلح و آزادی ناگزیر باید تکرار کنم که چون حیات این رژیم ضد مردمی در گرو ادامه‌ی اختناق و ادامه‌ی این جنگ ضد میهنی است و بدون جنگ و اختناق هرگز در قدرت باقی نخواهد ماند، بنابراین تنها راه حل برای یک ایران صلح جو و آزاد شورای ملی مقاومت ایران و دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی ایران است که کلید صلح و آزادی و حسن همجواری و آسایش و آرامش ایران و این قسمت از جهان را در دست دارد.

عراق پیشاپیش از مواضع مقاومت ایران مبنی بر مخالفت و محکوم کردن بمباران‌ها مطلع بود و حتی تأکید کرد به کسانی که به فکر مردم و میهنشان هستند و مردم و میهن خود را دوست دارند و حاضرند برای آنها جانشان را فدا کنند، اکیداً به دیده‌ی احترام می‌نگرد و مواضع آنها را در رابطه با میهن و ملتشان به خوبی درک می‌کند. اما در عین حال ضمن تشریح اوضاع و احوال نظامی و تشریح ماجراجویی‌های تجاوزکارانه‌ی رژیم خمینی که باعث شده دولت عراق به بمباران و مقابله به مثل موشکی روی بیاورد، افزود که تصمیم دولت عراق قاطعانه بر ادامه‌ی بمباران‌ها تا خاتمه‌ی جنگ است و شورای

او را بالا می‌بردیم ولی او به پستی گرائید و بر زمین خورد و هوای نفس و شهوات جاه‌طلبانه و قدرت‌مدارانه‌ی خود را تبعیت کرد (و در زمین فساد کرد و خون ریخت و اختناق ایجاد نمود) پس مثال او مانند سگی است که اگر بر او بتازی و آهنگش کنی پارس می‌کند و زبان از گام بدر می‌آورد و اگر هم بحال خودش واگذاری و رهایش کنی باز هم زبان از گام بدر آورده و بدگویی و پارس می‌کند...

البته راستش را بخواهید باز به قول قرآن سگ هزار بار بر خمینی شرف دارد. اولنگ کالانعام بل هم اضل (کسانی که بسا پائین‌تر از حیوانات و چارپایان هستند و چارپایان

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران (قسمت آخر)

همه ی عقبماندگی ها و رسوبات جاهلی و فوران عفونت مستتر در لابلای لایه های زیرین تاریخ و جامعه ی ماست. ولی آیا تمام تاریخ و هویت ملی و میهنی ما همین است و به خمینی ختم می شود؟ خیر! هرگز، هرگز! حقیقت اینست که خمینی و رژیم و فرهنگش، وجه میرنده و روبه احتضار این تاریخ و این وطن است. وجهی گذرا و ناپایدار، فروت و روبه افول که اگرچه با دجالیت دین فروشانهاش مهیبترین نیرو و مهیبترین هیولا و اژدهای تاریخ ایران بود، اما اکنون ما او را در میدان های مختلف عقیدتی و سیاسی و اجتماعی و تشکیلاتی و همچنین در میدان قضاوت بین المللی بگونه ای تمام عیار منکوب و مغلوب نموده و در هم شکستیم و می رویم تا در میدان نظامی نیز برای زورآزمایی آخرین آماده شویم.

خمینی از هر هزار نفر جمعیت بالغ، نیمی از آنها را یا تیرباران نموده یا به اسارت و شکنجه گاه برده، یا در جنگ به کشتن داده، یا نخستین باعث و بانی معلول و مجروح شدن آنهاست، یا هم آنها را در بدر و آواره کرده و یا هم اجتماعاً مسئول بیکاری آنها و مفاصد تبعی آن است. خلاصه بگوئیم: در یک کلام حاکمیت ۸ ساله ی خمینی تقریباً نیمی از جمعیت ۱۵ سال بالای ما را یا جسماً از بین برده و عللیل کرده و یا بلحاظ روحی و از زاویه ی اقتصادی - اجتماعی تحلیل برده است. فکرش را بکنید! بله، حالا روشن می شود که چرا به خمینی که بناحق در کرسی رهبری نشسته می گوئیم دجال ضدبشر... و هلاک کننده ی حرث و نسل.

چه خوب گفته است آن وزیر خمینی که "قهرمانی که درست کرده ایم مقابل خودمان ایستاده و خلاصی نداریم." راست می گوید! هر چیز در نقطه ی مقابل خود ضد خود را ایجاد می کند. این ناشی از طبیعت و سرشت تکامل است. هیچ خلاصی بر خمینی و رژیم ارتجاعی او در برابر مقاومت عادلانه و انقلابی خلق ما متصور نیست. و خوشا به شرافت آن رزمندگان قهرمانی که برای سلسله نبردهای آخرین آماده می شوند... و بیچاره شبپرستان که در برابر این مقاومت آزادیستان بالمآل خوار و نزار و حسرت زده و زیانبار برجای خواهند ماند.

می خواهم نتیجه بگیرم که در برابر ماتم و مصیبت خونریز و خون آشامی که در میهن ما خمینی نام دارد، نباید عزا گرفت و دچار

تا همین جا شد ۴۶۷ نفر. البته بدون احتساب مرگ و میرهای جنبی این بلایا و دیگر آثار ویرانگر و نابودکننده ی این قضایا بر عموم آحاد اجتماع (از قبیل پایین آمدن متوسط عمر) و بدون احتساب تلفات و ضایعات ناشی از فقدان بهداشت و درمان و بدون احتساب شمار زندانیان و مجرمین عادی. که اگر این مجموعه عوامل را نیز در نظر بگیریم رسیدن عدد ۴۶۷ به ۵۰۰ مبالغه و دور از واقع نخواهد بود. یعنی خمینی از هر هزار نفر جمعیت بالغ، نیمی از آنها را یا تیرباران نموده یا به اسارت و شکنجه گاه برده، یا در جنگ به کشتن داده، یا نخستین باعث و بانی معلول و مجروح شدن آنهاست، یا هم آنها را در بدر و آواره کرده و یا هم اجتماعاً مسئول بیکاری آنها و مفاصد تبعی آن است. خلاصه بگوئیم: در یک کلام حاکمیت ۸ ساله ی خمینی تقریباً نیمی از جمعیت ۱۵ سال بالای

در شماره ی گذشته قسمت اول این پیام که به شرح بیلان ننگین عملکرد رژیم خمینی در زمینه های مختلف اختصاص داشت، درج گردید و در این شماره بقیه ی پیام منتشر می شود. متن کامل پیام در روزهای پس از ۲۲ بهمن از رادیو صدای مجاهد پخش گردیده است.

هموطنان عزیز

این کارنامه ی پر جرم و جنایت و سراسر ننگ و فضیحت خمینی در ۸ سال گذشته بود. می توان آنرا بترتیب دیگری نیز خلاصه نمود: رژیم خمینی خود در سرشماری اخیر، جمعیت کنونی کشور را (بدون احتساب اتباع خارجی) ۴۵/۵ میلیون نفر آمار داده است. تقریباً نصف جمعیت ایران زیر ۱۵ سال دارند. حال اگر ارقام تقریبی مربوط به شهدای مقاومت، ایرانیان مهاجر در خارجه و شمار تقریبی قربانیان جنگ را که در بیلان فوق از نظر گذرانیم بر این ۴۵/۵ میلیون بیفزاییم به عددی بیش از ۴۸ میلیون (ایرانی) می رسیم که حدود نصف آنها را باید در زیر ۱۵ سالگی محسوب کرد.

اکنون با در نظر داشتن ۲۴ میلیون ایرانی که بیشتر از ۱۵ سال داشته اند، می خواهیم ببینیم خمینی با این ۲۴ میلیون جمعیت بالغ چه کرده و چه بلاهایی به سر آنها آورده است. با توجه به ارقام و اعداد بیلان ۸ ساله ی حکومت خمینی که فوقاً بعرض رسید و با انجام یک محاسبه ی ساده به این نتیجه می رسیم که از هر هزار نفر جمعیت بالغ ۱۵ سال به بالا، بطور تقریبی خمینی:

۳- نفر را اساساً بجرم مقاومت برای آزادی اعدام کرده،

۵- نفر را به همین جرم دستگیر و بعنوان زندانی سیاسی تحت وحشیانه ترین شکنجه ها قرار داده و می دهد،

۳۲- نفر را در جنگ ضدمیهنی به کشتن داده، ۳۲ نفر دیگر را هم در قربانگاه همین جنگ معلول و مجروح کرده،

۶۲- نفر را (فقط از جمعیت ۱۵ سال بالای) در چارچوب همین جنگ آواره و در بدر کرده (البته علاوه بر ۶۲ نفر دیگر از جمعیت زیر ۱۵ سال)، ۸۳- نفر را وادار به ترک میهن و مهاجرت بخارج از ایران نموده،

۲۵۰- نفر را هم دچار بیکاری و انواع و اقسام مفاصد اجتماعی ناشی از آن کرده است.

هموطنان عزیز

مردم دردمند ایران

راستی که بار "خمینی زدگی" و "خمینی گزیدگی" بر اذهان و بر قلوب همه بسا سنگینی می کند. گفته بودیم که او مظهر

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضدسلطنتی مردم ایران

مردم ایران در جریان انقلاب ضدسلطنتی به هدر نرفته و هر قطره‌ی خون و ذره‌ی رنج و هر قدم صدق آن انقلاب، در گنجینه‌ی ذخایر و سرمایه‌های این انقلاب محفوظ و به جریان افتاده است. باید تاکید کرد حتی یک فریاد "مرگ بر شاه" که از سر صدق سر داده شده باشد، به هدر نرفته و فی‌المثل پس از شاه اثر خودش را در بازشناسی هرچه سریعتر خمینی بارز کرده است. چه رسد به انبوه تجربه‌ها و درس‌ها و آزمایشات انقلاب ضدسلطنتی که حقا خاستگاه انقلاب کبیر و نوین ماست.

اما مهمترین ارتقاء از آن بار تا این بار، ارائه‌ی یک جانشین دمکراتیک و واقعا انقلابی و مردمی در چارچوب انقلاب نوین و مبارزه‌ی مسلحانه‌ی انقلابی است.

جانشینی که برخلاف خمینی نه یک فرد تنها، بلکه شورایی است مرکب از سازمان‌ها و گروه‌ها و شخصیت‌های گوناگون جبهه‌ی خلق.

جانشینی که برخلاف خمینی نه یک ملای ارتجاعی، بلکه میراث‌بر تمامی نهضت‌ها و مبارزات انقلابی و میهنی مردم ایران از مشروطه به اینسوست و خود در گورهی گدازان انقلاب آبدیده شده است.

جانشینی که برخلاف خمینی نه در پشت توده‌های مردم، فرصت‌طلبانه و برحسب منافع شخصی، بلکه در پیشاپیش آنها با خطرپذیری تمام، اتخاذ موضع می‌کند و طلسم می‌شکند و راه می‌گشاید.

جانشینی که برخلاف خمینی نه براساس مصلحت یومیه‌ی فردی، بلکه براساس اصول خدشه‌ناپذیر انقلابی و مردمی دست وحدت و اتحاد می‌دهد. یعنی آن شعار "همه باهم" پوشالی و صوری را کنار گذاشته و برخلاف خمینی بر آن نیست که امروز بهر قیمت با گروه‌ها و افراد بخصوصی کنار بیاید تا بعداً و سر فرصت، آنها را از سر واکند.

جانشینی که دقیقاً برخلاف خمینی از روز نخست برنامه و نظرگاهها و طرح‌های خود پیرامون مسائل مشخص را همراه با مسئول دولت موقتش به همگان اعلام نموده و با پرهیز از هرگونه کجدار و مریز و باری به هر جهت کردن، خود متقاضی این بوده است که همگان بدانند چرا او را می‌خواهند و چرا و برای چه او را نمی‌خواهند و رد می‌کنند. و همین‌هاست که آینده‌ی خلق و میهن ما را تضمین می‌کند. حال آنکه در فردای انقلاب

در بهاران مستمر رهایی و ترقی... در مثل، این یکی انقلاب در قیاس با انقلاب ضدسلطنتی به خلقتی "کبیر" در برابر تحولی "صغیر" می‌نماید...

اگر جز این است، پس یک چنین مقاومت تاریخی که رشیدترین فرزندان مجاهد و مبارز این میهن بر شانه‌های شرف خود حمل می‌کنند از چه روحیه و چشم‌اندازی نشأت می‌گیرد؟ اینهمه بوسه‌زدن‌ها به تیرک اعدام و طناب‌دار برای چیست و رزمندگان رهایی چرا اینهمه شادند و شکنجه‌ها و داغ و فراق را تحمل می‌کنند؟

نه یک، نه دو، نه سه... نه ده، نه صد، نه هزار، نه ده‌هزار، بلکه ۵۰،۰۰۰ و ۷۰،۰۰۰... اینان تک ستاره نیستند. یک آسمان و یک گهگشانند. فلک جدید و تابانی هستند که سرنوشت تازه‌ای را در مقابله با ظلمات خمینی برای خلق خود رقم می‌زنند. سلام بر شما روزی که بزایدید، روزی که سلاح برداشتید و روزی که شهادت رسیدید و جاودانه شدید.

یاس و انفعال شد. نباید جا زد و برید. نباید بفکر سازش و تسلیم افتاد. بعکس، بخش اعظم راه را پیموده‌ایم؛ مددی باید کرد تا سر مار را به سنگ مقاومت بگویم. دیو جنگ و اختناق چو بیرون رود فرشته صلح و آزادی در آید.

رمز و راز تاریخ معاصر ما نیز همین است. مأموریت تاریخی خمینی بدلیل شکست قطعی ایدئولوژیکی‌اش، بدلیل افشای داخلی و بین‌المللی‌اش و بدلیل ضربات گاری استراتژیکی که از مقاومت دریافت نمود و به یمن خون شهیدان و به یمن رنج و شکنج اسیران به نتیجه نرسید و حالا باید گور خود را گم کند. برآستی که این "محنت عظیم" آزمایش بزرگ همین نسلی بود که خمینی گم را به انهدامش بسته بود. "انقلاب نوین ایران" از همینجا ضرورت و حتمیت می‌یابد. اگر در ادامه‌ی انقلاب ضدسلطنتی مردم ایران نخواسته باشیم که "شاهی" که از

همچنانکه تمامی سُنن و روش‌های ضد مردمی شاه از کشتار و سرکوب گرفته تا شکنجه و دروغ در خمینی به منتهای غلظت خود رسیده، همه‌ی ارزش‌های مردمی و میراث انسانی و مبارزاتی انقلاب ضدسلطنتی نیز در اوج شکوفایی‌شان در انقلاب نوین ایران گره خورده است. پس هیچیک از فداکاری‌ها و جانفشانی‌های مردم ایران در جریان انقلاب ضدسلطنتی به هدر نرفته و هر قطره‌ی خون و ذره‌ی رنج و هر قدم صدق آن انقلاب، در گنجینه‌ی ذخایر و سرمایه‌های این انقلاب محفوظ و به جریان افتاده است. باید تاکید کرد حتی یک فریاد "مرگ بر شاه" که از سر صدق سر داده شده باشد، به هدر نرفته و فی‌المثل پس از شاه اثر خودش را در بازشناسی هرچه سریعتر خمینی بارز کرده است. چه رسد به انبوه تجربه‌ها و درس‌ها و آزمایشات انقلاب ضدسلطنتی که حقا خاستگاه انقلاب کبیر و نوین ماست.

هم میهنان
مردم ایران

همچنانکه خمینی دنباله‌ی شاه البته در ابعادی بمراتب ضد مردمی‌تر و جنایتکارانه‌تر است؛ انقلاب نوین ایران نیز ادامه‌ی تکاملی انقلاب ضدسلطنتی در ابعادی بمراتب عمیق‌تر و رشد یافته‌تر است. همچنانکه تمامی سُنن و روش‌های ضد مردمی شاه از کشتار و سرکوب گرفته تا شکنجه و دروغ در خمینی به منتهای غلظت خود رسیده، همه‌ی ارزش‌های مردمی و میراث انسانی و مبارزاتی انقلاب ضدسلطنتی نیز در اوج شکوفایی‌شان در انقلاب نوین ایران گره خورده است. پس هیچیک از فداکاری‌ها و جانفشانی‌های

در رفته از دروازه‌ی "شیخ" فاتحانه باز گردد، و با حلول در گسوت شیخ قیای مذهب بی‌پوشد و سلطنت دینی پیشه کند، می‌باید که با نفی بنیادین نظام ارتجاعی "شیخ" آن انقلاب را تا انقلابی نوین تعمیق کنیم و ارتقاء بخشیم. حاصل این دو نفی (نفی شاه و شیخ) البته رهایی پایدار است. با این تفاوت که آن انقلاب بخاطر گمبود خصیمه‌ی آگاهی و سازمان‌یافتگی بسان اقیانوسی خودجوش و پرخروش بود که بی‌سامان در "سطح" گسترده بود. با "گل" آغاز کرد اما سریعاً به "گلوله" کشید.

اما این یکی انقلاب اگرچه راهی بس پرفراز و نشیب داشت و با "گلوله" آغاز کرد ولی آنچنان "اعماق" را در نور دیده که بی‌تردید به "گل" خواهد نشست و "گل" خواهد داد. گل صلح و آزادی

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

داشته اند و از دور و نزدیک یا دست تکان می دادند و یا دست در دستان گذاشتند. اما وقتی که معلوم شد این انقلاب نوین بسا عمیق تر و پرفراز و نشیب تر از تصور اولیه است، غرولندها شروع شد و یاران بین راه یک به یک پی کار خود رفتند. در دیار فرنگ تا بخواهید مجمع اضداد بر سرور و پیمان گویندند و گویندند. چنگ انداختند و "اصول دین" پرسیدند. بسا عقده ها بر ما گشودند. و هر چه گفتیم به قدمی یا درمی یا قلمی این شورا را مدد کنند، به گوش اضداد نرفت. از آنسو استعمار و ارتجاع نیز، هم خط می دادند و هم هر فتنه و هجومی علیه این شورا و این جانشین یعنی تنها شانس آزادی و استقلال ایران رادامن می زدند.

عجبا که شاگرد جلالان دیروز و دمودنبالچه های گوناگون شاه و خمینی به فرنگ که می رسیدند "دمگرات" های دست اول از آب درمی آمدند و گاه حتی "حقوق بشر" خاص خود را از ما بستانکاری می کردند!

لیبرال - مرتجعان و لیبرال نمایان داخل رژیم که جناح مغلوب آنرا تشکیل می دادند، وقت و انرژی به هدر ندادند. ما همچنین با دریافت سمت و سوی آتی تحولات، که جز سلطه مطلق العنان ارتجاع سفاک خمینی نبود، خود را بطور نسبی با سازمان دادن ملیشایی مردمی آماده می کردیم. و در عین حال برای شقه کردن رژیم ارتجاعی به طرق مختلف به جداسازی رئیس جمهور رژیم همت گماشتیم. از آنسو خمینی نیز که حریفش را خوب شناخته بود در فردای سخنرانی امجدیه چنین اظهار کرد که دشمن او نه آمریکا و نه شوروی و نه اقلیت های ملی و نه چپ نمایان آن موقع، بلکه دقیقاً همین مجاهدین هستند که در تهران نشسته اند... چنین بود که آنروز نیز نخستین شرط تقرب احزاب و سازمان ها و جریانات و افراد مختلف به خمینی، لنگ و لگد زدن به مجاهدین بود. در آن ایام بهشتی بود که تحت نظر خمینی این سیاست را مجدانه اجرا می کرد و به پیش می برد. والا تجارب مربوط

ضد سلطنتی همه چیز نامعین و بی تضمین بود. در میدان سیاست ساز و دهل های بسیار می زدند اما هیچکس چنانکه باید محک نخورده بود...

اما امروز "محک خمینی" همه ی ماهیت ها را بارز و تکلیف همه ی افراد و گروه های سیاسی را به قدر کافی روشن نموده و دوران نازمودگی و کودکی انقلاب را به پایان برده است. آری، در مثل می توان گفت طفل "صغیر" انقلاب، اکنون بالغ و "کبیر" گردیده است. و برای همین، البته می باید از میان دریای آتش و خون عبور می نمود. راهی اجتناب ناپذیر، با قیمتی بس سنگین اما نتیجه و ثمره های بسیار ارزشمند و امیدبخش. در غیر این صورت، همچنان در دنیای طفولیت و ناآگاهی درجا می زدیم...

پس با فهم جوهر و مضمون تکامل یابنده ی تجربه ی ۸ ساله، بوضوح می توان دید که طی این مدت، خلق و تاریخ ما راهی به درازای هفتاد یا هشتاد سال پیموده است. والا اگر کسی نبود که به بهای انبوه شهدای ۵ مهر (۱۳۶۰) صدای "مرگ بر خمینی" که ۲/۵ سال قبل از آن میلیون ها تن به استقبالش شتافته بودند سر دهد، خمینی هنوز راهبر و "امام" تلقی می شد و با نعره ی "جنگ، جنگ" اسب "ضدامپریالیستی" می تازید و خیلی ها را هم هنوز در التزام رکاب داشت و مردم ما به رأی العین ندیده بودند که هر فرد و هر گروه چند مرده حلاج است...

بدیهی است که طی سالیان گذشته تاریخچه ی انقلاب نوین ایران با سرگذشت شورای ملی مقاومت ایران و بالاخص سازمان مجاهدین خلق ایران و مقاومت مسلحانه ی سراسری گره خورده و بطور تنگاتنگ عجین بوده است.

بیاد دارید که از همان اوائل حکومت خمینی شعار مرگ بر مجاهدین نقل همه ی محافل و مجالس و اجتماعات و گردهمایی های ارتجاعی او بود. آخر مجاهدین همچون متحدین کنونی شان در شورای ملی مقاومت، برخلاف بسیاری از گروهها و جریانات سیاسی آنروز، از آغاز بر لب کلام و بر دشمن اصلی که همانا "ارتجاع" خمینی بود انگشت گذاشته بودند و بی جهت علیه لیبرال - مرتجعان و لیبرال نمایان داخل رژیم که جناح مغلوب آنرا تشکیل می دادند، وقت و انرژی به هدر ندادند.

همچنین ملی گرایان مشکوک پوشالی و گروه های چپ نما و باند های تبهکار چپ نما که از هیچ تاخت و تاز و از هیچ ردیلتی، حتی تا تبدیل شدن به آلت فعل های امپریالیستی و سرویس های مربوطه، بر ضد ما فرو گذار نکردند. خلاصه اینکه، این مقدار حمله و هجوم چه بلحاظ کمی و چه از نظر شدت و حدت آن، به مقاومتی تا این حد سرشار از خون و فدا، فکر می کنم در هیچیک از جنبش های دنیای معاصر و در هیچیک از انقلابات، نظیر نداشته است.

این مورد را هم به اشاره بگویم و در بگذرم که آنها که در گردستان تا جایی که می توانستند از زورگویی و اجحاف پرهیز نمی کردند و حتی اسیران یگدیگر را هم گردن می زدند به پاریس که می رسیدند یگباره

به انتخابات ریاست جمهوری و مجلس و همچنین تیراژ نشریات و میزان اجتماعاتمان همگی گواه آن بود که در یک محیط دمکراتیک سیاسی ما می توانستیم با مسالمت، حزب خمینی و بالمآل خود او را کنار بزنیم.

سپس از فردای ۳۰ خرداد که دشمن تعرض وحشیانه و همه جانبه ی خود را آغاز کرده بود ما به او امان ندادیم و ضربات نظامی خود را پایایی بر فرق منحوشش وارد کردیم و در عین حال به تشکیل و ارائه ی جانشین انقلابی - دمکراتیک (شورای ملی مقاومت) و تدوین برنامه ی آن مبادرت ورزیدیم و از اینجا بود که دوران رشد و تصفیه و تثبیت نهایی این جانشین مردمی آغاز شد.

در ابتدا که بوی دستیابی سریع به قدرت به مشام می رسید بسیاری هوایمان را

هموطنان عزیز!

بدیهی است که طی سالیان گذشته تاریخچه ی انقلاب نوین ایران با سرگذشت شورای ملی مقاومت ایران و مقاومت مسلحانه ی سراسری گره خورده و بطور تنگاتنگ عجین بوده است.

بیاد دارید که از همان اوائل حکومت خمینی شعار مرگ بر مجاهدین نقل همه ی محافل و مجالس و اجتماعات و گردهمایی های ارتجاعی او بود. آخر مجاهدین همچون متحدین کنونی شان در شورای ملی مقاومت، برخلاف بسیاری از گروهها و جریانات سیاسی آنروز، از آغاز بر لب کلام و بر دشمن اصلی که همانا "ارتجاع" خمینی بود انگشت گذاشته بودند و بی جهت علیه

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

گذر دنیای دون را ببینید ، که حال دژخیمان خونخوار ، با منتهای دریدگی، ما را به داشتن دست‌های آغشته بخون متهم می‌کنند...

بطور همزمان مزدوران فاشیست محلی نیز بموازات تبهکاران چپ‌نمای وطنی در حوالی اقامتگاه ما شدیداً به سنگ‌اندازی و اعتراض و ترتیب دادن نمایشات تحریک‌آمیز بر علیه ما پرداختند.

و شگفتا که در آن بحبوحه که ما (شورا و مجاهدین) اینگونه زیر ضرب و تحت فشار بودیم، جز یاران همیشگی شورا هیچکس از مدافعان حقوق بشر! هیچکس از چپ‌نمایان و میانه‌بازان، هیچکس از سینه‌چاکان دموکراسی! و هیچکس از آنها که در گذشته حق و حقوق باصطلاح دموکراتیک تتمه دژخیمان شاه را (در هجوم‌شان به مرکز دانشجویی پاریس) از ما طلب می‌کردند؛ خم به ابرو نیاورده و کلمه‌ای بر زبان نراندند...

حتی عده‌ای از چپ‌نمایان حسب‌المعول بسا عقب‌مانده‌تر از اینکه بتوانند بفهمند چه توطئه‌ای در جریان است به مجاهدین نیش می‌زدند که چرا عکس برخی از تبهکاران - یعنی عاملان سناریوی ارتجاعی و امپریالیستی علیه مقاومت مسلحانه انقلابی - را منتشر کرده‌اند. روحیه خیلی "دمکراتیک" و ضمناً خیلی رمانتیک! را می‌بینید؟ لابد باید می‌گذاشتیم که سر مقاومتی با این دریای خون و شکنجه را ببرند و دم هم برنی‌آوریم.

تیغ دموکراسی گدایی و حقوق بشر آنچنانی نیز بگلی غلاف شده بود.

بگذریم که اگر مجاهدین هوشیار و آماده‌ی کار نبودند، آتش روغن‌داری پخته بودند که می‌توانست برخی انفجارات و ترورها را هم بدنبال داشته باشد. اما خوشبختانه ما توانستیم با متانت و صبر و تحملی فوق‌العاده، اوضاع را تحت کنترل گرفته و حلقات توطئه‌ی از پیش برنامه‌ریزی شده را یک به یک خنثی کنیم و بسوزانیم. در برابر رذالت بی حد و حصر تبهکاران ضدانقلابی و چپ‌نما، نیروها و هواداران پاکباز مجاهدین در سراسر اروپا گاه آنچنان به هیجان می‌آمدند که هر عکس‌العملی امکان‌پذیر بود. اما من اجازه ندادم که هیچگونه واکنشی صورت گیرد.

تا اینکه سرانجام یگروز یکی از مسئولان بلندپایه‌ی فرانسوی با اشاره به خطمشی

ضمناً قبل از این تاریخ، ما ضمن یکسال سه‌بار بمناسبت‌های گوناگون - برخلاف عرف سیاسی یک ابرقدرت که خیلی کم پیش می‌آید که رسماً و علناً علیه یک جنبش مقاومت با ذکر نام و نشان موضع بگیرد - بنحو شگفت‌انگیزی رسماً و علناً از سوی آمریکا مورد حمله قرار گرفته بودیم. نگو که در سطح بین‌المللی نیز حسب‌المعول حمله به مجاهدین و شورای ملی مقاومت ایران - بمنابۀ جانشین محتوم این رژیم - نخستین شرط نزدیک شدن به خمینی است.

اما هدف قرار دادن و تخطئه‌ی مقرر مرکزی ما در فرانسه بخاطر شهرت و اعتبار جهانی مقاومت ایران بسادگی امکان‌پذیر نبود و می‌باید برای آن زمینه‌سازی‌های لازم صورت بگیرد. لذا متعاقباً بمبئی منفجر شد، مثنی تبهکار چپ‌نما را هم برای دریافت حقوق "دمکراتیک" شان و برای ممانعت از "تراژدی" دیگری در ایران، به صحنه فرستادند تا چه در محل و چه در مراجعی نظیر عفو بین‌الملل این عکلم را بلند کنند که در ایران

وقتی هیچکس از تیرهای زهرآگین که حتی ترکش آن بطور معمول برای از پای درآوردن یک سازمان یا شقه کردن یک جنبش کافی بود، کارآیی نداشت و کاملاً به اثبات رسیده که مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران و تنها جانشین مردمی و انقلابی بسا ریشه‌دارتر و استوارتر از این چیزهاست و در مقابله با رگبار توطئه‌ها و اتهامات، کیفاً قدرتمندتر بیرون می‌آید و هر بار تصفیه‌شده‌تر سر بلند می‌کند؛ به این نتیجه رسیدند که باید مقرر مرکزی این شورا و این سازمان را هدف قرار داد.

ضمناً قبل از این تاریخ، ما ضمن یکسال سه‌بار بمناسبت‌های گوناگون - برخلاف عرف سیاسی یک ابرقدرت که خیلی کم پیش می‌آید که رسماً و علناً علیه یک جنبش مقاومت با ذکر نام و نشان موضع بگیرد - بنحو شگفت‌انگیزی رسماً و علناً از سوی آمریکا مورد حمله قرار گرفته بودیم. نگو که در سطح بین‌المللی نیز حسب‌المعول حمله به مجاهدین و شورای ملی مقاومت ایران - بمنابۀ جانشین محتوم این رژیم - نخستین شرط نزدیک شدن به خمینی است.

همین خمینی بهتر از شورا و بهتر از مجاهدین است. و مجاهدین هستند که به "تاکتیک ترور" و "قتل رجال جمهوری اسلامی" روی آورده‌اند. لوموند هم که گوئیا خیلی برای "استقلال" ایران دل می‌سوزاند! علیه مجاهدین حرف‌ها نوشت و اینکه همین مجاهدینی که رژیم خمینی را بخاطر نقض حقوق بشر در سراسر جهان افشاء و محکوم کرده‌اند، ۷۵۰ تن از اعضای خود را در عراق، در زندانی که در نوار مرزی متعلق بخود آنهاست، زندانی کرده‌اند... سپس رسماً و علناً سروکله‌ی یکی از کارگزاران خمینی پیدا شد که بی‌اینه‌های باند تبهکار چپ‌نما را پیرامون تاکتیک "ترور" و "قتل رجال جمهوری اسلامی" تکمیل نمود و از دولت فرانسه تقاضای "استرداد گسانی" را که دستان آغشته بخون دارند" می‌نمود.

مفتون "دموکراسی" که بزعم ایشان شورای ملی مقاومت فاقد آن بود، می‌گشتند و ایضاً کشف می‌کردند که "مجاهدین بویی از دموکراسی نبرده‌اند!! یا عجباً.

آخر در چارچوب این جانشین استوار انقلابی و مردمی هیچ دموکراسی! برای پذیرش وابستگی به امپریالیسم و برای استحاله‌گری در گادر رژیم خمینی و همچنین برای مذاکره‌جویی با این رژیم وجود نداشت... بعدها همچنانکه از پیش حدس می‌زدیم به یقین برایمان اثبات شد که تمامی "گد"ها و برجسب‌های "تروریستی"، "توتالیтарыستی"، "پل پتی" و "ستون پنجمی" عراق و "بدر" از خمینی" و تاخت و تازهای "فرویدیستی" به هنگام انقلاب درونی مجاهدین، که تماماً فصل‌مشرک‌های اضداد ما (شورا) را تشکیل می‌داد - ولو اینکه افراد یا جریاناتی ناآگاهانه و تحت‌تاثیر جو تبلیغاتی به اینگونه "گد"ها متمک جسته باشند -

مشخصاً دارای آب‌سخور استعماری و ارتجاعی است که به تأکید خواستار ادامه‌ی جنگ ایران و عراق نیز بوده تا بنیه‌ی هر دو کشور را آنچنان که خمینی می‌خواهد "تا آخرین نفر و تا آخرین خانه" منهدم سازد. آنگاه وقتی هیچکس از تیرهای زهرآگین که حتی ترکش آن بطور معمول برای از پای درآوردن یک سازمان یا شقه کردن یک جنبش کافی بود، کارآیی نداشت و کاملاً به اثبات رسیده که مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران و تنها جانشین مردمی و انقلابی بسا ریشه‌دارتر و استوارتر از این چیزهاست و در مقابله با رگبار توطئه‌ها و اتهامات، کیفاً قدرتمندتر بیرون می‌آید و هر بار تصفیه‌شده‌تر سر بلند می‌کند؛ به این نتیجه رسیدند که باید مقرر مرکزی این شورا و این سازمان را هدف قرار داد.

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

اتحادیه‌های کارگری و شوراهای صنفی، اتحادیه‌ها و انجمن‌های دانشگاهی و مذهبی و شخصیت‌های سیاسی، پارلمانی، علمی، مذهبی و هنری در سراسر جهان دریافت کرده است که همگی بر مشروعیت و حقانیت مقاومت عادلانه مردم ایران و شورای ملی مقاومت ایران و طرح صلح این شورا گواهی داده و بر محکومیت جنگ و اختناق و دیگر جنایات خمینی تأکید کرده‌اند.

در زمره‌ی این حمایت‌ها و اسناد مربوطه، اسامی ۷۱۹ حزب سیاسی، ۱۹۵۶ اتحادیه‌ی کارگری، ۱۰۲۶ اتحادیه و انجمن دانشگاهی و ۸۸۱۶ شخصیت سیاسی و پارلمانی و علمی و مذهبی دیده می‌شود. علاوه بر این، در زمره‌ی حمایت‌کنندگان طرح صلح شورا نیز اسامی ۷۲ مقام دولتی در سطح وزیر، ۲۶ رئیس یا نایب رئیس پارلمان، ۳۶۳۶ سناتور و نماینده‌ی پارلمان و صدها حزب سیاسی از ۲۳ کشور اروپایی، ۱۷ کشور آمریکایی و ۱۷ کشور آسیایی و آفریقایی دیگر بچشم می‌خورد.

نماید، اثری نگردد. از اینرو یکبار دیگر باید تأکید کنم که در این سال‌ها، تجربه‌ی شورا - که با نفی شاه و خمینی و با تأکید بر اصول استقلال و صلح و آزادی، پیوسته دست همبستگی و وحدت بجانب عموم افراد و نیروهای خواستار آزادی و استقلال ایران دراز کرده و هیچگاه و در هیچ موردی آغازگر فصل و جدایی و تشدید تضادهای بین گروهی نبوده و نخواهد بود - همانا بزرگترین و گرانقدرترین تجربه‌ی سیاسی معاصر در جبهه‌ی خلق ماست. این تجربه در یک کلام، تجربه‌ی آزادی و استقلال ایران است که البته با خون جگر و تحمل بسا مرارت‌ها، به پشتوانه‌ی تمامی شهدا و اسیرانمان به اینجا رسیده است. در همین راستا برآستی باید زحمات گلیمه‌ی اعضای شورا و پشتیبانان آن در داخل و خارج کشور و بالاخص صبر و ایستادگی را که سازمان‌ها و شخصیت‌های عضو شورا طی این سال‌ها بخرج دادند، مصیانه ستود.

خوشبختانه اکنون فتنه‌ی عظیم این سال‌ها

مسلحانه‌ی ما علیه رژیم خمینی آشکارا در رسانه‌ها نیز اعلام گرد: "وقتی در فرانسه هستیم... نباید هیچ کاری که برخلاف منافع فرانسه باشد انجام دهیم" و منهم پاسخ دادم که "در فرانسه ماندن تا وقتی مفید بود که بسود منافع ملی و مردمی ایران باشد". از این پس ماندن در فرانسه ارزانی مدعیان و آن تشنه‌گامان قدرت که کاری به کار منافع ایران و ایرانی ندارند باد! نخست‌وزیر خمینی بالاخص بخاطر "فرمان تسلیح" نیز شکایت کرده بود. منهم پاسخ دادم که حتی از خاکسترم نیز خروش مرگ بر خمینی - زنده باد مبارزه‌ی مسلحانه‌ی انقلابی برخوردار خواهد خاست. زیرا تنها با چنگ زدن به ریسمان این مبارزه‌ی مردمی و تاریخی می‌توان از فاجعه‌ی خمینی که نه در پاریس و نه در تهران علیه رژیم شاه "فرمان جهاد" نمی‌داد، مانعت نمود.

از آنچه تا رسیدن بخاک عراق واقع شد بیش و کم مطلعید. از درخواست مشترک رژیم و باند تبهکار چپ‌نما برای دستگیری و محاکمه در فرانسه تا نقشه‌ی بازداشت در سوئیس. آخر ما (شورا) بدنال منافع میهنی و مردمی ایران بودیم و خمینی هم (بدلائل متعددی که در فرصت مناسب بعرض خواهیم رساند) به هیچوجه خواستار استقرار مسئول این مقاومت در جوار مرزهای ایران نبود. اما بالاخره اینبار هم عدو ناخواسته سبب خیر گردید...

*

بهرحال ضمن ۵ سال گذشته چه شورای ملی مقاومت بطور اعم و چه سازمان مجاهدین خلق ایران بطور اخص، در صحنه‌ی سیاسی هیچ گناهی جز ایستادگی و پافشاری بر سر سرنگونی رژیم خمینی، استقلال و آزادی و صلح و احراز حاکمیت مردمی نداشته‌اند. اما همین وظیفه‌ی تاریخی یعنی نگاهبانی از همین ارزش‌های والای عقیدتی و مردمی و میهنی در راستای مانعت از سلطه‌ی مجدد ارتجاع و استعمار، خشمی دیوانه‌وار و سیلی از اکاذیب را از سوی جمیع اضداد باعث گردیده بود که البته جز آنکه نهایتاً بر توان کیفی و آسیب‌ناپذیری ما بیفزاید و بیش از پیش مشروعیت و حقانیت جانشینی شورای ملی مقاومت ایران را باثبات برساند و مسیر آینده‌ی خلق و انقلاب را نیز از هم اکنون در برابر این اضداد روشن و مصون

ضمن ۵ سال گذشته چه شورای ملی مقاومت بطور اعم و چه سازمان مجاهدین خلق ایران بطور اخص، در صحنه‌ی سیاسی هیچ گناهی جز ایستادگی و پافشاری بر سر سرنگونی رژیم خمینی، استقلال و آزادی و صلح و احراز حاکمیت مردمی نداشته‌اند.

اما همین وظیفه‌ی تاریخی یعنی نگاهبانی از همین ارزش‌های والای عقیدتی و مردمی و میهنی در راستای مانعت از سلطه‌ی مجدد ارتجاع و استعمار، خشمی دیوانه‌وار و سیلی از اکاذیب را از سوی جمیع اضداد باعث گردیده بود که البته جز آنکه نهایتاً بر توان کیفی و آسیب‌ناپذیری ما بیفزاید و بیش از پیش مشروعیت و حقانیت جانشینی شورای ملی مقاومت ایران را باثبات برساند و مسیر آینده‌ی خلق و انقلاب را نیز از هم اکنون در برابر این اضداد روشن و مصون نماید، اثری نگردد.

همه‌ی اینها زمینه‌ساز محکومیت رژیم خمینی در مجمع عمومی ملل متحد که عالیترین مرجع بین‌المللی است، در سال گذشته و امسال گردید. همچنانکه پارلمان اروپا نیز امسال طی یک قطعنامه‌ی رسمی از شورای ملی مقاومت ایران و طرح صلح شورا رسماً حمایت نمود.

شورای ملی مقاومت تا سقوط خمینی به فعالیت‌های گسترده‌ی بین‌المللی خود همچنان ادامه خواهد داد و پیوسته بر دامنه و کیفیت آن خواهد افزود.

برای اینکه ارزش سیاسی این حمایت‌ها و زحماتی که شورا و مجاهدین و اتحادیه‌ی دانشجویان مسلمان برای بدست آوردن آن در سراسر جهان گشیده‌اند تا حدودی روشن شود، فقط خاطرنشان می‌کنم که بهای این

کمرشکن شده و راه آینده یعنی راه "احیاء کلمات" بویژه کلمات انقلاب و آزادی بسی درخشان و هموار است.

همچنین جای خوشوقتی است که ضمن ۵ سال گذشته مقاومت ایران توانست در سراسر جهان چهره‌ی خمینی را بعنوان "منفورترین حکمران عالم" افشاء و جنایات رژیم او را بطور جهانی محکوم و برای مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران جلب حمایت کند. این تلاش گسترده که به همت تلاش‌های مستمر اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور به انجام رسید، برآستی بی‌سابقه و فراموشی‌ناپذیر و تاریخی است. طی همین مدت شورای ملی مقاومت ایران و طرح صلح این شورا متجاوز از ۲۶۰۰۰ سند حمایت‌گتبی، منجمله از سوی مهمترین احزاب و سازمان‌های سیاسی، سندیگاه‌ها و

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

منزوی و محکوم و تضعیف نموده و مانع هر نوع کمک و هر نوع حمایت از او گردیم. از طرف دیگر چرخ سیاست های منطقه و جهان نه بر روی آسمان بلکه بر روی زمین حرکت می کند و با مسائل عینی و تضادهای مشخص واقعی سروکار دارد و حول همین ها شکل می گیرد. یعنی بر سر همین مسائل است که طیف ها و قطب بندی های معینی (چه بطور موقت چه برای میان مدت و دراز مدت) شکل می گیرد. اما اینکه این همسویی ها و طیف ها و قطب بندی ها تا کجا پایدار و ناپایدار است، بسته به ماهیت و درجهی وحدت و تضاد اجزای طیف مربوطه می باشد که در طول زمان، هم در استراتژی و هم در تاکتیک تظاهر پیدا می کند.

بعنوان یک مثال دیگر در سطح جهانی، در شرایطی که آمریکا می خواهد شوروی را از مذاکرات مربوط به صلح خاورمیانه پیرامون مسئله فلسطین و اعراب و اسرائیل کنار بگذارد، مصالح اردن در مجموع چنین اقتضا کرده است که همسو با سازمان آزادیبخش فلسطین پای شوروی را به این مذاکرات بکشاند و لذاست که از یک کنفرانس بین المللی با شرکت شوروی دفاع می کند. بنابراین در رابطه با یک چنین کنفرانس بین المللی، شوروی و اردن در یک طیف قرار می گیرند. بهمین مناسبت چندی پیش یک کارشناس شوروی اظهار داشت: "ما عقیده داریم که ملک حسین رهبری هوشیار و با درایت است... مسلماً او مواضع و منافعی دارد که ضرورتاً با نقطه نظرات ما مطابق نیست... اگر مسئله ای باشد که صفوف اعراب را تا حدی متحد کند، آن این جنگ فاجعه بار عراق و ایران است. زیرا عراق امروز موضع عادلانه ای در پیش گرفته است... ملک حسین به یقین درک می کند که توافق های جداگانه و منفرد [با اسرائیل و آمریکا] به کجا می انجامد. به بدتر شدن اوضاع و افزایش وابستگی به ایالات متحده...."

ملک حسین رهبری داناست. او یک بازی سیاسی زیرکانه ای را انجام می دهد. ما وجود عناصر مثبت در مواضع او را انکار نمی کنیم زیرا او نقطه نظر شوروی پیرامون حل مشکل خاورمیانه از طریق یک کنفرانس بین المللی

پاورقی: (۱) - روزنامه ی کویته القبس ۴/ ژانویه ۸۷

"لُغزخوانی" و "انگ" و برجسی راجع به دیپلماسی انقلابی ما فروگذار نمی گردند. بعنوان نمونه وقتی که ۲۷۵ سال پیش با هیئتی از شورا بدعوت حزب کارگر انگلستان برای دیدار و گفتگو با رهبر این حزب به آن کشور سفر کردیم، متعاقباً در میان انبوه اوراق و نشریاتی که بواسطه ای این سفر علیه ما سیاه شده بود با مندرجات مضحک یک جریان چپنمای بدوی برخورد کردم که از یک موضع باصطلاح کمونیستی تحت عنوان خیانت به طبقه ی کارگر ایران بزعیم گودگانه ی خودش خواستار محاکمه ی ما بخاطر ملاقات با رهبران سوسیال دمکراسی شده و رجزخوانی های ابلهانه کرده بود!

در سال های گذشته از این نمونه ها پس از ملاقات و مذاکره با پادشاه اردن و همچنین دریافت پیام های اعضای گنجره ی آمریکا و بویژه پیام سناتور گندی و آقای گری هارت که آن موقع از نامزدان حزب دمکرات برای ریاست جمهوری آمریکا بود، فراوان بیاد دارم. اضداد مقاومت ایران آنچنانکه گویا

امر وقتی خوب درک می شود که توجه کنیم انقلابیون نیکارگوته و انقلابیون فلسطینی و دیگر جنبش های رهاثیبخش تا چه اندازه در این باره گوشا بوده و از نارسایی تلاش ها و ضعف سازماندهی خود در این امر انتقاد می کنند. حتی یادآور می شوم که اخیراً رئیس حکومت سوریه که از متحدین خمینی جنایتکار در سطح منطقه است طی مصاحبه ای گفت: "ما در شرق و غرب جهان برای بدست آوردن یک عضو کنگره یا نویسنده ای در اروپا یا روزنامه نگاری در آمریکا جستجو می کنیم..." (۱)

*

بحث که به اینجا رسید بی مناسبت نمی بینم یک نکته سیاسی را پیرامون قطب بندی ها و وحدت و تضادها و همسویی های منطقه ای و بین المللی یادآوری کنم. اگر مطلع شده باشید، برخی گروهها و جریانات سیاسی بالاخص گروههای چپنما

شورای ملی مقاومت ایران و طرح صلح این شورا متجاوز از ۲۶۰۰۰ سند حمایت کتبی، منجمله از سوی مهمترین احزاب و سازمان های سیاسی، سندیکاها و اتحادیه های کارگری و شورا های صنفی، اتحادیه ها و انجمن های دانشگاهی و مذهبی و شخصیت های سیاسی، پارلمانی، علمی، مذهبی و هنری در سراسر جهان دریافت کرده است... در زمره ی این حمایت ها و اسناد مربوطه، اسامی ۷۱۹ حزب سیاسی، ۱۹۵۶ اتحادیه ی کارگری، ۱۰۲۶ اتحادیه و انجمن دانشگاهی و ۸۸۱۶ شخصیت سیاسی و پارلمانی و علمی و مذهبی دیده می شود. علاوه بر این، در زمره ی حمایت کنندگان طرح صلح شورا نیز اسامی ۷۲ مقام دولتی در سطح وزیر، ۲۶ رئیس یا نایب رئیس پارلمان، ۳۶۳۶ سناتور و نماینده ی پارلمان و صدها حزب سیاسی از ۲۳ کشور اروپایی، ۱۷ کشور آمریکایی و ۱۷ کشور آسیایی و آفریقایی دیگر بچشم می خورد.

بساط عوامفریبی و دجالگری خمینی هنوز بوسیله ی مقاومت انقلابی در هم نشکسته است، بدین وسیله بی هیچ شرم و حیایی از همزبانی آشکار با ارتجاع ضدبشری و خیمه شب بازی های "ضدامپریالیستی" اش سعی داشتند که بلکه با "گاف" گرفتن از ما، در منتهای بی نوایی و طفولیت سیاسی، به نوایی برسند.

البته امروز تمامی این تبلیغات و اقدامات سفاقت بار نقش بر آب شده و هیچ طفلی را هم نمی تواند بفریبد و سرگرم کند. اما آنچه بدور از جنجال و هوجوی گری سیاسی در میدان سیاست شایان توجه است اینکه:

ما بغایت تلاش کرده و می کنیم که دشمن خلق و میهن خود را چه در سطح منطقه و چه در سطح جهانی در هر مجمع و کنگره و کنفرانسی که بتوانیم، هر چه بیشتر

پیوسته در سال های گذشته مترصد این بوده اند که از حمایت هایی که از مقاومت ایران بعمل می آید و یا از ملاقات های سیاسی مسئول شورا و دولت موقت "بل" بگیرند. بگذریم که ما پیوسته در صحنه ی عمل مشاهده می کردیم که این قبیل افراد و گروهها که پیوسته در چنین مواردی نکته به نکته با دشمن ضدبشری علیه مقاومت انقلابی همدلی و همزبانی می کردند، خود آبی نمی یابند والا شناگران بسیار ماهری هم هستند! یعنی اگر بتوانند و برای پیشبرد مقاصدشان لازم ببینند - همچنانکه تجربه شد - از همدستی با هیچ جریان نژادپرستانه و حزب دست راستی و سرویس امنیتی و جاسوسی نیز علیه مقاومت انقلابی رویگردان نبوده و نیستند.

در عین حال این قبیل جریانات از هیچ

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

اگر بیاد داشته باشید قبل از ۳۰/۳ خرداد سال ۶۰ نیز هر گاه مجاهدین به اعتراض و حرکت سیاسی و اجتماعی مهمی دست می‌زدند و هرگاه که قافیه بر خمینی تنگ می‌آمد، خمینی با دجالیت تمام به صحنه می‌آمد و از فرط استیصال مارا "ستون پنجم" می‌خواند. در همین روزهای اخیر نیز هرگاه در جنگ قافیه را می‌بازد و تلفات بسیار زیاد می‌دهد، مذبحخانه تلاش می‌کند که به نحوی تقصیر را به گردن مجاهدین بیندازد و از قضا در همینجاست که در تبلیغات احمقانه‌ی خود علیه ما بند آب می‌دهد. کارگزارانش آنچه را نباید بگویند ناگزیر اذعان می‌کنند و به این وسیله رشته‌های تبلیغاتی پیشین رژیم پنبه می‌شود.

بعنوان مثال رفسنجانی در نمایش جمعه ۲۶/دیماه گذشته، بدنبال شکست در تهاجم جنگی ضد کربلای ۴ که حدود ۵۰۰۰۰ نفر تلفات داشت، تقصیر را تلویحاً بگردن مجاهدین انداخت و ضمناً درست برخلاف دعای پیشین مبنی بر تمام شدن مجاهدین

آزادی و استقلال را برسمیت بشناسند. اتخاذ هر سیاستی جز این؛ اتخاذ هر سیاست گنگ و مبهم و دو پهلو، تنها مبین اینست که یا دوران طفولیت سیاسی به پایان نرسیده و یا اینکه غرض، تنها هوچیگری و عرض اندام فرصت‌طلبانه است.

اینرا هم باید خاطرنشان کنم که پس از انتقال مقر مرکزی‌مان به خاک عراق، به همان میزان که وزن و جدیت سیاسی مقاومت ایران بخاطر نزدیکی بخاک میهنش در سطح منطقه و در سطح بین‌المللی افزایش یافته؛ قطب‌بندی‌های منطقه‌ای نیز حول مسأله‌ی ایران و مسئله‌ی جنگ و مقاومت تشدید شده است که موضوع صحبت جداگانه‌ایست.

هموطنان عزیز؛

دشمن خون‌آشام و طیف متحدان عینی او علیه صلح و آزادی و مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران (اعم از ایرانی و غیر ایرانی) مذبحخانه تلاش کردند تا رابطه‌ی مقاومت ایران با عراق را دجالانه در اذهان مخدوش

را می‌پذیرد و پیوسته با اتحاد شوروی در تماس است" (*)

بعنوان مثال در سطح منطقه‌ای، می‌توان به همین جنگ ایران و عراق استناد جست. اکنون پس از افشای روابط پنهانی و کمک‌های تسلیحاتی بسیار زیاد آمریکا و اسرائیل به رژیم خمینی، بنظر می‌رسد حالا دیگر همگان به وحدت منافع استراتژیکی اسرائیل و خمینی پی برده و فهمیده باشند که خمینی و اسرائیل تا کجا با هم در اینباره اتحاد عمل عینی دارند. پس خمینی و اسرائیل در قطب‌بندی سیاسی و نظامی خاورمیانه حول مسئله‌ی جنگ ایران و عراق که سوریه نیز جزیی از آنست، در طیف واحدی قرار می‌گیرند. از دیگر اجزای این طیف می‌توان گروه امل را در لبنان نام برد که در این ایام با همدستی خمینی و سوریه به محاصره‌ی اردوگاه‌های فلسطینی و گشتار آنها اشتغال دارد. همچنین برخی گروه‌های گرد عراقی مانند گروه طالبانی؛ که اخیراً در چارچوب مزدوری خمینی دست به خون مجاهدین آلود؛ در همین طیف قرار می‌گیرند.

متقابلاً شورای ملی مقاومت ایران و عراق و سازمان آزادیبخش فلسطین نیز در مقابل جنگ‌طلبی خمینی و برای صلح اکنون در یکسو قرار گرفته‌اند.

ما (مقاومت ایران) همچنین خواستار آنیم که قدرت‌ها و دولت‌های هر چه بیشتری جنگ‌افروزی خمینی را محکوم نموده و از صلح عادلانه حمایت کنند. خواه این حمایت بدلیل اعتقادات و اصول آنها باشد یا حتی بدلیل مصالح سیاسی‌شان. چرا که ما بمثابة جانشین انقلابی - دمکراتیک رژیم ضد مردمی خمینی و بمثابة دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی ایران عمل می‌کنیم و قبل از هر چیز مسئول مسائل خودمان و دفاع از حقوق و منافع مردم و میهن خودمان هستیم و صلح و آزادی می‌خواهیم. بهمین دلیل نیز در سراسر جهان و در نزد تمامی دولت‌ها و پارلمان‌ها و احزاب، خواستار بایکوت نفتی و تسلیحاتی خمینی و قطع هرگونه حمایت از رژیم او و محکوم کردن جنایات و جنگ‌افروزی‌هایش شده‌ایم. ما همچنین از همگان خواسته و می‌خواهیم که حق مشروع مقاومت مردم ایران علیه این رژیم ضد بشری و حق خلق ما برای زندگی در صلح و

ما بمثابة جانشین انقلابی - دمکراتیک رژیم ضد مردمی خمینی و بمثابة دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی ایران عمل می‌کنیم و قبل از هر چیز مسئول مسائل خودمان و دفاع از حقوق و منافع مردم و میهن خودمان هستیم و صلح و آزادی می‌خواهیم. بهمین دلیل نیز در سراسر جهان و در نزد تمامی دولت‌ها و پارلمان‌ها و احزاب، خواستار بایکوت نفتی و تسلیحاتی خمینی و قطع هرگونه حمایت از رژیم او و محکوم کردن جنایات و جنگ‌افروزی‌هایش شده‌ایم. ما همچنین از همگان خواسته و می‌خواهیم که حق مشروع مقاومت مردم ایران علیه این رژیم ضد بشری و حق خلق ما برای زندگی در صلح و آزادی و استقلال را برسمیت بشناسند. اتخاذ هر سیاستی جز این؛ اتخاذ هر سیاست گنگ و مبهم و دو پهلو، تنها مبین اینست که یا دوران طفولیت سیاسی به پایان نرسیده و یا اینکه غرض، تنها هوچیگری و عرض اندام فرصت‌طلبانه است.

گفت: "چشم‌های نامحرم منافقین و امثال اینها عناصر اصلی جنگ را زیر نظر دارند، مسافرت‌های اینها، رفت‌وآمدهای اینها، برنامه‌ی زندگی اینها را زیر نظر دارند، دکترها را زیر نظر دارند، بیمارستان‌ها را زیر نظر دارند..."

هفته‌ی گذشته نیز ستاد تبلیغات جنگ خمینی بدنبال شکست تهاجم جنگی ضد کربلای ۵ که حدود ۱۰۰۰۰۰ تن کشته و زخمی برای رژیم در برداشت به بهانه‌ی بمباران شهرها - که ما پیوسته آنرا قویاً محکوم کرده‌ایم - ضمن اطلاعیه‌ی بتاریخ ۶۵/۱۱/۱۲

پاورقی:

(*) - پروفیسور ویتالی ناو و مکین کارشناس شوروی در امور خاورمیانه - مصاحبه با مجله‌ی التضامن - ۱۵ و ۲۰ نوامبر ۱۹۸۶

جلوه دهند. البته بدلیل اعتلای مستمر مقاومت مسلحانه‌ی انقلابی در داخل کشور و بدلیل گسترش حمایت‌های مردمی، پرواضح است که پوزهی دشمن پلید و متحدان و مزدورانش در این زمینه نیز مدت‌هاست به خاک مالیده شده و دجالگری و عوام‌فریبی در اینباره نیز مطلقاً اثر نکرده است. اما فرصت را مغتنم شمرده و در همین زمینه نکاتی را یادآور می‌شوم. گویانکه چند روز پس از انتقال به خاک عراق، وقتی که خمینی با موج عظیم استقبال سراسری توده‌های مردم از این عزیزت مواجه گردید؛ تاب نیاورد و با ۶ فانتوم به یکی از قرارگاه‌های مرزی ما حمله‌ور شد و بدین‌وسیله بخوبی نشان داد که چون حرف‌هایش علیه ما در این زمینه هم مثل سایر زمینه‌ها اثری ندارد و پشیزی نمی‌ارزد، هیچ چاره‌ای جز اعمال قهر و بمباران ندارد.

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

انحراف آشکار به "راست" و همسو شدن عملی و عینی با راست ارتجاعی. از ذکر این نکته بسیار مهم نیز که البته فهم نظری و عملی آن برای این قبیل جریان‌ها و جماعات بسا زود است نباید فروگذار نمود که شکل و محتوای دیپلماتیک و استراتژیک مجاهدین (در چارچوب شورای ملی مقاومت) در ارتباط و در همبستگی متقابل با کم و کیف سیاسی و نظامی و اجتماعی و تشکیلاتی آنان است. به عبارت دیگر جریانات کوچکتر (بدون اینکه قصد جسارت به آنها و کوچک شمردنشان را داشته باشم) هیچ الزام و نیازی به اسلوب‌ها و اشکال و ملاحظات سیاسی و دیپلماتیک شورای ملی مقاومت ندارند و نباید داشته باشند. زیرا حد و حدود مسئولیت‌ها و تعهدات ایشان بکلی با ما متفاوت است. کما اینکه خونبهای نیز که برای اثبات دعاوی و پیشبرد خطوط خود پرداخته‌اند کیفیاً با ما تفاوت دارد.

به عبارت دیگر و البته فقط در عالم مثال (باز هم بدون اینکه کمترین قصد جسارت داشته باشم) یک نوجوان غیربالغ (چه رسد به قول لنین به یک کودک بیمار) هرگز نمی‌تواند و نباید از کادر مناسبات و روابط یک فرد بالغ و پخته و جا افتاده تقلید کند. زیرا یک چنین شبیه‌سازی نابجا طبعاً ریسک‌ها و خطرات مهمی را در پیش رو خواهد داشت. علی‌هذا اگر مجاهدین (آنهم در چارچوب شورای ملی مقاومت بمثابه یک آلترناتیو سیاسی جدی و واقعی و نیز در چارچوب یک دولت موقت) به دریای خون و پایگاه وسیع اجتماعی (با تعهدات عینی و الزام‌آور آن که بکلی با تعهدات ذهنی گروه‌های صرفاً روشنفکری متفاوت است) تکیه نداشته و به یک ساخت آبدیده و استوار تشکیلاتی (با همی نظارت‌های مستمر و دستجمعی‌اش بر حفظ اصول عقیدتی و انقلابی و نیز بر رفتار و کردار فرد فرد اعضا و بویژه مسئولان بالاتر و علی‌الخصوص بر دقایق زندگی و کردار و رفتار مسئول اول سازمان) پشتگرم نبودند، هرگز در معادلات گوناگون و پیچیده بین‌المللی وارد نمی‌شدند. معادلاتی که به هیچوجه یک فرد تنها یا یک گروه کوچک نمی‌تواند آنها را به بازی بگیرد زیرا بنحوی از انحاء در لابلای پیچ‌وخم‌ها و تضادهای مختلف آن تحلیل خواهد رفت. از قدیم هم گفته‌اند که هر کس

حمایت و تقویت دشمنان آزادی و استقلال میهن ما دست بشویند. ما در عین حال همچون گذشته سرسوزنی نیز از احقاق حقوق حقه‌ی ملت‌مان و اصول مبارزه‌ی رهاییبخش ضد استبدادی و ضد استعماری در مقطع تاریخی کنونی دست نخواهیم کشید.

از سوی دیگر، این حقیقت پایه‌ای را نیز نباید فراموش نمود که آن نیرو یا آلترناتیوی که مبنای پیشرفت‌های خود را بر مبارزه‌ی انقلابی مسلحانه استوار نموده و از استراتژی قیام مسلحانه‌ی مردمی پیروی می‌کند و آن نیرو و آلترناتیوی که در مسیر احراز حاکمیت مردمی، ناگزیر از میان توده‌های مردم ایران عبور نموده و خونبهای سنگین آنرا نیز هر شب و هر روز پرداخته و باز هم می‌پردازد؛ نه فقط بطور ماهوی در معرض زدوبندها و ساخت‌وپاخت‌های امپریالیستی نیست و نمی‌تواند باشد بلکه به دلایل متعدد سیاسی، استراتژیکی، اجتماعی و طبقاتی؛ اصیل‌ترین راه ملی و حقیقتاً دمکراتیک سرنگونی دشمن ضدبشری را

تقصیر را باز هم بگردن مجاهدین انداخت. اگرچه چند روز بعد روزنامه‌های خمینی فرانسه و شوروی را نیز در این تقصیر سهیم کردند!

بی‌تردید تبلیغات رسوای رژیم خمینی علیه مقاومت، هیچ تأثیری در میان اغلب مردم ندارد و در بسیاری موارد به ضد خود منجر می‌شود. کما اینکه گین‌توزی‌های حقیر دنبالچه‌های خارجه‌نشین و شناخته‌شده‌ی او درباره‌ی رابطه‌ی ما و عراق نیز جز رقت و انزجار بر نمی‌انگیزد.

اما فارغ از تمام لااطلاات دشمن و مزدوران و دنبالچه‌ها و متحدانش، نکته‌ای که در اینجا می‌خواهم عرض کنم پیرامون چگونگی تضمین استقلال مقاومت و تنها جانشین مردمی برای رژیم خمینی و همچنین تضمین استقلال مجاهدین، در برابر همه‌ی دولت‌ها بطور اعم و در برابر عراق بطور اخص است.

دو سال ونیم پیش در مورد دیپلماسی و

این حقیقت پایه‌ای را نیز نباید فراموش نمود که آن نیرو یا آلترناتیوی که مبنای پیشرفت‌های خود را بر مبارزه‌ی انقلابی مسلحانه استوار نموده و از استراتژی قیام مسلحانه‌ی مردمی پیروی می‌کند و آن نیرو و آلترناتیوی که در مسیر احراز حاکمیت مردمی، ناگزیر از میان توده‌های مردم ایران عبور نموده و خونبهای سنگین آنرا نیز هر شب و هر روز پرداخته و باز هم می‌پردازد؛ نه فقط بطور ماهوی در معرض زدوبندها و ساخت‌وپاخت‌های امپریالیستی نیست و نمی‌تواند باشد بلکه به دلایل متعدد سیاسی، استراتژیکی، اجتماعی و طبقاتی؛ اصیل‌ترین راه ملی و حقیقتاً دمکراتیک سرنگونی دشمن ضدبشری را برگزیده است.

برگزیده است. اگر چه جای شرح و بسط این حقیقت در اینجا نیست، اما تأکید می‌کنم که دیپلماسی انقلابی ما خود ملازم با استحکام در اصول استراتژیکی و ملازم با پیش بردن و به نتیجه رساندن همان خط مشی مردمی و انقلابی است. والا با یک چنین پایه‌ی اجتماعی و ساخت تشکیلاتی و با تکیه به استراتژی قیام مسلحانه‌ی مردمی، چنانچه دیپلماسی خود را تعطیل نموده و دعاوی باصطلاح "آلترناتیو" باصطلاح "پرولتاری" را در متدها و فرم‌های دیپلماتیک جدی بگیریم؛ معلوم می‌شود که در محتوای استراتژیکی خود تزلزل و تردید داریم و از استحکام و جدیت لازم برخوردار نیستیم و لذا دیر یا زود بایستی مشی مسلحانه‌ی انقلابی را نیز همانند جماعت مورد بحث ببوسیم و به کناری بگذاریم. و این هم یعنی اپورتونیسم و

روابط بین‌المللی شورا و مجاهدین بطور اعم (که در مبحث قبلی به نحوه‌ی برخورد برخی چپ‌نمایان با آن در گذشته اشاره شد) در یکی از پیام‌ها بعرض رساندم:

"تا آنجا که به مجاهدین خلق ایران - بعنوان یک تشکل یکتاپرست انقلابی - مربوط می‌شود؛ ما با وفاداری کامل به اصول دمکراتیک و انقلابی خود و بدون سرسوزنی مغلطه و توجیه‌کاری، خطوط استقلال طلبانه و مردمی‌مان را که با اصول متقن عقیدتی و اخلاقی عجین است به پیش می‌بریم و باز هم بغایت تلاش خواهیم نمود تا تمامی جهان و عموم دولت‌ها و احزاب و پارلمان‌ها، تمامی حقوق خلق قهرمان ایران را برای مقاومت در قبال دشمن ضدبشری و رژیم نامشروع او و برای جانشین‌سازی یک آلترناتیو مستقل و دمکراتیک برسمیت بشناسند و از هرگونه

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

کنترل مطلقه او نیست. حال آنکه اکنون اقتصاد کشور اساساً یدک جنگ شده است. در صورت "صلح" همچنین تضاد بین پائینی ها و بالایی ها، تضادهای دائماً افزایش یابندهی بالا (حکومت کنندگان) را نیز بطور تصاعدی تشدید خواهد کرد. از نظر بین المللی نیز معادلهی کنونی کنش و واکنش با رژیم خمینی قطعاً تغییر خواهد کرد و برخی فاکتورهای جدید وارد آن خواهد شد. همچنین باید توجه کرد که منهای بهشتی هیچ شانسی برای بازسازی و استحالهی رژیم وجود ندارد.

۳- اگر چه خمینی جز در شرایط استیصال به "صلح" تن در نخواهد داد. اما براساس آنچه فوقاً گفتیم یک صلح مفروض انرژی متکاتف عظیمی را - پس از افت و خیزهای مقطعی - علیه او سمت خواهد داد که در چنان شرایطی امکانات و فضا و قدرت مانور مقاومت در قدم های بعدی جهش وار و بطور تصاعدی - توده ای، فزونی خواهد گرفت و

در آبان/۶۳ نیز در گزارش مسئول شورا به مردم ایران دربارهی بنی صدر و جریان پیوستن و گسستن او و اطرافیانش به شورای ملی مقاومت دربارهی یک صلح احتمالی میان ایران و عراق نوشتیم:

"۱- شعار «صلح» یک شعار استراتژیکی است. شعار استراتژیکی خواسته ای است که اگر دشمن به برآورد کردن آن مبادرت ورزد لاقلاً بخشی از تمامیت خود را، که به نفی کل وجودش راه می برد؛ نفی کرده است. زیرا برآورد کردن شعار استراتژیک دشمن را ماهیتاً و بطور بنیادین درهم می شکند. فی المثل در حالیکه هنوز هم بسیاری بودند که در آخرین سال های رژیم شاه، رژیمش را تثبیت شده می انگاشتند؛ همین که ناگزیر اسلحهی استراتژیکی سرکوب خود یعنی شلاق و تیرباران را بر زمین گذاشت و به آزاد کردن زندانیان اقدام نمود، به نفی کل نظامش راه برد. شاه بعداً بزرگترین خطای این ایام را در "آزاد کردن تروریست ها" فرموله کرد.

بایستی لقمه را به اندازهی دهان بردارد و پا را از گلیم توان خود درازتر نکند والا در ورای صلاحیت داخلی و بین المللی خود و در ورای اعتبار واقعی و عملی اش، در برخورد با تضادهایی که قدرت مواجهه با آنها و حل کردنشان را ندارد، در عرصهی بین المللی نیز مقهور جاذبه های انحرافی می شود و در این مسیر به درجات مختلف در مدار جاذبهی قوای بزرگتر از خودش تحلیل می رود." (*)

در ارتباط خاص با عراق نیز ترجیح می دهیم قسمتی از پیام نوروز ۱۳۶۳ خود را مجدداً تکرار کنیم:

"ما که خود در بدو ورود قوای عراقی و تجاوز آنها به خاک میهنمان، با آنها می جنگیدیم، ولی در همان حال از پشت نیز مورد حمله و هدف آتش مزدوران خمینی - یعنی همان هایی که خود از آغاز با شعار صدور انقلاب و بسیاری تحریکات دیگر این جنگ را زمینه سازی کرده بودند - بودیم؛ از آن هنگام که ثابت گردید دولت عراق نیازمند خواهان صلح است، بر مبنای تمامیت ارضی و استقلال کامل هر دو کشور و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر، با او بیانیهای صلح امضاء کردیم و همچنین در طرح صلح شورای ملی مقاومت، همهی مواضع و مسائل و حقوق حقهی میهن خود را گنجانده و حتی برای مسئلهی غرامات ایران، مراجعه به دادگاه بین المللی را ضروری شمردیم." همچنین قسمتی از سخنرانی ۱۲/۱۲ دی بهشت سال ۶۳ را بار دیگر تکرار می کنیم:

"باید دید که در عین استواری بر آزادی و استقلال و تمامیت ایران، در منتهای ایستادگی بر روی مصالح ملی عملاً از چه راههایی می توان دشمن شمارهی یک، ضدملی و ضد مردمی یعنی خمینی را هر چه سریعتر سرنگون نمود. همچنین باید دید که چگونه می توان سلاح مشروع و عادلانهی "صلح" را در قلب این دشمن نشانه رفت و طلسم جنگ طلبی را که سرپوش خفقان است در هم شکست و در همین مسیر به عنوان یک آلترناتیو (و نه در کسوت یک گروهک) عراق را نیز فعال نمود و بموازات منافع ملی ایران قرار داد و در همین راستا از او و وزن منطقه ای و بین المللی اش در خدمت "صلح و آزادی" برای مردم ایران سود برد."

در شرایط حاضر مبارزهی مسلحانهی انقلابی نخستین و مهمترین و اساسی ترین تضمین استقلال این جانشین یعنی هم شورا و هم مجاهدین در کلیهی ارتباطات بین المللی و همچنین در ارتباطات کشور میزبانمان (عراق) است که بارزترین شاخص جداسازندهی مناسبات بین المللی ما با ارتباطات دستجات و گروههای دیگر است. شاخصی که مرزهای کیفی خدشه ناپذیری میان جوهر و مضمون مناسبات ما و ارتباطات سایرین ترسیم می کند. اگر کسی در این حقیقت تردید دارد می تواند بشرط برخورداری بودن از یک پایهی توده ای و تشکیلات عظیم انقلابی بطور سراسری به مبارزهی مسلحانهی انقلابی با دشمن ضد بشری همچون خمینی اقدام کند، طی ۵ سال پنجاه هزار شهید و دو مقابل آن اسیر بدهد، زنان و مردانی تربیت کند که در مسیر سرنگونی دشمن ضد خلقی و در راه رهایی مردم و میهنشان جملگی برای عمل انتحاری آماده اند و آنگاه ببیند که آیا می توان بدون حفاظ استقلال (آنهم استقلال کامل العیار) که چتر و سپر تمامیت حیات و موجودیت سیاسی اوست، یک روز را هم سپری کرد و به حل مسائل مختلف ایدئولوژیکی و سیاسی و تشکیلاتی و فردی و اجتماعی چنین جنبشی مبادرت کرد؟

کلیه لطمات و ضربات احتمالی پیشین را به اضعاف جبران خواهد نمود. زیرا موتور بزرگ جامعه با سرعتی متزاید بکار خواهد افتاد. حال با این تفصیل، آنچه باقی می ماند تاکید مضاعف بر این حقیقت محض است که در شرایط حاضر مبارزهی مسلحانهی انقلابی نخستین و مهمترین و اساسی ترین تضمین استقلال این جانشین یعنی هم شورا و هم مجاهدین در کلیهی ارتباطات بین المللی و همچنین در ارتباط با کشور میزبانمان (عراق) است که بارزترین شاخص جداسازندهی مناسبات بین المللی ما با ارتباطات دستجات و گروههای دیگر است. شاخصی که مرزهای کیفی خدشه ناپذیری میان بقیه در صفحهی ۵۶

پاورقی: (*) - نقل از مجاهد ۲۱۹ - شهریور ۱۳۶۳

عملیات انقلابی رزمندگان مجاهد خلق

تهاجم بزرگ و قهرمانانه رزمندگان مجاهد خلق به تجمع مهمترین مهره های رژیم خمینی در مشهد

* در این تهاجم مسلحانه هادی خامنه ای نماینده مجلس ضد خلقی و برادر رئیس جمهور رژیم خمینی و سرهنگ مظفری فرماندهی مزدور پایگاه هوایی مشهد بشدت زخمی شدند، آخوند صمدی و دو پاسدار مزدور بهلاکت رسیدند و ۵۰ تن از مزدوران و مهره های مهم جنگ و سرکوب مجروح شدند.

عملیات را ترک کرده و سالم به پایگاههای خویش بازگشتند. رژیم خمینی در ادامه تلاش های مذبوحانه اش شب ۲۲/ بهمن نیز عکس دو ناشناس را بعنوان رزمندگانی که عامل این تهاجم بوده اند، از تلویزیون خود نشان داد و با بلاهت خاصی از مردم برای شناسایی و دستگیری آنها کمک خواست!

گزارشات واصله از شهر مشهد گویای شادی و خرسندی مردم قهرمان و مجاهد پرور بخاطر عملیات قهرمانانه فرزندان مجاهدشان و برهم خوردن بساط پوشالی دجالگری خمینی و دارو دسته ای او در مشهد می باشد. فرماندهی سیاسی- نظامی مجاهدین خلق در استان خراسان، در گزارش خود ضمن سپاس از عواطف انقلابی و شورانگیز مردم مشهد، خاطر نشان کرده است که این عملیات ثمره ای حمایت های همه جانبه ای مادی و معنوی مردم قهرمان از فرزندان مجاهد و جان برکفشان بوده و ادامه و افزایش این حمایت ها رزمندگان مجاهد خلق را در وارد آوردن ضربات کاری تر بر پیگر پوسیده رژیم روبروال خمینی و نهایتاً درهم شکستن سیل بند اختناق و راه گشودن برای قیام سراسری خلق توانا تر می سازد.

فرماندهی سیاسی- نظامی مجاهدین خلق در خراسان همچنین خاطر نشان کرده است که اگرچه طبعی جنایتکار و شمار دیگری از مهره های سرگوبگر خمینی از این تهاجم انقلابی جان سالم بدر بردند، اما اطمینان می دهیم که این مزدوران خون آشام که دستشان به خون رشیدترین فرزندان خلق آغشته است، اگر هفت جان داشته باشند و در هفت سوراخ هم مخفی شوند، باز هم از آتش انتقام خدا و خلق، که از سلاح خروشان مجاهد شعله می کشد، خلاصی نخواهند داشت و به کیفر جنایات ضد بشری شان خواهند رسید.

*

دروغ های مفتضحانه برای غلبه بر وحشت و سراسیمگی سردمداران خمینی

ری شهری جنایتکار وزیر ساواک خمینی طی مصاحبه ای با ورق پاره ای اطلاعات ۲۶/ بهمن/ ۶۵ در منتهای زبونی به دروغ ادعا کرد که پاسداران جنایتکار، رزمندگان قهرمانی را که در جریان تهاجم بزرگ مسلحانه ای خود هادی خامنه ای و بیش از ۵۰ نفر از مهره ها و ایادی خمینی را در نمایش ۲۲/ بهمن رژیم در مشهد از پای در آورده و سالم به پایگاههای خود بازگشتند را بشهادت رسانده اند!! به وزیر ساواک در مانده ای خمینی باید گفت: باش تا رزمندگان مجاهد خلق و از جمله همان رزمندگانی که ادعای بشهادت رساندنشان را کرده ای با خروش بمبها و مسلسل هایشان پاسخ تو و امام خونخوار و دژخیم تو را بدهند.

بر اساس گزارش فرماندهی سیاسی- نظامی مجاهدین خلق در استان خراسان، رزمندگان دلاور مجاهد خلق طی یک تهاجم بزرگ و قهرمانانه، تجمع سردمداران جنایتکار رژیم در نمایش دجالگرانه ای مرتجعین در روز ۲۲/ بهمن در مشهد را مورد حمله قرار دادند. در این عملیات درخشان انقلابی هادی خامنه ای، نماینده جنایتکار مجلس ضد مردمی و برادر رئیس جمهور خمینی، سرهنگ مظفری مزدور سرسپرده ارتجاع و فرماندهی پایگاه هوایی مشهد و بیش از ۵۰ تن دیگر از مهره ها و مزدوران جنایتکار خمینی با آتش مسلسل و نارنجک رزمندگان مجاهد خلق از پای درآمدند.

بر اثر این تهاجم بزرگ مجاهدین که ساعت ۱۱ صبح روز ۲۲/ بهمن، در خیابان خسروی نزدیک فلکه ای آب مشهد، روی داد صف جنایتکاران و خائنان به خدا و خلق متشکل از بالاترین سردمداران و مهره های رژیم در مشهد منجمله طبعی جنایتکار نماینده خمینی در استان خراسان، درهم شکسته شد و یک آخوند جنایتکار بنام صمدی و ۲ تن از پاسداران خمینی بهلاکت رسیدند. علاوه بر هادی خامنه ای جنایتکار و سرهنگ مظفری مزدور، ۵۰ تن از ایادی و مزدوران دشمن که اغلب آنها از عوامل مهم رژیم در مشهد می باشند، مجروح گردیدند.

هادی خامنه ای، نماینده و رئیس کمیسیون مالی و دارایی مجلس ضد خلقی، و برادر علی خامنه ای رئیس جمهور فاسد و جنایتکار خمینی که در جریان تهاجم رزمندگان مجاهد خلق بشدت مجروح شده است، در اعمال سیاست های سرکوب و شکنجه علیه رشیدترین فرزندان مجاهد و مبارز خلق نیز دست دارد و بارها در زندان ها و شکنجه گاه های خمینی مشاهده شده است، وی همچنین رئیس و کارگردان اتحادیه های انجمن های ضد اسلامی دانش آموزان در سراسر کشور می باشد.

یکی دیگر از مهره های مجروح شده دشمن سرهنگ مظفری، مزدور سرسپرده خمینی در پایگاه هوایی مشهد است که به فرماندهی این پایگاه گمارده شده و بعلت سرکوب نظامیان میهن پرست و ترقیخواه، شدیداً مورد نفرت پرسنل پایگاه هوایی مشهد می باشد.

در گزارش فرماندهی سیاسی- نظامی مجاهدین خلق در خراسان همچنین آمده است که پس از تهاجم بزرگ مسلحانه ای مجاهدین به کارگزاران و مهره های اصلی رژیم در استان خراسان، مهره ها و مزدوران دژخیم جماران و آمران و عاملان سرکوب و جنگ افروزی و غارت در مشهد هر یک زبونانه پای به فرار گذاشتند و در نتیجه نمایش دجالگونه رژیم در مشهد از هم پاشیده و سخنرانی هایی هم که برای این مراسم در نظر گرفته شده بود بعمل نیامد.

پس از این عملیات انقلابی که بار دیگر قدرت آتش و برق اراده ای رزم آوران آهنین عزم مجاهد خلق را بنمایش گذاشت، دشمن مفلوک و زخم خورده اقدام به دستگیری تعدادی از مردم عادی کرد، در حالیکه رزمندگان مجاهد خلق در پناه حمایت های مؤثر مردمی، صحنه ای

عملیات انقلابی رزمندگان مجاهد خلق

در تهاجم رزمندگان مجاهد خلق
به یک واحد گشتی پاسداران در مشهد
سه مزدور سرکوبگر بهلاکت رسیدند

بر اساس گزارش فرماندهی سیاسی- نظامی مجاهدین خلق در استان خراسان یک واحد از رزم آوران دلاور مجاهد خلق، در شب ۲۱/بهمن ماه طی یک تهاجم متهورانه و برق آسا، یک واحد گشتی پاسداران سرکوبگر خمینی را در خیابان محسن کاشانی (شاه عباس سابق) مشهد، با رگبار مسلسل های خود درهم گوبیدند. در این عملیات انقلابی سه پاسدار جنایتکار این واحد گشتی، به کیفر جنایات خود در دم بهلاکت رسیدند.

رزمندگان دلاور مجاهد خلق پس از انجام پیروزمندانه عملیات، در میان شور و شغف مردم ناظر و در پناه حمایت های مؤثر مردمی، صحنه ی عملیات را ترک کرده و سالم به پایگاه خویش بازگشتند.

بر اساس گزارشات رسیده مردم مشهد و همچنین شهرها و روستاهای اطراف، در همجا با شادمانی از تهاجم بزرگ مسلحانه ی مجاهدین به صف سردمداران رژیم در استان خراسان در روز ۲۲/بهمن و سایر تهاجمات قهرمانانه ی فرزندان مجاهد خود به ایادی و مهره های خمینی در مشهد صحبت می کنند و آنرا نشانه ی پوسیدگی رژیم و همچنین نشانه ی سقوط محتوم آن می دانند و به یکدیگر روز پیروزی و استقرار صلح و آزادی را نوید می دهند. همچنین این تهاجمات روحیه و اعتمادبنفس مردم مشهد را در برابر عوامل سرکوب و اختناق بطور چشمگیری بالا برده و متقابلاً پاسداران و عوامل سرکوب و اختناق را بشدت وحشتزده و سراسیمه کرده است تا آنجا که در بسیاری موارد در خانه های اقوام خود مخفی شده و از رفتن به خانه های خود امتناع می نمایند.

معلول شدن عده ی بسیاری از نوجوانان بیگناه میهن ما گردیده بود. ایران منش جنایتکار همچنین بمنظور اخاذی از دانش آموزان و معلمین استان کرمان و سرازیر کردن کلیه ی امکانات آموزش و پرورش این استان محروم به تنور جنگ خانمانسوز خمینی دانش آموزان و معلمین و دیگر فرهنگیان را بیرحمانه تحت فشار قرار می داد. وی با استفاده از نفوذ و قدرت خود در ارگان های سرکوب و شکنجه ی رژیم، اختناق شدیدی را در مدارس و در میان دانش آموزان و معلمین استان کرمان ایجاد کرده بود و تعداد زیادی از معلمین را به بهانه های واهی اخراج کرده و یا دستور دستگیری و بازداشتشان را صادر نموده بود. از همین رو اعدام انقلابی این مرتجع جنایتکار و ضدخلقی علاوه بر شور و شغف بسیاری که در میان مردم کرمان برانگیخته، بطور مضاعف باعث خوشحالی دانش آموزان و فرهنگیان استان کرمان گردیده است.

فرماندهی سیاسی- نظامی مجاهدین خلق در استان کرمان، در ادامه ی گزارش خود می افزاید خبر مجازات انقلابی و هلاکت آخوند جنایتکار علی ایران منش و مزدور محافظ وی چنان با زتاب گسترده ای در شهر کرمان داشت، که رژیم درمانده ی خمینی ناچار شد این خبر را در ساعت ۱۲ روز ۲۷/بهمن از رادیو کرمان پخش کند، و عکس های ایران منش و خالقی معدوم را نیز در سطح وسیعی از شهر پخش نماید، اگرچه رادیوی سراسری خمینی همچنان در اینباره سکوت کرده است.

امام جمعه موقت خمینی در کرمان
ویکی از مهره های اصلی جنگ و سرکوب در این استان
با آتش مسلسل رزمندگان مجاهد خلق بهلاکت رسید

آخوند جنایتکار علی ایران منش، از عوامل مهم سرکوب و اختناق در کرمان توسط خمینی بعنوان مدیرکل آموزش و پرورش کرمان گمارده شده بود و به اعتراف آشکار خودش تا شهریورماه گذشته ۴۲،۰۰۰ دانش آموز را با قساوت تمام به مسلخ جنگ ضدمیهنی فرستاده بود.

بر اساس گزارش فرماندهی سیاسی- نظامی مجاهدین خلق در استان کرمان طی تهاجم انقلابی رزمندگان آهنین عزم مجاهد خلق در صبح روز ۲۷/بهمن، آخوند جنایتکار علی ایران منش امام جمعه ی موقت خمینی در کرمان و یکی از مهمترین مهره های جنگ و سرکوب در این استان که توسط خمینی بعنوان مدیرکل آموزش و پرورش این استان گمارده شده بود و نوجوانان دانش آموز را با قساوت تمام هزارهزار روانه ی مسلخ جنگ خانمانسوز می کرد، بهلاکت رسید.

مجازات انقلابی این مهره ی سرکوب و اختناق که به اعتراف رسمی و علنی خودش تا شهریورماه گذشته ۴۳ هزار دانش آموز را روانه ی تنور جنگ خانمانسوز کرده بود، در تقاطع خیابان های مهدوی و آذر کرمان صورت گرفت. رزمندگان دلاور مجاهد خلق ابتدا اتومبیل آخوند ایران منش جنایتکار را متوقف کردند و با تسلط کامل بر صحنه ی عملیات بدون آنکه به افراد دیگری که در اتومبیل بودند، آسیبی برسد این دژخیم ضدخلقی را به کیفر جنایات مکرر ضد مردمی اش رساندند. نصرالله خالقی پاسدار جنایتکاری که حفاظت از این دژخیم را بعهده داشت و از فالانژهای جانی و منفور کرمان و از عوامل شناخته شده ی سرکوب و اختناق در آموزش و پرورش کرمان بود نیز طی این عملیات انقلابی در دم بهلاکت رسید.

رزم آوران مجاهد خلق پس از انجام پیروزمندانه ی این عملیات، در پناه حمایت های مردمی، صحنه را ترک کرده و سالم به پایگاه های خویش بازگشتند.

در این گزارش، فرماندهی سیاسی- نظامی مجاهدین خلق در استان کرمان، سوابق جنایتکار آخوند ایران منش پلید و خمینی صفت را بدین شرح گزارش کرده است:

ایران منش جنایتکار دارای قدرت بسیار زیادی در استان کرمان بود و از ارگان سیاست جنگ و سرکوب خمینی جلاد در این استان بشمار می رفت. وی که از بستگان نزدیک باهنر، نخست وزیر معدوم خمینی بود، در سمت امام جمعه ی موقت کرمان در جنایات ارگان های سرکوب و شکنجه ی استان کرمان کاملاً مشارکت داشت و در سرکوب، دستگیری و شکنجه و تیرباران مجاهدین و مبارزین این استان نقش مستقیم ایفا می کرد و دستش به خون رشیدترین فرزندان مجاهد و مبارز خلق آغشته بود.

او که بمنظور اعمال سرکوب و اختناق و اعزام اجباری دانش آموزان و فرهنگیان به مسلخ جنگ، بعنوان مدیرکل آموزش و پرورش کرمان گمارده شده بود، در اجرای اهداف جنگ افروزانه و غارتگرانه ی خمینی جلاد، بخصوص در آموزش و پرورش و در رابطه با دانش آموزان و معلمین بسیار فعال بود. آنچنانکه بنا به اعتراف خودش، تا ابتدای سال تحصیلی جاری ۴۳ هزار تن از دانش آموزان خردسال و نوجوان را به مسلخ جنگ ضدمیهنی خمینی فرستاده و باعث گشته و مجروح و

عملیات انقلابی رزمندگان مجاهد خلق

در تهاجم رزمندگان مجاهد خلق

به مرکز اصلی عملیات سپاه پاسداران خمینی در مشهد
۶ مزدور سرکوبگر خمینی از پای درآمدند

بر اساس گزارش فرماندهی سیاسی-نظامی مجاهدین خلق در استان خراسان در ساعت ۱۱ و ۳۰ دقیقه قبل از ظهر روز ۲۲ بهمن ماه جاری، رزم آوران دلیر مجاهد خلق مرکز اصلی عملیات سپاه پاسداران ضد خلقی در خیابان دکتر شریعتی مشهد را که بازداشتگاه مرکزی و شکنجهگاه سپاه مشهد نیز در آن قرار دارد، مورد تهاجم انقلابی خود قرار دادند. در این تهاجم دلیرانه، حداقل ۶ تن از پاسداران ضد خلقی از پای درآمدند.

رزمندگان مجاهد خلق پس از انجام پیروزمندانه این عملیات، در پناه حمایت های مؤثر مردم مجاهد پرور مشهد، صحنه ی عملیات را بسهولت ترک کرده و سالم به پایگاه های خویش بازگشتند.

رژیم در مانده و مرگ زده ی خمینی در وحشت از انعکاس این عملیات قهرمانانه در بین مردم، لاشه های پلید این مزدوران را چند روز نگاه داشت و همراه با اجساد قربانیان جنگ ضد میهنی، در تاریخ ۲۷ بهمن ماه بگور سپرد، تا به خیال خود بر ضعف و زبونی خود در برابر ضربات بی درپی رزم آوران آهنین عزم مجاهد خلق سرپوش بگذارد؛ حال آنکه گزارشات رسیده از مشهد گویای آن است که اخبار مربوط به این عملیات و همچنین تهاجمات رزمندگان مجاهد خلق، دهان بدهان در میان مردم آگاه و ستم دیده ی مشهد می گردد و گلخند پیروزی بر دشمن ضد بشری بر لبها می نشاند.

فرماندهی سیاسی-نظامی مجاهدین خلق در استان خراسان، بار دیگر مراتب سیاس و قدرشناسی خود و همه ی رزمندگان تحت فرماندهی خود را از حمایت های همه جانبه ی مادی و معنوی مردم دلیر و مجاهد پرور مشهد که همواره شامل حال فرزندان رزمنده و مجاهدشان بوده، اعلام می نماید و تاکید می کند که پیروزی در هر یک از عملیات انجام شده جز با اتکا به این حمایت ها میسر نمی گردید. حمایت هایی که رزمندگان مجاهد خلق روزمره شاهد ارتقاء و گسترش آنها بوده و آن را با تمام وجود قدر می شناسند و به جان می گویند سرود سرخ مسلسل های خود بر علیه رژیم ضد مردمی و جنگ افروز و سرکوبگر خمینی و ایادی و مراکز آن را خروشان تر سازند.

رزمندگان و فرماندهان مجاهد خلق اطمینان دارند که با رهبری راهگشا و بن بست شکن مسعود و با پشتیبانی و حمایت چنین خلق آگاه و دلیری پوزوی دشمن ضد بشری را که اکنون در نهایت ضعف و زبونی خویش است بر زمین خواهند مالید و دور نیست که خورشید صلح و آزادی بر این میهن خونبار طلوع کند.



با آتش رزمندگان دلاور مجاهد خلق

یک واحد گشتی ویژه کمیته مرکزی در تهران منهدم گردید
و فرمانده مزدوران همراه با ۳ پاسدار ضد خلقی
بهلاکت رسیدند

بر اساس گزارش فرماندهی سیاسی-نظامی مجاهدین خلق در شرق تهران روز پنجشنبه ۲۳ بهمن ماه، ساعت ۵ و ۳۰ دقیقه بعد از ظهر، رزمندگان دلاور مجاهد خلق طی یک تهاجم متهورانه و برق آسا، یک واحد گشتی ویژه ۴ نفره ی کمیته مرکزی تهران را در میدان رسالت با آتش بی امان سلاح های ستم سوز خود درهم گوییدند. در این تهاجم انقلابی هر ۴ پاسدار مزدور و از جمله فرماندهی جنایتکار این گشتی سرکوب و جنایت در دم بهلاکت رسیدند.

رزمندگان دلیر مجاهد خلق پس از انجام این تهاجم پیروزمندانه صحنه ی عملیات را ترک کرده و سالم به پایگاه خود بازگشتند. بر اساس این گزارش ۴ مزدور سرکوبگری که به سزای جنایاتشان رسیدند از پاسداران ویژه ی کمیته مرکزی بودند و اسامی آنان بشرح زیر می باشد:

۱- پاسدار جنایتکار مسعود مروارید

۲- پاسدار جنایتکار امیر درویش زاده

۳- پاسدار جنایتکار مهدی لرونده

۴- پاسدار جنایتکار کشیری نژاد

*

سوزش شدید و واکنش ذلیلانه دشمن دجال و ضد بشر

۲۵ بهمن ۶۵

جمهوری اسلامی

سرنشینان یک وسیله نقلیه در تهران بدست منافقین به شهادت رسیدند

مرگ بر منازل، این جنایت پلید را شدت محکوم کردند و خروشان بر خورده جدی با عوامل مزدور دشمن شدند.

متذکر میشود منافقین هماهنگ و همزمان با همکاران مناطق مسکونی شهرهای کشورمان در همین جاسوس برای رژیم هرات با دست زدن به اینگونه اقدامات کور مذبوحانه عهد ایچاه خلل در مقاومت استوار و انقلابی مردم کشورمان را دارند.

مبارک سرنشین یک دستگاه اتومبیل عصر پنجشنبه هدف حمله مسلحانه منافقین کورده قرار گرفته و به شهادت رسیدند.

پس از گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی منافقین که سوار بر موتور بودند پس از انجام این جنایت دهمنشانه در میدان رسالت تهران از محل جنایت متواری شدند.

بر اساس این گزارش مردم همیشه در صحنه بلافاصله در محل اجتماع کرده و با شعارهای

افشاء بسیج ضد خلقی و درهم شکستن سیاست جنگ طلبانه و ضد میهنی خمینی با بکار گرفتن همه اشکال مبارزه منفی و مثبت، یک وظیفه مبرم انقلابی در مسیر ارتقاء مقاومت و تدارک قیام عمومی است.

عملیات انقلابی رزمندگان مجاهد خلق

رئیس جنایتکار زندان مرکزی اهواز و دژ خیم معروف این شهر با آتش مسلسل رزمندگان مجاهد خلق بهلاکت رسید

* دژ خیم مجازات شده حاج جمشید قره سواری یکی از شریرترین شکنجه‌گران خمینی در اهواز بود که نقش جنایتکارانه‌ای نیز در اعزام کودکان و نوجوانان بر روی میدان‌های مین ایفا می‌کرد.

دژخیمان و شکنجه‌گران خمینی در نشریه‌ی مجاهد بچاپ رسید و از صدای مجاهد نیز اعلام گردید و این جنایتکار پس از آن دقت و مراقبت زیادی بعمل می‌آورد تا به خیال خود بدست رزمندگان مجاهد خلق گرفتار نیاید اما هیبت که دژخیمان و عوامل سرکوب و گشتار مردم ایران و مهره‌های جنگ‌افروز خمینی را هرگز یارای گریز از آتش قهر و انتقام خلق در زنجیر ما که از سلاح ستم‌سوز مجاهد شعله می‌گشود، نیست. سلاحی که پیوسته در گمین است تا آتش خشم و نفرت یک خلق سرکوب‌شده، جنگ‌زده و غارت‌شده را بر جان ناپاک عوامل سرکوب و جنگ و غارت فرو بارد.

شایان ذکر است که چندی پیش و بدنبال تهاجم انقلابی رزمندگان مجاهد خلق به یکی از مراکز اطلاعاتی سپاه جنگ و جنایت خمینی در اهواز و همچنین مجازات انقلابی آخوند جنایتکار فخرالدین طباطبایی، دژخیم دادستانی خمینی در این شهر، ساواک درمانده‌ی خمینی در اهواز اطلاعاتی صادر کرد و در کمال زبونی و حماقت از مردم خواست تا علیه فرزندان رزمنده و مجاهد خود، برای ساواک خمینی و دیگر ارگان‌های سرکوبگر رژیم جاسوسی کنند و اکنون مجازات انقلابی قره سواری دژخیم بدست پُر قدرت رزمندگان مجاهد خلق پاسخ دندان‌شکن این اهانت بیشرمانه‌ی ساواک خمینی به مردم قهرمان و مجاهدپرور اهواز می‌باشد؛ مردمی که خانه و آغوششان پیوسته مطمئن‌ترین پناه و سنگر فرزندان مجاهد و جان‌برگشتان بوده است. باشد تا رزم‌آوران مجاهد خلق نیز چه در اهواز و چه در سراسر میهن خونبارمان بتوانند با افزودن بر دامنه‌ی آتش ظلمت‌سوز خود، پاسخ امید و محبت خلق خویش را بدهند و ریش و ریشه‌ی شیطان پلید جماران را بسوزانند و راهگشای صبح‌رهای گردند.

امام جمعه موقت خمینی در کرمان

ویکی از مهره‌های اصلی جنگ و سرکوب ...

بقیه از صفحه ۱۴

مجازات انقلابی مهره‌ی قدرتمند خمینی در استان کرمان و محافظ جنایتکارش و همچنین کیفیت درخشان نظامی عملیات، باعث رعب و وحشت شدید ایادی و مهره‌های رژیم در کرمان شده است.

گارگزاران و مهره‌های اصلی رژیم خمینی در کرمان بخاطر همین روحیه‌های بشدت متزلزل نیروها و مزدوران خود، گشتی‌های سرکوبگر سپاه و کمیت و شهربانی را در سطح شهر کرمان فعال کرده‌اند، اما هیبت که این تلاش‌های مذبحانه هرگز نمی‌تواند سدی در برابر اراده‌ی پولادین و آتش خروشان سلاح مجاهد خلق باشد و آرامش و امنیتی را که ایادی و مزدوران خمینی از مردم تحت ستم ما ربوده و دریغ کرده‌اند، به آنها ارزانی دارد.

این جنایتکاران ضد مردمی اگر هفت جان داشته باشند و در هفت سوراخ نیز مخفی شوند، باز هم از آتش شعله‌ور خشم خلق که اینک از سلاح فرزندان مجاهدش شعله می‌گشود، جان بدر نخواهند برد. و سیعلم‌الذین ظلموا آتی منقلب ینقلبون

بر اساس گزارش فرماندهی سیاسی-نظامی مجاهدین خلق در استان خوزستان ساعت ۱۰ شب ۲۴ بهمن‌ماه در تهاجم دلیرانه‌ی رزمندگان مسلح مجاهد خلق، یکی از شریرترین دژخیمان و شکنجه‌گران خمینی، بنام حاج جمشید قره سواری رئیس جنایتکار زندان مرکزی اهواز بنام "گارون" و دژخیم معروف خمینی در اهواز بهلاکت رسید.

وی همچنین از عوامل مهم جنگ‌افروز خمینی بود که جنایات فراوانی در اعزام کودکان به روی میدان‌های مین مرتکب شده است. این تهاجم متهورانه و انقلابی در خیایان شریعتی (سی‌متری) اهواز انجام گرفت.

در این گزارش برخی جنایات و جرائم دژخیم مجازات‌شده‌ی اهواز، به این شرح ذکر گردیده است:

۱- جمشید قره سواری دژخیم از اوایل سال ۶۱ تا اواسط سال ۶۳، رئیس زندان مرکزی گارون بوده و در این سمت عامل درجه یک اعمال شکنجه بر روی زندانیان سیاسی مجاهد و مبارز خلق بوده است. ۲- این جنایتکار عامل مستقیم اعدام بسیاری از اسرای مقاوم مجاهد خلق در زندان اهواز بود که دوران محکومیتشان را طی می‌کردند، و قره سواری جلاد آنها را به جرم سازماندهی مقاومت در زندان به جوخه‌های تیرباران سپرد. از جمله‌ی این شهیدای قهرمان می‌توان به مجاهدین شهید، حمید رحمانیان، ایرج اسکندری و داریوش همتی اشاره کرد.

۳- این مزدور پلید و خمینی‌صفت، همچون همه‌ی دست‌پرونده‌های خمینی به فساد اخلاق معروف بود و عامل شناخته‌شده‌ی شکنجه و تجاوز به زندانیان زن در زندان گارون اهواز بود. این جنایتکار در کنار اطاق کارش در زندان چند سلول ویژه ساخته بود که شخصاً از آنها بمنظور شکنجه‌ی زنان و دختران اسیر و زندانی استفاده می‌کرد.

۴- یکی از شگردهای جنایتکارانه‌ی قره سواری دژخیم برای درهم‌شکستن روحیه‌ی زندانیان سیاسی، شکنجه‌ی زندانی در زندان عمومی و در انظار سایر اسرا بود و وی بارها به این عمل مبادرت ورزیده بود.

۵- این دژخیم جنایتکار از اواسط سال ۶۳ به بعد از کار سرکوب بیشتر به کار جنگ گمارده شد و بعنوان یکی از مهره‌های مهم جنگ جنایتکارانه و ضد میهنی خمینی در قرارگاه‌های ضد حاکم‌الانبیاء و ضد کربلا، به جنایات خود ادامه داد.

او در این سمت نیز با همان شقاوت و قساوتی که رشیدترین فرزندان مجاهد و مبارز خلق را شکنجه می‌کرد و یا در مقابل جوخه‌های تیرباران قرار می‌داد، نوجوانان و جوانان میهنمان را هزارهزار به مسلخ می‌فرستاد و دسته‌دسته در میدان‌های مین و یا در برابر آتش سنگین و بی‌امان گذاشته و به گشتن می‌داد و در این سمت نیز در خون هزاران تن از کسانی که بزور به جبهه‌های مرگ گشاده شده بودند، دست داشته و هزاران داغ بر دل مادران و پدران و همسران جوان و کودکان یتیم گذاشته بود. نام حاج جمشید قره سواری دژخیم، سال گذشته در لیست

عملیات انقلابی رزمندگان مجاهد خلق

در تهاجم رزمندگان مجاهد خلق به يك گشتی پاسداران در کرمان ۵ مزدور سرکوبگر کشته و زخمی شدند

حفظ روحیهی مزدوران وحشت‌زده‌اش از انتشار این خبر در روزنامه‌ها و دستگاه تبلیغاتی سراسری خود جلوگیری کرده و زبوانه در مورد آن سکوت کرده است.

این گزارش همچنین افزوده است که از آنجا که این تهاجم جسورانه و انقلابی در اوج آماده‌باش نیروهای سرکوبگر رژیم پوسیده‌ی خمینی یعنی در روز ۲۲/بهمن صورت گرفت، ترس و وحشت شدیدی را بر ایادی و مزدوران ضدمردمی خمینی در کرمان مستولی کرد و سردمداران سرکوب و جنایت رژیم در این شهر بمنظور مقابله با رزمندگان مجاهد خلق ستادهای هماهنگی مرکب از سپاه، کمیته و شهربانی تشکیل دادند و بر فعالیت‌ها و مراقبت‌های ارگان‌های جنایت و سرکوب در کرمان افزودند، اما رزمندگان مجاهد خلق علیرغم همه‌ی این اقدامات، ۵ روز بعد، دست به یک تهاجم متهورانه‌ی دیگر زدند که طی آن آخوند جنایتکار ایران‌منش امام‌جمعه‌ی موقت خمینی در کرمان و یکی از مهمترین مهره‌های جنگ و سرکوب خمینی در این شهر همراه با یکی از مزدوران محافظش بهلاکت رسیدند.

بر اساس گزارش فرماندهی سیاسی- نظامی مجاهدین خلق در استان کرمان، ساعت ۷ شب ۲۲/بهمن‌ماه، یک واحد از رزمندگان دلاور مجاهد خلق، طی یک تهاجم متهورانه، یک واحد ۵ نفره‌ی گشت نیسان پاترول کمیته‌ی سرکوبگر کرمان را با آتش ستم‌سوز مسلسل‌های خود درهم گوبیدند. در این تهاجم جسورانه، دو پاسدار ضد خلقی در دم بهلاکت رسیدند و ۳ پاسدار دیگر بشدت مجروح شدند.

بر اساس آخرین گزارشات، دو تن از پاسداران جنایتکاری که در این تهاجم مجروح شده‌اند، حسن مهدوی و محمد یوسفی‌مقدم نام دارند که هر دو از پاسداران عملیاتی کمیته‌ی کرمان می‌باشند.

بر اساس گزارش فرماندهی سیاسی- نظامی مجاهدین خلق در استان کرمان رزمندگان دلاور مجاهد خلق پس از انجام این عملیات پیروزمندانه، در پناه حمایت‌های مؤثر مردمی، سالم به پایگاه‌های خویش بازگشتند.

در گزارش این فرماندهی همچنین آمده است: با وجود آنکه خبر این عملیات بطور وسیعی در شهر کرمان پیچیده و شور و شوق زایدالوصفی برانگیخته است، رژیم درآمده و مفلوک خمینی برای

تهاجم بزرگ مجاهدین

به تجمع گروهی از سردمداران جنایتکار رژیم خمینی در مشهد در رسانه‌های خبری جهان وسیعاً منعکس گردید

زوددوپیچه‌سایتونگ و وست‌دوپیچه سایتونگ در آلمان، گاردین، ایندپندنت در انگلستان، ایل‌جورنال، آووه‌نیره و آوانتی در ایتالیا، اخبارالیوم مصر، الوطن، الرأی‌العالم کویت و تلویزیون‌های سراسری ایتالیا، پرتغال، سوئیس و همچنین رادیوهای فارسی‌زبان کشورهای مختلف اخبار این عملیات را منعکس ساخته‌اند.

بعنوان مثال خبرگزاری نروژ روز ۲۴/بهمن/۶۵ ضمن مخابره‌ی گزارشی زیر عنوان: مهره‌ی مهم رژیم خمینی در تهاجم مجاهدین خلق مجروح گردید، گفت: "دو تن از اعضای مهم رژیم خمینی در جریان این تهاجم بشدت مجروح شدند. معروف‌ترین آنها، هادی خامنه‌ای برادر رئیس‌جمهور رژیم و رئیس

اخبار و گزارشات تهاجم بزرگ مسلحانه‌ی مجاهدین به تجمع سردمداران جنایتکار رژیم خمینی در جریان نمایش مرتجعین ضد خلقی در روز ۲۲/بهمن در مشهد که به زخمی‌شدن هادی خامنه‌ای، نماینده‌ی جنایتکار مجلس ضدمردمی، سرهنگ مظفری فرمانده‌ی مزدور پایگاه هوایی مشهد و کشته و مجروح شدن ۵ تن دیگر از مهره‌ها و مزدوران خمینی منجر گردید، حداقل در ۷۵ خبرگزاری، رادیو، تلویزیون و روزنامه در کشورهای مختلف جهان انعکاس یافته است.

از جمله خبرگزاری‌های فرانسه، نروژ، ایتالیا، رویتر، آسوشیتدپرس، و روزنامه‌های واشنگتن‌پست و نیویورک‌تایمز در آمریکا، بوستون‌گلوب،

آماده‌باش بسیج ضدمردمی خمینی

و انتظامی" بحال آماده‌باش درآمده است. آخوند جنایتکار رحمانی افزود که ۷۰۰ ناحیه و ۵ هزار پایگاه بمنظور "مقابله با مجاهدین" ایجاد شده‌اند. وی از فرط درماندگی و سوزش در قبال ضربات مسلحانه‌ی رزمندگان مجاهد خلق به لجن‌پراکنی و دروغ‌پردازی علیه مجاهدین متشبث گردید و همچون سایر سردمداران جنایتکار رژیم، ترفند رسوا و کهنه‌شده‌ی رژیم مبنی بر نسبت دادن مسئولیت بمباران شهرها به مجاهدین را تکرار نمود.

آخوند رحمانی رئیس جنایتکار بسیج ضدمردمی خمینی روز دوشنبه ۲۲/بهمن/۶۵ در رادیو رژیم اعلام کرد که این ارگان سرکوب و جنگ و جنایت بحال آماده‌باش درآمده است. او در توجیه این واکنش زبوانه‌ی رژیم خمینی که بعد از تهاجمات متهورانه‌ی رزمندگان مجاهد خلق به سردمداران و عمال جنایتکار رژیم خمینی صورت می‌گیرد، مسئله‌ی بمباران‌ها را بهانه کرد ولی در ادامه صریحاً اعتراف نمود که بسیج ضدمستضعفین برای "کمک به نیروهای حفاظتی

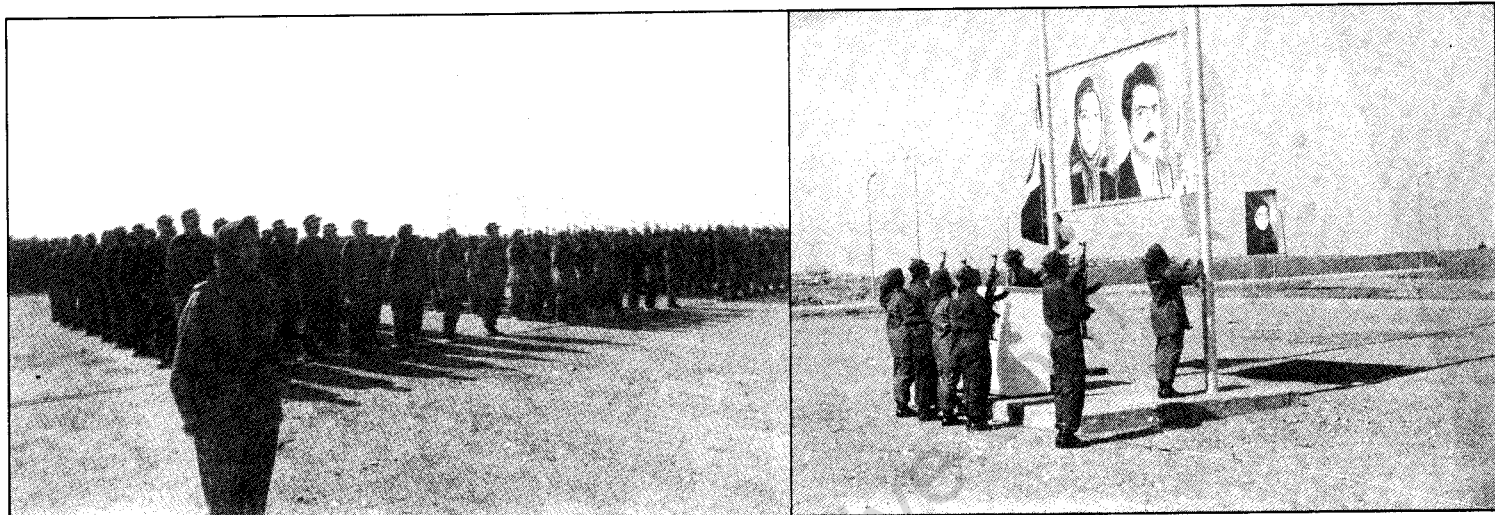
اساس گزارشی که توسط مقاومت ضد رژیم خمینی در پاریس انتشار یافت، هادی خامنه‌ای درحالیکه در یک میدان شهر مشهد، بهمراه گروهی از مقامات رژیم (قصد سخنرانی داشت، توسط نارنجک و مسلسل مجاهدین از نقاط مختلف مورد حمله قرار گرفت."

کمیسیون امور اقتصادی در مجلس می‌باشد. یک فرمانده‌ی مهم رژیم خمینی بنام سرهنگ مظفری نیز در این حمله زخمی گردید که در حال حاضر این دو نفر در بیمارستان بستری می‌باشند." روزنامه‌ی ایتالیایی ایل‌تیمپو روز ۲۵/بهمن/۶۵ نوشت: "بر

برای تحقق صلح و آزادی همهٔ سلاح‌ها را بجانب رژیم ضد بشری خمینی نشانه رویم!

گزارشی از مراسم پایانی سومین دوره آموزش رزمی هنگ آموزش شهید اشرف رجوی

۲۰۰ رزمندهی مجاهد خلق در مراسم پایانی این دوره توسط خواهر مجاهد ثریا شهری عضو هیئت اجرایی سازمان مجاهدین خلق ایران و فرماندهی مرکز آموزشی "شهید اشرف رجوی" تسلیح شدند.



پس از تسلیح و اجرای دستجمعی سرود قسم، راهی محل های مأموریت خود در نبرد علیه رژیم ضدبشری خمینی شدند. سیمای مقاومت - برنامه ی تلویزیونی مجاهدین خلق ایران - روزهای شنبه و یکشنبه، ۲۵ و ۲۶ بهمن ماه گزارش جالبی از این مراسم که طی آن گروهان های رزمی مجاهد خلق رژه رفتند و برخی حرکات جمعی نظامی را انجام دادند، پخش نمود.

رجوی، ابتدا مراسم برافراشتن پرچم سرنگ ایران و آرم سازمان مجاهدین خلق ایران انجام شد و سپس برادر مجاهد افشین، فرماندهی هنگ آموزشی گزارشی از این دوره ارائه داد و سپس خواهر مجاهد ثریا شهری، فرماندهی مرکز آموزشی در رابطه با ویژگی های این دوره سخنانی ایراد کرد و آنگاه مراسم تسلیح رزمندگان توسط وی انجام شد. رزمندگان سومین دوره ی هنگ آموزشی شهید اشرف رجوی

در این مراسم اعلام گردید که این دوره قریب به یکماه بطول انجامیده و خواهران و برادران رزمندهی مجاهد خلق، طی آن اسلحه شناسی و کاربرد انواع سلاح های سبک و نیمه سنگین نظیر کلاشینکف، ژ-۳، انواع تیربار و نارنجک های دستی و تفنگی، انواع خمپاره انداز و نیز موشک انداز آر-بی-جی ۷ را با کیفیتی عالی فراگرفتند.

در مراسم پایانی سومین دوره ی هنگ آموزشی شهید اشرف

در مراسم پایانی سومین دوره ی هنگ آموزشی شهید اشرف رجوی که در حضور تعدادی از گردان های رزمی مجاهد خلق برگزار شد، ۲۰۰ تن از خواهران و برادران رزمندهی مجاهد خلق که با موفقیت آموزش های عملی و تئوریک این دوره ی رزمی را گذرانده بودند، توسط خواهر مجاهد ثریا شهری، عضو هیئت اجرایی سازمان مجاهدین خلق ایران و فرماندهی مرکز آموزشی شهید اشرف رجوی مسلح شدند.

گزارش فرمانده هنگ آموزشی

- نقشه خوانی
- امداد جنگی و نظایر آن
اینها، از جمله آموزش های تئوریک بودند که رزمندگان در طی دوره فراگرفتند، بطور عملی هم رزمندگان با انجام رزم های متعدد شبانه و مانورهایی که داشتند موفق شدند آموزش های تئوریکشان را عمق و غنای بیشتری ببخشند و در عمل هم تجربه کنند، همچنین چه در میدان تیر و چه در مانورهای عملیاتی، رزمندگان با سلاح هایی که فوقاً به آن اشاره کردم بطور عملی کار کردند و نسبت به هر بقیه در صفحه ی ۵۱

سلاح های مختلف از قبیل انواع خمپاره اندازها، انواع تیربار و مسلسل، موشک انداز آر-بی-جی ۷، انواع نارنجک های دستی و سرتفنگی، انواع مین، انواع مسلسل های دستی، منجمله کلاشینکف و ژ-۳، انواع اسلحه های کمری، همچنین:
- آموزش تاکتیک های مختلف عملیاتی منجمله عملیات تهاجم و تسخیر پایگاه های دشمن، عملیات کمین، عملیات مین گذاری و عملیات آتشباری بر پایگاه های دشمن
برخی آموزش های جانبی شامل:
- آشنایی با قطب نما

انجامید و بیش از ۲۰۰ نفر از خواهران و برادران رزمندهی ما در این دوره شرکت داشتند و موفق شدند با کیفیتی عالی کلیه ی آموزش ها و فنون نظامی را در فضایی سرشار از انضباط پولادین، روحیه و طراوت انقلابی فراگیرند، ذیلاً به آموزش های تئوریک و عملی که رزمندگان در طی دوره ی هنگ دیده اند بطور محوری اشاره می کنم.

این آموزش ها عبارتند از:
- آموزش های رزم انفرادی
- آموزش های رزم شبانه
- اسلحه شناسی و کار با

بنام خدا
و
بنام خلق قهرمان ایران
و
بنام مسعود و مریم
خواهران و برادران رزمندهی مجاهد خلق،
با تبریک بمناسبت پایان موفقیت آمیز سومین دوره ی هنگ آموزشی قرارگاه رزمی مجاهد شهید اشرف رجوی، گزارش پایان سومین دوره ی هنگ را به شرح زیر به اطلاعات می رسانم.
سومین دوره ی فشرده ی آموزشی هنگ، قریب یک ماه بطول

گزارشی از مراسم پایانی سومین دوره آموزش رزمی هنگ آموزشی شهید اشرف رجوی

سخنان خواهر مجاهد ثریا شهری

فرمانده مرکز آموزشی شهید اشرف رجوی

بنام خدا

و

بنام خلق قهرمان ایران

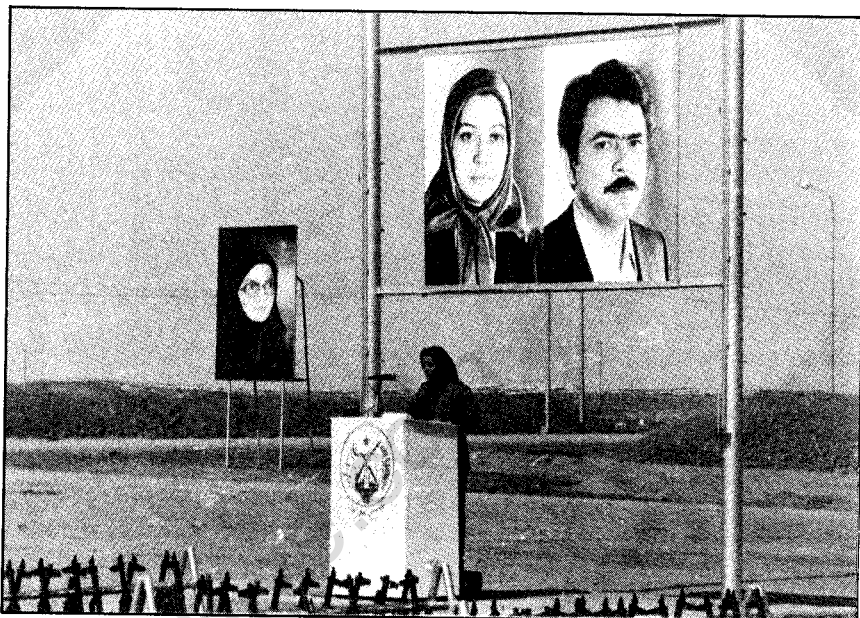
و

بنام مسعود و مریم

با گرامیداشت خاطره‌ی تابناک عاشورای ۱۹ / بهمن و با یاد اشرف زنان انقلابی شهید اشرف رجوی و سردار شهید خلق موسی خیابانی، که امروز پس از گذشت ۵ سال و با از سر گذاردن انقلابی ایدئولوژیک تحت رهبری مسعود و مریم خونشان جوشش و حیات دیگری یافته است.

امروز در مراسم تسلیح سومین دوره‌ی هنگ آموزشی قرارگاه رزمی اشرف، شاهد اتمام دوره‌ی ۲۰۰ نفر از رزمندگان مجاهد خلق هستیم. همانطور که در گزارش پایان دوره‌ی هنگ قرائت شد، این رزمندگان با کسب صلاحیت‌های ایدئولوژیک-تشکیلاتی و نظامی در حال حاضر شرایطی را دارا هستند که می‌توانند ضمن تسلیح به گردان‌های رزمی مجاهد خلق ملحق شوند و در صحنه‌ی نبرد رودررو با رژیم خمینی ضدبشر، قدرت آتش خودشان را در مسیر نابود ساختن رژیم بارز نمایند. شهید اشرف رجوی در نامه‌ی خطاب به برادر مجاهد مسعود رجوی قبل از شهادتش گفته بود که "جهان خبردار نشد که بر ملت ما در این چند ماه چه گذشت. بخدا قسم مصیبت این ملت از عاشورا کمتر نیست." امروز با یاد اشرف و با یاد هزاران شهید دیگر، قوای مجاهد خلق و قدرت آتش آنان بر آن است تا تحت رهبری مسعود و مریم طرحی نو در فلک این میهن دراندازند، تا رسیدن بهار صلح و آزادی به میهن عزیز و در زنجیرمان، هرچه زودتر محقق گردد. ضروری می‌بینم که در این فرصت به گوشه‌ای از ویژگی‌های این دوره که بالطبع تجارب آینده‌ی کار نیز خواهد بود و ضمناً گزارش کوتاهی به کلیه‌ی رزمندگان می‌باشد، اشاره کنم.

از ویژگی‌های عام این دوره‌ی هنگ آموزشی و رزمندگانی که اکنون تسلیح خواهند شد این است که این رزمندگان اساساً پس از پرواز تاریخساز صلح و آزادی رهبری انقلاب به جوار خاک میهن و در پاسخ به ندای هل من ناصرینصرنی برادر مجاهد مسعود رجوی که از قتلگاه امام حسین همه را برای جهاد در راه خدا و خلق فرامی‌خواند، به اینجا آمده‌اند. ترک کاشانه و دیار کردند و با گذشتن از همه‌چیز، جانشان را در طبق اخلاص گذاشتند. بسیاری از این رزمندگان از داخل کشور، با تحمل مشکلات بسیار، اما با اراده‌های پولادین، در پیوستن به صفوف مقاومت از مرزهای کشور خارج شدند. شماری دیگر، از خارج از مرزها، از هواداران سازمان در انجمن‌های دانشجویان مسلمان





مصاحبه سیمای مقاومت با آقای ابراهیم مازندرانی

نماینده کانون توحیدی اصناف در شورای ملی مقاومت

سیمای مقاومت - برنامه‌ی تلویزیونی مجاهدین خلق ایران -
مصاحبه‌ی با آقای ابراهیم مازندرانی از بازاریان متعهد و
بازر و نماینده‌ی کانون توحیدی اصناف در شورای ملی مقاومت
ایران بعمل آورده که در هفته‌ی دوم و سوم بهمن‌ماه پخش گردید.
ذیل توجه شما را به متن این مصاحبه که از گفتار به نوشتار
تبدیل شده است، جلب می‌کنیم:

سؤال: شما که نماینده‌ی کانون توحیدی اصناف در شورای ملی مقاومت هستید با توجه به اشرافی که نسبت به وضعیت بازار و وضعیت اقتصادی رژیم خمینی دارید برایمان سیاست‌های ضد مردمی و چپاولگرانه‌ی رژیم خمینی در بازار را بیشتر توضیح بدهید.
جواب: اصولاً سیاست اقتصادی رژیم خون‌آشام خمینی بر مبنای سرکوب، اختناق، چپاول و سیاست‌های ضد مردمی و ارتجاعی گذاشته شده است. یعنی سیاست اقتصادی رژیم خمینی در بازار جدای از سیاست‌های ضد مردمی‌اش در بقیه‌ی زمینه‌ها نیست. برای مثال ما می‌توانیم دوران بعد از قیام را در نظر بگیریم که تمام مردم ایران و بازاری‌ها هم در کنارشان، واقعاً از یک احساسات مردمی برخوردار بودند و بخاطر اینکه امید و آرزو داشتند که به هدف‌های نهایی خودشان در آینده‌ی نزدیک برسند؛ از همه چیز خودشان گذشتند. اهدافشان همانا استقلال و آزادی بود. چرا که سالیان دراز، ملت ایران در زیر سلطنت ضد مردمی شاه بجان آمده بودند. ولی رژیم خون‌آشام خمینی از همان ابتدا شروع به حمله، چپاول و سرکوب کرد. اگر یادمان باشد در همان اوایل، بهشتی خون‌آشام خودش اقدام به گشایش یک حساب جاری به شماره‌ی ۱۰۰ کرد و سردمداران آخوندهای ارتجاعی هم در همه جا شروع کردند به

تبلیغات. مردم بیچاره و بازاری‌ها هم هر چه داشتند و نداشتند و از دستشان برمی‌آمد به این حساب ریختند. برای چی؟ واقعاً فکر می‌کردند که خمینی از میلیاردها تومانی که به این حساب سرازیر شد بمنفع اقتصاد مملکت، تولید مملکت و رفاه مردم استفاده می‌کند. در صورتیکه تا امروز اصلاً راجع به حساب ۱۰۰ صحبتی نکردند که میلیاردها تومان کجا رفت؟ رژیم خمینی بر مبنای سرکوب و چپاول گذاشته شده است. غیر از این کاری بلد نیستند. در رابطه با جنگ هر دو هفته، هر ماه، هر دو ماه بعناوین مختلف با دست‌آیادی خودشان در بازار و جاهای دیگر شروع به چپاول کردند. مخصوصاً از اصناف، مالیات‌های سرسام‌آور از همین مردم و اصناف معمولی می‌گیرند. حدود مرزی هم ندارد. آیا آنهایی که وابسته به خود رژیمند - حتی در بازار - مالیات می‌دهند؟ نه! مثل زمان شاه از زیر مالیات شانه خالی می‌کنند. چون وابسته به رژیمند، وابسته به ایادی رژیمند. بعد عوارض گوناگون. هر روز یک نوع عوارض. بیچاره این کسبه‌ی پائین را هر روز بعناوین مختلف از قبیل احتکار و گرانفروشی پشت سر هم جریمه کردند، دکان بستند و شلاق زدند. در صورتیکه سرخ چپاول، احتکار و گرانفروشی، همه‌اش دست خود ایادی رژیم بود. چون کاسب‌های معمولی چیزی ندارند

و کارهای نیستند. چپاول ادامه داشت، آمدند شرکت‌های تعاونی، اتحادیه‌های صنفی تشکیل دادند. آیا بخاطر منافع کسبه و دکانداران جزء بود؟ نه، درست برعکس بود. باز آنهایی که در زمان شاه بعناوین مختلف جنس‌هایی وارد می‌کردند، جنس‌هایی صادر می‌کردند و پول‌های کلانی بچیب می‌زدند؛ در رأس هرم اینها قرار داشتند. سیاست‌های شرکت‌های تعاونی را اینها اجرا می‌کردند و می‌نوشتند. اینها آمدند در هر صنفی سهمیه‌هایی فروختند در صنف لوازم خانه و آشپزخانه سهمیه‌هایی به مبلغ ۵۰،۰۰۰ تومان پخش کردند. در صورتیکه دکان‌دارها و کاسب‌های معمولی بازار نمی‌توانستند یکی، دوتا، سه تا، سهم بیشتر بخرند. عمده‌ی سهم‌ها باز دست تجار وابسته به رژیم بود. یعنی همان‌هایی که زنجیروار به خود رژیم ختم می‌شدند، شروع کردند به چپاول. هم تولیدات داخله دستشان بود هم واردات. اگر یک چیز اضافه می‌آوردند یا نامرغوب بود، به این بیچاره کاسب‌ها می‌دادند. نتیجه چی شد؟ در همین حاجب‌الدوله که مرکز فروش این صنف بود، حالا اگر گذری به آنجا بیندازید، می‌بینید دکان‌هایی که پُر از جنس بود (یا داخلی یا خارجی) الان خالیست. همه‌جا را تار عنکبوت گرفته. بروی همه‌ی دکان‌ها گرد مرگ‌ومیر خوابیده. واقعاً به دکان‌های میدان غار، میدان سیداسماعیل یا میدان گمرک بی‌شبهت نیست. روی ویتترین‌های این مغازه‌ها را نگاه کنید؛ عوض جنس، قوری‌های بی‌در، سوپخوری‌های بی‌در، کتری‌های بی‌دسته، و بشقاب‌های لب‌پریده وجود دارد. جنس‌هایشان همین‌ها است. یعنی همان

جنس‌هایی که ته‌وتوی انبارها بود و هیچکس نمی‌خرید. الان آنها را بعنوان جنس روی ویتترین‌ها چیده‌اند. یا در اکثر دکان‌ها چشمتان به تابلوهایی برمی‌خورد که روی آنها نوشته‌اند "اجناس خانه‌های شما را خریداریم" یا در صنف پارچه‌فروش‌ها (قماش‌فروش‌ها)، اول آمدند بعنوان شرکت‌های تعاونی، شرکت‌هایی تشکیل دادند و سهم‌هایی فروختند. بعد از مدتی که یک مقدار چپاول کردند، قانع نشدند. به بهانه‌هایی این شرکت‌های تعاونی را جمع کردند و گفتند باید شرکت تعاونی مادر تشکیل بدهیم. که همه‌ی جنس‌های وارداتی و جنس‌های صادره‌شده را دربر بگیرد. سهم‌هایی فروختند، در ظاهر عوام‌فریبانه. ۱ سهم صد هزار تومان، ۲ سهم سیصد هزار تومان، ۳ سهم پانصد هزار تومان. گفتند ما سیاستمان بر مبنای حمایت از کاسب‌های ضعیف است. به همین خاطر هرچه تعداد سهم‌ها بالاتر برود مبلغ‌هایش را بالاتر می‌بریم تا فشار روی طبقه‌ی پائین نباشد. در صورتیکه پشت پرده این نبود. اصلاً سیاست اقتصادی رژیم خمینی بر مبنای حمایت از طبقه‌ی پائین گذاشته نشده است.

سؤال: وضعیت اقتصادی

رژیم خمینی و بن‌بست‌های لاعلاج مبتلابه این رژیم را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

جواب: اوضاع اقتصادی

رژیم را در یک کلام می‌شود اینطوری بیان کرد: اقتصاد رژیم خمینی هیچ مرزبندی ندارد. یعنی قابل مقایسه با هیچیک از اقتصادهای متداول جهان نیست. یعنی یک اقتصاد درب و داغان به‌هم‌ریخته است. واقعاً اقتصاد آخوندی است. هیچ حساب و کتابی در کارشان

مصاحبه سیمای مقاومت با آقای ابراهیم مازندرانی

نماینده کانون توحیدی اصناف در شورای ملی مقاومت

نیست و احدی نمی‌تواند به قانون‌های اینها اعتماد بکند. چون امروز قانونی را در آن مجلس آخوندی‌شان وضع می‌کنند، ولی فردا درست ۱۸۰درجه عکس آنرا عمل می‌کنند! اگر یادتان باشد خمینی گفت دلیلی ندارد من امروز یک حرفی بزنم و فردا عکس آنرا نگویم! این رهبرشان است. مردم چگونه به این رژیم اعتماد کنند؟ مخصوصاً به اقتصادش. اگر شما به تورمی که در اقتصاد این رژیم وجود دارد نگاه بکنید، گویاست! اینها ۱۰مقابل پشتوانه، اسکناس چاپ کردند. یعنی ارزش پولی اسکناس امروز ایران، $\frac{1}{10}$ ارزش واقعی آن است. یعنی اگر ۱۰۰تومان اسکناس دستتان باشد، ۱۰تومان ارزش واقعی دارد. بقیه‌ی آن کاغذ است! چند مثال از قیمت‌هایی که الان در اجتماع، مردم دست‌به‌گریبان‌شان هستند، می‌زنم. گوشت در بازار آزاد کیلویی ۲۲۰تومان. مرغ اگر پیدا بشود ۸۰تومان. برنج کیلویی ۸۰تومان. پنیر ۱۲۰تومان. لامپ معمولی ۸۰تومان. استکان بلوری ۵۰تومان. چیزهای دیگر هکذا. لوازم خانه، دارو، حبوبات. قیمت تمام مایحتاج زندگی مردم، همینطور سرسام‌آور بالا رفته است. شما حسابش را بکنید. ببینید این رژیم چه اقتصادی دارد. افت کارخانه‌ها را در نظر بگیرید! تعطیلی کارخانه‌ها را در نظر بگیرید! امروز حدود ۷۵٪ کارخانه‌ها تعطیل شده است. کارگرها را اخراج کرده‌اند. بیکاری بیداد می‌کند. برای کارگر جایی نیست. یک عده کارهای کاذب انجام می‌دهند. مثل دستفروشی و از این قبیل کارها. واقعاً تولیدی نیست. نتیجه‌ی این اخراج کارگرها و بیکاری در اجتماع،

فقر است، فحشا است، فساد است، قاچاق است، دزدی است. امروزه خود رژیم هم اذعان دارد که اعتیاد در ایران بیداد می‌کند. اعتیاد چندین برابر زمان شاه است. در این کشور باصطلاح اسلامی که خمینی مدعی آن است، فحشا بیداد می‌کند. در رژیمی که کسی روسری‌اش یک‌ذره بالا برود شلاقش می‌زنند، فحشا بیداد می‌کند. در نتیجه‌ی این تورم، نتیجه‌ی کاهش تولید، ورشکستگی کارخانه‌ها است. ورشکستگی تجار و اصناف و کسبه است. یعنی بیکاری و بی‌سامانی... اگر بطور کلی به این رژیم و ادعاهایی که داشت و عملکردهایی که الان انجام داده نظری ببیندازیم، واقعاً چیزی که بدستمان می‌آید این است که رژیمی که همیشه ادعا داشت طرفدار مستضعفین است و برعلیه مستکبرین عمل می‌کند، حالا می‌بینیم کسانی که زیر پا له می‌شوند، همان مستضعفین‌اند. کلاً این اوضاع اقتصادی رژیم است.

سؤال: آقای مازندرانی مقاومت در میان بازاریان شریف و ملی و مردمی علیه سیاست‌های ضد مردمی رژیم خمینی تا بحال چگونه جریان داشته است؟

جواب: اصولاً تاریخ نشان داده که بازاریان همیشه از قدیم‌الایام در کنار انقلابیون و مبارزین مبارزه می‌کردند و در زمان شاه هم عده‌ای در بازار بودند که برعلیه دیکتاتوری مبارزه می‌کردند. که در نتیجه شاه عده‌ای را دستگیر کرد، شکنجه کرد، زندانی کرد و تا مدت‌ها در زندان نگهداشت. و این همیشه تداوم داشت تا دوران قیام ۲۲/بهمن. در دوران قیام ۲۲/بهمن خیلی از بازاری‌ها فعالیت داشتند و بازار در کنار مبارزین بود. حتی ماهها بازار را بستند.

البته باز باید در اینجا اشاره بکنیم که سرمایه‌داران وابسته و تاجرهای بزرگ حتی در دوران قیام هم از منافع خودشان دست برنداشتند. چون اینها انبارهای بزرگ و بنگاههای بزرگ داشتند و به تمام مشتری‌های شهرستانی خود در انبارهای خود و بنگاههای خود جنس می‌دادند. در صورتیکه کسبه‌ی معمولی و اصناف بازار، ماهها دکان‌هایشان را بستند و واقعاً دچار مشکلات و سختی‌های فراوانی بودند. ولی بعد از قیام درحالیکه تمام مردم ایران امید و آرزوی استقلال و آزادی و رفاه و آسایش اجتماعی داشتند؛ بزودی دریافتند که خمینی چهره‌ی دیگری دارد. خمینی بعد از مدت کوتاهی، چهره‌ی ضد مردمی و ضد آزادی خود را آشکار ساخت. در این دوران بود که کانون توحیدی اصناف اعلام موجودیت کرد و عده‌ی زیادی از افراد کانون از همان افرادی تشکیل شد که از زمان شاه هم مبارزه می‌کردند. ولی حالا دیگر مبارزات گسترده بود. با پخش اعلامیه‌های آشکار، نشریه‌ها، برگزاری جلسات سخنرانی و برگزاری جلسات بحث، ماهیت چپ‌اولگر خمینی را افشا می‌کردند. تا ۳۰/خرداد این مبارزات ادامه داشت. و مرتب افشاگری بود و سطح آگاهی بازاریان را مرتب بالا می‌بردند. که واقعیت را ببینند، بدانند و لمس کنند و گول حرف‌های ظاهری دجال جماران را نخورند. ولی بعد از ۳۰/خرداد که خمینی ماهیت واقعی خود را با کشتن جوان‌های انقلابی و پاک این ملت آشکار ساخت، حمله به بازار هم شروع شد. عده‌ی زیادی از آنهایی را که برعلیه این دیکتاتوری، برعلیه این خمینی خون‌آشام، فعالیت می‌کردند گرفتند. البته به

خاطر دارید که عده‌ی زیادی از اینها را بلافاصله اعدام کردند. مثل شهید مجاهد حسین تهران‌کیا، شهید مجاهد عطا محمودی، شهید مجاهد زهتابچی، شهید مجاهد محمد مصباح، شهید مجاهد حاج احمد جواهریان و امثالهم که حدود سی‌وچند نفر از این کانون را تا امروز این خمینی شهید کرده و عده‌ی زیادی را هم به بند کشیده، شکنجه کرده، زندانی کرده و سال‌ها در زندان نگه داشته است که اکنون هم تداوم دارد. ولی اکنون دیگر بازاری‌ها خیلی روشن شده‌اند و می‌شود گفت که حدود ۸۰-۹۰درصد بازاری‌ها ماهیت واقعی خمینی که همانا ضد استقلال، ضد آزادی و ضد مردمی است را دریافتند. و اکنون هم کانون توحیدی اصناف به مبارزاتش در بازار ادامه می‌دهد، منتها مخفیانه. دیگر دیکتاتور خون‌آشام جماران امکان فعالیت آزاد را از همه‌کس گرفته است. این مختصری بود از شرح حال فعالیت کانون و مبارزین در بازار.

سؤال: حاج آقا مازندرانی! بعنوان یکی از اعضای شورای ملی مقاومت ایران، لطفاً قدری هم درباره‌ی سیاست‌ها و مصوبات شورا درباره‌ی بازار ملی توضیح بدهید.

جواب: بد نیست در این رابطه اشاره‌ای هم به اقتصاد زمان شاه معدوم بکنیم. شاه خائن و وطنفروش همیشه اقتصادش ایجاب می‌کرد که از سرمایه‌داران بزرگ و وابسته به خارج حمایت بکند و کارخانه‌ها و کارخانه‌داران و تولیدکنندگان ملی همیشه در رابطه با این جریان مشکلات فراوانی داشتند. یا از لحاظ فروش تولیدات خود، یا از لحاظ تهیه‌ی مواد اولیه یا از لحاظ تهیه‌ی ماشین‌آلات. چون اکثراً در انحصار سرمایه‌داران وابسته بود. البته این سرمایه‌داران وابسته عده‌ی زیادی‌شان هم در رابطه با خود رژیم بودند.

مصاحبه سیمای مقاومت با آقای ابراهیم مازندرانی

نماینده کانون توحیدی اصناف در شورای ملی مقاومت

اینها اکثراً مواد اولیه، ماشین‌آلات و کارخانه‌ها را در انحصار گرفته بودند و از این راه سودهای کلانی بجیب می‌زدند. همانطوریکه شاه خائن سیاست اقتصادی‌اش ایجاب می‌کرد که تمام تولیدات و کارخانجات ملی بنحوی وابسته به خارج باشند؛ خمینی ضدبشر هم سیاست‌های ارتجاعی و بغایت عقب‌مانده‌اش، تولیدات ملی را بکلی نابود کرد و از بین برد. ولی شورای ملی مقاومت، برخلاف ۲ نظام ضدردمی، همیشه با تأکید و تکیه بر اصل اساسی استقلال و حاکمیت ملی، سیاست و خطوط اقتصادی خود را بنحوی تنظیم کرده که تأمین‌کننده این اصل اساسی مورد اعتقاد شورای ملی مقاومت باشد. و سیاست شورا در رابطه با بازار ملی هم از این اصل اساسی مورد اعتقاد شورای ملی مقاومت جدا نیست. بد نیست در این رابطه قسمتی از مصوبه شورای ملی مقاومت در مورد بازار ملی را برایتان بخوانم:

"احیاء صنایع ملی و تقویت روزافزون تولید صنعتی و آموزش فنی و حرفه‌ای، استفاده از پیشرفت‌های تکنیکی در عین توجه اکید به رشد صنایع متوسط و کوچک بویژه در حوالی روستاها.

تذکره ۱- دولت موقت، سرمایه‌داری و بازار ملی، مالکیت شخصی و خصوصی و سرمایه‌گذاری فردی را می‌پذیرد. مشروط بر آنکه ابعاد نامحدود و وابسته‌ساز و جهت‌گیری کمپرادوری پیدا ننموده و توسعه اقتصادی- اجتماعی تمام جامعه و کشور را مخدوش و فلج نکند. چرا که حل مشکلات بنیادی و بسیار حاد ایران، اساساً با لیبرالیسم افسارگسیخته اقتصادی در

تعارض است. لیبرالیسم که بخاطر میدان دادن به کمپرادوریسم پیشین، جز به وابستگی مجدد اقتصادی و سیاسی راه نمی‌برد.

تذکره ۲- در عین حال دولت موقت، قطع هرگونه تحمیلات دولتی و شهرداری‌ها به کسبه‌ی جزء و تولیدکنندگان خرده‌پا را تضمین نموده و عملاً حمایت از آنها را نیز عهده‌دار می‌شود. رسومات ارتجاعی همچون شلاق‌زدن کسبه‌ی جزء توسط رژیم خمینی بکلی ممنوع است. رژیم‌ی که در عین شلاق‌زدن کسبه‌ی جزء ۱۲۰ میلیارد تومان سود (مینیمم) خالص تجار طرفدار خود در سال ۱۳۵۹ را نادیده می‌گرفت!

علیهذا بدون تصویب شورای بازار و اتحادیه‌های صنفی، کسبه‌ی جزء را به‌هیچوجه نمی‌توان به پرداخت وجه مالیاتی برخلاف رضایتشان وادار نمود.

تذکره ۳- استقلال و ضدیت با امپریالیسم به مفهوم ضدیت با کشورهای صنعتی در تمامیت تاریخی، اقتصادی، فنی و هنری و فرهنگی آنها نیست. چنین ضدیتی در حقیقت آرزوهای ارتجاعی قرون وسطی را تداعی می‌کند. پس ما بر ضد روابط نابرابر و استعماری قیام نموده‌ایم. و نه بر ضد هرگونه رابطه‌ای (بطور مطلق). از این لحاظ بخصوص بایستی حساب ویژه‌ای برای تمایلات مردم و نیروهای واقعاً دمگراتیک کشورهای صنعتی باز نمود. یعنی برغم سیاست عوامفریبانه و فرمالیستی خمینی، ما نمی‌خواهیم و نمی‌توانیم از دنیای پیرامون خود منزوی بسر بریم؛ لیکن چنانکه گفته شد، ما هر رابطه‌ی نابرابر و استعماری را اساساً رد می‌کنیم. حال آنکه سیاستی شبیه به سیاست خمینی، از آنجا که

بجای آینده و ترقی به گذشته و عقب‌ماندگی می‌نگرد، نه فقط نمی‌تواند جامعه‌ی ما را از مدار اسارت و عقب‌ماندگی خارج کند بلکه بعکس خود در غرقاب ارتجاع، راهگشای سلطه‌ی مجدد امپریالیسم است و دقیقاً به همین دلیل امپریالیسم از روز نخست، خمینی را بر ترقیخواهان ایران مرجح دانسته و می‌داند."

اینها چیزهایی است که شورای ملی مقاومت تصویب کرده است و عهده‌دار رعایت آنهاست. درست برخلاف سیاست‌های اقتصادی دو رژیم خمینی و شاه.

سؤال: آقای مازندرانی! مقداری هم درباره‌ی پرواز صلح و آزادی برادر مجاهد مسعود رجوی به جوار خاک میهن و تأثیرات این پرواز برایمان صحبت کنید.

جواب: پرواز صلح و آزادی در تمام زمینه‌ها تأثیر تعیین‌کننده‌ای داشت. در هر زمینه‌ای تأثیراتش را می‌توانیم ببینیم. واقعاً تمام ملت، تمام توده‌ی مردم، مشاهده کردند که صلح کاملاً در اختیار است. هم ریاست‌جمهوری عراق و هم رهبر مقاومت ایران تأکید بر صلح داشتند و توده‌ی مردم و نیروهایی که خمینی بزور به جبهه‌ی جنگ فرستاده است دیدند که تنها خمینی است که اصرار در جنگ دارد. چون برای خمینی توده‌ی مردم و جوان‌ها کوچکترین ارزشی ندارند. یا تأثیراتش را در جبهه می‌توانیم ببینیم. خمینی در جبهه‌ها واقعاً آچمز و مستأصل شده است. بخاطر همین است که می‌بینیم تلاش می‌کند به هر وسیله‌ای هست، به هر عنوانی هست، به هر فریب و دروغ نجومی متوسل شود تا یک پیروزی کوچک را به نیروهایش نشان دهد. چرا؟ بخاطر اینکه نیروهایش را حتی

در جبهه هم نمی‌تواند نگهدارد. بعد از جریان ملاقات و پرواز صلح و آزادی در بسیج هم بکلی دستش بسته شده است. نمی‌تواند نیرو بسیج کند و حتی نیروهایی که در جبهه هستند نمی‌چنگند. می‌بینیم سربازها از جبهه‌ها فرار می‌کنند و عده‌ی زیادی از این سربازها به مقاومت پیوستند.

سؤال: بعنوان آخرین سؤال وظیفه‌ی هر فرد ایرانی و بطور مشخص کسبه و بازاریان شریف و متعهد ایرانی را در شرایط کنونی چه می‌دانید؟

جواب: امروزه در ایران برای احدی شبهه وجود ندارد که خمینی جنگ‌افروز برای بقای خود از نزدیکترین افراد خودش نیز نمی‌گذرد و آنها را قربانی می‌کند. خمینی دجال که تا دیروز جوانان شریف مجاهد خلق را با شعار بااصلاح مرگ بر آمریکا به جوخه‌ی اعدام می‌فرستاد؛ امروز دیگر پرده از چهره‌ی واقعی خود کنار زده و از موضع کاملاً ضعف با آمریکایی‌ها ملاقات می‌کند و مصرانه از آنها درخواست اسلحه می‌کند و برای بقای خود از آنها کمک می‌طلبد. می‌بینیم خمینی دجال که تا دیروز با شعار مردم‌فریب می‌گفت اسرائیل اگر دستش را به دریا بزند، دریا نجس می‌شود و می‌گفت راه قدس از کربلا می‌گذرد؛ امروز می‌بینیم با همان اسرائیلی‌ها سر میز می‌نشیند و از آنها اسلحه دریافت می‌کند. اکنون دیگر چه کسی می‌تواند ساکت بنشیند و برعلیه این دجال زمان قیام نکند؟ بازاریان و کسبه‌ی شریف که تابحال مبارزات طولانی را پشت سر گذاشته‌اند، اکنون باید در صفوف مقاومت، در کنار مجاهدین، اسلحه بدست گرفته با خمینی خون‌آشام بچنگند. کسانی که می‌توانند، از هر راهی که امکان داشته باشد، خودشان را به نوار مرزی ایران و عراق برسانند و کسانی که توان جنگیدن با خمینی را ندارند به هر وسیله‌ای که می‌توانند به حمایت از مقاومت برخیزند. با امید روزی که ایران آزاد و مستقل داشته باشیم.

جدیدترین گزارش سازمان ملل متحد درباره نقض شدید حقوق بشر توسط رژیم خمینی

آمده است: نماینده‌ی ویژه متوجه شد افراد زیادی که قربانی نقض حقوق بشر در ایران هستند مایلند مشاهدات خود و آنچه را که بر سر آنها آمده بازگو کنند، لذا در تلاش جهت ارائه‌ی تصویبی هرچه کامل‌تر، با این افراد ملاقات‌هایی انجام گرفت. ۶ نفر از کسانی که با آنها ملاقات شد از هواداران مجاهدین خلق ایران بودند و اسامی آنها عبارت است از: ربابه بوداگی، بهزاد نظیری، اعظم ریاحی، مینا وطنی، علی حسین‌زاده و حسین حسینی.

این افراد به اطلاعات دست‌اول و هم‌جانبه‌ای درباره‌ی شکنجه و نقض حقوق بشر در حکومت ایران دسترسی داشتند... که بیشتر آنها با حقیقت همراه است.

انجامیده است. گزارشگر ویژه سازمان ملل فهرست کاملی از تمامی موارد نقض حقوق بشر در ایران را برای دولت این کشور ارسال نموده و خواستار پاسخ به آنها شده است اما تاکنون تقاضای وی بدون جواب مانده و اجازه‌ی سفر به ایران نیز به وی داده نشده است.

نماینده‌ی ویژه‌ی سازمان ملل در گزارش خود افزوده است: برای تهیه‌ی این گزارش اسناد مختلفی، بویژه لیست کامل مدارکی که توسط سازمان مجاهدین خلق ایران در مورد شکنجه و نقض حقوق بشر در ایران انتشار یافته را مورد استفاده قرار داده است. در قسمت "اطلاعات شفاهی" این گزارش سازمان ملل متحد

جنسی و اعدام‌های نمایشی می‌باشد. گزارش سازمان ملل متحد همچنین با استناد به افشاگری‌های مجاهدین درباره‌ی جنایات ضدبشری خمینی به بیش از صدمورد شکنجه، تیرباران، بدآویختن در ملاءعام و یا از جراثقال و تیرباران بعد از شکنجه‌های بسیار شدید، بعنوان نمونه‌هایی از موارد متعدد نقض حقوق بشر در ایران اشاره می‌کند.

بنا به این گزارش تمام افرادی که پروفیسور گالیندوپل با آنها صحبت کرده به وی گفته‌اند که بدون حکم جلب و اکثراً توسط پاسداران در خانه‌های خود و یا در خیابان‌ها بازداشت شده‌اند و محاکمات آنها نیز بسیار سریع و در مواردی تنها ۵ دقیقه بطول

سازمان ملل متحد جدیدترین گزارش خود درباره‌ی نقض شدید حقوق بشر و اعمال شکنجه‌های وحشیانه توسط رژیم ضدبشری خمینی را که در آن اسناد و مدارک مستند ارائه شده توسط سازمان مجاهدین خلق ایران و نیز اظهارات مجاهدین شکنجه شده مورد استناد قرار گرفته است، انتشار داد.

در این گزارش که توسط پروفیسور گالیندوپل گزارشگر ویژه‌ی سازمان ملل برای رسیدگی به نقض حقوق بشر در ایران تهیه شده آمده است:

در زندان‌های ایران از ۶۴ نوع شکنجه‌ی جسمی و روانی استفاده می‌شود. این شکنجه‌ها از جمله شامل کتک‌زدن، سوزاندن با سیگار، شوک الکتریکی، تجاوز

گزارش گروه تحقیق سازمان ملل متحد درباره ناپدیدشدگان سیاسی

گروه کار در مورد ناپدیدشدگان سیاسی (وابسته به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد) اعلام کرد رژیم خمینی به هیچیک از ۸۲ پرونده در مورد مفقودشدگان سیاسی پاسخ نداده است.

در گزارش گروه کار در مورد ناپدیدشدگان سیاسی آمده است:

گروه تحقیق در ۵ گزارش خود به کمیسیون حقوق بشر ملل متحد موارد مفقودشدن‌های اجباری در حکومت ایران را مورد بررسی قرار داده است. این گروه ۲۴ مورد را در سال ۶۵ به اطلاع مقامات حکومت ایران رساند که تاکنون از پاسخ به آن توسط حکومت ایران خودداری شده است. علاوه بر این ۵۸ مورد جدید از مفقودشدن نیز توسط سازمان مجاهدین خلق ایران ارائه شد، که هفت مورد آن مربوط به زنان بوده است. گزارش گروه تحقیق در مورد ناپدیدشدگان سیاسی می‌افزاید:

در جلسه‌ی نوزدهم گروه تحقیق، نماینده‌ای از جانب سازمان مجاهدین، جزئیات مربوط به چگونگی مفقودشدن اجباری این افراد را تشریح کرد و گفت که تمامی آنها توسط پاسداران دستگیر شده و قبل از مفقودشدن برای مدتی در زندان اوین دیده شده‌اند.

بنا به گزارش گروه تحقیق سازمان ملل درباره‌ی ناپدیدشدگان سیاسی، شمار مفقودشدگان سیاسی در رژیم خمینی بمراتب بیشتر از اینها است.

ظرفیت بیمارستان‌ها جوابگوی انبوه مجروحین جنگی نیست

در برخی دیگر از بیمارستان‌های تهران علاوه بر اختصاص تعداد زیادی از اتاق‌های بیمارستان به مجروحین جنگی، راهروهای بخش‌ها و درمانگاه بیماران سرپایی نیز در اختیار ستاد تخلیه‌ی مجروحین قرار گرفته است.

کارگزاران جنگ و جنایت خمینی حتی از بستری کردن مجروحین جنگی در مجاورت زنان بیمار نیز خودداری نکرده‌اند. در همین رابطه مزدوران خمینی به اعتراض زنان بیماری که از حضور مجروحین جنگی در اتاقشان اظهار ناراحتی کرده‌اند اعتنا نکرده و مجروحین جنگی را بزور در اتاق زنانی که یک‌تخته بوده بستری کرده‌اند.

علاوه بر بیمارستان‌های فوق‌الذکر در بیمارستان شهربانی تهران نیز ۴۰۰ تخت از کل ۵۰۰ تخت بیمارستان را به مجروحین جنگی اختصاص داده‌اند.

در بیمارستان‌های مشهد منجمله بیمارستان قائم این شهر نیز انبوه مجروحین دست و پا قطع‌شده سرازیر شده است. ستاد تخلیه‌ی مجروحین جنگی بدون اطلاع و هماهنگی با بیمارستان‌ها مجروح تخلیه می‌کند. در این شهر انبوه مجروحین بحدی است که تعدادی را به تهران بازگشت داده‌اند.

بنا به گزارشات موثق دریافتی، تعداد مجروحین جنگی تهاجمات تجاوزکارانه‌ی ضدکربلای ۴، ۵ و ۶ رژیم خمینی آنقدر زیاد است که بیمارستان‌های خصوصی، دولتی، و دانشگاهی در تهران و بسیاری از شهرهای کشور مملو از آنهاست.

بر اساس یک گزارش تعداد مجروحین و معلولین جنگ که تا تاریخ ششم بهمن‌ماه جاری به بیمارستان‌های تهران آورده شده به ۱۰ هزار نفر بالغ می‌شود که تعداد زیادی از آنها نوجوانان ۱۲ تا ۱۶ ساله هستند. ضمن اینکه طی همین مدت نزدیک به ۷ هزار کشته نیز به تهران حمل شده است. و منجمله تنها در شب سی‌ام دیماه، ۷۰۰ جنازه به تهران انتقال یافته است.

در حال حاضر بخش‌های زایمان و بیمارستان‌هایی که صرفاً زایشگاه هستند نیز در اختیار ستاد تخلیه‌ی مجروحین جنگی قرار گرفته و پر از مجروح جنگی می‌باشند. بخش جراحی بیمارستان هزارتخت‌خوابی تهران مطلقاً مریض عادی نمی‌پذیرد و این بخش تماماً به مجروحین جنگی اختصاص داده شده است.

در این بخش حتی از پذیرفتن موارد اورژانس و حاد نظیر بیماران مبتلا به آپاندیسیت که می‌بایستی سریعاً مورد عمل جراحی قرار گیرند نیز خودداری می‌شود.

انعکاس بسیار گسترده تظاهرات جهانی و بیسابقه گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین در رسانه‌های خبری جهان

در این صفحات لیست رسانه‌هایی که این خبر را منتشر کرده‌اند (تا جایی که امکان تهیه آنرا داشتیم) و همچنین نمونه‌های منتخبی از انعکاس گزارشات، عکس‌ها و خبرهای تظاهرات عظیم هزاران نفر از هموطنان شریف و آزاده‌ی خارج از کشور در بزرگداشت سالگرد عاشورای مجاهدین، حماسه‌ی اشرف و موسی را ملاحظه خواهید کرد.

اخبار مربوط به تظاهرات جهانی عظیم و بیسابقه برای گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین، بمثابة خروش پرطنین مقاومت عادلانه و پیروزمند خلق در زنجیر ایران و نوید درهم شکستن رژیم درمانده‌ی خمینی، که بطور همزمان در ۱۷ کشور جهان برگزار گردید، بطور بسیار گسترده و بیسابقه‌ای توسط بیش از ۵۰۰ رسانه‌ی خبری در کشورهای مختلف جهان منتشر گردید.

الف: خبرگزاری‌ها

یونایتدپرس
آسوشیتدپرس
رویتر
فرانسه
عراق
اسپانیا

خبرگزاری سوئیس
خبرگزاری دانمارک
خبرگزاری آلمان
خبرگزاری نبرکیرشن‌دنست
(bkd) آلمان
خبرگزاری سوئیس
خبرگزاری کروفوس ایتالیا
خبرگزاری نروژ
خبرگزاری متحده‌هند
خبرگزاری pl1 (هندوستان)

ب: رادیو تلویزیون‌ها

● آلمان

تلویزیون کانال اول سراسری آلمان
(ARD)
تلویزیون جنوب‌غرب آلمان
(SWF)
تلویزیون SAT1
تلویزیون ویدئو (بُن)
رادیو دوچلندفونگ (DLF)
رادیو جنوب غرب آلمان (SWF)
رادیو جنوب آلمان (SDR)
رادیو شمال آلمان (NDR)
رادیو هسن (HR)
رادیو کلن - بخش فارسی

● آمریکا

تلویزیون CBS
تلویزیون CNN
تلویزیون محلی سراسری ABC
تلویزیون محلی سراسری NBC
تلویزیون محلی NBC واشنگتن

تلویزیون کانال ۲ KTVU اوکلند
تلویزیون محلی کانال ۵ WTTG
واشنگتن
تلویزیون محلی WFTV اورلاندو
تلویزیون محلی KUSA دنور
تلویزیون محلی کانال ۱۲ KCOP
لس‌آنجلس
تلویزیون محلی کانال ۲ KTVU
اوکلند

تلویزیون WPXI پیتسبورگ
تلویزیون WHIO دیتون
تلویزیون WSDC شارلوت
تلویزیون KOCO
تلویزیون کانال ۱۷ کلمبیا
تلویزیون WSB آتلانتا
تلویزیون WXIA آتلانتا
تلویزیون محلی ABC
تلویزیون محلی WKBD دیترویت
تلویزیون WBZ بوستون
تلویزیون KVUE آستین
تلویزیون WPCQ شارلوت
تلویزیون زنجیره‌ای CANNETT
تلویزیون زنجیره‌ای COX
تلویزیون زنجیره‌ای FOX
تلویزیون زنجیره‌ای SIN
تلویزیون زنجیره‌ای VISNEWS
تلویزیون WTN

رادیو سراسری AP
رادیو سراسری ABC
رادیو سراسری NBC
رادیو سراسری MUTUAL میوچال
رادیو WTOP واشنگتن
رادیو MAL واشنگتن
رادیو VGMS واشنگتن
رادیو VGAY واشنگتن
رادیو VKYS واشنگتن
رادیو VVIL تگزاس
رادیو VMZQ واشنگتن
رادیو آمریکا - بخش فارسی

● انگلستان

رادیو بی. بی. سی - بخش فارسی

● تلویزیون B. B. C

● سوئیس

تلویزیون ایتالیایی زبان سوئیس
TSI
تلویزیون آلمانی زبان سوئیس DRS

● هلند

رادیو کارا او
رادیو فارا
رادیو ان سی آر ف

● فرانسه

کانال ۱ تلویزیون فرانسه

● عراق

برنامه‌های عربی و فارسی
و انگلیسی تلویزیون عراق
رادیو بغداد
رادیو صوت‌الجماهیر

● دانمارک

تلویزیون دانمارک

● ترکیه

تلویزیون ترکیه

● نروژ

تلویزیون نروژ
رادیو نروژ

● کانادا

تلویزیون CFTO
تلویزیون CITY - TV
تلویزیون CBC
تلویزیون CBC (بخش فرانسوی)
تلویزیون GLEBAL
تلویزیون سراسری CBS
تلویزیون سراسری CTV
رادیو CKO

● پرتغال

تلویزیون پرتغال

● ایتالیا

تلویزیون سراسری کانال ۳

ج: مطبوعات

● آلمان

بنرروندشاو
آبربرگیشه فولکس سایتونگ
وست‌دویچه سایتونگ
راین-زیگ-انسایگر
کلنیشه روندشاو
کلنر اشتات انسایگر
نویه‌راین سایتونگ
آبربرگیشه انسایگر
در تاگس اشپیگل
فرانکفورتر نویه‌پرسه
براون شوایگر سایتونگ
هانفرشه آگماینه
مانهایمر مورگن
کیلر ناخریشتن
نویه‌اوزنابروکر سایتونگ
شوارتس ولدربوته
لوبکر ناخریشتن
بنرروندشاو
دی‌راین‌فالس
ویسبادنر کوریر
شوبیشه سایتونگ
نورد-زه - سایتونگ
دی‌گلوکه
نوردوست
تری‌پریشه فولکس فرویند
زیگنر سایتونگ
ساین‌پست
وردنر ناخریشتن
راین-نکار سایتونگ
آگسبورگر آگماینه
برمرناخریشتن
وزرکوریر

انعکاس بسیار گسترده تظاهرات جهانی و بیسابقه گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین در رسانه های خبری جهان

آگین	آلخمن دخیلد	پیتسبورگ پرس	سوشنر مرکور
● ترکیه	ان اِرسی هلندزبلد	آلن تاون مورنینگ کال	زود دوویچه سایتونگ (سراسری)
ملیت	هت پرول	دیموین رجستر	تاگس سایتونگ (TAZ)
● هندوستان	گُرنت نیوز فان دوخ	کلیولند پلین دیلر	وست فلیشه ناخریشتن
ملاپ	دخلدِر لندر	کامرشال اپیل	فرانکفورتر روندشاو
دیلی ملاپ	دورهیت	میامی هِرالد	وست فلیشه آنسایگر
پنجاب کسریا	ایندهونس دخبلد	ویجیتا ایگل بیکن	مونستریشه سایتونگ
اونینگ نیوز	هت نیوز بلدا فان زادن	آتلانتا ژورنال	آخنر فولکس سایتونگ
هندو	هلمند دخبلد	آرکانزاس گزت	آبنر سایتونگ مونیخ (AZ)
تایمز هندوستان (به زبان اردو)	اترخس نیوزبلد	ایندیانا پلیس استار	نورنبرگر ناخریشتن
تریبیون	روزنامه ای آراریش (کشاورزان)	فرزنوبی	آبربرگیشه فولکس سایتونگ
هندوستان تایمز (به زبان هندی)	فری نیدرلند	کانزاس سیتی تایمز	تاگس سایتونگ مونیخ (TZ)
ایندیان اکسپرس	آرنسه گُرنت	آریزونا ریپابلیک	بنراشتات آنسایگر
ساندی استیشن	نی میخنس دخبلد	یو-اس-ای-تودی	هل اشتاینیشر کوریر
● کانادا	خَرَف اسخَف بُود	کریستین ساینز مانیتور	بادیشه نویسته ناخریشتن
تورنتو استار	توبنسیا	● انگلستان	وتلادرنویه سایتونگ
تورنتو سان	لیتسه دخبلد	گاردین	زود کوریر
سیتی زن	هنگوس ز دخبلد	هفته نامه ای تایم اوت	گیسنر آگماینه
لاپرس	دخبلد فان هت اوستن	هفته نامه ای سیتی لیمیتس	اکسپرس-بن
● ایتالیا	دورتلز	مکگارل (نشریه ای پلی تکنیک PCL)	شلسویگ هل اشتاینه لندس سایتونگ
لارپوبلیکا	دخبلد راین و خار	اسپارک (نشریه ای پلی تکنیک)	
اونیتا	خادیشه گُرنت		
پائزه سرا	هخسه گُرنت		
ایل مانیفستو	تُردام نیوزبلد		
لاگازتادل متزورونو	رامر گُرنت		
لانوته	● عراق		
اکودی برگامر	الثوره	● سوئیس	
ایل پوپولو	العراق	نوی زوریخه سایتونگ	
● کویت	الجموریه	بازلر سایتونگ	
الانباء	القادسیه	ژورنال دوژنو	
عرب تایمز	بغداد آبزورر	گازت دولوزان	
● امارات متحده عربی	● سوئد	لوماتن	
الخلیج	داگنزنی هتر	درلاندبوته	
● ابوظبلی	سونسکاداگ بلادت	ژورنال دوژورا	
الاتحاد	وستربوتن فلک بلادت	آپن سلر سایتونگ	
● تونس	● اتریش	اولتتر تاگ بلات	
الصباح	اربایتر سایتونگ	لوتسنر نویسته ناخریشتن	
● مطبوعات عربی	نوی سایت	۲۴ ساعت	
العرب	● دانمارک	لالیبرته	
	اکتولت	فاترلند	
	پولیتیکن	اکودی لوکارنو	
	● اسپانیا	کوریره دل تی چینو	
	الپائیس	برنر سایتونگ	
		بوندر سایتونگ	
		دربوند	
		برنر تاگ وخت	
		بودن ز سایتونگ	
		لا سوئیس	
		● هلند	
		دتلگراف	
			واشنگتن تایمز
			واشنگتن پست
			نیویورک تایمز
			لس آنجلس تایمز
			بوستون گلوب
			شیکاگو تریبیون
			فیلادلفیا اینکویایرر
			بالتیمور سان
			ریچموند تایمز دیسپچ
			پراویدنس ژورنال
			سن خوزه مرکوری
			لوفی ویل کوریر ژورنال
			سنت لوئیس پست دیسپچ
			دیترویت دی پرس
			سانفرانسیکو کرائیکل
			سیاتل تایمز
			تایمز
			شیکاگو سان تایمز
			دالاس مورنینگ نیوز
			دالاس تایمز هِرالد
			کلمبوس دیسپچ
			اورگا نیویون
			یوجین رجسترگارد
			سنتا نارجستر
			شارلوت آبزورر

انعکاس بسیار گسترده تظاهرات جهانی و بیسابقه گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین در رسانه‌های خبری جهان

Chicago Tribune شیکاگو تریبیون - آمریکا
۷ فوریه / ۸۷

Refugees protest Khomeini regime

پناهندگان، علیه رژیم خمینی تظاهرات می‌کنند



پناهندگان ایرانی و هندی‌ها در دهلی‌نو بمنظور درخواست یک تحریم تسلیحاتی علیه رژیم آیت‌الله خمینی روز جمعه راهپیمایی کردند. تصاویری که آنها حمل می‌کنند مریم و مسعود رجوی، رهبران مقاومت ایران که در حال حاضر در تبعید هستند، می‌باشد.

AP Associated Press

خبرگزاری آسوشیتد پرس
۶ فوریه / ۸۷

راهپیمایی ضد خمینی

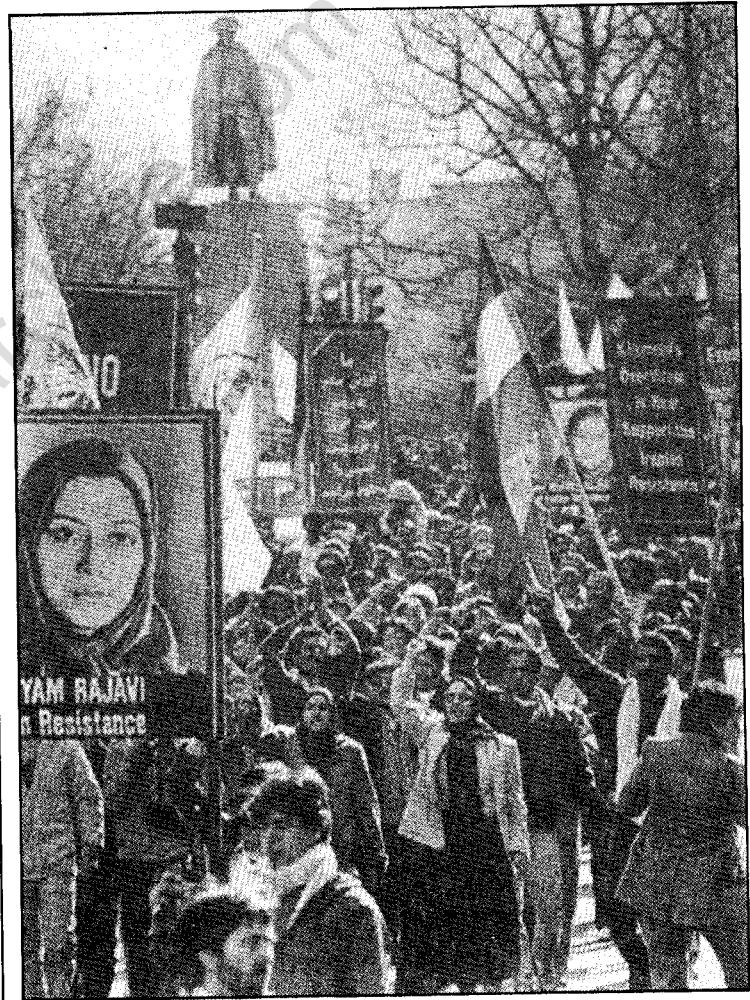


هزاران نفر در مخالفت با آیت‌الله خمینی در روز جمعه در واشنگتن به تظاهرات پرداختند راهپیمایی و تظاهرات مذکور بوسیله‌ی پیروان مسعود رجوی، رهبر مقاومت ایران که در عراق بسر می‌برد، سازماندهی و برگزار شده بود.

The New York Times نیویورک تایمز - آمریکا
۷ فوریه / ۸۷

THE NEW YORK TIMES,

ایرانیان در واشنگتن
به اعتراض بر می‌خیزند



The New York Times/Paul Hasefros

IRAN PROTEST IN WASHINGTON: Part of a crowd of about 3,000 demonstrators marching yesterday in Lafayette Park against the fundamentalist Islamic rule of the Ayatollah Ruhollah Khomeini. The marchers are their support for a resistance movement seeking to overthrow the Government and to condemn the sale of American arms to Iran.

قسمتی از یک جمعیت حدوداً ۳۰۰۰ نفری دیروز در پارک لافایت که علیه رژیم بنیادگرای اسلامی آیت‌الله روح‌الله خمینی به تظاهرات پرداختند. تظاهرکنندگان حمایت خود را از جنبش مقاومت ایران که بدنبال سرنگون ساختن حکومت خمینی است ابراز داشته و فروش اسلحه‌ی آمریکایی به آن را محکوم نمودند.

انعکاس بسیار گسترده تظاهرات جهانی و بیسابقه گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین در رسانه‌های خبری جهان

نوی‌زوریخر سایتونگ - سوئیس

Neue Zürcher Zeitung

۷ فوریه/۸۷

برن، ۶ فوریه (خبرگزاری سوئیس) نمایندگان اپوزیسیون ایران با برپایی آکسیون‌هایی در پایتخت ۱۷ کشور دنیا و همچنین در برن، سالروز شهادت اشرف رجوی، -همسر مسئول شورای ملی مقاومت و رهبر مجاهدین خلق مسعود رجوی- و قائم‌مقام رجوی موسی خیابانی و همچنین ۱۸ هم‌رزم دیگر را گرامی داشتند.

ایرانی‌هایی که بعنوان سبیل‌های مقاومت ایران مشخص شده بودند در ۲ فوریه/۱۹۸۲ توسط پاسداران خمینی کشته شدند. آکسیون توسط انجمن دانشجویان مسلمان سازماندهی شده بود.

با تابلو، اعلامیه و پلاکارد، همچنین یک سلول زندان ساخته شده، یک تخت با خون آغشته شده و صحنه‌های نمایشی، ایرانی‌ها توجه را به سرکوب و خفقان جلب کردند، که بنا به گفته‌ی آنها در ایران تحت حاکمیت رژیم خمینی اعمال می‌شود. در قطعنامه‌ی تصویب شده بمناسبت گرامیداشت خاطره‌ی این روز آنها خواستار قطع ارسال اسلحه به ایران شدند تا دست این رژیم در رابطه با خشونت و قتل عام مردم بیگناه بسته شود.

سافرانسیسگو گرانیگل - آمریکا

۷ فوریه/۸۷

Anti-Khomeini March in Washington

تظاهرات ضد خمینی در واشنگتن

تظاهرکنندگان مخالف آیت‌الله روح‌الله خمینی دیروز در واشنگتن دست به راهپیمایی زده و عهد کردند که رژیم (خمینی) را در ایران سرنگون کنند. راهپیمایی توسط هواداران مسعود رجوی، رهبر مقاومت ایران که در عراق زندگی می‌کند، سازماندهی شده بود. عراق نزدیک به هفت سال است با ایران در جنگ بسر می‌برد. بعضی از تظاهرکنندگان پلاکاردهایی حمل می‌کردند که به افشاکاری‌های اخیر مبنی بر اینکه ایالات متحده مخفیانه به رژیم خمینی در ایران سلاح می‌فرستاده تا گروگان‌های آمریکایی را در لبنان آزاد نماید، اشاره داشت.

سخنرانی‌اش به ایرانیانی که در جنگ برعلیه رژیم‌های خمینی و شاه متوفی ایران کشته شده‌اند درود فرستاد. عزیز رضایی بدون حرکت و کمی خم شده بر روی میکروفن با سر پوشیده توسط روسری سنتی ایستاد. او در مورد کشته شدن سه پسر و دو دخترش توسط شکنجه‌ی ساواک و یا جنگ مسلحانه با نیروهای امنیتی رژیم‌های شاه و خمینی، صحبت کرد. آنگاه جمعیت در مسیر خیابان کننتیکت بسوی میدان

The Washington Post

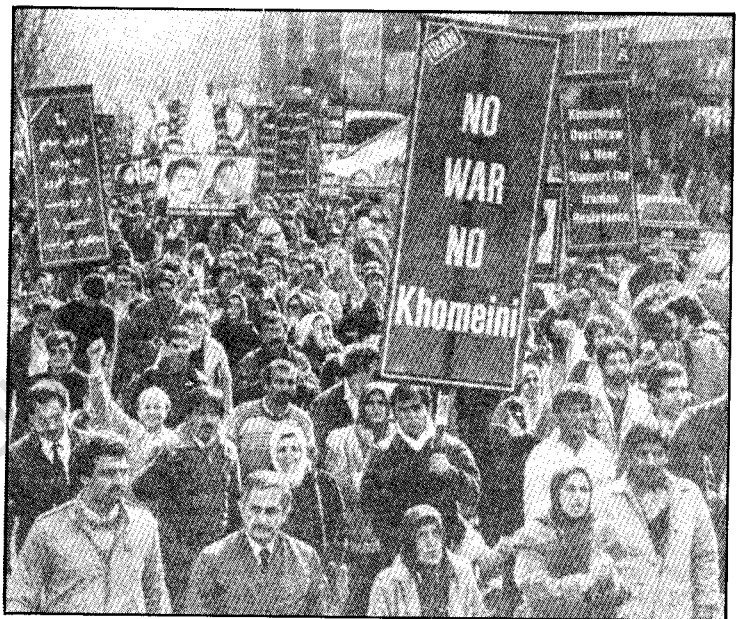
واشنگتن پست - آمریکا

۷ فوریه/۸۷

Iranians Protest in Lafayette Park
Against Khomeini, Arms Sale Decision

ایرانیان در پارک لافایت علیه خمینی

و تصمیم فروش سلاح اعتراض می‌کنند



تظاهرکنندگان ایرانی در خیابان کننتیکت در مسیرشان بطرف دوپانت‌سیرگل بعد از تجمع در پارک لافایت، راهپیمایی می‌کنند.

ایرانیان روز گذشته در مرکز واشنگتن طی راهپیمایی‌شان با شعارهای خود علیه رژیم ایران و تصمیم ایالات متحده برای فراهم کردن سلاح به او اعتراض نمودند. ایرانیان، اغلب دانشجویان و متخصصی که در دهه‌ی ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به آمریکا آمده‌اند، برای یک تظاهرات سالانه در یادبود دو رهبر شهید جنبش ایرانی که در جنگ با رژیم آیت‌الله روح‌الله خمینی است، در پارک لافایت گرد آمده بودند. بنا به گزارشات خبرگزاری‌ها تظاهرات مشابهی توسط گروه اپوزیسیون مجاهدین خلق در پایتخت‌های متعددی در سرتاسر آسیا و اروپا برگزار گردید. در پارک، بلندگوها پیام‌های رهبر گروه، مسعود رجوی را که مستقر در عراق است با صدای بلند به فارسی پخش کردند. جمعیت با تکان دادن پرچم‌ها و شعارهایی که خیلی تمیز نوشته شده بود پاسخ می‌دادند "مرگ بر خمینی". تظاهرات خاطره‌ی همسر رجوی، اشرف، و معاونش موسی خیابانی را که پنج سال پیش در حمله‌ی پاسداران به خانه‌شان در تهران کشته شده بودند را گرامی داشت. در یک نقطه خانمی مسن و کوتاه‌قد که دخترش در همان هجوم کشته شده در

انعکاس بسیار گسترده تظاهرات جهانی و بیسابقه گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین در رسانه های خبری جهان

the **SUN**
Saturday

ستردی سان - آمریکا

۷ فوریه / ۸۷

اعتراض به ترور در ایران



دیروز طی یک تظاهرات ضدخمینی در سالن شهرداری، تظاهرکنندگان به شکل آیت الله خمینی لباس پوشیدند و افراد مسلح او تظاهر به شلاق زدن به یک زندانی کردند. این تجمع یکی از ۱۷ [تظاهرات] ایرانی ها در سراسر دنیا بمنظور اعتراض به شکنجه و کشتار از طریق ترور در وطنشان بود.

اکتوتلت - دانمارک

۷ فوریه / ۸۷

aktuel
Khomeinys ofre

قربانیان خمینی



ایرانی خارج از کشور در اسکاندیناوی (هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران) بود. جمعه پنجمین سالگرد کشته شدن ۲ تن از رهبران مقاومت ایران بود.

علیرغم هوای بارانی ایرانی ها پیش از ظهر دیروز بر علیه حکومت ملاها در ایران تظاهرات کردند. ابتکار تشکیل این تظاهرات از طرف اتحادیه دانشجویان مسلمان

THE CHRISTIAN SCIENCE MONITOR

گريستين ساينس مانيتور - آمریکا

۱۲ فوریه / ۸۷

People's Mojahedin pushes
campaign against Khomeini

مجاهدین خلق فعالیت

علیه خمینی را پیش می برند

امور خارجه ایالات متحده را رد می کنیم. آقای صفوی اظهار می دارد که موضعگیری ایالات متحده علیه مجاهدین تحت تاثیر تلاش های واشنگتن برای برقراری روابط مجدد با تهران صورت گرفته است. او می گوید رژیم خمینی ایزولاسیون بین المللی مجاهدین را پیش شرطی برای روابط بهتر با کشورهای غربی قرار داده است... تحلیل گران می گویند که امروز این گروه یقیناً علنی ترین و سازمان یافته ترین گروه تبعیدی است که علیه خمینی تلاش می کند. علاوه بر سازماندهی در بین تبعیدی هایی که در کشورهای غربی هستند، این گروه یک نیروی چریکی که در داخل ایران می جنگد را اداره می کند...

فعالترین گروه تبعیدی ایرانی در غرب تلاش هایشان را برای بدست آوردن پشتیبانی مردم و تاثیر روی آنها تشدید می کند...

وزارت امور خارجه ایالات متحده که آنها را متهم به "یکار بردن تروریسم و خشونت بعنوان روش های معمول" می کند، شدیداً این گروه را مورد انتقاد قرار داده است. مخصوصاً این گروه را متهم به دست داشتن در گرفتن گروگان های آمریکایی در سال ۱۹۷۹ در سفارت ایالات متحده در تهران و همچنین کشتن ۶ آمریکایی در ایران قبل از انقلاب می کند...

علی صفوی، سخنگوی مجاهدین در واشنگتن می گوید "ما سعی در مخفی کردن این حقیقت که با پشتیبانی ایالات متحده از شاه مخالف بودیم، نمی کنیم. اما ما اتهامات وارد شده توسط وزارت



العرب

۹ فوریه / ۸۷

شدن مبارز، موسی خیابانی و ۱۸ مبارز دیگر بدست پاسداران خمینی براه افتاد. شرکت کنندگان در تظاهرات، از کشورهای جهان خواستند که صدور سلاح به رژیم خمینی را متوقف سازند، زیرا که ارسال سلاح به ادامه جنگ ایران و عراق کمک می کند و قدرت رژیم را در سرکوب مخالفین و اقدامات غیرانسانی، افزایش می دهد.

لندن - مهاجرین ایرانی مخالف رژیم خمینی تظاهراتی را در لندن برگزار نمودند. آنها در این تظاهرات پلاکاردهایی حمل می کردند که به خواست هایشان مبنی بر سرنگونی خمینی و حمایتشان از آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ایران، تاکید می نمود. همزمان تظاهرات مشابهی نیز در ۱۶ کشور جهان بمناسبت پنجمین سالگرد کشته

انعکاس بسیار گسترده تظاهرات جهانی و بیسابقه گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین در رسانه های خبری جهان

یونایتد پرس - آمریکا

۶ فوریه ۸۷



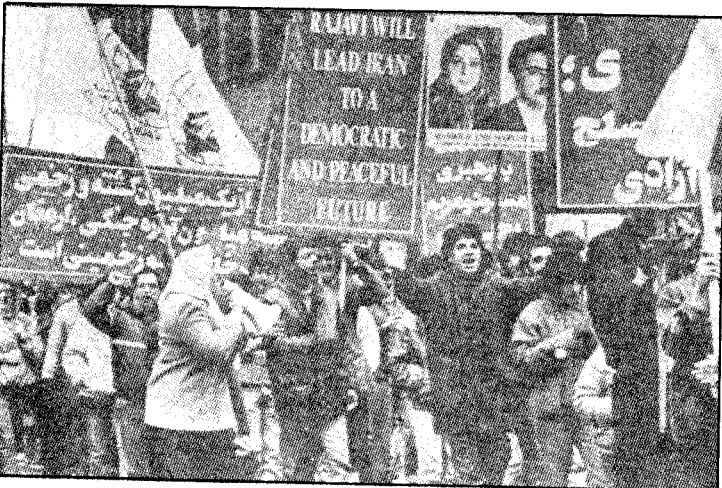
مسئولین گفتند که این تظاهرات، همزمان با تظاهرات مشابهی در بن، آلمان غربی، و جاهای دیگر برگزار شد و برای بزرگداشت پنجمین سالگرد کشتار ۲۰ رهبر جنبش مقاومت مجاهدین در تهران برگزار شده است.

لندن (یونایتد پرس) - صدها تظاهرکننده که شعار می دادند "مرگ بر خمینی" روز جمعه در بخش مرکزی لندن برای اعتراض به فراهم نمودن سلاح توسط ایالات متحده برای ایران راهپیمایی کردند.

THE OTTAWA
Citizen

اتاوا سیتی زن - کانادا

۷ فوریه ۸۷



ایرانی هایی از سراسر انگلستان روز جمعه در لندن علیه خمینی تظاهرات می کنند

Chicago Tribune

شیکاگو تریبیون - آمریکا

۸ فوریه ۸۷

Iranian exiles march to an uncertain tune

تبعیدی های ایرانی
با آهنگی نامشخص راهپیمایی می کنند

تروریست ها و عوامل ضد انقلاب را جا می دهد و حمایت می کند. او به این مسئله بعنوان یکی از موانع در بهبود روابط دو کشور استناد کرد... مقامات ایالات متحده گفتند دلیلی ندارد علیه تبعیدیان ایرانی تا زمانیکه دست در تروریسم یا فعالیت های غیرقانونی دیگر در این مملکت ندارند اقدامی صورت بگیرد. رجوی که بعد از انقلاب ۱۹۷۹ توسط ملاهای بنیادگرا کنار زده شد به تبعید در فرانسه پرواز کرد و یک موج خشونت علیه خمینی را در ایران هدایت نمود.

علی صفوی، یک سخنگوی این سازمان در ایالات متحده، گفت: "مجاهدین به حمله و از بین بردن آنهایی که مستقیماً مسئول اعدام و شکنجه می باشند ادامه خواهند داد." [سازمان] مجاهدین ادعا می کند که ۵۰,۰۰۰ نفر از پیروانش کشته و ۱۵۰,۰۰۰ نفر آنها توسط رژیم خمینی زندانی شده اند.

رجوی به همراه همسر سومش، مریم، که او را به رهبری مشترک جنبش ارتقاء داد، موفقیت چشمگیری در جلب حمایت کشورهای اروپایی و دیگر ملل داشته اند. او خواستار پایان بخشیدن به جنگ خونین ایران و عراق شده و قول داده است اگر او قدرت را در تهران بدست بگیرد در ظرف ۶ ماه انتخابات برگزار شود...

در داخل ایران پیروان مسعود رجوی رهبر مقاومت تبعیدی، در مبارزه شان برای سرنگونی حکومت مذهبی آیت الله روح الله خمینی درگیر یک جنگ چریکی شهری هستند. نهادهای رژیم را بمب گذاری می کنند و مقامات مهم و برجسته سیاسی و مذهبی را با مسلسل می زنند.

در خارج از ایران، هواداران رجوی دست اندرکار یک نوع دیگری از مبارزه هستند. یک فعالیت پرسروصدا، بخوبی سازمان یافته و بلحاظ روابط عمومی بخوبی تأمین شده، بمنظور جا انداختن رهبرشان در دید جهانیان، بعنوان جانشین رهبری در ایران بعد از خمینی...

آنها راهپیمایی هایی را سازمان می دهند، پوسترهایی به نمایش می گذارند و در سر چهارراه های خیابان های بیشتر شهرهای ایالات متحده آکسیون هایی برپا می کنند...

تابستان گذشته، فرانسه رجوی و تعداد زیادی از پیروانش را مجبور به ترک ستادشان در بیرون پاریس کرد. دولت به امید کمک گرفتن در آزادی گروگان های فرانسوی در لبنان با ایران رابطه برقرار کرد... دولت ایران از

ایالات متحده می خواهد که همان کارت را بازی کند. هاشمی رفسنجانی، سخنگوی پارلمان ایران به خبرنگارانی که ۱۰ روز پیش از تهران دیدار کردند گله کرد که "ایالات متحده

انعکاس بسیار گسترده تظاهرات جهانی و بیسابقه گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین در رسانه های خبری جهان

هت پرول - هلند
۸۷/فوریه/۷

HET PAROOL

Anti-Khomeiny-betogingen in Amsterdam
تظاهرات ضد خمینی در آمستردام



مجاهدین خلق که در ۸/فوریه/۱۹۸۲ در تهران بدست پاسداران خمینی کشته شده اند، انجام می گیرند. تظاهرکنندگان اکثراً تبعیدیان ایرانی بودند که تصاویر مبارزین بقتل رسیده را با خود حمل کرده و شعارهایی مانند مرگ بر خمینی و ما پیروز می شویم، می دادند.

در شهرهای مختلف از جمله واشنگتن، لندن، دهلی نو و آمستردام - عکس بالا در میدان دام آمستردام - مخالفین خمینی دیروز تظاهرات (آکسیون های اعتراضی) برپا کردند. این نوع تظاهرات همه ساله در اوایل فوریه بخاطر گرامیداشت ۲۰ نفر از نیروهای مقاومت جنبش اسلامی

لوئسر نر نویسته ناخريشتن - سوئیس
۸۷/فوریه/۷

Luzerner Neue Nachrichten

اعتراض بر علیه رژیم خمینی

عکس آسوشیتدپرس



Protest gegen das Chomeini-Regime

Mit einer Demonstration auf dem Berner Waisenhausplatz hat die «Iranische Mehrheitspartei El-Amnion Vereinigung Schweiz» zum «Sturz des kriegtretelberischen und repressiven Chomeini-Regimes» aufgerufen. Die Sympathisanten der gegen das Chomeini-Regime kämpfenden Oppositionsgruppen «Iranianen» haben die «Islamische Republik» Waffensanktionen an den Iran und ein weltweites Waffenembargo gegen den Staat, der am Golfkrieg beteiligt

گروه اپوزیسیون، که بر علیه رژیم خمینی می جنگند خواستار قطع هرگونه ارسال سلاح به ایران و تحریم بین المللی سلاح در این رابطه شدند.

*

انجمن دانشجویان مسلمان ایران - سوئیس با برگزاری تظاهرات در میدان وایزن هاوس برن برای سرنگونی رژیم جنگ افروز و اختناق آفرین خمینی فراخوان داد. هواداران

حدود ۲۵۰ نفر ایرانی دیروز در میدان دام آمستردام بر علیه "جنگ طلبی رژیم خمینی" و برای صلح در آن کشور تظاهرات کردند. در ۱۷ کشور دیگر در سراسر دنیا تظاهرات مشابهی انجام شد. دلیل اصلی این تظاهرات، قتل ۲۰ نفر از مبارزین مجاهد در ۵ سال پیش توسط پاسداران خمینی بود. انجمن دانشجویان مسلمان هلند هر سال در این زمان تظاهرات یادبود برگزار می کند. بعد از اتمام گردهمایی در میدان دام، تظاهرکنندگان در حالیکه شعارهایی از قبیل "مرگ بر خمینی" می دادند در شهر تظاهرات کردند.



ان آرسی هلندز بلد - هلند

۸۷/فوریه/۷

NRC HANDELSBLAD

Demonstratie Iraniërs

tegen Khomeini

تظاهرات ایرانیان

بر علیه خمینی

اخبار... ورود ادعای سیاسی

شعار نویسی در تهران همچنان روبه افزایش است

هممیهنان ستمدیده و قهرمانان و بخصوص مردم مبارز تهران با نوشتن شعار مرگ بر خمینی- درود بر رجوی و شعارهایی بر علیه جنگ و سرکوب بطور چشمگیری مبارزات خود بر علیه رژیم خمینی را تشدید کرده و حمایت خود را از رهبر مقاومت ایران و مجاهدین خلق ایران را بیش از پیش ابراز می کنند.

گزارشات دریافتی از تهران در این زمینه حاکی است که شعار نویسی علیه جنگ و علیه دارودسته ی جنگ افروز خمینی در روزهای اخیر بویژه بر درودیوار و صندلی اتوبوس های شرکت واحد به نحو چشمگیری افزایش یافته و شعارهایی نظیر "مرگ بر خمینی- درود بر رجوی، و جنگ باید پایان پذیرد" بر بدنه و در داخل اتوبوس های مسیرهای نقاط مختلف تهران به چشم می خورد. بر اساس یکی از همین گزارشات، شعار نویسی در تهران طی روزهای اخیر آنقدر افزایش داشته که تنها در روز ۱۹ بهمن و تنها در یک توقفگاه شرکت واحد، یعنی توقفگاه شماره ۲ مادر، ۱۴ مورد شعار مرگ بر خمینی درود بر رجوی بر روی اتوبوس های شرکت واحد نوشته شده بود که توسط کارگزاران مزدور رژیم از روی اتوبوس های این شرکت پاک شده است.

حضور فعال مجاهدین مهمترین مشکل گریبانگیر رژیم خمینی

روزنامه ی سوئدی برلینسکه تیدنده مورخ ۲۲/ بهمن طی مقاله ای بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران، حضور فعال مقاومت مجاهدین علیه خمینی را مهمترین بحران در میان مجموعه ی بحران های گریبانگیر رژیم ضد بشری توصیف نمود.

این روزنامه می نویسد: "رژیم خمینی دچار مشکلات مستمر داخلی است و اول (آنها) مقاومت و مبارزه ی جنبش مقاومت مجاهدین می باشد که روز بروز در حال گسترش بیشتری است."

برلینسکه تیدنده همچنین جنگ قدرت و بحران بی جانشینی خمینی پلید را در زمره ی بحران های مرگبار رژیم پوسیده و روبزوال خمینی بشمار آورده و می افزاید: "مجاهدین خلق عمیقاً از حمایت روز افزون مردم، برای سرنگونی حکومت آخوندها در ایران برخوردار می باشند. همان مردمی که رژیم خمینی را حکومت دیکتاتوری خونین و حاکمیت ترور می نامند."

روزنامه ایتالیایی ایل پوپولو:

مجاهدین، تبلور تمامی مقاومت ایران

روزنامه ی ایل پوپولو، ارگان حزب دمکرات مسیحی ایتالیا، در شماره ی مورخ ۲۲/ بهمن طی مقاله ای بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران، به سیاست سرکوبگرانه و ضد مردمی دجال پابگور جماران پرداخته و می نویسد: "۸ سال قبل در این روزها، پیروزی باشکوه انقلاب بوقوع پیوست، اما در حال حاضر، رژیم خمینی با انحصار طلبی مطلق، بار دیگر سرکوب افسار گسیخته و بیرحمانه ی را حاکم کرده است... و اکنون پس از گذشت ۸ سال، رژیم خمینی در شدیدترین انزوای داخلی و بین المللی قرار گرفته و از ۵۰ هزار شهید و ۱۴۰ هزار زندانی سیاسی سخن گفته می شود. امروزه مقاومت ایران (علیه رژیم خمینی) تمام قدرت خود را در مجاهدین می بیند."

پاسخ ایران پس از خمینی

پییر سالینجر خبرنگار برجسته ی آمریکایی و مشاور مطبوعاتی پیشین کاخ سفید، طی مصاحبه ای با کانال ۵ تلویزیون ایتالیا گفت: ایران کشوری است که تنها بعد از خمینی می تواند آینده ای داشته باشد. پییر سالینجر که روز ۱۹/ بهمن در برنامه ی تلویزیون ایتالیا بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران شرکت کرده بود، بازگشت بقایای دیکتاتوری منفور سلطنت و پس مانده های ارتجاع خمینی به ایران را منتفی دانست و گفت من آینده ای برای پسر شاه نمی بینم. او همین نظریه را در مورد عناصری چون بختیار، امینی، بنی صدر و مدنی داد و گفت برای آنها شانس نمی بینم.

کانال ۵ تلویزیون ایتالیا در همین برنامه، مصاحبه ای با برادر مجاهد حسین مهدوی عضو هیئت اجرایی سازمان مجاهدین خلق ایران و دبیر شورای ملی مقاومت بعمل آورد.

برادر مجاهد حسین مهدوی، در این مصاحبه با تأکید بر اینکه امروز بیش از هر زمان دیگر این واقعیت آشکار گردیده که رژیم خمینی در خود هیچ جانشینی ندارد گفت: "ایران آزاد و آباد فردا، هیچ پاسخی جز شورای ملی مقاومت و سازمان مجاهدین خلق ایران ندارد."

گزارشات هشدار دهنده درباره شکنجه توسط رژیم خمینی

روزنامه ی آفتون بلادت ۱۶/ بهمن چاپ سوئد، طی مقاله ای با اشاره به گزارشات ارائه شده در کمیسیون جاری حقوق بشر ملل متحد درباره ی شکنجه های قرون وسطایی رژیم خمینی می نویسد:

"همزمان با گزارش سازمان ملل، بزرگترین گروه مقاومت ایران - مجاهدین خلق - یک سند تکان دهنده در مورد شکنجه در زندان های ایران منتشر کردند. مجاهدین خلق، رژیم خمینی را متهم به حداقل ۶۴ روش مختلف شکنجه می کنند" آفتون بلادت سپس به شرح مواردی از شکنجه پرداخته و عکسی از "تابوت" یک از روش های افشاشده ی شکنجه چاپ نموده است. در پایان مقاله آمده است: مجاهدین خلق، اخیراً لیستی از نام نزدیک به ۴ هزار نفر از شکنجه گران رژیم را انتشار داده اند.

تلاش مذبحخانه کارگزاران رژیم

جهت جلوگیری از نشر اخبار مربوط به مجاهدین

در رسانه ها و خبرگزاری های بین المللی

انعکاس گسترده ی اخبار و گزارشات مربوط به تظاهرات دهها هزارتن از هموطنانمان در ۱۷ کشور جهان بمناسبت سالگرد عاشورای مجاهدین - حماسه ی اشرف و موسی - در رسانه ها و خبرگزاری های بین المللی و متعاقب آن انعکاس جهانی عملیات رزمندگان دلاور مجاهد خلق در شهرهای مختلف میهنمان که طی آن شماری از مهمترین مهره ها و عوامل جنگ و اختناق خمینی ضد بشر بهلاکت رسیده اند، رژیم درمانده ی خمینی و نمایندگان مزدورش در خارج کشور را به تلاش های مذبحخانه و عجز و التماس از دولت ها برای سانسور مطبوعات و رسانه ها وادار نموده است.

شایان توجه است که تلاش مذبحخانه ی کارگزاران خمینی در این زمینه با شکست مواجه شده و منجمله مقامات وزارت خارجه ی چند کشور اروپایی، رسماً به مزدوران سفارت خمینی گفته اند که درخواست آنها، یعنی اعمال کنترل جهت جلوگیری از نشر اخبار مربوط به مجاهدین را خارج از محدوده ی خود می دانند.

اخبار... و رویدادهای سیاسی

محکومیت روابط تسلیحاتی رژیم خمینی با اسرائیل و آمریکا توسط اتحادیه عمومی نویسندگان و خبرنگاران فلسطینی

خبرگزاری فرانسه ۲۱/ بهمن اعلام کرد:

"گنجره اتحادیه عمومی نویسندگان و خبرنگاران فلسطینی سه شنبه شب پس از تصویب قطعنامه‌ای به کار خود پایان داد. در این قطعنامه که به اتفاق آراء به تصویب رسید «روابط تسلیحاتی بین اسرائیل، ایران و ایالات متحده» محکوم گردیده است."

سرانجام میان‌روهای طرف معامله آمریکا شناسایی شدند!

بگزارش آسوشیتدپرس از واشنگتن ۲۰/ بهمن: دولت آمریکا پس از ماهها پافشاری بر اینکه با جناح‌های میان‌رو در ایران معامله کرده ادعاهای قبلی خود را پس گرفت و سخنگوی ریاست جمهوری آمریکا رسماً اعلام کرد؛ هدف ما برقراری رابطه با عناصر مطلوب برای آمریکا (یعنی خمینی و رفسنجانی) بود. حال شما می‌توانید آنها را هرچیز که می‌خواهید بنامید.

در همین رابطه روزنامه‌ی نیویورک تایمز مورخ ۲۰/ بهمن نیز بنقل از دستیاران جرج بوش معاون ریاست جمهوری آمریکا نوشت: تماس‌ها با عناصر افراطی و نه میان‌رو بوده است.

از طرف دیگر روزنامه‌ی واشنگتن پست ۱۹/ بهمن نیز گزارشی از متن سند بسیار محرمانه‌ی مذاکرات آمیرام‌نیر مشاور امنیتی نخست‌وزیر اسرائیل با جرج بوش معاون رئیس جمهور آمریکا را بچاپ رساند که در آن آمیرام‌نیر گفته است: ما با افراطی‌ترین عوامل در حکومت ایران در حال معامله هستیم نه کسان دیگر، چون ما فهمیده‌ایم که آنها هستند که می‌توانند کاری انجام بدهند. مشاور نخست‌وزیر اسرائیل می‌افزاید: نخست‌وزیر حکومت ایران حسین موسوی یکی از این افراد طرف معامله بوده است که ملاقاتی در فوریه ۱۹۸۶ با او صورت گرفته است.

اعترافات واسطه

معاملات پنهانی رژیم خمینی با آمریکا

روزنامه‌ی واشنگتن پست ۱۸/ بهمن در مقاله‌ی پیرامون روابط پنهانی و معاملات تسلیحاتی رژیم خمینی با آمریکا و اسرائیل و برخی واسطه‌های این معاملات می‌نویسد:

قربانی فر می‌گوید؛ رابط او در تهران حسین موسوی نخست‌وزیر بوده و او با منتظری نیز ارتباط نزدیک داشته است.

به نوشته‌ی واشنگتن پست، هدف اصلی معامله‌ی تسلیحاتی مخفیانه‌ی آمریکا و اسرائیل با رژیم خمینی، تلاش برای قدرت در درون حکومت ایران بوده است.

در ادامه‌ی مقاله‌ی روزنامه‌ی واشنگتن پست آمده است: قربانی فر می‌گوید پس از اینکه (سران حکومت) ایران فهمیدند برای ۵۰۰ عدد موشک تاو ۵ برابر از آنها پول گرفته شده است خواستار پس‌گرفتن پول خود شدند اما در مقابل، سرهنگ اولیور نورث از بازپرداخت پول خودداری کرد و گفت: بجای آن ۱۰۰۰ موشک تاو "هدیه" خواهیم داد و وسایل یدکی مورد نیاز را ماه مه خواهیم فرستاد.

درخواست رفسنجانی از آمریکا

روزنامه‌ی شیکاگو تریبیون (آمریکا) مورخ ۱۹/ بهمن نوشت: "تابستان گذشته، فرانسه، رجوی و تعداد زیادی از پیروانش را مجبور به ترک ستادشان در حومه‌ی پاریس کرد. دولت فرانسه به امید کمک گرفتن از ایران برای آزادی گروگان‌های فرانسوی در لبنان با ایران رابطه برقرار کرد. و از جمله به حل اختلافات در مورد یک میلیارد دلار بازپرداخت وام فرانسه پرداخت.

دو گروگان فرانسوی متعاقباً آزاد شدند و فرانسوی‌ها به محدود کردن تظاهرات آن دسته از هواداران مجاهدین که بجای پیوستن به رجوی در عراق، هنوز در فرانسه باقی مانده‌اند، ادامه داده است. دولت ایران از ایالات متحده می‌خواهد که همان کارت را بازی کند. هاشمی رفسنجانی... به خبرنگارانی که ۱۰ روز پیش از تهران دیدار کردند گله کرد که «ایالات متحده تروریست‌ها و عوامل ضدانقلاب را جا می‌دهد و حمایت می‌کند» او به این مسئله بعنوان یکی از موانع در بهبود روابط دو کشور استناد کرد."

این روزنامه در ادامه افزوده است: "مقامات ایالات متحده گفتند دلیلی ندارد که علیه مخالفین تبعیدی رژیم ایران تا زمانی که دست در تروریسم یا فعالیت‌های غیرقانونی دیگر در این مملکت ندارند اقدامی صورت بگیرد."

یک پرده از خیمه شب‌بازی دجالان

خبرگزاری یونایتد پرس ۲۰/ بهمن، بنقل از جرالد سایب خبرنگار آمریکایی که اخیراً رژیم رسوای خمینی به اتهام جاسوسی برای اسرائیل او را دستگیر کرده و بدنبال اخطار آمریکا بفاصله‌ی کوتاهی وی را آزاد کرد نوشت: به من هیچگاه گفته نشد که از ایران اخراج شده و یا نمی‌توانم به ایران بازگردم.

روزنامه‌ی وال استریت ژورنال که جرالد سایب برای آن خبر و گزارش تهیه می‌کند نیز در شماره‌ی دوشنبه بیستم بهمن‌ماه خود در اینباره نوشت:

مقامات امنیتی حکومت خمینی هرگز جرالد سایب را به جرمی متهم نکردند و به او نیز گفته نشد که از ایران اخراج شده و یا نمی‌تواند به ایران بازگردد. علاوه بر این یکی از بازجویان هنگام آزادکردن وی کارت ویزیتش را خواسته و گفته است امیدوارم باز هم تو را در ایران ببینم اما نه در زندان. و پس از آن با یکدیگر دست دادند.

رژیم رسوای خمینی علیرغم جاروجنجال‌های تبلیغاتی اولیه علیه خبرنگار مذکور، بدنبال اشارات مخفی و آشکار آمریکا با وحشت‌زدگی و بفاصله‌ی کوتاهی وی را از زندان آزاد کرد.

رژیم خمینی همچنین علیرغم اظهارات جرالد سایب مدعی شده بود که او را اخراج کرده و برای همیشه از ورود به ایران محروم خواهد بود.

جرالد سایب پس از رفع بازداشت گفت که ۲ هفته‌ی پیش بدعوت رژیم خمینی به ایران رفته بود.

اخبار... ورود ادعای سیاسی

سفر مقامات آمریکایی به ایران پیش از سفر مخفیانه مک‌فارلن

روزنامه‌ی ایندیپندنت چاپ انگلستان (۲۰/بهمن) طی مقاله‌ی فاش ساخت که یک شرکت هوایی که در ارتباط نزدیک با سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا (سیا) می‌باشد، در فروردین‌ماه سال جاری یک محموله‌ی سلاح را برای رژیم خمینی بطور مخفیانه به ایران حمل کرده است.

این محموله سلاح توسط یک بوئینگ ۷۰۷ باربری از یک پایگاه هوایی آمریکا به آلمان غربی، از آنجا به تل‌آویو و سپس به تهران منتقل گردید.

این روزنامه می‌افزاید که شرکت هوایی مزبور طی یک پرواز دیگر که با فاصله‌ی کمی از پرواز اول انجام شد و پیش از مسافرت مخفیانه‌ی مک‌فارلن، تعدادی از مقامات رسمی و بلندپایه‌ی آمریکا را به ایران برده است.

کمک اسرائیل به برقراری تماس میان مقامات آمریکایی و رژیم خمینی

آبایان رئیس کمیسیون تحقیق پارلمان اسرائیل، درباره‌ی ماجرای رسوایی‌آور فروش اسلحه و تجهیزات نظامی توسط اسرائیل به رژیم خمینی، گفت که اسرائیل به برقراری تماس میان واشنگتن با افراطیون رژیم خمینی یعنی سردمداران اصلی رژیم کمک کرده است. این موضوع که آبایان نیز آنرا تأیید می‌کند با انتشار سند بسیار محرمانه‌ی مذاکرات جرج بوش معاون رئیس‌جمهور آمریکا و آمیرام‌نیر مشاور نخست‌وزیر اسرائیل توسط روزنامه‌ی واشنگتن‌پست (۲۲/بهمن) افشا گردید.

آبایان که در عین حال ریاست کمیسیون روابط خارجی پارلمان اسرائیل را برعهده دارد افزود: "اما این چیز تازه و یا منفی‌ای نبود... اسرائیل از زمانی که خمینی بقدرت رسیده برای برقراری اولین تماس‌ها میان مقامات واشنگتن و حکومت ایران کمک کرده است و من چیز بدی در این ماجرا نمی‌بینم."

کشتی حامل سلاح برای رژیم خمینی توسط دولت آلمان غربی متوقف گردید

بر اثر اعتراض سندیکاهای حمل‌ونقل در آلمان، دولت آلمان غربی از حرکت یک کشتی باری حامل سلاح و مهمات قاچاق برای رژیم خمینی جلوگیری کرده است.

کشتی مزبور که "گرتل" نام دارد و دارای ۴۳۰۰ تن ظرفیت می‌باشد هفدهم بهمن‌ماه جاری از بندر "ستوبال" در پرتغال، مهمات و ساژوبرگ نظامی و از جمله موشک‌های زمین به هوا برای رژیم

جنگافروز خمینی بارگیری کرد و بطرف بندرعباس به حرکت درآمد. خبرگزاری فرانسه می‌گوید: روز شنبه (بیست‌وپنجم دیماه) دولت بن به کشتی "گرتل" دستور داد که به سمت یک بندر از کشورهای جامعه‌ی اروپا برگردد، تا مشخص شود که آیا بدون اجازه اقدام به حمل مهمات و اسلحه به مقصد ایران کرده یا نه.

بر اساس این گزارش، ممانعت از حرکت کشتی حامل تجهیزات جنگی برای رژیم خمینی توسط دولت آلمان غربی، بر اثر اعتراضات سندیکای حمل‌ونقل و سرویس‌های آلمان صورت گرفته است. سندیکای مزبور با توجه به خطراتی که متوجه ملوانان آلمانی است خواستار شده بود که از حرکت این کشتی در دریا به سمت بندرعباس جلوگیری گردد.

طی یک فیلم کم‌دی در تلویزیون آلمان خمینی دجال مورد استهزاء قرار گرفت

بنا به گزارش خبرگزاری رویتر، شب یکشنبه ۲۶/بهمن، تلویزیون سراسری آلمان در یکی از پربیننده‌ترین برنامه‌های خود با پخش یک فیلم کم‌دی، دجال جنگافروز جماران را به باد استهزاء گرفت. تلویزیون سراسری آلمان که برای نخستین بار یک چهره‌ی خارجی را در این برنامه مورد استهزاء قرار می‌دهد، ضمن پخش صحنه‌های مستندی از خمینی در هشتمین سالگرد حاکمیت ننگین‌اش، بلافاصله یک فیلم کم‌دی که در مورد وی تهیه کرده بود را نشان داد. رسوایی و آبروباختگی خمینی در این فیلم کم‌دی بحدی بود که رژیم خمینی در واکنش زبونانه نسبت به پخش آن، کلیه‌ی پروازهای هواپیمایی ایران از آلمان را تا اطلاع ثانوی لغو کرد و دفاتر هواپیمایی رژیم در آلمان را نیز تا اطلاع ثانوی تعطیل نمود.

نمایش ثبات اقتصادی در عین اعتراف به ورشکستگی!

رئیس‌کل مزدور بانک مرکزی رژیم خمینی، طی مصاحبه‌ای با خبرنگاران خارجی در روز ۱۹/بهمن اعتراف کرد که: درآمد‌های ارزی رژیم طی سال جاری حدود ۶۰ درصد کاهش داشته است. در این رابطه رفسنجانی خائن، اوایل دیماه گذشته به ۷۵ درصد کاهش درآمد‌های ارزی اعتراف کرده و گفته بود بودجه‌ی کشور از محل درآمد نفت یک‌چهارم بودجه‌ی پیش‌بینی شده است.

رئیس خودفروخته‌ی بانک مرکزی رژیم، در عین حال در تلاش مذبحانه برای باصطلاح "نمایش ثبات" اقتصادی رژیم ورشکسته‌ی خمینی مدعی شد که علیرغم کمبود درآمد‌های ارزی، تعادل اقتصادی رژیم پابرجاست. وی در همین رابطه دجالگرانه گفت: سپرده‌های مردم در بانک‌ها در پایان سال ۶۴ نسبت به پایان سال ۶۳ حدود ۳۳٪ افزایش داشته است.

درحالی‌که بنا به گزارشات متعدد، در نتیجه‌ی چاپ اسکناس بدون پشتوانه توسط رژیم خمینی که به کاهش مستمر ارزش "ریال" و کاهش قدرت خرید مردم انجامیده، بسیاری از افراد، اندوخته‌های خود را از بانک‌ها خارج نموده و با آن طلا و دیگر اشیایی که از قیمت آنها کاسته نمی‌شود خریداری کرده‌اند.

رئیس بانک مرکزی رژیم خمینی در پایان مصاحبه‌ی مطبوعاتی خود ضمن اشاره‌ی تلویحی به اخذی از مردم و افزایش هرچه‌بیشتر مالیات‌ها گفت: "ما در مواقع فشار و کمبود درآمد، به مردم روی می‌آوریم و آنها ما را در این زمینه یاری می‌کنند."

اخبار ...

رویدادهای سیاسی

اشغال بصره ضروری نیست!!!

این تازه‌ترین نظریه‌ی رفسنجانی وقیح و جنایتکار است که طی مصاحبه‌ای با نشریه‌ی فرانسوی‌زبان "آفریقای جوان" اعلام کرده است. درحالیکه رژیم خمینی تمامی تلاش تجاوزکارانه‌ی جنگی خود بخصوص تهاجمات شکست‌خورده‌ی اخیر را به بهای ۱۵۰ هزار تلفات با هدف تصرف بصره انجام داده و با شکست مواجه شده است، خبرگزاری فرانسه (۲۲/بهمن) گزارش داد که رفسنجانی در مصاحبه‌ی خود که قرار است در شماره‌ی آینده‌ی آفریقای جوان منتشر شود گفته است: "اشغال بصره بلحاظ نظامی ضروری نیست (زیرا) خرابی‌های زیادی ببار خواهد آورد"

یک‌کشته برای هریک متر مربع

روزنامه‌ی واشنگتن‌پست مورخ ۱۹/بهمن، طی گزارشی درباره‌ی تهاجمات تجاوزکارانه‌ی اخیر رژیم خمینی به خاک عراق و شکست آن نوشته است:

"خطر موجود برای ایران در مورد این تهاجم زمستانی این است که ظاهراً ایران تمامی امکانات خود را برای بدست آوردن یک پیروزی نظامی بکار گرفته است اما تاکنون... در نفوذ و حفظ بیش از چند مایل مربع از خاک عراق آنهم با بهایی گزاف بلحاظ مادی و انسانی موفق نبوده است"

"طبق محاسبات یک تحلیل‌گر، «ایران برای هر یک متر مربع یک سرباز» قربانی کرده است"

واشنگتن‌پست در قسمت دیگری از این مقاله آورده است: "مطابق گفته‌ی تحلیل‌گران نظامی، ضدحملات ارتش عراق هفته‌ی گذشته نیروهای ایرانی را در چند موضع درست در شرق بصره تارومار کردند... تحلیل‌گران نظامی غربی ضدحمله‌ی عراق را که یک هفته قبل شروع شد و تارومارکردن مهاجمین ایرانی از سواحل غربی دریاچه‌ی ماهی... را به‌مراه داشت موفق دانستند. مطابق گزارشات، نیروهای عراقی همچنین جریان حرکت نیروهای ایرانی که راهشان را در غرب سواحل آبراه شط‌العرب در طی دو هفته‌ی اول این تهاجم باز می‌کردند برگرداندند."

اسرائیل در بهشت جنگ ایران و عراق

به نوشته‌ی روزنامه‌ی القیس مورخ ۱۷/بهمن، اسحاق رابین وزیر دفاع اسرائیل طی یک مصاحبه‌ی تلویزیونی گفت: بدلیل ادامه‌ی جنگ ایران و عراق، اسرائیل می‌تواند نیرو و تجهیزات ارتش خود را کاهش دهد.

در همین حال روزنامه‌ی العمل چاپ تونس مورخ ۱۵/بهمن بنقل از نماینده‌ی جامعه‌ی عرب در سازمان ملل نوشت: بهبود روابط تل‌آویو-واشنگتن، به اسرائیل این امکان را داد که جنگ ایران و عراق را بیش از پیش شعله‌ور سازد و همچنین در منازعات میان اعراب و اسرائیل نیز سرسختی بیشتری نشان دهد. وی همچنین ضمن ابراز نگرانی از معاملات سلاح آمریکا با رژیم خمینی گفت که این سلاح‌ها رژیم را بر ادامه‌دادن هرچه بیشتر جنگ ویرانگر با عراق تشویق خواهد کرد.

دعوت به مرگ و ویرانی و آوارگی

درحالیکه پیرکفتار خون‌آشام جماران و دیگر سردمداران رژیم با صرف صدها و هزارها میلیون دلار، در پشت انواع دژها و پناهگاهها خزیده‌اند، کارگزاران تبلیغاتی رژیم ضمن استقبال از جنگ فاجعه‌بار شهرها، وقیحانه از مردم بی‌دفاع و بی‌پناه شهرها می‌خواهند که آماده‌ی مصائب و مشکلات باز هم بیشتری باشند. ننگین‌نامه‌ی جمهوری ۱۹/بهمن درباره‌ی جنگ شهرها که در پی تهاجمات تجاوزکارانه‌ی اخیر خمینی بنحو بی‌سابقه‌ی شدت یافته نوشت: "هر یک از اعضای خانواده و افرادی که به عللی نتوانسته‌اند در جبهه‌ها حضور یابند در موقع قرار گرفتن در داخل کانال‌ها و پناهگاهها برای چند دقیقه‌ای خود را در حال و هوای جبهه احساس می‌کنند... هنوز چهره‌ی بیشتر شهرهای ما رنگ و بوی جبهه را بخود نگرفته و ما نباید به مسئله‌ی جنگ بعنوان یک برنامه‌ی کوتاه‌مدت نگاه کنیم."

ننگین‌نامه‌ی جمهوری سپس خواهان جلوگیری از اعتراضات مردمی علیه جنگ توسط مزدوران سرکوبگر رژیم و مانعیت از خروج مردم از شهرها شده و می‌نویسد:

"باید شرایطی را از نظر فیزیکی و روانی ایجاد کنیم که مردم در شهرها بمانند."

هفته‌ی گذشته نیز آخوند جنتی امام‌جمعه‌ی جنایتکار قم، بی‌اعتنا به جان و هستی و رنج و مصیبت مردم بی‌پناه میهنمان علناً و با وقاحت و بی‌شرمی تمام گفت: شما به این نگاه نکنید که چند خانه و مغازه خراب می‌شود و یک عده‌ای کشته و مجروح و معلول می‌شوند. او سپس افزود که: باید تن به قضا داد!

تازه‌ترین ادعاهای ملیجک درباره‌ی خمینی

رفسنجانی جنایتکار روز ۲۲/بهمن طی سخنانی برای باصطلاح "میهمانان خارجی" دهه‌ی فجر مدعی شد که اگر بخواهیم سپاهی با ۵۰۰ (هزار) یا یک‌میلیون نفر هم بسیج کنیم می‌توانیم. این حرف در شرایطی گفته می‌شود که بن‌بست بسیج نیرو و انزوای سیاست جنگ‌طلبی رژیم بر کسی پوشیده نیست.

ملیجک درباره‌ی خمینی، که دو هفته پیش از آن در نماز سراسر حرام جمعه‌ی تهران علناً خطاب به مردم ایران گفته بود اگر همگی ما هم گرسنه باشیم مسئله‌ای نیست، اکنون در این صحبت با وقاحت گفت: "ما اگر ۲۰۰ میلیون نفر هم جمعیت داشتیم، می‌توانستیم نیازهای آنها را تأمین کنیم." وی در مورد جنگ ضدمیهنی نیز بار دیگر خوی تجاوزکار و جنگ‌افروز رژیم خمینی را بدون اشاره به شکست‌های مفتضحانه و تلفات سرسام‌آور اخیر رژیم و ضمن رجزخوانی‌های مضحک بنمایش گذاشت و گفت: "ما هر منطقه از خاک عراق را که بگیریم پس نخواهیم داد ولی پس از پیروزی شهرهای عراق مثل شهرهای خود ماست."

ژنرال اسرائیلی در تهران

رادیو "صدای انقلاب فلسطین" در برنامه‌ی شنبه ۱۸/بهمن خود فاش ساخت که ژنرال آهارون یاریو، رئیس انستیتوی تحقیقات نظامی اسرائیل اخیراً از تهران دیدن کرده است. "صدای انقلاب فلسطین" ضمن اعلام این خبر بنقل از منابع دیپلماتیک غرب افزود: ژنرال اسرائیلی آهارون یاریو، قبلاً نیز بدعوت رئیس ستاد ارتش رژیم خمینی از ایران دیدن کرده بود و سفر اخیر وی به تهران برای رفع کمبودها و تأمین نیازهای تسلیحاتی رژیم جنگ‌افروز خمینی می‌باشد.

اخبار... رویدادهای سیاسی

تظاهرات دانش‌آموزان ماهشهر و سربندر علیه جنگ ضد میهنی

بنا به گزارشات رسیده، دانش‌آموزان مدارس بندر ماهشهر و سربندر در اعتراض به جنگ‌افروزی‌های رژیم خمینی که به ازسرگیری دور جدیدی از جنگ فاجعه‌بار شهرها نیز منجر گردید، به یک حرکت اعتراضی دست زدند.

در این حرکت اعتراضی که بدنبال بمباران هوایی بندر ماهشهر و سربندر صورت گرفت، دانش‌آموزان آگاه و مبارز شهرهای یادشده یک تظاهرات گسترده برپا کردند و ضمن دادن شعارهایی علیه ادامه‌ی جنگ خانمانسوز خمینی، از رفتن به مدارس و حضور در کلاس‌های درس خودداری نمودند.

گزارشات واصله حاکی است که دانش‌آموزان مدارس ماهشهر و سربندر در جریان تظاهرات اعتراضی خود علیه ادامه‌ی جنگ، خواستار تعطیلی مدارس تا توقف جنگ ضد میهنی خمینی گردیدند.

چرا خمینی

بحران‌های درون رژیمش را پرده‌پوشی می‌کند؟

به گزارش آسوشیتدپرس (۱۵/بهمن)، ویلیام کانت کارشناس بلندپایه‌ی امور ایران در انستیتوی تحقیقاتی بروکلینز، طی تحلیل و اظهارنظر در مورد مذاکرات و معاملات تسلیحاتی افشاده‌ی میان رژیم خمینی و آمریکا، به نقش فعال رفسنجانی در برقراری این روابط اشاره کرده و سپس می‌گوید: درحالیکه خمینی خود را در پشت صحنه نگاه می‌داشت ولی با موافقت و حمایت او بود که تماس با آمریکا جهت دریافت سلاح و تجهیزات نظامی انجام گرفت.

کارشناس انستیتوی تحقیقاتی بروکلینز اضافه می‌کند: مقامات دولتی معتقدند که خمینی به دو علت به پوشاندن اختلافات و تضادهای درونی رژیمش و نشان‌دادن وحدت سیاسی ظاهری نیاز دارد. یکی مشکل جنگ و بویژه تهاجمات فعلی‌اش می‌باشد. و مشکل دیگر رژیم خمینی شواهدی است مبنی بر اینکه مجاهدین فعالیت خود در داخل ایران را افزایش داده‌اند.

محلّه ایرانی‌ها در ترکیه

روزنامه‌ی فرانکفورتر آلتگماینه چاپ آلمان مورخ ۱۷/بهمن وضعیت ایرانیان بجان‌آمده که از حاکمیت جنگ و سرکوب خمینی فرار کرده و خود را به ترکیه رسانده‌اند را مورد بررسی قرار داده و مقاله‌ای تحت این عنوان نوشته است: "در تمام محلّه‌ی آکسارای ترکیه تقریباً فقط ایرانی‌ها زندگی می‌کنند."

در بخشی از این مقاله آمده است: ایرانیان اکثراً بخاطر دلایل سیاسی و یا فرار از جنگ و خدمت سربازی با پرداخت بهای سنگینی به ترکیه می‌آیند. سپس می‌افزاید: تخمین زده می‌شود از ایرانیانی که به ترکیه آمده‌اند حدود ۲۰۰ هزار نفر فقط در محلّه‌ی آکسارا (در استانبول) زندگی می‌کنند.

یادآوری می‌شود که چندی پیش خبرگزاری رویتر اعلام نمود که روزانه صدها ایرانی از طریق مرزهای زمینی وارد ترکیه می‌شوند، بطوریکه روزنامه‌ی ملیت چاپ ترکیه اخیراً تخمین زده است که بین ۶۰۰ هزار تا یک میلیون نفر ایرانی در ترکیه بسر می‌برند.

رژیم جنگ طلب خمینی در حضيض افلاس به دجالگری‌های رسوا علیه مجاهدین می‌پردازد

بدنبال تهاجم دلیرانه‌ی (روز چهارشنبه ۲۲/بهمن) رزمندگان مجاهد خلق به گله‌ای از مهره‌ها و مزدوران جنایتکار رژیم ضدبشری خمینی در مشهد، که به کشته‌شدن حداقل سه تن از جنایتکاران و از جمله آخوند صمدی و مجروح شدن بیش از ۵۰ تن از مهره‌ها و پاسداران محافظ آنها و از جمله سیدهادی خامنه‌ای برادر رئیس‌جمهور جنایتکار خمینی و عضو مجلس ضدخلقی و سرهنگ مظفری فرمانده‌ی خائن پایگاه هوایی مشهد انجامید، بار دیگر رژیم مفتضح و درمانده‌ی خمینی در سوزوگداز عاجزانه در مقابل دریافت ضربات کوبنده‌ی مقاومت، در برنامه‌ی اخبار رادیویی روز ۲۲/بهمن خود برای چندمین بار بگونه‌ای ابلهانه تقصیر ادامه‌ی جنگ فاجعه‌بار شهرها را به گردن مجاهدین انداخت. رادیوی دروغ‌پرداز ارتجاع طی همین گفتار ناچار از اعتراف به عملیات قهرمانانه‌ی مجاهدین در مشهد شد. عملیاتی که چون رعد بر فرق رژیم فرود آمد و بار دیگر تزلزل و پوسیدگی آنرا بنمایش گذاشت و موجی از هیجان و شادی را در میان مردم مشهد برانگیخت. لازم به یادآوری است که رژیم جنگ‌افروز خمینی که برای چندمین بار مجاهدین را مقصّر جنگ شهرها قلمداد می‌کند، چندی پیش نیز از دولت اتحاد شوروی بعنوان مقصر در بمباران شهرهای ایران یاد می‌کرد. اما چه کسی نمی‌داند که گناه ادامه‌ی جنگ و ادامه‌ی فجایع خانمانسوز آن اساساً بر عهده‌ی خمینی ضدبشر است که همچنان نعره‌ی جنگ جنگ اختناق سر می‌دهد. و چه کسی نمی‌داند که مجاهدین هرگونه بمباران مناطق مسکونی و مردم بی‌دفاع را محکوم کرده‌اند.

ادامه مبارزه تا آزادی ایران از چنگال خمینی

روزنامه‌ی سوئدی آریتت مورخ ۱۷/بهمن، طی مقاله‌ای در بررسی سیاست صلح مجاهدین، استقبال و حمایت فزاینده‌ی مردم ایران و منجمله سربازان و پرسنل میهن‌پرست از رهبر مقاومت ایران و مجاهدین را مورد تأکید قرار داده و منجمله می‌نویسد: "بسیاری از سربازان و حتی افسران نیز اخیراً جبهه‌ها را ترک کرده و به مجاهدین خلق پیوسته‌اند."

این روزنامه همچنین به معرفی سازمان و مرور تاریخچه‌ی زندگی پربرابر و انقلابی برادر مجاهد مسعود رجوی رهبر مقاومت ایران پرداخته و نوشته است: "مسعود رجوی در سال ۵۰ توسط پلیس مخفی شاه (ساواک) دستگیر گردید و ۸ سال پیش در آستانه‌ی سقوط رژیم شاه و پیروزی انقلاب از زندان آزاد گردید. اکنون مسعود رجوی تنها بازمانده‌ی گادر مرکزی اولیه‌ی مجاهدین خلق است که علیه خمینی مبارزه می‌کنند... امروزه مسعود رجوی در سطح بین‌المللی بعنوان رهبر مقاومت مردم ایران شناخته می‌شود. برای رجوی تا زمانی که ایران از زیر یوغ خمینی آزاد نشده و جنگ پایان نگرفته، مبارزه ادامه خواهد داشت."

اخبار... ورود اداهای سیاسی

بار دیگر بقیه‌درانی‌های
بخش فارسی B.B.C
برای رژیم ضدبشری خمینی

رژیم خمینی نومیدانه
بر روی طناب دار خود ساخته دست و پا می‌زند

بخش فارسی رادیوی B.B.C در ادامه‌ی سیاست گردانندگانش مبنی بر حمایت آشکار از رژیم ضدبشری خمینی و جنگ ضدمیهنی‌اش، در روز ۲۲/بهمن به آنچنان تبلیغ و یقه‌درانی برای نمایش رسوا و راهپیمایی شکست‌خورده‌ی خمینی پرداخت که در دروغ‌گویی بنفع رژیم خمینی گوی سبقت را از کارگزاران تبلیغاتی خود خمینی نیز ربود و این در شرایطی بود که رژیم خمینی در رادیوی خود، از اینکه رسانه‌های خبری جهان تبلیغات پوچش را جدی نمی‌گیرند و عملاً آن را افشا می‌کنند به سوزوگذاز پرداخته بود. بخش فارسی رادیو B.B.C در این برنامه با یکی از مزدوران اطلاعاتی ساواک خمینی بنام فریدون پزشکان بعنوان خبرنگار ایرانی که از تهران خبر و گزارش تهیه می‌کند به مصاحبه پرداخت.

مزدور ساواک خمینی از جمله نمایشات فضاحت‌بار رژیم در روز ۲۲ بهمن را "جشن‌های سالگرد انقلاب" که "بالای ۳ میلیون مردم" در آن شرکت کردند، توصیف کرد و این در حالی بود که حتی خود رژیم نیز علیرغم تمامی دجالگری‌هایش هنوز مدعی چنین رقم مضحکی نشده است. وی سپس اضافه کرد:

"مردم! درحالی‌که بالای سرشان هواپیماهای عراقی غرش می‌کردند در تظاهرات فریاد می‌زدند «جنگ جنگ تا پیروزی»." بخش فارسی رادیوی B.B.C سپس از مزدور طرف مصاحبه‌ی خود درباره‌ی جدیدترین بامبول تبلیغاتی رژیم برای قدرت‌نمایی کاذب و سرپوش‌گذاشتن به شکست و بن‌بست نظامی‌اش سؤال می‌کند و فریدون پزشکان، نیز ادعاهای رسوای رادیوی رژیم را که مطلقاً پایه و اساسی ندارد با آبتاب بعنوان خبر دست‌اول، از بخش فارسی رادیوی B.B.C تکرار کرده و می‌گوید:

"این عملیات نوعی عملیات پارتیزانی است که در عمق ۷۰ کیلومتری خاک عراق آغاز شده و همزمان با آغاز جشن‌های سالگرد انقلاب، بعنوان هدیه‌ای از طرف سربازان ایرانی به مردم ایران تلقی شد."

شایان ذکر است که بخش فارسی رادیو B.B.C که تبلیغات آن بطرز کاملاً رسوایی در خدمت رژیم ضدبشری خمینی و باندهای درونی آن تنظیم می‌شود، پیوسته مزدوران و عناصر ساواک خمینی نظیر جهانگیر بهروز و فریدون پزشکان را با عناوینی نظیر روزنامه‌نگار و یا خبرنگار باسابقه علم کرده و بصورت بی‌پرده به چوب‌زدن زیر بغل رژیم درحال فروپاشی دجال جماران می‌پردازد.

بقای حکومت خمینی

در گرو ادامه جنگ است

روزنامه‌ی کویتی القبس (۱۸/بهمن) طی مقاله‌ای که توسط سردبیر این روزنامه نوشته شده چنین اظهار نظر کرده که رژیم خمینی به یک دستاورد نظامی در جنگ با عراق نیاز مبرم دارد تا بتواند ادامه‌ی جنگ را توجیه کند.

سردبیر القبس سپس اضافه می‌کند: "رژیم عقیده دارد که ماندنش بر سر قدرت در گرو ادامه‌ی جنگ است... و شکست حمله‌ی اخیر ایران بر بصره نیز به این عوامل افزوده شده است."

روزنامه‌ی گاردین (۶/بهمن) طی مقاله‌ای با عنوان "شهر نیم‌میلیون داغدار" سیاست جنگ‌طلبانه و جنگ‌افروزمی جنایت‌بار و شکست‌خورده‌ی رژیم خمینی را مورد بررسی قرار داده است. در این مقاله با اشاره به شکست تهاجمات اخیر رژیم خمینی، گفته شده که این حملات نیز از لحاظ نظامی همانند حملات پیشین که بسیار بر روی آنها تبلیغ می‌گردید بی‌نتیجه بوده است. در ادامه‌ی مقاله آمده است: "آیت‌الله‌ها با متعهد بودن به ادامه‌ی «جنگ‌طلبی» تا سرنگونی صدام و پشت‌پازدن به تمام مذاکرات و مصالحه... با خشونت ناشی از نومیدی بر روی طناب داری که خود ساخته‌اند دست و پا می‌زنند... یک دیپلمات گفت «ایرانی‌ها محبور بودند که نوعی موفقیت داشته باشند تا نشان دهند که دلیلی برای تمام شعارها و فراخوان‌ها برای فداکردن (جان) وجود دارد...»"

ایران جنگ‌زده

روزنامه‌ی ایندینپندنت چاپ انگلستان، طی مقاله‌ای در ۱۴/بهمن با عنوان "ایران جنگ‌زده" از اوضاع نابسامان ایران پس از ۸ سال حاکمیت ننگین و ضدبشری خمینی سخن بمیان آورده است. در این مقاله با مقایسه‌ی دیدگاه‌های ارتجاعی و ضدبشری خمینی با قرون وسطی می‌گوید: "جنگ زبان حال آیت‌الله خمینی و میراث او خواهد بود."

در قسمتی از مقاله که توسط فرستاده‌ی روزنامه‌ی ایندینپندنت به ایران نوشته شده آمده است: "با توجه به روش آخوندها، تعجب‌آور نبود که جشن‌ها (نمایشات و مراسم رژیم در ۲۲/بهمن) در گورستان بهشت‌زهرها و در خلال تدفین آخرین دسته از کشته‌شدگان جبهه‌های جنگ آغاز گردد..."

تعدادی پرچم و تزئین‌آلات در شهر وجود دارد ولی فقط به تعداد خیلی کمی. این روزها رژیم هیچ پولی ندارد... چراغانی‌کردن براحتهی تحت‌الشعاع چلچراغ‌ها که در هر گوشه‌ای از خیابان بر روی آن اسم و عکس آخرین کشته‌شدگان جنگ بنمایش گذاشته شده قرار می‌گیرد. این تنها جلوه‌ی رنگ‌ها در شهری است که بخاطر غمزدگی‌اش مشهور شده است."

از سوی دیگر روزنامه‌ی دانمارکی "اینفرمیشن" نیز طی مقاله‌ای در بررسی وضعیت بحرانی رژیم خمینی، با تأکید بر اینکه کمبود شدید مایحتاج اولیه در ایران، دشواری‌های فراوانی را برای مردم بوجود آورده منجمله می‌نویسد: "کمبود ارزاق در ایران آنچنان گسترده است که یک دیپلمات خارجی در تهران می‌گوید که بسیاری از کارکنان سفارتخانه هر هفته از تهران با هواپیما به امارات متحده‌ی عربی می‌روند تا گوشت و میوه‌ی تازه خریداری کنند..."

اخبار... ورود اداهای سیاسی

شکست فضاحت بار رژیم در نمایشات خیابانی

بنا به گزارشات رسیده از تهران، با اینکه رژیم خمینی برای کشاندن اجباری مردم به نمایشات رسوای باصطلاح دهه‌ی فجر و راهپیمایی روز ۲۲ بهمن، به تهدید و ارباب و منجمله تهدید به اخراج از ادارات و کارخانجات و مدارس و دانشگاهها متوسل شده بود، اما فقط توانست معدود مزدوران خود را به صحنه بیاورد. بطوریکه تعدادی از خبرگزاری‌ها در همان ساعات اولیه، تعداد محدود جمعیت شرکت‌کننده در این نمایش رسوا را گزارش کردند.

گزارشات رسیده همچنین حاکی است که مراسم فرمایشی رژیم خمینی در میدان آزادی، با اختصار بسیار همراه با تشنج و پراکندگی شدید برگزار شد. شکست این نمایش که بمنظور قدرت‌نمایی کاذب صورت می‌گرفت تا آنجا بود که در ساعت ۱۲ و ۳۰ دقیقه، بدون آنکه صدای سخنرانی از بلندگوها در میدان آزادی شنیده شود، مزدوران رژیم متفرق شده بودند. رئیس‌جمهور جنایتکار خمینی نیز که خودش را برای حرافی‌های دجال‌گرانه آماده کرده بود، مجبور شد به یک صحبت کوتاه بسنده کند و همراه با همپالکی‌هایش دست‌از‌پا درازتر به پناهگاه‌هایشان بزنند.

در این مراسم همچنین برخلاف سال‌های گذشته از دجال جنگ‌افروز جماران پیامی خوانده نشد.

با اینهمه و علیرغم چنین شکست آشکاری در آخرین روز از نمایشات ده‌روزه، کارگزاران تبلیغاتی خمینی باز هم به شیوه‌ی همیشگی به دروغ‌های میلیونی و آمار و ارقام مجعول متوسل شدند. در این رابطه رادیوی رژیم (۲۲/بهمن) مراسم فرمایشی مزبور را بنحو بسیار بلاهت‌باری "عظیم‌ترین اجتماعات مردمی تاریخ بشر" خواند. رادیوی دروغپرداز خمینی از جمله مدعی شد که یک میلیون و پانصد هزار نفر در راهپیمایی شهر مشهد شرکت کرده‌اند درحالیکه بنا به آمار منتشره توسط خود رژیم (که از جمله در ورق‌پاره‌ی خراسان دوم‌آبانماه نیز درج شده) کل جمعیت شهر مشهد از اطفال شیرخواره گرفته تا مردان سالخورده و زندانیان عادی و سیاسی یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر است. بنابراین جا دارد که این دروغ‌گویی‌های رژیم را "عظیم‌ترین دروغ‌گویی‌های نجومی در تاریخ بشر" بنامیم!

یک روز بعد، اعتراف به شکست

رادیوی ارتجاع ظهر روز ۲۳/بهمن به بی‌اعتباری تبلیغات پوچ و دروغ‌های نجومی خود در مورد نمایشات روز گذشته رژیم اعتراف کرد و گفت که رسانه‌های استکباری بطور هماهنگ در برابر این رویداد عظیم (منظور راهپیمایی شکست‌خورده رژیم در روز ۲۲ بهمن است) همچنان سکوت اختیار کرده‌اند.

رادیوی رژیم در سوزوگداز از این رسوایی و شکست، نام چند روزنامه و رسانه‌ی خبری بین‌المللی را ذکر کرد و گفت که هیچکدام از این جراید آنطور که باید و شاید تظاهرات را انعکاس نداده‌اند. از سوی دیگر کارگزاران تبلیغاتی رژیم که دستشان به هیچ کجا بند نبود بمنظور تأیید دروغ‌های ابلهانه و مضحک رژیم اندرباب باصطلاح گستردگی شرکت‌کنندگان در راهپیمایی روز ۲۲ بهمن، به صاحب‌یه تلفنی با ائمه‌ی جمعه و جنایت خمینی در شهرهای مختلف و پخش آن از رادیوی دروغ‌پرداز خمینی پرداختند.

تحریم داخلی و بین‌المللی ورزشی رژیم

برگزاری مسابقات کشتی باصطلاح بین‌المللی رژیم بمناسبت سالگرد حاکمیت شوم و ننگین خمینی در بندرعباس، به صحنه فضاحت‌باری از انزوای داخلی و بین‌المللی رژیم پوسیده‌ی خمینی بدل شد. بطوری که ننگین‌نامه‌ی رسالت (۲۱/بهمن) نیز برگزاری آن را "ناهنجار" توصیف کرده و اعتراف می‌کند که رژیم خمینی قادر نیست حتی یک مسابقه در این سطح نازل را اداره نماید.

ورق‌پاره‌ی رسالت با اعتراف به اینکه رژیم قرون‌وسطایی خمینی حتی از اسکان ورزشکاران در بندرعباس عاجز مانده، به انزوای مطلق رژیم در سطح بین‌المللی اشاره کرده و خبر می‌دهد که ترکیه و لهستان که قرار بود در این مسابقات شرکت کنند در آخرین لحظات انصراف خود را از حضور در مسابقات مزبور اعلام کردند. جالب توجه اینکه علاوه بر کشورهای خارجی دعوت‌شده به مسابقات (که فقط سوریه و پاکستان و ۳ کشتی‌گیر بلغاری و چند کشتی‌گیر دست‌چندم شوروی در آن شرکت دارند) برخی از ملی‌پوشان و پیش‌کسوتان کشتی ایران نیز آنرا تحریم کردند و حاضر به شرکت در آن نشدند.

ورق‌پاره‌ی رسالت که از بی‌اعتنایی این ورزشکاران نسبت به رژیم خمینی سخت عصبانی شده، در اینباره می‌نویسد: "چرا افرادی از تیم ملی در این مسابقات که نام ۲۲/بهمن را دارد شرکت نکردند. اگر سفر خارجی در پیش بود اینچنین برخورد می‌کردند؟ این مسئله باید در پرونده‌ی این پهلوانان دروغین ثبت گردد."

از سوی دیگر به نوشته‌ی ننگین‌نامه‌ی کیهان در اولین روز برگزاری این مسابقات فضاحت‌بار، علاوه بر غیبت چهره‌های سرشناس کشتی ایران، هیچیک از کشتی‌گیران خارجی نیز برای وزن‌کشی نیامدند و به همین دلیل فقط چند مسابقه بین کشتی‌گیران ایرانی انجام شد. سایر روزنامه‌های جیره‌خوار رژیم نیز ضمن اعتراف به اینکه تا آخرین لحظات شروع باصطلاح مسابقات، هنوز سالن محل برگزاری آماده‌ی پذیرایی میهمانان نبوده، نوشتند که تماشاگران نیز استقبالی از این مسابقات نکردند و در دومین روز برگزاری آن بیش از نیمی از سالن مسابقات در بندرعباس خالی بود.

حتی مواجب‌گیران برون‌مرزی خمینی

سیاست جنگ طلبانه رژیم را زیر سؤال بردند

در جریان نمایشات باصطلاح دهه‌ی فجر، رژیم خمینی از جمله میزگردی برای توضیح و توجیه جنایات خود تحت عنوان چگونگی اجرای احکام ترتیب داد که در آن گروهی از مواجب‌گیران برون‌مرزی خود را بعنوان "میهمانان خارجی" گرد آورده بود. کیهان ۱۹/بهمن که گزارشی از این نمایش را درج کرده می‌نویسد:

"سپس سؤال یکی از میهمانان در خصوص جنگ مطرح و گفته شد که خداوند دستور فرموده چنانچه بین دو طایفه از مسلمین جنگی رخ داد باید بین آنها صلح و آشتی برقرار شود. درحالیکه ایران شعار جنگ جنگ تا پیروزی را سر می‌دهد"

آنگاه موسوی اردبیلی قاضی‌القضات جنایتکار خمینی در پاسخ به این سؤال به توجیه‌کاری و ماستمالی پرداخته و درحالیکه دژخیم جماران و کارگزاران رسمی رژیمش بارها صراحتاً اعلام کرده‌اند که جنگشان برای کشورگشایی و فتح عراق صورت می‌گیرد و صلحی در کار نیست گفت: "ما در حال تعقیب دشمن هستیم، آنها هنوز تسلیم نشده‌اند... چه کسی گفته که ما حاضر به صلح نیستیم؟ ما حاضریم صلح کنیم منتها تفاوت در معنی صلح است..."

اخبار... ورود ادعاهای سیاسی

پرسنل و امکانات شهرداری تهران برای سوختن در تنور جنگ

کارگزاران رژیم خمینی در سازمان ترابری شهرداری تهران دفتری بنام دفتر پشتیبانی از جنگ ضد میهنی در اهواز افتتاح نموده و بخش اعظم بودجه و امکانات پرسنلی را که بایستی صرف رسیدگی به امور مربوط به شهر تهران شود از این طریق به جبهه‌های جنگ سرازیر می‌کنند.

منجمله تا پایان سال ۶۴ نزدیک به ۱۳۰۰ نفر از پرسنل فنی و رانندگان این قسمت از شهرداری تهران را به جبهه‌ها گسیل داشته‌اند که تعدادی از آنها نیز کشته و مجروح شده‌اند. همچنین بیش از ۴۴۰ میلیون ریال به ماشین‌آلات سازمان مذکور خسارت جنگی وارد آمده بالغ بر ۳۰ میلیون ریال لوازم یدکی به جبهه‌های جنگ فرستاده است.

با اینهمه کارگزاران جنگ و جنایت رژیم، وقیحانه مدعی شده‌اند که این سازمان آنطور که باید و شاید در زمینه ارسال امکانات به جبهه‌ها فعال نبوده و مقرر گردیده از سال ۶۵ تماماً در خدمت جبهه‌ها قرار گیرد. در همین رابطه برای پرسنل سازمان ترابری شهرداری تهران سهمیه‌ی اعزام اجباری به جبهه معین شده و در حال حاضر علاوه بر سهمیه‌ای که به ارگان‌های جنگ و جنایت نظیر سپاه ضد مردمی اختصاص یافته، ماهانه ۱۳۰ نفر راننده، حدود ۳۰ نفر از کادر فنی، ۵ تا ۱۰ نفر از کارمندان و تعداد زیادی نیز بعنوان "بسیج" می‌بایستی به جبهه‌های مرگ اعزام شوند.

۱,۲۰۰ نفر ضایعات سیل در یک روستا

طبق گزارشی که اخیراً دریافت شده در جریان جاری شدن سیل عظیم و وقوع زلزله‌ی اخیر در استان‌های مختلف کشور، تنها در روستای "سی‌مکان" در استان فارس، بیش از یک‌هزار و دویست نفر از ساکنین این منطقه جان خود را از دست داده‌اند. که رژیم ضد مردمی خمینی نه تنها در رسانه‌های خبری خود هیچ اشاره‌ای به آن نکرد، بلکه موسوی نخست‌وزیر خائن خمینی طی سخنانی در مجلس ضد مردمی، به هنگام ارائه‌ی بیلان ضایعات سیل گفت که در ۳ استان فارس، بوشهر و یزد فقط ۲۳۰ نفر بکام مرگ کشیده شده‌اند.

در حالیکه گزارشگر ورق‌پاره‌ی اطلاعات در تاریخ ۱۴/دی مشاهدات خود را چنین گزارش می‌کند: "سیلاب آنقدر زیاد و وسیع بود که بعضی از روستاها را نمی‌شد شناخت. در استان بوشهر با توجه به درخت‌های خرمایی که از میان آب سر برآورده بود محل بعضی از روستاها تشخیص داده می‌شد."

۱۰۰۰ میلیارد تومان تراکم نقدینگی باندهای غارتگر وابسته به رژیم

ننگین‌نامه‌ی کیهان مورخ ۲۲/دی به نقل از یکی از کارگزاران مزدور رژیم خمینی نوشت: "بخش خدمات بیش از پیش متورم شده و... نزدیک هزار میلیارد تومان نقدینگی دارد. این تراکم نقدینگی در دست عده‌ای معدود است و چون راه‌های تولید بسته شده این سرمایه‌ها وارد تجارت می‌شود... این سرمایه‌ها هم‌اکنون بصورت انبارگردن گالاهای ضروری مردم و نیز احتکار و دلال‌بازی عمل می‌کند."

* * *

رژیم خمینی پس از شکست در جبهه‌ها بار سوایی تمام خبرنگاران دعوت شده را بازگرداند و دجالگری مضحک ضد آمریکایی‌اش نیز عقیم ماند!

بنا به گزارش دریافتی، پس از شکست مفتضحانه‌ی رژیم خمینی در تهاجم ضد کربلای ۵ و بیرون رانده شدن رژیم از جایای کوچکی که در کنار دریاچه‌ی ماهی اشغال کرده بود، کارگزاران تبلیغاتی رژیم بسرعت تمام خبرنگاران خارجی را که پیش از این برای بازدید از مناطق جنگی دعوت کرده بودند و ادار به ترک ایران نمودند.

رژیم خمینی این خبرنگاران را بمنظور براه انداختن تبلیغات دجالگرانه درباره‌ی فتوحات ادعایی خود به تهران دعوت کرده بود اما روز شنبه ۱۱/بهمن بدنبال شکست فضاحت‌باری که در این منطقه عاید رژیم گردید، تمام خبرنگاران را به بهانه‌ی واهی خطر بمباران از منطقه‌ی جنگی خارج نمود تا شاهد این شکست و عقب‌نشینی فضاحت‌بار نیروهای او نباشند.

گزارشات حاکیست؛ ایادی رژیم خمینی بعد از خروج خبرنگاران از منطقه‌ی جنگی نیز بشدت آنها را تحت کنترل و مراقبت خود داشتند به نحوی که این موضوع باعث عصبانیت عده‌ای از خبرنگاران شد.

در این جریان روز دوشنبه ۱۱ بهمن ماه رژیم خمینی جرال‌دسایب خبرنگار روزنامه‌ی وال‌استریت ژورنال را که او نیز برای تهیه‌ی خبر و گزارش از جبهه‌های جنگ توسط رژیم خمینی به تهران دعوت شده بود به اتهام جاسوسی برای آمریکا و اسرائیل دستگیر نمود تا بدینوسیله به دجالگری و نمایش ضد آمریکا بپردازد. ولی بمحض اینکه با اخطار و واکنش جدی دولت آمریکا روبرو شد، دست از پا درازتر خبرنگار مزبور را آزاد کرد!

قاچاق ۳۰۰ تن خاویار در سال توسط باندهای غارتگر وابسته به رژیم

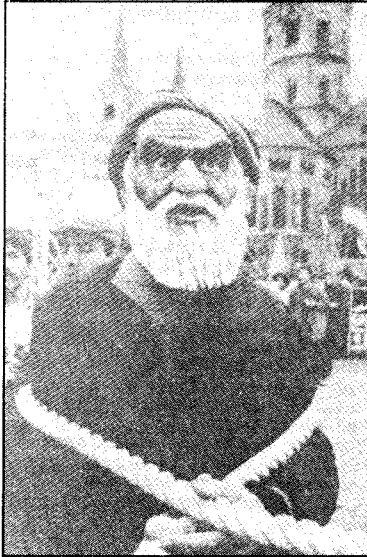
در جلسه‌ای که به نوشته‌ی ننگین‌نامه‌ی جمهوری در تاریخ هشتم بهمن ماه جاری با شرکت کارشناسان شیلات رژیم در بابل‌سر برگزار گردید گفته شد که با استناد به آمار موجود و بررسی‌های بعمل آمده، میزان قاچاق خاویار به خارج کشور سالانه حدود ۳۰۰ تن برآورد شده در حالیکه میزان صدور این محصول توسط شیلات کشور، از ۲۰۰ تن تجاوز نمی‌کند. با توجه به اینکه صادرات خاویار، منحصرأ در دست دولت ضد مردمی خمینی و باندهای وابسته به رژیم می‌باشد، و از سوی دیگر در شرایط اختناق حداکثر در بسیاری موارد پاسداران جنایتکار خمینی اجازه‌ی خروج زیورآلات همراه مردم را نمی‌دهند، خارج کردن سالانه ۳۰۰ تن خاویار از کشور جز با همدستی و مشارکت کارگزاران چپاولگر رژیم امکان‌پذیر نخواهد بود.

شایان ذکر است که چندی پیش ایادی دزد و غارتگر رژیم ۶ تن خاویار ایرانی را که در یک کامیون حامل هندوانه جاسازی کرده بودند بطور قاچاق به دانمارک وارد کردند که توسط مقامات گمرک این کشور در مرز آلمان کشف و ضبط گردید. این ۶ تن خاویار که از اوایل شهریورماه در یک سردخانه نگهداری می‌شد روز دوشنبه گذشته (ششم بهمن) توسط پلیس کپنهاک به مبلغ یک میلیون و ۴۰۰ هزار دلار فروخته شد.

انعکاس بسیار گسترده تظاهرات جهانی و بیسابقه گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین در رسانه‌های خبری جهان

بقیه از صفحه ۳۰

Iraner demonstrieren gegen „Khomeinis Kriegstreiber“



گنرال انسیگر - آلمان

۷ و ۸ فوریه/۸۷

General-Anzeiger

ایرانی‌ها علیه

«خمینی جنگ افروز»

تظاهرات کردند

یک خمینی در بند بایستی آرزوی ایرانی‌ها برای صلح و آزادی را سمبلیزه کند (عکس چپ)
زندانیان از بندرسته شهادت اشرف رجوی و موسی خیابانی را گرامی داشتند

ایندیاناپولیس استار - آمریکا

۷ فوریه/۸۷

THE INDIANAPOLIS STAR

آلترناتیوها

سخنگویان مقاومت می‌گویند که در طی ۱۰۰ سال گذشته عمل اجتماعی اساس پیشرفت ایران بوده است. آنها با گروه کودتا که سیستم سلطنتی و بعداً رژیم خمینی را ایجاد کرد، مبارزه کردند. حالا بنظر می‌رسد که بعد از اینکه خمینی بمیرد ایالات متحده در سروکارش با ایران می‌تواند از بین ۳ آلترناتیو اصلی یکی را انتخاب کند. یکی رژیم جانشین است. رژیمی که خمینی انتخاب کرده است. ابدأ دلیلی وجود ندارد که باور کنیم خط دیکتاتوری، خصومت، خیانت و حمایت از ترور در خارج را رها خواهد کرد. آلترناتیو دیگر سلطنت است که ۸ سال پیش اخراج شد و هیچ حمایت مردمی ندارد.

آیا با توجه به تجربه، هیچکس می‌تواند بطور جدی انتظار داشته باشد که چیز خوبی از رابطه با جانشینان خیانتکار خمینی بیرون آید؟ اما در رابطه با سلطنت، صرفنظر از عدم پایگاه مردمی‌اش، اگر شاه سابق با میلیاردها دلار کمک ایالات متحده نتوانست باقی بماند، چه دلیلی برای تلاش در منصوب کردن یک شاه جدید وجود دارد؟

هواداران مقاومت هستند ارزیابی می‌شود.

برنامه‌ی رجوی خواهان سرنگونی خمینی، پایان بخشیدن به جنگ با عراق، تشکیل یک حکومت موقت ۶ ماهه بمنظور برقراری ثبات و برگزاری انتخابات عادلانه و آزاد نمایندگان برای مجلس مؤسسان می‌باشد. [مجلس مؤسسان] قانون اساسی را تنظیم خواهد کرد که آزادی مذهب، حقوق فردی و حقوق مساوی برای زنان و تأسیس یک حکومت با نمایندگان انتخابی و میهن‌پرست را تضمین کند.

پارلمان اروپا در ۱۲ دسامبر قطعنامه‌ای را در حمایت از شورای ملی مقاومت، ائتلاف گروه‌های مقاومت ایران، به ریاست رجوی تصویب کرد. در این قطعنامه شورای ملی مقاومت بعنوان راه ایجاد حاکمیت صلح و آزادی در ایران و ضامن احترام به تعهداتی که از نظر جهانی برای دولت‌ها به رسمیت شناخته شده، معرفی شده است.

مقاومت ایران است که همانند محور اصلی‌اش مجاهدین خلق، توسط رجوی - ۳۸ ساله - رهبری می‌شود. از زمانیکه خمینی پیروزی انقلابش در ۸ سال پیش را به یک هیولای قرون وسطایی تبدیل کرده، مقاومت، یک مبارزه‌ی سرسخت چریکی را شروع کرده است.

اگرچه حمایت از شورای ملی مقاومت مخاطرات خودش را به همراه دارد، اما آلترناتیوهای دیگر نیز مخاطراتی دارند و در حال حاضر آنها خیلی بدتر بنظر می‌رسند. جنبشی که افرادش برای آزادی مبارزه می‌کنند و رهبرانش خواهان آزادی هستند و وعده‌ی آزادی می‌دهند، شانس بیشتری دارد.

سخنگوی [مجاهدین] می‌گوید قدرت حمایت مردمی مجاهدین در داخل ایران با این حقیقت که ۹۰ درصد از ۵۰,۰۰۰ اعدامی توسط رژیم خمینی و چنین درصدی از ۱۴۰,۰۰۰ زندانی سیاسی‌اش اعضا یا

۸ سال پیش در چنین روزی مردم ایران شاه را سرنگون کردند و گرفتار دیکتاتوری قرون وسطایی آیت‌الله خمینی شدند. اما ایرانی‌ها در داخل و خارج کشورشان امیدوارند و برای یک انقلاب جدید که رهبرش وعده‌ی صلح، آزادی و دموکراسی می‌دهد، کار می‌کنند.

چندین هزار نفر از پیروان مسعود رجوی رهبر چریکی پرچادبه، روز جمعه یک راهپیمایی در واشنگتن‌دی‌سی برگزار کرده، قول دادند که رژیم خمینی را سرنگون کنند. رجوی اکنون در عراق در تبعید بسر می‌برد.

خمینی از ترس اینکه اگر این حرف پخش شود ممکن است باعث فرار گسترده‌ی سربازان ایرانی و هجوم رزمندگان آزادی ایران - مجاهدین - برای گذشتن از مرز بمنظور پیوستن به رجوی شود اخبار این موضوع را مخفی نگه داشته است.

انتخاب سوم، شورای ملی

انعکاس بسیار گسترده تظاهرات جهانی و بیسابقه گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین در رسانه های خبری جهان

کلنیشهر و نداشتا - آلمان

۹ / فوریه / ۸۷

Kölnische Rundschau

«حرف آخر»

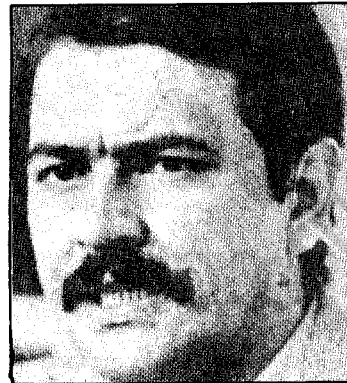
مقاومت خواهد زد»

مجاهدین خلق:

اقتصاد ایران نابود شده

و صبر مردم

به انتهار رسیده است

Anführer der Khomoint-Gegner:
Massoud Radjavi.

رهبر مخالفین خمینی: مسعود رجوی

"در سحرگاه ۸/فوریه/۱۹۸۲ صدای مسلسلها و موشکهای ضدتانک آرامش محلهی زعفرانیه در شمال تهران را درهم شکست." بدین شکل بایستی یک "نبرد نابرابر ولی دلیرانه" بین "مجاهدین خلق" ساکنین خانه و پاسداران آیتالله خمینی آغاز شده باشد.

هنگامیکه دود ناشی از انفجارات و شعلهها خاموش شدند، فقط ۳ بچهی خردسال زنده بودند. موسی خیابانی معاون مسعود رجوی، رهبر مقاومت و اشرف رجوی همسر وی به همراه ۱۸ تن از همزمانشان به قتل رسیده بودند.

مدت ۵ سال است که مخالفین مقیم خارج (از کشور) این روز را از طریق برگزاری تظاهرات گرامی می‌دارند. حال در واشنگتن، پاریس، لندن، رم، اسلو، کپنهاک و یا در بن خلاصه در همهجا هزاران تن به خیابانها می‌آیند تا خمینی و "مزدورانش" را که در ۱۹۷۹ (۱۱/فوریه) قدرت را تصاحب کردند و فرصت تاریخی قیام ایران برعلیه شاه را ربهوده بودند، افشا کنند. محمد فرهنگ یک سخنگوی

الانباء - کویت

۸ / فوریه / ۸۷

الانباء

ایرانیان در آمریکا و اروپا تظاهرات می‌کنند
و خواستار پایان جنگ با عراق می‌شوند

هزاران تن از ایرانیان ۲ روز پیش در قلب پایتخت آمریکا در اعتراض به معاملات مخفیانهی سلاح آمریکایی با ایران و حمایت از رهبر مقاومت ایران مسعود رجوی، دست به تظاهرات زدند. بیش از سه هزار ایرانی از ۴۰ ایالت آمریکا و کانادا به واشنگتن آمدند تا در تظاهراتی که بمناسبت پنجمین سالگرد ترور دو سبیل مخالف ایرانی، اشرف رجوی و موسی خیابانی ترتیب داده شده، شرکت نمایند. تظاهرات مشابهی در پایتختهای مختلف اروپا، توسط ایرانیهای مبارز علیه رژیم حاکم در کشورشان برگزار شد.

ایندهونس دخیلد - هلند

۷ / فوریه / ۸۷

پناهندگان ایرانی که در کشور ما زندگی می‌کنند دیروز عصر در میدان دام آمستردام تظاهراتی برای گرامیداشت قتل مبارزین مجلس، رفسنجانی در سیتامبر/۱۹۸۲ و ۱۹۸۴ را خاطرنشان می‌کند: "اگر ما صلح را بپذیریم سقوط خواهیم کرد." و "آیندهمان به این جنگ بستگی دارد."

بعد از سالها سرکوب با ۱۴۰ هزار زندانی سیاسی و بیش از ۵۰ هزار اعدامی، بعد از تلفات سنگین در تهاجمات بزرگ، جمع‌آوری نیروهای جدید، هرروزه مشکل‌تر می‌شود. مجاهدین خلق اطلاع دارند که خمینی بار آخر مجبور شده بود تا قسمتی از "پاسداران" از "ذخیرهی استراتژیکی"اش را در جنگ بکار گیرد. پاسداران به ۲۲ "واحد سرکوب" تعلق دارند که بقرار اطلاع در شهرهای بزرگ عمل می‌کنند.

طبق گفتهی فرهنگ وضعیت ارتش بهم‌ریخته است و دو حادثه‌ی اخیر آنرا نشان می‌دهد سرهنگ عابدی معاون فرماندهی نیروی هوایی فرار کرده و سرهنگ صدقی بعد از درگیریهای

مقاومت موسی خیابانی و اشرف رجوی در ۵ سال قبل برگزار کردند. تظاهرکنندگان برعلیه ارسال (سلاح) به ایران اعتراض نمودند. درونی برکنار شده است. مجاهدین خلق عقیده دارند که دربارهی رژیم خمینی اصلاً نباید صحبت از یک "حکومت متکی به مردم و باثبات" به میان آورد. مجاهدین مصمم‌اند که "مناسبات دیکتاتوری" را "نابود" کنند و می‌خواهند که مردم "بالاخره واقعاً آزاد و مستقل" شوند. فرهنگ در ادامه‌ی حرف‌هایش می‌افزاید، خمینی که بعد از سقوط شاه بشکل نامشروعی حکومت را در دست گرفت، بایستی سقوط کند و متعاقباً بدنبال یک دوره‌ی موقت در عرض ۶ ماه، انتخابات دمکراتیک راه را برای تفاهم همگانی سیاسی باز می‌کند. در پایتخت مخالف جنگی خمینی یعنی در بغداد، مسعود رجوی رهبر مجاهدین و "شورای ملی مقاومت" منتظر چنین زمانی است. فرهنگ: آیا این یک نشانه‌ی امکان زندگی مشترک در صلح با عراق نیست؟

انعکاس بسیار گسترده تظاهرات جهانی و بیسابقه گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین در رسانه های خبری جهان

THE GUARDIAN

Saturday February 7 1987

گاردین - انگلستان

۷ فوریه / ۸۷

DAGENS NYHETER

داگنزی هتر - سوئد

۷ فوریه / ۸۷

Tusen i protest mot Khomeini

هزار نفر در اعتراض علیه خمینی



شعارهای ضد رژیم خمینی - سالگرد دو شهید را گرامی روز جمعه در خیابان های استکهلم می داشتند. آنها همزمان معاملات طنین انداخت. این ایرانیان در تسبیح بودند که خاطره ی پنجمین ایران را محکوم کردند. اسلحه ی شرکت سوئدی بوفش با

ترانتواستار - کانادا

۷ فوریه / ۸۷

راهپیمایان

به فروش سلاح به ایران

اعتراض می کنند

راهپیمایان در میدان ناتان فیلیپس شعار می دادند "نه خمینی، و نه سلاح به خمینی."

Marchers protest sale of arms to Iran



Supporters of the Iranian Mojahedin resistance movement demonstrating against Ayatollah Khomeini's regime in Holborn, London, yesterday to mark the fifth anniversary of the deaths in Iran of Ashraf Rajavi (wife of the resistance group's leader) and Moussa Khatami (the group's deputy leader) who were killed by Khomeini guards

Picture by Martin Argles

دیروز در هولبورن لندن هواداران جنبش مقاومت ایرانی مجاهدین، بمناسبت پنجمین سالگرد مرگ اشرف رجوی (همسر رهبر گروه مقاومت) و موسی خیابانی (معاون رهبر گروه) که در ایران توسط پاسداران خمینی کشته شدند؛ علیه رژیم آیت الله خمینی، تظاهرات نمودند.

*

انعکاس بسیار گسترده تظاهرات جهانی و بیسابقه گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین در رسانه های خبری جهان

آبندسایتونگ - آلمان
۷ و ۸ / فوریه ۸۷

اعتراض بر علیه خمینی



به شکل خمینی که موشک همراه دارد و همچنین مجسمه ای اعدام شده ی یک رزمنده ی مقاومت را با خود می کشیدند.

قوی دارند. گوینده: آیا مجاهدین در ایران امروز یک سازمان نیرومندی است؟ اگر بخواهیم آنرا از نظر نظامی ارزیابی کنیم، اظهار نظر در مورد آن مشکل است. چرا که مجاهدین یک سازمان زیرزمینی (مخفی) و مسلح می باشد. ولی مشکل است که در مورد قدرت ضربتی آنها در آنجا (منظور ایران) چیزی گفت. میل دارم بگویم که نیرومندی آنها دقیقاً در ایدئولوژی آنها قرار دارد. آنها (می توانند) افراد زیادی از طبقاتی که در ابتدا شاید موضعشان نسبت به خمینی مثبت بود و بعد از رژیم اسلامی فاصله گرفتند و اغلب شدیداً از سیاست داخلی جمهوری اسلامی ناراضی هستند را جذب کنند. و مردم از جنگ و ابعاد گسترده ی آن ناراضی می باشند.

*

مخالفین خمینی روز جمعه در بن بر علیه رژیم تهران دست به تظاهرات زدند. آنها با سلاح های چوبین به مرکز شهر رفته و بر روی یک ازابه، یک نفر

شد و علیه شاه نیز مبارزه نمود و به مبارزه اش در سال های ۷۰ نیز ادامه داد. آنها همچنین تحت تعقیب پلیس مخفی شاه بوده اند. وقتی انقلاب اسلامی آمد مجاهدین فوراً علیه خمینی موضع نگرفتند. این موضعگیری زمانی اتفاق افتاد که جمهوری اسلامی تشکیل شده بود. و این جمهوری دارای قانون اساسی سختی شده بود. آنموقع بود که مجاهدین علیه این قانون اساسی موضعگیری کردند. و این در حقیقت بمعنای جرم (مخالفت) مستقیم علیه خمینی بود. اینکه چه کسی در پشت آن قرار دارد، باید گفت که مردم خیلی زیادی از طبقه ی متوسط می باشند، توده ی دانشگاهی، افراد تحصیل کرده. افراد خیلی زیادی هستند که می خواهند خود را مسلمان بنامند و به اسلام بعنوان یک مسئله ی مهم در سیاست نگاه می کنند و سمپاتی سوسیالیستی

گزارش رادیو نروژ از مراسم تظاهرات بزرگداشت پنجمین سالگرد عاشورای مجاهدین

مقاومت پیوسته آید. وقتی که شما علیه رژیم خمینی اعتراض می کنید، آلترناتیو شما چیست؟ آیا خواهان برگشتن به دوران حاکمیت شاه هستید؟

خزائی: خیر ما خواهان آن نیستیم که به دوران حاکمیت شاه برگردیم زیرا که ما در سال ۱۹۷۹ انقلاب کردیم تا از دیکتاتوری شاه ایران خلاص شویم. بنابراین ما میل نداریم به عقب برگردیم. ما خواهان یک دمکراسی، یک جمهوری با احزاب مختلف و آزادی هستیم. بنظر ما دوران شاه هم اکنون گذشته است. شاه هم دیکتاتور بود.

در این قسمت، رادیو نروژ پس از توضیحاتی راجع به اوضاع ایران و حکومت خمینی سخنان برادر مجاهد حسین شمسایی را پخش نمود.

شمسایی می گوید: "رژیم بدون جنگ - بعنوان یک فاکتور خارجی برای انحراف نظرات عمومی از شرایط داخل - نمی تواند بر سر قدرت بماند. خمینی جنگ را مقدم بر هر چیز دیگر قرار داده است. او نمی تواند گمبدهای درون جامعه را بدون اینکه دلیل خوبی برای همه ی این گمبدها داشته باشد، توضیح دهد. وقتی که جنگ آغاز شد از آن استقبال نمود. از این جنگ برای انحراف نظرات مردم از شکست های اقتصادی اش استفاده کرد تا به مردم که برای نان روز خود فریاد می زدند بگوید که ما در حال جنگ هستیم و جنگ را بر هر چیز دیگر مقدم می کنند."

سپس رادیو نروژ نظر کارشناس انستیتوی سیاست خارجی نروژ را بدین شرح بازگو می کند: گوینده: چه کسی در پشت این سازمان قرار دارد؟ بله. مجاهدین در همان سال های ۶۰ یک سازمان

گوینده ی رادیو نروژ: هشت سال پیش در چنین روزهایی در ایران انقلاب شد و شاه بعد از ۲۵ سال سلطنت سرنگون گردید. وقتی او کشور را ترک کرد، روحانیت اسلامی تحت رهبری خمینی وارد صحنه شد. امروز، خمینی نزد اکثریت مردم تقریباً به همان نسبت منفور می باشد که شاه در ده سال پیش بود. روز جمعه ایرانیان تبعیدی ناراضیتی خود را از رژیم کنونی در ایران در میدان راه آهن اسلو نشان دادند. گزارشگر ما از این مراسم چنین گزارش می کند:

در اینجا نیز نظیر یکسری از شهرهای اروپایی و آمریکایی ایرانیان تبعیدی علیه شرایط (اسفناک) کشور خود دست به تظاهرات می زنند. آنها پرچم و پلاکاردهایی حمل می کنند که توجه مردم را به شرایط بد کشور تحت حاکمیت خمینی جلب می کند. بر روی یک پلاکارد نوشته شده است، ۵۰ هزار اعدام و ۱۴۰ هزار زندانی سیاسی نتیجه ی رژیم ترور و اختناق خمینی است. و بر روی پلاکارد دیگری نوشته شده است، یک میلیون کشته و مجروح و سه میلیون بی خانمان، نتیجه ی حاکمیت رژیم خمینی است. آنها در اینجا خاطره ی پنجمین سالگرد شهادت حماسی اشرف رجوی و موسی خیابانی را گرامی می دارند. این نیز بر روی یک پلاکارد نوشته شده است. آنها دو تن از رهبران مجاهدین خلق بودند که توسط دیکتاتوری خمینی شهادت رسیدند.

گزارشگر رادیو نروژ سپس قسمتهایی از مصاحبه ی خود را با آقای پرویز خزائی نماینده ی شورا در نروژ بشرح زیر پخش نمود: شما نماینده ی خمینی در نروژ بودید، شما انتخاب کردید که از رژیم جدا شوید و اکنون به جنبش

انعکاس بسیار گسترده تظاهرات جهانی و بیسابقه گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین در رسانه های خبری جهان

ال پائیس - اسپانیا

۷ فوریه / ۸۷

EL PAIS

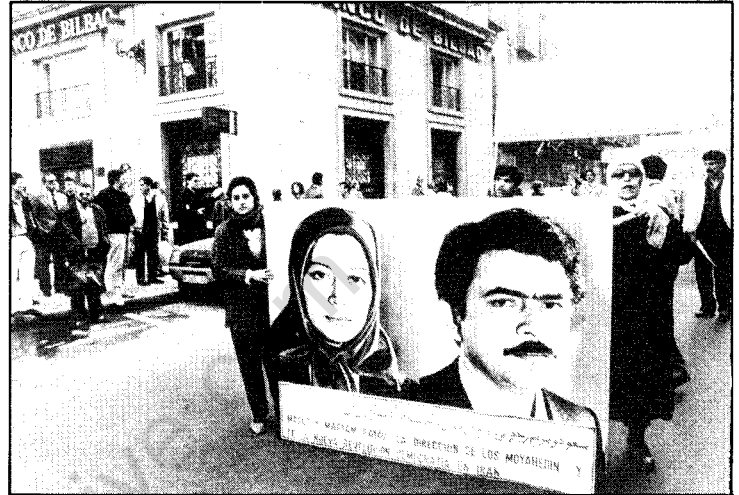


هواداران سازمان مجاهدین خلق
ایران روز جمعه در "برن" نمایش گذاشتند.
صحنه هایی از جنگ را به نشانهی *



خبرگزاری سراسری اسپانیا

۶ فوریه / ۸۷



گروه ایرانی مجاهدین، طرفداران
یک انقلاب نوین و دمکراتیک در
دست به تظاهرات زدند.
ایران با پلاکاردهایی که *

دورهیت - هلند

۷ فوریه / ۸۷

روزهای (باقیمانده از خمینی)

قابل شمارش است

اگین - اسپانیا

۷ فوریه / ۸۷

Manifestación contra Jomeini.

تظاهرات ضد خمینی



روز جمعه صدها ایرانی بر علیه دیکتاتور خمینی در آمستردام
تظاهرات کردند



اعضای انجمن دانشجویان
مسلمان (هواداران سازمان
مجاهدین خلق ایران) دیروز
بمناسبت سالروز شهادت موسی
خیابانی - جانشین پیشین رهبر
مقاومت ایران مسعود رجوی - و
اشرف رجوی - سمبل زنان انقلابی
مجاهد - و ۱۸ تن دیگر از

همزمانشان در یک درگیری با
پاسداران در تهران، تظاهراتی
در مادرید برپا نمودند.
تظاهرکنندگان حمایت خود را از
مقاومت ایران بر علیه رژیم خمینی
اعلام نمودند.
در لندن نیز تظاهرات مشابه
مادرید برگزار گردید.

انعکاس بسیار گسترده تظاهرات جهانی و بیسابقه گرامی داشت سالگرد عاشورای مجاهدین در رسانه های خبری جهان

آج - هند

۸/ فوریه/ ۸۷

'آج' (نارانی) ۷ فوریه ۱۹۸۷ (۳)



ایران کے नेता شری احمد رضا خرمینی کی مدد اور انہوں نے شام کا آپارٹمنٹ کے خلاف
شماروں کے ایرانیوں نے دہلی میں پرنسنگ کیا۔ پرنسنگ کارکن ایرانی پرنسنگ سنا کے
نہتا شری مسعود رجمی کے بیٹے سہیل کے ساتھ اور شری امینی اشرف رجمی کے
بیٹے کے لیے ہے۔ خرمینی کو پانچ سال پہلے ہٹا کر دی گئی تھی۔

دانشجویان ایرانی مخالف آیت اللہ خمینی، علیہ بی عدالتی و کشتار
در ایران دست به تظاهرات زدند۔ تظاہرکنندگان تصاویر آقای مسعود
رجوی رہبر مقاومت ایران و همکارانش موسی خیابانی و اشرف رجوی - کہ
پنجمین سالگرد بقتل رسیدن آندو برگزار می گردید - را حمل می نمودند۔

نیشنل شاہی کے خلاف: ولی کی شکر کوں پر مارچ



ایران کے خمینی شاہی کے خلاف: ولی کی شکر کوں پر مارچ " کا ایک منظر:

یکے عکس از تظاهرات مخالفان خمینی و شاہ

پنجاب کسریا - هند

۷/ فوریه/ ۸۷



ایران میں شری احمد رضا خرمینی کے بیٹے دہلی میں رہتے ہیں۔ ایرانیوں نے شکر کوں کو پرنسنگ
کیا۔ تصویر میں پرنسنگ کارکن بہتر دیکھا جا سکتا ہے۔

(عاشورہ)

روز جمعہ ایرانیان مخالف خمینی تظاہراتی برعلیہ خمینی در دہلی برپا
کردند، آنها عکس هایی از رہبران شهدای جنبش خود را در دست داشتند۔

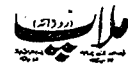
دہلی، نو، ۶/ فوریه - در دہلی مجمع ائتلاف ملی خواستار توقف
جنگ ایران و عراق شد۔ نزدیک بہ ۴۰۰۰ نفر کہ تعدادی افراد ہندی
نیز در بین آنها بود تظاہراتی مسالمت آمیز برگزار کردند۔ طبق گفتہ
آقای راج بالڈو از مجمع ائتلاف ملی، آنها خواستار توقف جنگ ایران و
عراق بودند و بیانہی آن برای سازمان ملل متحد، نخست وزیر ہند
آقای راجیو گاندی و سفارت های آمریکا و شوروی ارسال شدہ است۔

تظاهرات مخالفان خمینی

و شاہ در دہلی

میلاپ - هند

۷/ فوریه/ ۸۷



امروز حدود ۲۰۰۰ تن از مردم کہ شامل ۵۰۰ تن از دانشجویان
ایرانی در ہند می شد، تظاہرات مسالمت آمیزی در مرکز شہر دہلی
برگزار کردند۔ ایرانیان تظاہرکنندہ، ہرگونہ فروش اسلحہ بہ رژیم
خمینی را محکوم نمودند۔

شرکت کنندگان در تظاہرات همچنین برای بزرگداشت شہادت
اشرف رجوی و موسی خیابانی (جانشین سابق آقای مسعود رجوی
رہبر ایران) کہ بدست پاسداران در ہشتم فوریه ۱۹۸۲ شہادت
رسیدند، جمع شدہ بودند۔

لاکسمی نارائن عضو مجلس و گویندہ موکوٹی رہبر اتحادیہ
مردم برای حقوق دمکراتیک، برای شرکت کنندگان در تظاہرات
سخنرانی کردند۔

جنبش مقاومت علیہ خمینی روز ہشتم فوریه را روز
گرامی داشت افرادی می داند کہ زندگی شان را در مبارزہ علیہ رژیم
بنیادگرای خمینی از دست دادہ اند۔



کنفرانس مطبوعاتی مجاهدین خلق ایران در واشنگتن همزمان با هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی

جوسازی‌ها و سروصدای تبلیغاتی رژیم، از نظر نظامی و استراتژیکی هیچ دستاوردی نداشته و تنها در طرف ایران بیش از ۱۵۰ هزار تلفات بجای گذاشته است.

سیس برادر مجاهد علی صفوی ضمن توضیحاتی پیرامون دجالگری‌های دستگاه تبلیغاتی رژیم در زمینه‌ی بزرگ‌جلوه‌دادن آمار نیروهای اعزامی به جبهه‌های مرگ، به نمونه‌ی جعل و مونتاژ عکس در مورد اعزام سپاه ضد محمد به جبهه‌های جنگ اشاره نمود و این اعمال را نشانه‌ی فقدان پایگاه اجتماعی و رویگردانی توده‌ها از دجال خون‌آشام جماران دانست.

پس از توضیحات برادران مجاهد سرهنگ بهزاد معزی و علی صفوی، خبرنگاران حاضر در کنفرانس سؤالات متعددی درباره‌ی آینده‌ی رژیم روبزوال خمینی، ابعاد مقاومت و وضعیت ارتش در ایران مطرح نمودند که مشروحا به آنان پاسخ داده شد.

بلافاصله پس از برگزاری کنفرانس، خبرگزاری‌های آسوشیتدپرس، یونایتدپرس، فرانسه، رویتر، گانا، گنت، عراق و نیز خبرگزاری آلمان خبر و عکس برگزاری این کنفرانس را به سراسر جهان مخابره نمودند. از جمله خبرگزاری فرانسه ضمن مخابره‌ی عکسی از برادر مجاهد سرهنگ بهزاد معزی حین توضیح نقشه‌ی منطقه‌ی جنگی گزارش داد که: سرهنگ بهزاد معزی که مجرب‌ترین خلبان ایرانی می‌باشد در کنفرانس مطبوعاتی مجاهدین خلق ایران تصریح کرد خاتمه‌ی جنگ ایران و عراق منوط به نتیجه‌ی نبرد داخلی در ایران است و نهایتاً در این نبرد رژیم خمینی بوسیله‌ی مردم ایران سرنگون خواهد شد.

ذیلاً خلاصه‌ای از انعکاس جهانی کنفرانس فوق را ملاحظه خواهید کرد:

روز چهارشنبه بیست و دوم بهمن‌ماه جاری از سوی سازمان مجاهدین خلق ایران یک کنفرانس مطبوعاتی افشاگرانه، علیه رژیم خمینی در واشنگتن برگزار گردید.

در این کنفرانس که بمناسبت هشتمین سالگرد قیام ضد سلطنتی و در محل گلوپ ملی خبرنگاران آمریکا برگزار گردید، برادران مجاهد، سرهنگ خلبان بهزاد معزی و علی صفوی شرکت داشتند و ضمن ارائه‌ی تحلیلی پیرامون جنگ ایران و عراق، علل سیاسی-اجتماعی حملات جنایتکارانه‌ی اخیر رژیم خمینی به خاک عراق، و همچنین وضعیت نیروی هوایی و چگونگی شرایط کلی ارتش ایران، به سؤالات خبرنگاران و گزارشگران حاضر در کنفرانس پاسخ دادند.

در کنفرانس مزبور که خبر برگزاری آن پیشاپیش توسط خبرگزاری‌های یونایتدپرس و آسوشیتدپرس مخابره شده بود، ۳۱ خبرنگار و گزارشگر و فیلمبردار از مهمترین رسانه‌های خبری شرکت داشتند.

برادر مجاهد بهزاد معزی ابتدا اخبار موثقی که توسط بخش ارتش در سازمان مجاهدین خلق ایران از داخل ارتش گردآوری شده را در اختیار خبرنگاران قرار داده و توضیح داد که رژیم خمینی برای سرپوش‌گذاشتن بر بحران بی‌جانیشینی و تشدید جریان فروپاشی و اضمحلال درونی‌اش و همچنین افتضاحات افشای روابط پنهانی با آمریکا و اسرائیل، و بالاگرفتن مقاومت مردمی و ناراضی‌گسترده‌ی داخلی، به حملات دیوانه‌وار اخیر به خاک عراق مبادرت ورزید. وی همچنین با استفاده از نقشه‌ی بسیار بزرگی از مناطقی که تهاجمات تجاوزکارانه‌ی ضدگرایی ۴ و ۵ و ۶ در آنها صورت گرفته تاکید نمود که این تهاجمات شکست‌خورده و بیپوده برغم تمام

خبرگزاری گنت-آمریکا

۱۱/فوریه/۱۹۸۷

بهباد معزی از مجاهدین - سازمان ضدآیت‌الله خمینی- زمانی برجسته‌ترین خلبان نیروی هوایی ایران بوده است.

با مغتنم شمردن فرصتی که منافع آمریکا در جنگ ایران-عراق بوجود آورده است، مجاهدین این فرد ۴۹ ساله، یعنی معزی آموزش‌دیده در آمریکا را

واشنگتن- و جریان مجادله‌آمیز ایران- کنترا ممکن است که برای دولت ریگان یک ضربه باشد، اما برای مجاهدین خلق یک عطیه است.

این امر با حضور خبرنگاران که روز چهارشنبه در واشنگتن برای شرکت در مصاحبه‌ی بهزاد معزی حاضر شده بودند بنمایش گزارده شد.

به آنها داده، زده‌اند. آوردن معزی برای تجزیه و تحلیل جنگ همچنین حاکی از این است که مجاهدین بخوبی آمادگی دارند که فضای روزنامه‌ها و تلویزیون‌ها را برای تبلیغ پیامشان در دست بگیرند. پیام این است که "مجاهدین تنها نیروی مخالف خمینی است، و چیزی دیگر در بین نیست."

زمانی بود که تلقی مجاهدین از یک واقعه‌ی خبری این بود که

آوردند تا موقعیت نیروهای خمینی را (که او می‌گوید ناامیدکننده است) توصیف کند. معزی که از منطقه‌ی کردستان ایران دیدن کرده، می‌گوید که او از اطلاعات هواداران مجاهدین در داخل ایران استفاده می‌کند. او بموقع مشکل جدیدی را گزارش نمود مبنی بر اینکه ایرانی‌ها آنقدر کمبود افراد کارآزموده دارند که آنها یک هواپیمای خودی را با موشک‌های هاگ از آن نوعی که دولت ریگان

کنفرانس مطبوعاتی مجاهدین خلق ایران در واشنگتن همزمان با هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی

خبرگزاری گنت - آمریکا

۱۱/فوریه/۱۹۸۷

توسط جکاندرسون و دهها مقاله نویس دیگر می‌سنجند.

علاوه بر این، مجاهدین دارای هزاران هوادار جوان مشتاق و پرانگیزه هستند که اکثراً دانشجوی دانشگاه می‌باشند. یا جدیداً فارغ‌التحصیل شده‌اند. آنها در سراسر کشور و همچنین در اروپا ساعت‌ها در بادهای سرد یا آفتاب تابستانی می‌ایستند تا روزنامه‌های سازمان را فروخته، اعلامیه پخش کنند و سعی نمایند که با صحبت رودررو علاقه‌ی مردم را به هدفشان جلب کنند. آنها استدلال می‌کنند که مجاهدین که ۲۲ سال از عمر سازمانشان می‌گذرد و توسط مسعود رجوی رهبری می‌شوند، تنها سازمان مقاومت خمینی در داخل و یا خارج ایران هستند. آنها می‌گویند که مجاهدین قصد

یک تظاهرات ضد خمینی دیگر در آن طرف کاخ سفید راه بیاندازند و چند دقیقه‌ای در اخبار شبانه‌ی تلویزیون‌های محلی انعکاس بگیرند.

یا اینکه گزارشی حاکی از ضربه‌هایی که خمینی از جبهه‌ی جنگ یا داخل ایران خورد، ارائه دهند. گزارشی که خبرنگاران آمریکایی هیچ راهی برای تأیید مستقل آن نداشتند.

اما امروز هواداران جوان و خستگی‌ناپذیر مجاهدین در ایالات متحده موفقیت خود را همچنین با انعکاسات گسترده‌تر تلویزیونی، مقالاتی در ستون‌های عقاید و نظرات در روزنامه‌های با پرستیژ و مهم، داستان‌های سرویس‌های خبری و اشارات مکرر

دارند نقش رهبری‌کننده را در تأسیس دوباره‌ی یک دموکراسی در ایران ایفا کنند. محکوم کردن‌های خمینی و هاشمی‌رفسنجانی، سخنگوی مجلس ایران، دال بر این است که عوامل مجاهدین تأثیر خود را در ایران گذاشته‌اند. با این حال، بعضی منتقدان آمریکایی اصرار می‌ورزند که یک سرکوب وحشیانه و بیرحمانه در داخل ایران برای مجاهدین قدرت چندان باقی نگذاشته است.

وزارت خارجه‌ی آمریکا و بعضی دیگر از کارشناسان آمریکایی ایران (که از انتشار عقایدشان آبا دارند) می‌گویند که سازمان مجاهدین، مسلمانان مبارز، تروریست، ضدآمریکایی، ضددموکراتیک و یک سازمان کلیتویست ضد غربی است. بعضی آنرا ضداسرائیلی، می‌نامند. یک پژوهش غیررسمی منتشرشده توسط بنیاد برای حکومت مشروطه در ایران، یک

جبهه برای ایرانیان سلطنت طلب بسیاری از همین اتهامات را وارد می‌کند و رجوی و دیگر رهبران مجاهدین بدرستی ادعا می‌کنند که منبع این اتهامات همین بنیاد بوده است...

شاهین قبادی، یک سخنگوی دیگر، یک مهندس اتمی که از دانشگاه کالیفرنیا جنوبی فارغ‌التحصیل شده، می‌گوید که دلیل اینکه دولت آمریکا به مجاهدین در اواخر ۱۹۸۵ حمله نمود این بود که دولت سعی می‌کرد سیاست مخفیانه خودش را در لاس‌زدن با عوامل رژیم خمینی پیش ببرد.

صفوی می‌گوید علی‌رغم اینکه انتقادات دولت واقعیت مجاهدین را در میان برخی اعضای کنگره مخدوش نمود، اما سازمان موفق شده بسیاری از ضربه‌ی وارده را جبران نماید.

بنظر نمی‌رسد نظر وزارت خارجه در تمامی دولت مورد قبول باشد. چهارشنبه، صدای آمریکا در میان آنهایی بود که با سرهنگ معزی بطور مفصل، به زبان فارسی، مصاحبه می‌کرد تا آنرا برای ایران پخش کند.

*

در سینماها، مجامع ورزشی و کارخانجات بپردازد تا "گوشت دم‌توپ" فراهم کند.

معزی گفت خمینی حملات خونین اخیر را علیه شهر بندری بصره بمنظور منحرف کردن اذهان عمومی از مشکلات داخلی منجمله اقتصاد ورشکسته، تضادهای رشدیابنده‌ی درونی و افتضاح روابط تسلیحاتی با اسرائیل و آمریکا و ایزولاسیون بین‌المللی صورت داده است. وی ادعا نمود که نیروی هوایی ایران که زمانی ۷۰ هزار نفر بود اکنون به ۳۴ هزار نفر تقلیل پیدا کرده است و کمتر از ۶۵ هواپیمای قابل استفاده از میان ۳۸۵ هواپیمای دارد. معزی گفت فقط ۳۰۰ هلیکوپتر از ۱۰۰۰ هلیکوپتر ایران هنوز قابل استفاده هستند.

*

خبرگزاری یونایتد پرس

۱۱/فوریه/۱۹۸۷

تبعیدی ایرانی می‌گوید احساسات ضد خمینی در حال افزایش است

هیچ پاسخ و راه‌حل نظامی ندارد و خمینی صلح را نخواهد پذیرفت زیرا بمعنای پایان حکومت مذهبی‌اش خواهد بود. "به این دلیل ما تصریح می‌کنیم که راه‌حل جنگ در داخل ایران با سرنگونی رژیم خمینی توسط مردم ایران می‌باشد."

معزی، افسری که در آمریکا تحصیل کرده است و بوسیله‌ی مقامات ضدخمینی پناهنده شد اکنون در فرانسه زندگی می‌کند. وی آموزش‌های پرواز خود را در پایگاه‌های نیروی هوایی

واشنگتن - یک خلبان نیروی هوایی ایران که در سال ۱۹۸۱ به غرب پناهنده شده بود چهارشنبه گفت مقاومت در حال رشد است زیرا جنگ با عراق "به بن‌بست رسیده است" و تنها راه، یک انقلاب دیگر در ایران است. سرهنگ معزی، ۴۹(ساله)، که از داخل ایران اطلاعات دارد گفت، تنها راه یک انقلاب است که به سقوط آیت‌الله روح‌الله خمینی منجر خواهد شد. وی در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت "جنگ در بن‌بست قرار دارد زیرا

تکراس - آکلاهما و آریزونا گرفته است.

معزی در سال ۱۹۸۱ به‌مراه رئیس‌جمهور اسبق ابوالحسن بنی‌صدر و مسعود رجوی، رهبر مجاهدین خلق ضدخمینی از ایران خارج شد. رجوی اکنون در عراق است. وی گفت مجاهدین یک شبکه‌ی هوادار در سرتاسر ایران دارد. وی گفت خمینی در زمینه‌ی بسیج مردم برای نیروهای جنگی‌اش به مشکلات فزاینده‌ای برخورد کرده است و مجبور شده است به دستگیری جوانان

روزنامه ملیت - ترکیه

۱۲/فوریه/۱۹۸۷

کنفرانس مطبوعاتی مجاهدین خلق ایران در واشنگتن همزمان با هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی

ایران هواپیماهای خود را سرتگون کرد

یک سرهنگ نیروی هوایی ارتش ایران که از ارتش این کشور جدا شده و به سازمان مجاهدین خلق پیوسته است، ادعا نمود، که نیروهای ایران بوسیله ی موشک های خریداری شده از آمریکا، هواپیمای خودشان را سرتگون کرده اند.

سرهنگ بهزاد معزی اظهار داشت: واحد آتشباری ضد هوایی ایران آخرین بار روز یکشنبه گذشته با سرتگون نمودن یک هواپیمای ایرانی تا به حال مجموعاً ۵۵ هواپیمای خودی را سرتگون کرده است. بنظر معزی خطاها از خراب بودن سیستم رادار ایران نشأت می گیرد.

وی همچنین افزود ایران [به ادعای خودش] حمله ی نهایی را ماه دسامبر گذشته آغاز کرد ولی با شکست مواجه گشت و به همین دلیل بعداً سعی نمود آنرا بعنوان عملیات محدود (ضد) کربلای ۴ جلوه دهد.

THE  SUN

روزنامه ی دسان - آمریکا

۱۲/فوریه/۱۹۸۷

گفته می شود که موشک های هاگ ایران هواپیماهای خودی را می زنند

داده است. کنفرانس خبری آقای معزی توسط مجاهدین خلق که مخالف رژیم انقلابی هستند برگزار شده بود. او گفت که با اعضای نیروهای مسلح ایران رابطه دارد هر چند توضیحی در مورد نحوه ی این ارتباط نداد. او گفت که منابع اطلاعاتی جنیش به او گفته اند نیروی هوایی بعثت فقدان قطعات یدکی برای هواپیماهای ساخت آمریکا و خودداری دیگر کشورها از فروش هواپیما برای جایگزینی آنها، فلج شده است.

*

گذشته اتفاق افتاد. وی در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت "این طریقی است که سلاح های آمریکایی مخصوصاً هاگ ها در ایران مورد استفاده قرار می گیرند." "رادارهای داخل هواپیماها کار نمی کنند و بیشتر ایستگاههای رادار در ایران خرابند." دولت ریگان بطور مخفیانه به ایران ۲۰۰۰ قطعه یدکی سکوی موشک هاگ و ۲۰۰۰ موشک ضدتانک تاو بعنوان بخشی از یک طرح بمنظور تجدید رابطه با تهران و کمک به آزاد کردن گروگان های آمریکایی در لبنان،

تهران، ایران یک سرهنگ سابق نیروی هوایی ایران - مخالف آیت الله - دیروز در واشنگتن گفت که نیروی هوایی ایران هواپیماهای خودش را با موشک های هاگ آمریکا از جمله بخاطر سیستم معیوب رادار، سرتگون ساخته است... سرهنگ سابق بهزاد معزی که در سال ۱۹۸۱ از ایران به فرانسه رفت به خبرنگاران در واشنگتن گفت که ایران بدست خود ۵۵ فروند از هواپیماهای خودش را در جنگ ۶ ساله سرتگون کرده است، و جدیدترین مورد آن در یکشنبه

خبرگزاری آلمان غربی

۱۱/فوریه/۱۹۸۷

واشنگتن - جنگ - سیاست

مجاهدین: «حمله نهایی» ایران يك شکست مفتضحانه بود

عراق این حمله ی سه جانبه را دفع کرد.

طبق اظهارات معزی که می گفت اطلاعاتش را از شبکه ای از هواداران مجاهدین در ارتش ایران بدست می آورد، از ۹۰۰ غواص ایران که تعلیمات خاصی دیده بودند، فقط ۲۰ نفر زنده مانده اند...

در این حمله، غافلگیری چنان عنصر مهمی بود که تا چند ساعت قبل از شروع آن، خود سربازان نیز نامطلع بودند...

روح الله خمینی در ابتدا نقشه داشت که این حمله در ماه فوریه یعنی وقتی هوای بارانی به

هوایی بود گفت روزنامه ی دولتی کیهان، تیتیر "حمله ی نهایی شروع شد" را آماده کرده بود. اما بعثت اینکه آن حمله در عرض ۲۴ ساعت با شکست مواجه شد، چاپ آنرا متوقف نمود.

وی گفت رژیم امیدوار بود جاده ی ارتباطی بین فاو و بصره را گرفته و سپس زمینه را برای یک حمله ی نهایی به بصره یعنی دومین شهر بزرگ عراق آماده کند.

سربازان ایران موفق شدند برای مدت کوتاهی به حوالی جزیره ی ام القصر نفوذ کنند اما آتش سنگین توپخانه و تانک های

واشنگتن - یک گروه مخالف در روز چهارشنبه گفت "حمله ی نهایی" و پرسروصدای ایران بر علیه عراق یک شکست بزرگ بود که حکومت مذهبی این کشور را بی ثبات تر کرده است.

بهزاد معزی یک سرهنگ ارتش که در سال ۱۹۸۱ از ایران گریخته و به گروه مخالف مجاهدین خلق پیوسته است گفت حمله ی دسامبر برای تظاهر به اینکه یک عملیات کوچک بوده است فوراً "کربلای ۴" نام گذاشته شد.

معزی که قبل از فرارش معاون فرماندهی عملیاتی نیروی

سربازانش اجازه می دهد بدون ردیابی توسط دیده بان های هوایی حرکت کنند، صورت گیرد. معزی اظهار داشت که آشوب های داخلی، مبارزه بر سر قدرت در داخل رژیم و افشای افتضاح فروش سلاح های آمریکایی در مقابل گروگان ها وی را مجبور کرد که این تاریخ را جلو بیندازد...

او گفت تهران اخیراً با استفاده از دستگیری های گسترده و تعیین سهمیه ی مشمول برای مدارس، جهت جایگزینی "لشکر (ضد) محمد" که نابود شده، سربازان را برای "لشکر (ضد) مهدی" جمع آوری می کند. سخنگوی مجاهدین که علناً خواستار سرتگونی خمینی است گفت مقاومت مردم در مقابل این حرکت "بسیار گسترده" است.

بقیه در صفحه ۵۱

★ پیوندی‌ای یاران ★

فراخوانی از دل، به هموطنان ایرانی
در زیر سلطه‌ی دژخیمان خمینی
و همچنین به هموطنان هجرت‌کرده از ایران
در شهرهای مختلف جهان
برای پیوستن به سنگر مسعود

۲۲/ بهمن/ ۶۵
محمد قرائی

بمناسبت ۲۲/ بهمن، روزی که ادامه دارد

وطن غمگین نمی‌ماند
چو ما، نسل فدا، "هستیم"
و ننشینیم یکدم از نبرد و رزم
و نگذاریم سیمای وطن
با گرد خواری‌ها بی‌آلاید.
بیا ای هموطن
میهن نمی‌ماند به زیر چکمه‌ی این جانیان تا دیر
تا هستیم و تا برپاست
پرچم‌هایمان در اوج
بیا تا گردن افرازیم در هر صبح و در هر شام
به زیر پرچم ایران، کنار پرچم رزم مجاهد
سینه‌ها را چون سپرها ساخته
با گردنی افراشته
در اهتزاز آریم هر دم پرچم میهن
و موجی از غرور و سرفرازی و شرف
توفان کند در سینه‌ها مان سخت.
بیا تا بازگردیم
سوی شهرها مان واله و شیدا
نه فردا، بل همین امروز
نه فردا، بل همین امروز
و بگشائیم با رگبار خشماگین خود
دروازه‌های شهرهای بسته با زنجیر دژخیمان
بیا ای هموطن، ای مرد
بیا ای زن
بیا با ما
بیا تا انتقامی سخت زین فرسوده جلادان
بیا تا ژرفنای استخوان‌های تبهکاران
بیا تا فتح
بیا تا اهتزاز پرچم خورشید
بر بام بلند قلعه‌ی البرز
بیا تا صلح
بیا تا دوستی تا عشق
بیا تا خنده‌های شاد
بر لب‌های سرخ کودکان در روستا و شهر
بیا تا بوسه‌ها بر گونه‌های شادمان خلق
بیا تا جشن پیروزی
بیا ای مرد
بیا ای زن

پیوندید یارانم
بیائید ای رفیقانم
کنون اینجا
در این سنگر
بیا گشته‌ست گلگون پرچم ایران
به قلب آتش و رزم و خروش و تندر و توفان
کنار سنگر رهبر
کنار سنگر مسعود، کنار سنگر مریم

پیوندید ای مردان، زنان، همسنگران
ای خلق رزم‌آور

پیوندید از هر سوی و از هر جا
به زیر پرچم در اهتزاز ملت ایران
کنار سنگر رهبر، درون جبهه‌ی توفان

پیوندید یارانم
بیائید ای رفیقانم
ز هر شهر و ز هر گوی و ز هر میدان
ز هر خانه
ز هر سوی جهان
اینک فراآئید سوی جبهه‌ی طغیان
بیا ای زن
بیا ای مرد
بیا ای هموطن، ای شیر
تا در حلقه‌ی زنجیرهای دست‌ها مان
جای‌گیری گرم و لبریز از تب توفان
بیا تا حس کند دستان تو
گرمای خونین مسلسل را
بیا چون ما
بیفشان بوسه بر قبضه‌ی دلاویز تفنگ رزم
بیفشر دست‌ها بر ماشه‌ی شلیک
بیا اینجا که ما "هستیم"
چون در رزم و توفانیم
و می‌خوانیم،
سرودی میهنی اینسان:
وطن تنها نمی‌ماند
چو ما "هستیم"

پیوندید ای یاران

بقیه از صفحه قبل

کنون فریاد سرخی پُرتین
در گوش میهن طبل می‌کوبد
که هل من ناصر یمنصر
که یاری هست؟ تا خیزد در این پیگار؟
زنی، مردی
که بشتابد بسوی ما
و برگردد سلاح رزم؟
نگر یارا کنون مسعود می‌خواند
نگر این قامت نستوه می‌خواند
مرا، او را، شمایان را
به فریادی ز دل پُرشور
که یاری هست؟ تا خیزد در این پیگار
و در پژواک فریادش
ز هر سوی و ز هر میدان
ز هر خانه
ز هر سوی جهان
مردان، زنان، ایرانیان، شیران
روان گشته‌اند سوی سنگر پیگار
گجایی یار؟
گجایی مرد؟
گجایی زن؟
نگر ایران کنون از حنجره‌ی مسعود می‌خواند
که یاری هست آیا
تا که بشتابد بسوی من
و بردارد کنون با شانه‌هایش پرچم میهن
نگر اینک، به پژواک طنین سرخ فریادش
ز هر سو سیل یاران
گشته جاری، با خروش کینه در دل
دست‌افشان، پایگوبان
سوی سنگرهای توفان
با سرودی بر لبان اینسان
که یاری هست آری آری ای مسعود!
که یاری هست آری آری ای ایران!
چو ما هستیم و می‌خوانیم
وطن تنها نمی‌ماند
چو ما هستیم و می‌رزمیم
وطن غمگین نمی‌ماند
چو ما، نسل فدا، هستیم
کنون سر تا به پا آمده‌ی پیگار
پیوندید ای یاران
پیوندید ای شیران
به سنگرهای رزم ملت ایران، کنار سنگر مسعود.

تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!

۶۵/۱۴/دی

کیهان

تاریخ‌های ماضی محروم آموزش و پرورش دانش‌آموزان

تعدادی از مدارس، خصوصاً در مناطق محروم جنوبی تهران با کمبودهای جدی خدماتی و رفاهی روبرو هستند، علت کمی اعتبار در وزارت آموزش و پرورش است. و البته دلیل عمده‌تر، شرایط فعلی جامعه به خاطر جنگ ناخواسته و تحمیلی از سوی عراق است. نیازهای این مدارس عمدتاً خدماتی و رفاهی است. مثلاً تعدادی از کلاسها در سوز و سرما پنجره‌هایشان شیشه ندارد، مدرسه نیز قدر خرید شیشه آنهم از بازار آزاد را ندارد. ما فکر میکنیم افراد نیکوکار بسیاری هستند که میخواهند در این راه آموزش و پرورش را یاری کنند. بنابراین کیهان علاقه‌مند است به سهم خود کاری را انجام دهد. تقاضای ما از مدیران مدارس واقعا محروم این است که لیست نیازهای اساسی و حیاتی خود را برای ما بفرستند تا نسبت به اعلام آنها اقدام گردد. به امید آنکه افراد خیر و علاقه‌مند به پیشرفت آموزش و پرورش در رفع نیازها پیش قدم شوند و گرهی از مشکلات بکشایند. انشاءالله

آدرس ما خیابان فردوسی، کوچه شهید شاهچراغی، روزنامه کیهان سرویس آموزشی و هنری کیهان تلفن ۳۱۰۲۵۹ داخلی ۲۱۰۰

اسفالت و مهتابی

* مدرسه پسرانه راهنمایی «علی بن ابیطالب» منطقه ۱۹ که ۱۸۰۰ دانش‌آموز دارد و دو شیفت کار می‌کند نیاز فوری به لامپ مهتابی، اسفالت حیاط مدرسه و کارگاه دارد

وسایل آزمایشگاهی

* مدرسه راهنمایی رسالت واقع در خیابان فردوس منطقه ۱۸ یافت‌آباد

به یک دستگاه میکروسکوپ، مقداری محلولهای آزمایشگاهی دی کرومات آمونیم، آمونیاک، آب آهک، اسپد استیک، سود- چراغ الکلی و آب اکسیژنه نیاز دارد.

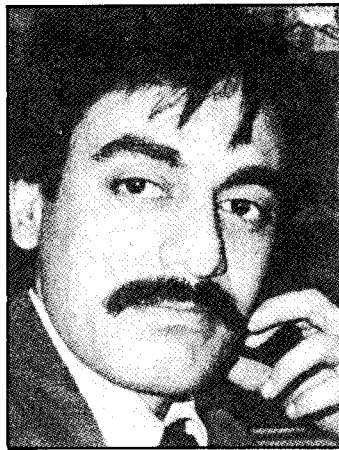
تعمیرات

دبستان و مدرسه راهنمایی نسل انقلاب منطقه چهارده از کوچکترین امکانات رفاهی محروم است و نیاز شدید به تعمیر سقف کلاسها و تعمیر گونی اساسی پشت بام، صندلی، میز، بخاری، سیم‌کشی اساسی و... دارد. مدیر این آموزشگاه ضمن اعلام این نیازها از افراد خیر و نیکوکار خواسته است در موارد فوق مساعدت لازم را معمول دارند. تلفن ۳۴۸۸۳۳

اسفالت

(مدیر مجتمع آموزشی شهید دکتر بهشتی واقع در کیلومتر ۶۰ جاده جالوس روستای حسنکدر) اعلام کرد: به علت عدم کمک و مشکلات مالی اولیای دانش‌آموزان این مجتمع در وضعیت مالی بدی بسر می‌برد از مردم خیر انتظار کمک داریم. پارامی از نیازهای ما شامل اوراق امتحانی، آزمایشگاه، کارگاه، اسفالت حیاط مدرسه و امکانات ورزشی می‌باشد.

یاد مجاهد شهید امیر سپاهی درّانی قاصد صلح و آزادی در اولین سالگرد فقدان گرامی باد



مبارزه بر روی پای خودمان باز است، باید این راه را برویم و باید بهایش را نیز بپردازیم... همانطوری که آنجا، در داخل ایران، ما به هیچ استحاله و تغییری در بالا چشم نمی‌دوزیم، در اینجا هم اساساً برای راهگشایی دیپلماتیک، قبل از همه به ساخت و پخت فکر نمی‌کنیم. از پائین می‌سازیم روی هم می‌چینیم و ساختمان شناسایی مقاومتان را در سطح جهانی مرتفع می‌کنیم...

کسی که در داخل ایران اینچنین می‌جنگد، کسی که برای تأمین نیازهای مادی‌اش "علاء" را به سوختن می‌دهد، کسی که خون هوادارانش در انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج کشور، در کردستان و اهواز و تهران و دیگر شهرها به زمین ریخته می‌شود، او در مسئله‌ی سیاست بین‌المللی کشورش هم راه خاص خودش را دارد، راه استقلال. و بنابراین بهای استقلال را هم می‌پردازد چون می‌خواهد فی‌الواقع مستقل باشد. چون نمی‌خواهد دست روی دست بگذارد و به ایادی و وابستگان این و آن، اطمینان خاطر بدهد و قلم‌های بین‌المللی و بیان‌های بین‌المللی را به نفع خودش بچرخاند، این مقاومت و این خط و این نیرو اینکاره نیست و نخواهد بود. اصلاً چنین پیروزی‌ای را نمی‌خواهد اهل چنین پیروزی‌هایی هم نیست...

بنابراین پیام ویژه‌ی خون این شهید، پیام خون این سعید، بهای استقلال است. برای اینکه در این راه می‌جنگید.

پاورقی: * اشاره به علاءالدین نوری عضو انجمن دانشجویان مسلمان آمریکا که در حین کار بمنظور اینکه برای سازمان کمک مالی فراهم کند در آتش‌سوزی کارگاه سوخت و شهادت رسید.

استقلال است. بهایی است که ما می‌پردازیم برای اینکه ایران فردا مستقل باشد. چرا؟ برای اینکه جز اینکار چه کار دیگری می‌توانیم انجام دهیم؟ دیگران چه کردند؟

استراتژی هر سازمان، هر انقلاب و تاکتیک‌هایش اساساً و اساساً از ماهیت آن انقلاب و سازمان رهبری‌کننده و عناصر تشکیل‌دهنده‌اش درمی‌آید. راهی که پیش‌پای هر کس و یا هر سازمانی هست، از اندیشه و محتوا و ماهیتش بیرون می‌آید. برای بسیاری راههایی باز است که برای ما باز نیست، گم‌اینکه برای ما راههایی هست که برای دیگران نیست. ما راه خاص خودمان را برگزیده‌ایم. بنابراین آنچه که در این مسیر اتفاق می‌افتد خاص ماست. مثلاً ما برای سقوط خمینی اصلاً و اساساً چشم به بندوبست‌ها ندوختیم. برای ما یک راه وجود دارد، جنگیدن و خمینی را بلحاظ نظامی شکست دادن و ساقط کردن. راه دیگری برای ما وجود ندارد. چرا؟ بدلیل اینکه ما، بدلیل اینکه ما تداوم تاریخی مبارزاتی هستیم که از صدر مشروطیت و قبل از آن تا به امروز، پیوسته و پیوسته شرف ملی و آزادی کشورمان به مفهوم واقعی آن در هر زمان (به مفهوم تاریخی و تعینات خاص خودش) مدنظر قرار می‌داد. اگر ادامه‌ی آن نسل و آن تاریخیم، در مقابل ما فقط این راه یعنی راه

مهدی ابریشمچی، جمعی از چهره‌های سرشناس و مبارز میهنان از قبیل دکتر هزارخانی، استاد جلال گنجه‌ای و جمعی دیگر از ایرانیان مقیم فرانسه برگزار گردید. در این مراسم یک تاج گل نیز از سوی "مسعود و مریم" رهبران عقیدتی مجاهدین بر مزار او نثار گردید.

برادر مجاهد مهدی ابریشمچی بر سر مزار پاک او درباره‌ی پیام ویژه‌ی خون سعید گفت:

"شهادت او در این مسیر، در این شهر و کشور دور از ایران، در این خاک دور از ایران و بخت سپردنش در این نقطه، چه معنا و مفهوم خاصی دارد؟ از آن چه چیزی باید آموخت و تاریخاً چه پیامی در این نوع شهادت‌ها خوابیده است؟ این خصوصیت ویژه‌ی مبارزه و انقلاب ما، که در سراسر جهان (علاوه بر ایران)، افرادی مثل ما، پراکنده‌اند، تلاش می‌کنند، می‌دوند، عرق می‌ریزند، مبارزه می‌کنند، نمی‌خوابند و آخرش هم در مسیر مسئولیت‌هایشان فدا می‌شوند، چه پیامی دارد؟ چه می‌کنیم؟ چرا دیگران اینکارها را نمی‌کنند و چرا این سنت به این شکل برای ما رایج شده است؟ این "خون" بهای ویژه‌ی چیست؟ این تلاش‌های ویژه چیست؟

در یک کلام این خون، بهای "استقلال" است. ما به‌ازای

پنج اسفند، سالروز شهادت مجاهد شهید امیر سپاهی درّانی (سعید)، عضو بخش روابط خارجی سازمان مجاهدین خلق ایران را گرامی می‌داریم. سعید که از زمان انقلاب ضدسلطنتی سال ۵۷ با مجاهدین آشنا شده بود، فعالیت‌های مبارزاتی خود را از اوایل ورود به آمریکا در ارتباط با انجمن دانشجویان مسلمان آمریکا آغاز کرد و پس از کسب صلاحیت‌های مستمر، بدنبال انقلاب کبیر ایدئولوژیکی درونی مجاهدین با جهشی که در صلاحیت‌های انقلابی و تشکیلاتی خود بوجود آورد، به عضویت سازمان پرافتخار مجاهدین خلق ایران نائل گردید و سرانجام یکسال پیش در حین یک مأموریت سازمانی برای جلب حمایت‌های بین‌المللی نسبت به سیاست صلح مجاهدین، در نزدیکی شهر اورلثان فرانسه در یک حادثه‌ی رانندگی بشدت مجروح شد و ۳۶ ساعت بعد روز دوشنبه ۵/اسفند/۶۴ چون ستاره‌ای فروزان به کهکشان شهدای مجاهد خلق که جان بر سر رهایی و بهروزی خلق در زنجیرمان گذاشته‌اند، پیوست. مراسم تشییع و تدفین این شهید صلح روز ۱۲/اسفند/۶۴ در گورستان "تی‌یه" در جنوب پاریس و با حضور مادران شهدای پرافتخار مجاهدین منجمله مادر رضائی‌های شهید، برادر مجاهد

گزارشی از مراسم پایانی سومین دوره آموزش رزمی هنگ آموزشی شهید اشرف رجوی

گزارش فرمانده هنگ آموزشی

بقیه از صفحه ۱۸

کدام از آنها تسلط و مهارت لازم را کسب کردند، علاوه بر اینها جهت تطابق هرچه بیشتر رزمندگان با مناطق جنگی و قانونمندی‌های حاکم بر آن، در هفته‌ی آخر، پس از اینکه رزمندگان آمادگی‌های اولیه‌ی نظامی را کسب کردند، هنگ را به منطقه‌ی رزمی منتقل کردیم تا در فضایی کاملاً واقعی بتوانند با کسب آمادگی‌های هرچه بیشتر در گروهان‌های رزمی مجاهد خلق سازماندهی بشوند.

فوقاً بطور محوری به آموزش‌های تئوریک و عملی که رزمندگان مجاهد خلق در طی دوره گرفتند اشاره کردم ولی لازم هست تاکید کنم که فراگیری این حجم از آموزش در ظرف یک ماه اساساً با اتکاء به پتانسیل ایدئولوژیک و تشکیلاتی عنصر مجاهد خلق امکانپذیر بود. والا برای مسلط شدن به این آموزش‌ها ماههای متوالی وقت لازم است.

بنابراین اکنون پس از پایان موفقیت‌آمیز سومین دوره‌ی آموزشی هنگ خواهران و برادران شرکت‌کننده در دوره بلحاظ نظامی آمادگی کامل و تمام‌عیار این را دارند که مسلح بشوند و در راستای نبرد رویاروی با مزدوران و پاسداران خمینی جلاد و دوشادوش با سایر خواهران و برادران رزمنده‌شان در گروهان‌ها و گردان‌های رزمی مجاهد خلق سازماندهی بشوند. آنان از این پس با آتش ظلمت‌سوز سلاح‌شان صبح درخشان پیروزی را نوید می‌دهند.

مرگ بر خمینی- درود بر رجوی

بقیه از صفحه ۱۹

خارج از کشور، بدنبال پیام رهبری به اینجا آمدند تا در کنار سایر هم‌زمان‌شان، در راه خدا و خلق قهرمانانه بجنگند. ضمن اینکه هم‌اکنون عده‌ی دیگری از رزمندگان مجاهد خلق در حال فراگیری آموزش‌های نظامی هستند که انشاءالله بزودی شاهد پیوستن‌شان به گروهان‌های رزمی خواهیم بود. بدیهی است که این پاسخ مثبت و عاجل به پیام رهبری، وظیفه‌ی هر هواداری در داخل و خارج از کشور می‌باشد.

نکته‌ی حائز اهمیت این است که اساساً درک و فهم ایدئولوژیک- تشکیلاتی رزمندگان مجاهد خلق از عمق مقاومتی که هم‌اکنون در ایران در جریان است؛ باعث شده که در فراگیری آموزش‌ها کیفیت نوینی را از خودشان ارائه دهند و استعداد‌های جدیدی شکوفا شود و در مدت‌زمان کوتاه، کمبودهای گذشته جبران شود و به آداب‌تاسیون بالای نظامی دست پیدا کنند. که خودش چشم‌انداز روشنی در مسیر رشد و ارتقا‌شان و در نبرد بی‌امانشان با رژیم خمینی را نوید می‌دهد. طی این مدت، علاوه بر نکات فوق، نظم و انضباط انقلابی رزمندگان، روحیه‌ی فداکارانه و جمع‌ی آنها در پذیرا شدن کارهای سخت و بدوش‌کشیدن مسئولیت‌های انقلابی نیز- که هم‌ای دوره‌ی آموزشی‌شان باید به آن رسیدگی می‌کردند- از شاخص‌های فارغ‌التحصیلان این دوره بود.

سخنان خواهر مجاهد نریاشهری فرمانده مرکز آموزشی شهید اشرف رجوی

بی‌شک این طیف گسترده از نیروها از اقصی نقاط، استعداد‌های ایدئولوژیک- تشکیلاتی و نظامی و نظم و دیسیپلین انقلابی، همه و همه تحت رهبری مسعود و مریم رجوی و پس از عزیمت آنها به جوار خاک میهن برای ما و برای خلق قهرمان ایران پیامی جز گسترش آتش و استمرار آتش در راستای سرنوشتی هرچه سریعتر رژیم خمینی نداشته و ندارد. چرا که وقتی رهبری انقلاب هر روز طاق‌های نوینی از فدا را درمی‌نوردد، شوق فدا در دل تمامی هواداران، بیش از پیش شعله‌ور می‌شود و این شعله، دودمان خمینی و دژخیمان‌ش را خواهد گرفت و آنها را خواهد سوزاند.

از ویژگی‌های دیگر این دوره شرکت‌فعال‌تر خواهران رزمنده‌ی مجاهد خلق برای کسب مهارت‌های نظامی بود که در ابعاد جدیدی از فعالیت‌های نظامی، از این پس می‌توانند مسئولیت‌های نوین را عهده‌دار شوند.

در آخر مجدداً به تک‌تک رزمندگان که صلاحیت ورود را به گروهان‌های رزمی پیدا کرده‌اند تبریک می‌گویم. با امید به اینکه بزودی در طلیعه‌ی صبح آزادی، سرود سرخ مسلسل‌ها از گوشه و کنار میهن درزنجیرمان ایران بگوش برسد و لبخند بر لب‌های تمامی ایرانیان بازگردد.

مرگ بر خمینی- درود بر رجوی

کنفرانس مطبوعاتی مجاهدین خلق ایران درواشنگتن هم‌زمان با هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی

بقیه از صفحه ۴۷

خبرگزاری فرانسه

۱۱/فوریه/۱۹۸۷

این آمار که بنا به اظهارات آقای معزی از طریق یک شبکه‌ی اطلاعاتی مجاهدین در قلب ارتش ایران بدست آورده کاملاً بالاتر از آمار پنتاگون می‌باشد که تلفات ایران را طی همان مدت، ۴۰ یا ۶۰ هزار ارزیابی می‌کند.

به گفته‌ی آقای معزی اولین سری از این تهاجمات (ضد) کربلای ۴ که رئیس مجلس ایران هاشمی رفسنجانی آنرا "تهاجم نهایی" خوانده بود، بویژه بدلیل بحران‌های درونی ناشی از رسوایی "ایران گیت" توسط حکام تهران سرهم‌بندی شده بود ●

یک عضو مجاهدین خلق (مقاومت ایران) روز چهارشنبه اعلام کرد که سلاح‌های آمریکایی فروخته شده به ایران تأثیر مهمی در جنگ ایران و عراق نداشته است چرا که "خمینی قادر نیست از آنها استفاده کند".

سرهنگ بهزاد معزی که در سال ۸۱ ایران را ترک کرده است تاکید می‌کند که نیروهای مسلح رژیم خمینی از "بی‌گفایتی و عدم سازماندهی" رنج می‌برند. بحدی که در جریان تهاجمات دسامبر و ژانویه در مرزهای نزدیک بصره، دومین شهر عراق، ۱۵۰ هزار تن کشته یا زخمی شدند.

خبرگزاری گویت

۱۱/فوریه/۱۹۸۷

واشنگتن، (کونا)- در روز چهارشنبه یک افسر سابق نیروی هوایی ایران در اینجا تصویر

وخیمی از وضعیت نظامی فعلی رژیم ایران در جنگش با عراق داده و گفت که در ۶ هفته‌ی گذشته ایران متحمل ۱۵۰،۰۰۰ تلفات شده است. بعلاوه سرهنگ معزی در مورد مشکلات روزافزون و مقاومتی که رژیم در زمینه‌ی اعزام اجباری ایرانیان به جبهه‌ی جنگ با آن مواجه است صحبت کرد. وی گفت آنچه را که حکومت ایران حملات (ضد) کربلا می‌نامید یک شکست بزرگ برای رژیم بوده

وضعیت بحرانی آنرا تشدید کرده است... سرهنگ معزی از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۱ که هواپیمای حامل مسعود رجوی رهبر مجاهدین خلق ایران را بسوی پاریس به پرواز درآورد، در نیروی هوایی ایران خدمت می‌کرد. او همکاری با مجاهدین را در (سال) ۱۹۷۹ شروع کرد و هم‌اکنون در فرانسه زندگی می‌کند. سرهنگ به "سیاست اجبار و ارباب و دستگیری‌های عریان" که توسط رژیم برای اعزام مردم ایران به جبهه‌ی جنگ مورد استفاده قرار می‌گیرد، اشاره کرد.

واکنش بین المللی علیه جنگ طلبی جنایت بار خمینی

رهبر اتحاد شوروی: به جنگ ایران و عراق باید پایان داد

سمینار بین المللی «در راه قطع جنگ ایران و عراق»

میخائیل گرباچف رهبر اتحاد شوروی بار دیگر بر ضرورت خاتمه هر چه سریعتر جنگ ایران و عراق تأکید کرد. به گزارش رادیو مسکو (۲۲/بهمن)، گرباچف که در مراسم پایان دیدار

دبیرکل حزب سوسیالیست حاکم یمن جنوبی از شوروی سخن می گفت اعلام کرد: "به جنگ ایران و عراق باید هر چه زودتر از راه مذاکرات سیاسی خاتمه داد."

به ابتکار سازمان همبستگی خلق های آسیا و آفریقا، و شورای جهانی صلح سمینار بین المللی "در راه قطع جنگ ایران و عراق" روز پنجشنبه ۲۳/بهمن در قاهره گشایش یافت.

در این کنفرانس بیش از ۲۵۰ شخصیت سیاسی و اجتماعی از ۵۰ کشور جهان و همچنین شماری از نمایندگان سازمان های بین المللی شرکت دارند.

در اولین روز گشایش کنفرانس بین المللی در راه قطع جنگ ایران و عراق که اتحاد شوروی نیز در آن شرکت دارد،

پرزودوکولار دبیرکل ملل متحد، پیامی برای شرکت کنندگان در کنفرانس مزبور فرستاد و ضمن تأکید بر ضرورت توقف این جنگ خانمانسوز، فراخوانی جهت پایان دادن به عملیات جنگی و استقرار صلح تحت نظارت سازمان ملل، داد. همچنین رئیس جمهور عراق با ارسال پیامی برای "کنفرانس بین المللی در راه قطع جنگ ایران و عراق" بار دیگر با تأکید بر این که دولت عراق خواهان ادامه جنگ نیست، آمادگی عراق را برای خاتمه این جنگ ۲ ساله اعلام نمود.

گرومیکو خطاب به وزیر خارجه خمینی:

«داشتن عقل سالم» و «حداقل هوشیاری عوامانه»

ایجاب می کند که جنگ پایان یابد!

به گزارش خبرگزاری رویترز روز ۲۴/بهمن، نیکولای ریچکوف نخست وزیر اتحاد شوروی در دیدار خود با وزیر خارجهی رژیم خمینی ضمن تأکید بر عدم هرگونه تشابهی میان نقطه نظرات دولت شوروی و رژیم خمینی درباره جنگ ایران و عراق، خواستار خاتمه هر چه سریعتر این جنگ ۲ ساله گردید.

وی در این دیدار همچنین به ولایتی خائن خاطرنشان ساخت که شوروی در انتظار است تا جنگ ایران و عراق بغوریت پایان پذیرد.

یادآوری می شود که آندره گرومیکو صدر هیئت رئیسه اتحاد شوروی نیز روز جمعه ۲۴/بهمن هنگامی که وزیر خارجهی رژیم خمینی را بحضور پذیرفته بود توجیهات دجالگرانهی جنگ افروز خمینی در ادامه جنگ را رد کرد و به او گفت که داشتن عقل سالم و حداقل هوشیاری عوامانه، ایجاب می کند که رژیم خمینی دست از جنگ بردارد.

در همین رابطه رادیو مسکو روز شنبه ۲۵/بهمن طی تفسیری گفت که آندره گرومیکو، اکبر ولایتی را که حامل نقطه نظرات خمینی درباره جنگ ایران و عراق بود بحضور پذیرفت و به وی تأکید کرد که افزایش وسعت قبرستان های کشته شدگان این جنگ بسود مردم ایران نیست. از اینرو ما معتقدیم که باید راه حل هوشیارانه تری برای

قطع جنگ پیدا گردد. رادیو مسکو همچنین تصریح نمود که: "علی اکبر ولایتی موضع و نظر معروف رهبر جمهوری اسلامی ایران در مورد جنگ ایران و عراق را بیان داشت. آندره گرومیکو گفت: برخورد های دو کشور به این جنگ و درگیری با هم فرق دارد و این تفاوت بطور عمده به نحوه عمل در آینده مربوط است. عقل سلیم حکم می کند که توجه عمده باید به آینده مبذول گردد نه به گذشته. یعنی اینکه به جنگ پایان داده شود. افزایش وسعت قبرستان های شهیدان این جنگ بسود مردم ایران هم نیست. ما معتقدیم که باید راه حل هوشیارانه تری جستجو شود؛ یعنی طرق قطع این جنگ پیدا گردد. ما سخنانی را که بارها خطاب به رهبری ایران گفته بودیم تکرار می کنیم و می گوئیم حتی یک روز جنگ بدتر از ۵ سال مذاکره است."

مسافرت وزیر خارجهی رژیم درمانده و منزوی شدهی خمینی به شوروی با چنان شکست خفت باری روبرو گردید که حتی ولایتی خائن طی مصاحبه ای که در همین رابطه با رادیوی خمینی بعمل آورد، تلویحاً اعتراف کرد که مقامات اتحاد شوروی در اظهارات خود که ولایتی آنها را اظهارات "صریح" می نامید، سیاست جنگ طلبانهی خمینی را محکوم کرده و با بی اعتنائی های خود وزیر خارجهی رژیم او را نیز سنگ روی یخ کرده اند.

"احمد مختارانوب" مدیرکل سازمان یونسکو در پیامی که روز چهارشنبه بیست و دوم بهمن در پاریس انتشار یافت، خواستار توقف فوری جنگ ایران و عراق شد و گفت که ادامه جنگ ایران و عراق صلح و امنیت جهانی را به خطر انداخته است.

مدیرکل سازمان یونسکو گفت این سازمان آماده اقدام برای برقراری

صلح عادلانه و شرافتمندانه می باشد. همچنین شاذلی قلیبی، دبیرکل جامعهی عرب روز ۲۲/بهمن به هنگام افتتاح چهل و دومین اجلاس "شورای اقتصادی و اجتماعی عرب" جنگ ایران و عراق را خطرناکترین موضوعی که کشورهای عربی و اسلامی با آن مواجهند توصیف کرد و خواهان قطع فوری آن شد.

مدیرکل یونسکو خواستار توقف فوری جنگ شد

کنگره نویسندگان و خبرنگاران فلسطینی

جنگ تجاوزگرانه خمینی را محکوم می کند

فلسطینی، محمود درویش برگزار گردید، در قطعنامه پایانی خود همچنین تهاجمات تجاوزکارانهی اخیر رژیم خمینی به خاک عراق را نیز محکوم نمود.

اتحادیهی عمومی نویسندگان و خبرنگاران فلسطینی خواستار قطع فوری جنگ ایران و عراق شد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه (۲۱/بهمن)، کنگرهی اتحادیهی عمومی نویسندگان و خبرنگاران فلسطینی، طی قطعنامه ای روابط پنهانی و معاملات تسلیحاتی رژیم دجال خمینی با اسرائیل و آمریکا را محکوم نمود.

کنگرهی مزبور که در شهر الجزیره و به ریاست شاعر مشهور

سخنگوی سازمان آزادیبخش فلسطین

جنگ طلبی خمینی را محکوم کرد

که نیروهای ظالم و کینه توز در پشت سر او قرار گرفته اند که عبارتند از اسرائیل و رژیم سوریه. این خبر توسط رادیو بغداد در روز ۲۶/بهمن اعلام گردیده است.

احمد عبدالرحمن سخنگوی رسمی سازمان آزادیبخش فلسطین، با اشاره به شکست تهاجمات تجاوزکارانهی رژیم خمینی به خاک عراق گفت که رژیم خمینی طرفی است

اوج دنائت همپالکی های خمینی ضد بشر در محاصره اردوگاههای فلسطینیان

بدنبال نزدیک به ۴ ماه محاصره جنایتکارانهی غذایی و دارویی اردوگاههای فلسطینی در لبنان توسط گروه مزدور امل و شروع مرگومیر روزانهی آوارگان فلسطینی در اثر گرسنگی، یک رهبر فلسطینی در اردوگاه برج البراجنه، از رهبران مذهبی در بیروت خواست تا اجازهی صادر کنند که آوارگان ساکن این اردوگاه که شمار آنها به ۲۰ هزار نفر بالغ می‌گردد، برای سدجوع و جلوگیری از مرگ بر اثر گرسنگی بتوانند از گوشت اجساد کشته‌شدگان استفاده کنند.

خبرگزاری رویتر (۱۷ بهمن) صحنه‌های غم‌انگیزی از شرایط زندگی آوارگان فلسطینی در اردوگاههای لبنان را که بمدت ۱۴ هفته در محاصرهی مزدوران امل قرار دارند به نقل از شاهدان عینی مخابره کرده و می‌گوید: "بر اثر محاصرهی امل، گرسنگی همه‌جا را فرا گرفته است. پزشکان خارجی که در اردوگاه برج البراجنه کار می‌کنند دیروز (شنبه ۱۸ بهمن) گفتند؛ در اثر محاصرهی ۱۴ هفته‌ای امل، وضعیت بصورت غیرقابل تحمیلی درآمده... مردم گرسنه‌اند، ما بچه‌هایی را دیده‌ایم که در زیاله‌ها بدنبال غذا می‌گشتند.

زنی امروز درحالیکه مشغول کندن علف برای دادن به بچه‌اش بود مورد اصابت گلوله (نیروهای امل) قرار گرفت. بعضی از مردم برای زنده ماندن خوردن گوشت سگ و گربه را شروع کرده‌اند". در همین حال گروه مزدور امل که مورد حمایت اسرائیل و رژیم خمینی است، بمناسبت سالگرد بقدرت رسیدن خمینی ضدبشر، هیئتی به تهران اعزام کرد. هیئت مزبور که رادیوی رژیم خبر ورود آنرا پخش نمود، روز دوشنبه ۲۰ بهمن با ولایتی خائن وزیر خارجهی رژیم ملاقات کرد و ضمن حمایت از سیاست جنگ‌طلبانهی خمینی، در مورد پیشبرد توطئه‌ها و اقدامات جنایتکارانه علیه خلق و انقلاب فلسطین به مذاکره با سردمداران رژیم پرداخت.

به گزارش خبرگزاری‌ها در روز ۲۲ بهمن اگرچه بمنظور ارسال محمولات غذایی و دارویی برای آوارگان اردوگاه برج البراجنه آتش‌بس اعلام شده بود اما گروه مزدور امل در لبنان، بار دیگر راه عبور کاروان‌های حامل آذوقه و دارو برای اردوگاههای آوارگان فلسطینی را مسدود کرد و از رسیدن محمولات غذایی و دارویی

به آوارگان فلسطینی ممانعت کرد. گزارش خبرگزاری‌ها حاکی است که مردم بعضی از شهرهای سرزمین‌های اشغالی در همبستگی با آوارگان فلسطینی دست به تظاهرات زدند و به دادن شعار علیه گروه مزدور امل که از سوی رژیم خمینی، سوریه و اسرائیل حمایت می‌شود پرداختند.

در همین حال یاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین طی یک پیام فوری به رهبر اتحاد شوروی، خواستار دخالت فوری شوروی جهت توقف جنگ ویرانگر علیه اردوگاههای آوارگان فلسطینی گردید.

یاسر عرفات همچنین با ارسال یک تلگرام فوری از شورای امنیت ملل متحد تقاضای تشکیل یک جلسهی فوری در رابطه با محاصرهی آوارگان فلسطینی را نمود.

* رویتر ۲۴ بهمن: "مأموران سازمان ملل به هنگام ورود به اردوگاههای محاصره‌شدهی فلسطینی‌ها برای رساندن غذا و دارو، با آتش مسلسل و راکت‌های نیروهای امل مواجه شدند". در اثر این آتشباری، حمل آذوقه به اردوگاههای فلسطینی که هم‌اکنون حدود ۴ ماه در محاصرهی جنایتکارانهی گروه

مزدور امل قرار دارند مجدداً قطع گردید.

به گزارش رویتر، درحالیکه نیروهای سازمان آزادیبخش فلسطین مطابق توافق انجام‌شده، مواضع خود را در شهرک استراتژیک مقدوشه که گروه مزدور امل آنرا بعنوان شرط دست برداشتن خود از محاصرهی اردوگاهها علم کرده بود، ترک کرده‌اند، این گروه اکنون می‌گوید تا زمانی که سایر مواضع خود در جنوب لبنان را، که سال گذشته در جنگ با نیروهای سازمان آزادیبخش فلسطین از دست داده است پس نگیرد حاضر به دست برداشتن از محاصرهی اردوگاه آوارگان فلسطینی نخواهد بود. در همین حال گزارشات خبرگزاری‌ها حاکیست که یاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین، سفرای کشورهای فرانسه، انگلستان، یوگسلاوی و ایتالیا در تونس را به حضور پذیرفته و طی نامه‌هایی خطاب به دولت‌ها و رؤسای جمهور کشورهای مزبور از آنها خواسته است تا به مسئولیت‌های سیاسی و انسانی خود در قبال جنایاتی که علیه خلق فلسطین صورت می‌گیرد اقدام کنند.

از سوی دیگر رادیوی اسرائیل خبر داد که هواپیماهای بمبافکن اسرائیلی نیز در ساعت ۱ بعداز نیمه‌شب ۲۳ بهمن اردوگاه آوارگان فلسطینی عین‌الحلوه واقع در جنوب لبنان را بمباران کرده‌اند.

خطر مرگ از گرسنگی قرار دارند فراهم شود. شوروی نیز نگرانی خود را در قبال وضعیت اسفبار اردوگاههای فلسطینی و ادامهی محاصرهی آن ابراز داشت.

در همین حال رژیم خمینی که خود در توطئه‌های محاصرهی جنایتکارانهی اردوگاهها و کشتار فلسطینیان قویاً دست دارد، در رادیوی دروغپرداز خود به تبلیغ دربارهی باند مزدور امل و هتاکی کینه‌توزانه علیه سازمان آزادیبخش فلسطین و رهبری آن پرداخت.

شایان ذکر است که روز شنبه ۲۵ بهمن صداهاتن از مردم فلسطین در بیت‌المقدس به حمایت از سازمان آزادیبخش فلسطین و علیه باند امل و متحدان این باند که به محاصرهی اردوگاههای آوارگان ادامه می‌دهند، دست به تظاهرات زدند. تظاهرکنندگان شعارهایی علیه نبیه‌بری رئیس گروه مزدور امل دادند.

توطئه مشترک رژیم خمینی و گروه مزدور امل بر علیه آوارگان فلسطینی

سالخوردهی بسیاری در میان آنها هستند در آستانهی مرگ ناشی از گرسنگی قرار گیرند. ساکنین اردوگاههای فلسطینی بخاطر جلوگیری از مرگ اکنون مدتی است از گوشت سگ و گربه تغذیه می‌کنند و چندی پیش نیز از رهبران مذهبی در بیروت خواستند تا بتوانند از گوشت اجساد کشته‌شدگان تغذیه کنند.

گزارشات خبرگزاری‌ها حاکیست که شورای امنیت سازمان ملل متحد در پی درخواست یاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین تشکیل جلسه داد و ضمن محکوم نمودن محاصرهی اردوگاههای آوارگان فلسطینی از گروه مزدور امل خواست تا به این محاصرهی جنایتکارانه و ناجوانمردانه خاتمه دهد. تا بدین ترتیب امکان رساندن مواد غذایی به ساکنین اردوگاهها که در

در مصاحبه‌ای با کانال یک تلویزیون فرانسه، نبیه‌بری سرکردهی گروه مزدور امل در لبنان، به نقش خائنه‌ی رژیم خمینی در محاصرهی اردوگاههای آوارگان فلسطینی و تلاش برای آواره کردن مجدد آنها اعتراف کرد. وی گفت فلسطینی‌ها به توافقنامهی تنظیمی توسط حکومت ایران اعتنا نمی‌کنند. توافقنامه‌ای که نمایندگان حکومت ایران خواستار خروج فلسطینی‌ها از سرزمین ما شده‌اند. وی گفت اگر امروز فلسطینی‌ها به چنین توافقی تن دهند فردا محاصرهی اردوگاهها پایان می‌پذیرد. محاصره و گلوله‌باران اردوگاههای آوارگان فلسطینی طی ۴ ماه گذشته توسط مزدوران امل باعث شده است که ده‌ها هزار نفر از ساکنین اردوگاههای مزبور که زنان، کودکان و افراد

سوز و گدازهای زبوانه سردمداران رژیم در مانده خمینی در قبال ضربات سهمگین مقاومت مسلحانه سراسری

سردمداران رژیم ضد خلقی خمینی و دستگاه تبلیغاتی ارتجاع همواره می کوشند تا بر حسب دستور شخص خمینی دجال در قبال اعتلای مقاومت مسلحانه سراسری سکوت اختیار کنند و تا آنجا که می توانند از انتشار اخبار آن در میان توده های مردم جلوگیری بعمل آورند. به همین منظور بود که وقتی که مهرهای نظیر حسین قانع گلپایان جلاد معروف خراسان با آتش مسلسل رزمندگان مجاهد خلق بهلاکت رسید، جسد او را در میان چند کشته ای جنگ ضد میهنی بی سروصدا بگور سپردند و فقط به انتشار چند اطلاعیه و برگزاری مجالس ترحیم از سوی نهادهای سرکوبگر رژیم اکتفا کردند. اما از آنجا که موج اخیر ضربات سهمگین رزمندگان مجاهد خلق بر پیکر رژیم پوسیده و متزلزل خمینی، فراتر از آن است که بتوانند آنرا با سکوت برگزار کنند و از آنجا که اخبار این عملیات درخشان در رسانه های خبری جهان وسیعاً منعکس شده و در سراسر کشور نیز دهان به دهان می گردد و قلوب مردم ستمدیده را شادمان می کند؛ سردمداران رژیم خمینی چاره ای جز سردادن زوزه های وحشت آلود و سوز و گدازهای زبوانه نیافته اند. سران رژیم ضد بشری و عوامل تبلیغاتی آنان در شرایطی که تعفن افتضاحات عالمگیر خمینی پس از افشای معاملات تسلیحاتی و روابط پنهانی با آمریکا و اسرائیل عالم را فرا گرفته و مردم ایران و جهان را از این رژیم ننگین با شدت هر چه تمامتر منزجر و متنفّر کرده است؛ باز هم با بلاهت شمشزکننده ای به سیاق دجالگری های گذشته در زوزه های تبلیغاتی خود مجاهدین را عوامل آمریکا و امپریالیسم می خوانند!!

همچنین در شرایطی که اصرار رژیم خمینی بر ادامه ی جنگ با شدیدترین انزجار مردم ایران و وسیع ترین محکومیت بین المللی و منطقه ای روبرو است و در شرایطی که ماجراجویی های تجاوزکارانه ی خمینی در جبهه های جنگ ضد میهنی، آتش خانمانسوز جنگ را هر چه بیشتر گسترش داده است؛ سردمداران رژیم خمینی، همچنان به زوزه کشیدن علیه مجاهدین و سیاست صلح آنان می پردازند و گمان می کنند که دروغ ها و لجن پراکنی های آنان علیه پرچمداران صلح و آزادی اثری دارد. اما واقعیت این است که این زوزه های وحشت آلود و نشخوار این اراجیف زنگزده آنهم در حوض رسوایی و آبرویاختگی و بر ملا شدن طینت جنگ طلبی خمینی، فقط و فقط باعث افزایش خشم خلق علیه خمینی و دارودسته ی او می گردد و بر حمایت و محبت توده ها نسبت به فرزندان مجاهد و پیشاتازان و نسبت به مقاومت مسلحانه ی سراسری صد چندان می افزاید.

اطلاعات

دوشنبه ۲۲ بهمن ۶۵

تسماس تلفنی رئیس مجلس با هجت الاسلام سید هادی خامنه ای

تهران- خبرگزاری جمهوری اسلامی: تسماس تلفنی رئیس مجلس شورای اسلامی اعلام کرد: هجت الاسلام والسلمین هاشمی رفسنجانی طی تماس تلفنی با هجت الاسلام سید هادی خامنه ای نماینده مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی که اینک در یکی از بیمارستانهای مشهد بستری می باشد، جوپای حال ایشان شد. یادآوری می شود، هجت الاسلام سید هادی خامنه ای بر اثر انفجار نارنجک به دست منافقین چنانکه در جریان راهپیمایی پرشکوه ۲۲ بهمن مجروح شده است.

پیام آیت الله العظمی منتظری

و حجت الاسلام کروبی

بمناسبت مجروح شدن

هجت الاسلام سید هادی خامنه ای

متن پیام حضرت آیت الله العظمی منتظری به این شرح است:

مشهد مقدس

بیمارستان امام حسین

جناب مستطاب هجت الاسلام آقای سید هادی خامنه ای دامت افاضات پس از سلام همکاری ناچوانمردانه افراد کوردل با رژیم بعثی کافر عراق در راهپیمایی ۲۲ بهمن در مشهد مقدس در جوار حضرت ثامن الائمه (علیه السلام) که منجر به شهید و مجروح شدن جمعی از برادران مسلمان و متعهد و از جمله مجروح شدن جنابعالی شد موجب تأسف و تأثر گردید که چرا هنگامی که امپریالیسم شرقی و غربی و همال آنان همگی علیه اسلام عزیز و امت مسلمان و انقلاب ایران با یکدیگر تبهانی کرده اند و یک مشت جوان خام گولخورده کشور ما خودشان و وجدان و ایمانشان را فدای اغراض و هوس های سران کوردل و هائین می کنند و ملامت دشمنان اسلام ایران همکاری می نمایند و در جات همسایه های جبهه ها و بهارانها و ترورهای وحشیانه را هالی فرماید و به بازماندگان صبر و اجر و به مجروحین و معلولین شفای عاجل و به جنابعالی سلامت و توفیق خدمت به اسلام نهایت کند.

والسلام علیکم حسینعلی منتظری

اطلاعیه روابط عمومی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم پیرامون عمل چنانستکارانه منافقین در مشهد

از سوی روابط عمومی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم پیرامون عمل ضد انسانی منافقین چنانستکار که در زوزه خوشخوشی هشتان به ابرفروتن ها هنگام با صدای حزب بت ملحد عراق در سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی اقدام به جنایتی کثیف کرده و راهپیمان مقاومت شهرشهادت مشهد را در جوار ملکوتی حضرت ثامن الحجج (ع) هدف کینه توزی خویش قرار داده و چندتن از جمله دو روحانی را شهید و مدعی را مجروح ساختند، اطلاعیه ای منتشر یافت.

به گزارش خبرنگار ما در بخشی از این اطلاعیه آمده است: دشمنان اسلام پنداشتند که با این حرکات مذبحخانه می توانند مردم را از صحنه انقلاب خنثی کرده و به اهداف شوم خود برسند. در حالی که این مردم بارها و بارها ثابت کرده اند که تحت لوای اسلام و رهبری های داهایانه حضرت امام خمینی مظلّم الهالی و قائم مقام مظلّم رهبری حضرت آیت الله العظمی منتظری جان را در طرق اهلصام به جانان تقدیم داشته اند.

بیانیه دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی در رابطه با ترور نافرجام هجت الاسلام سید هادی خامنه ای توسط منافقین کوردل در مشهد

متن بیانیه به شرح زیر است:

در جوش و خروش مقاومت بی سابقه امت قهرمان و مسلمان ایران در برابر تهاجمات و زورگویی های امپریالیسم جهانی، هنگام و به پیروی از آیدای استکبار در جهت خنثی نمودن اثرات این پایداری، منافقین کوردل و روسیاه بهاری صدام زبون-شستافته و وظیفه ضربه زدن به این مردم مسلمان را درجایی که از دسترس رژیم بعثی و صهیونیستی عراق دور است، برعهده گرفتند.

در زمانی که بمب و راکت امپریالیسم خونخوار توسط صدامیان کافر بر سر اهالی مقاوم و در صحنه شهر-های ما فرود می آمد، در سوئی دیگر و در شهر مقدس مشهد، نارنجک این دشمن اصلی ملت ما، توسط نوکران خود فروخته اش، منافقین از خدا بی خبر به قطع و قلع مردم مبارز و در صحنه این شهر برداشت و در این میان برادرارجمند و مبارز هجت الاسلام والسلمین سید هادی خامنه ای نماینده حضرت آیت الله العظمی منتظری در شورای مرکزی جهاد دانشگاهی مجروح گردید. ضمن ادای شکر به درگاه ایزد منان به خاطر حفظ این روحانی مبارز جهت ادامه هدایت جهادگران جهاد دانشگاهی و گروشدن به مسئولین محترم در شناسایی و نابودی قایمانده های ضد انقلاب، شفای کامل نماینده آیت الله العظمی منتظری در جهاد دانشگاهی را از خداوند متعال بخواستار بوده و به تمامی دشمنان این انقلاب مقدس اسلامی اعلام می داریم همانگونه که تاکنون به اثبات رسیده، خون پاک فرزندان این امت باهاخته، شجره طیبه انقلاب اسلامی را پر بارتر و تنومندتر می سازد.

● متن تلگرام هجت الاسلام کروبی بدین شرح است: برادر مجاهد جناب هجت الاسلام آقای سید هادی خامنه ای، از اقدام ضد انسانی منافقین کوردل به حضرتعالی و تعدادی از مردم قهرمان و مسلمان شهر مقدس مشهد در جریان راهپیمایی شکوهمند ۲۲ بهمن با کمال تأسف و باخبر شدم. غیر منتظره نیست که آن سبه دلان که هم اکنون به رژیم سفاک و چنانستکار بغداد پناه آورده اند در مقابل آواخ خروشان دریای بیکران امت مسلمان و فسیل پیروان ایران در یوم الله ۲۲ بهمن در ادامه اعمال ضد اسلامی انسانی خود به صفوف مستحکم راهپیمایی شکوهمند مردم عزیز مشهد حمله ور شوند تا با شهادت و مجروح نمودن تعدادی از مردم شریف مشهد و ممدوم نمودن حضرتعالی که از پاساها بهترین یاران حضرت امام و از چهره های درخشان مبارزه روحانیت می باشد به خیالواهی خود خلقی در مزم راسخ امت حزب الله ایران ایجاد نمایند غافل از آنکه هیچ حاملی نخواهد توانست کوچکترین اثری در اراده استوار این امت و یاران عزیز حضرت امام در تدارک انقلاب اسلامی در مقابل با توطئه های ابرقدرتهای شرق و غرب، ایجاد نماید. از خداوند سبحان، شفای عاجل حضرتعالی را مسئلت می نمایم.

سوز و گدازهای زبوانه سردمداران رژیم در مانده خمینی در قبال ضربات سهمگین مقاومت مسلحانه سراسری

اطلاعات

دوشنبه ۲۷ بهمن ۶۵



یادی از شهید
جبهه قلم
و فرهنگ
و اندیشه؛
شهید

حجت الاسلام والمسلمین
حاج شیخ علی ایرانمنش

... می دانی برادر و خواهر کرمانی که از کمی گویم؟
صبح، خبر توی شهر پیچید و مگر می شود چنین خبری را
از مردم مخفی کرد و پنجه های درد را از قلبهاشان دور
ساخت ؟

هنگامی که در آموزش و پرورش کرمان، سنگر مبارزهای
جهتدار و سازنده را ساخت ... و در عین حال در سنگر
روحانیت و محراب نماز جمعه به عنوان امام جمعه محترم
کرمان خطبه می خواند

در این زمینه، پیامی از سوی نمایندگان استان کرمان
در مجلس شورای اسلامی به شرح زیر صادر شد :

شهادت اسوه علم، تقوی، مقاومت و همسترگ
شهید دکتر باهنر حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای
علی ایرانمنش امام جمعه موقت و مدیر کل آموزش و
پرورش کرمان و شهید عزیز خاندانی را که در حال عزیمت
به محل کار خود به دست منافقین کوردل و از خدا
بی خبر به درجه رفیع شهادت نایل آمدند، به پیشگاه
بقیة العالیة اعظم امام زمان (عج) و نایب برحقش، امام
بزرگوارمان و مردم شهید پرور کرمان به خصوص جامعه
فرهنگیان استان و خانواده های معظمشان تبریک و تسلیت
عرض می نمایم.

ورق پاره ای اطلاعات خمینی همراه با درج عکسی از جنایتکار
مجازات شده علی ایرانمنش در صفحه اول این روزنامه، گوشه ای از
سوز و گداز ذلیلانه و مضحک سردمداران رژیم و دستگاه تبلیغاتی ارتجاع
بخاطر هلاکت امام جمعه موقت خمینی جلاد در کرمان را منعکس کرده
است. کارگزاران تبلیغاتی رژیم که دیگر نمی توانند در قبال ضربات
سنگین و پی در پی رزمندگان مجاهد خلق سکوت کنند آشکارا تصریح
کرده اند که: "صبح خبر توی شهر پیچید و مگر می شود چنین خبری را
از مردم مخفی کرد...؟! "

جالبتر اینکه، عوامل تبلیغاتی خمینی به طرز بسیار مضحکی چنان
تبثیری برای سوز و گدازنامه ای خود انتخاب کرده اند که انگار ایرانمنش
جنایتکار چندین سال قبل به هلاکت رسیده و حالا فقط "یادی" از او
کرده اند! بنظر می رسد که تبلیغاتچی های خمینی با این ترفند مضحک،
مدبوحانه تلاش کرده اند که وحشت خودشان و دیگر مزدوران
روحیه باخته دشمن از اعتلای مقاومت مسلحانه ای انقلابی را قدری
کاهش دهند!!

ضمناً برای اینکه بیشتر روشن شود که جنایتکار ضد خلقی مجازات شده
در باصطلاح "جبهه قلم و فرهنگ و اندیشه"!! چه می کرده است،
قسمتی از اعترافات صریح وی در مورد استفاده از ۴۳,۰۰۰ دانش آموز
خردسال و بیگانه بعنوان گوشت دم توپ در جبهه های جنگ ضدهیمنی
خمینی، را نیز در این صفحه کلیشه کرده ایم.

*

اعتراف صریح ایرانمنش جنایتکار
به اعزام بالغ بر ۴۳۰۰۰ دانش آموز به جبهه های مرگ

چهارشنبه ۲۶ شهریور ماه ۱۳۶۵

اطلاعات یزد و کرمان

حجت الاسلام ایرانمنش

مدیرکل آموزش و پرورش استان کرمان

۲۴۰ پروژه آموزشی در سطح استان

لر دست اجراء است.

وی گفت: علاوه بر این مراکز آموزشی در لشکر
پیروز ناله در اهواز و در خط مقدم جبهه نیز مجتمع
آموزشی با شرکت معلمان متعهد ایجاد شده است.
وی با اشاره به این نکته که از ابتدای جنگ تحمیلی
۴۲ هزار و ۹۶۳ نفر دانش آموز و چهار هزار و ۵۷۹ نفر
از فرهنگیان به جبهه های نبرد عزیمت کرده اند گفت: در
این مدت علاوه بر ارسال ۳ هزار و ۲۵۵ کامیون هدایای
دانش آموزان به جبهه های نبرد بیش از یک میلیارد و ۱۴۵
میلیون و ۷۶۷ هزار و ۹۵۰ ریال کمک نقدی شده است.

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

بقیه از صفحه ۱۲

برجسته‌ترین وجه اشتراک شاه و شیخ نیز در همینجاست **والا مبارزه‌ی مسلحانه‌ی انقلابی** رسوبات و فضولات این چنینی جامعه و صحنه‌ی سیاسی را کنار می‌زد و شستشو می‌نمود و دیگر نمی‌شد بعد از شاه، همان روش‌ها و همان مسیر استثمارگرانه را - آن هم در ابعادی بسیار بسیار زیادتر - ادامه داد. امروز نیز میان‌بازان، وابستگان و جمیع فرصت‌طلبان سیاسی و ضدانقلابیون از آن جهت مبارزه‌ی مسلحانه‌ی انقلابی را "تروریسم" می‌خوانند که خوب می‌فهمند بطور روزمره دکان آنها را تخته می‌کند و جایی برای آنها باقی نمی‌گذارد و درب وابستگی و وابستگی‌گرایی را هم گل می‌گیرد. در همین رابطه یکی از بزرگترین خدمات و برجسته‌ترین ویژگی‌های شورای ملی مقاومت ایران پذیرش و تصویب مثنی مسلحانه بعنوان راه اصلی سرنگونی رژیم خمینی بوده است. چنین بود که شورا از آغاز، راه را بر بسیاری فرصت‌طلبی‌ها و انحرافات سد کرد و من خوب بیاد دارم که بنی‌صدر از آن

جوهر و مضمون مناسبات ما و ارتباطات سایرین ترسیم می‌کند. اگر کسی در این حقیقت تردید دارد می‌تواند بشرط برخورداربودن از یک پایه‌ی توده‌ای و تشکیلات عظیم انقلابی بطور سراسری به مبارزه‌ی مسلحانه‌ی انقلابی با دشمن ضدبشری همچون خمینی اقدام کند، طی ۵ سال پنجاه هزار شهید و دو مقابل آن اسیر بدهد، زنان و مردانی تربیت کند که در مسیر سرنگونی دشمن ضدخلقی و در راه رهایی مردم و میهنشان جملگی برای عمل انتحاری آماده‌اند و آنگاه ببیند که آیا می‌توان بدون حفاظ استقلال (آنهم استقلال کامل‌العیار) که چتر و سپر تمامیت حیات و موجودیت سیاسی اوست، یک روز را هم سپری کرد و به حل مسائل مختلف ایدئولوژیکی و سیاسی و تشکیلاتی و فردی و اجتماعی چنین جنبشی مبادرت کرد؟... درست به همین دلیل هیچ نیرو و جریان

چنانکه می‌دانید و در اعلامیه‌ی رسمی نیز آمده رئیس‌جمهور عراق در دیدار صلح با اینجانب، قبل از هر چیز بر استقلال و آزادی عمل ایدئولوژیکی و سیاسی مقاومت ایران تا وصول به اهدافش تاکید نموده و گواهی داد. تأکیدی که تاکنون با دقت هر چه بیشتر در جمیع جهات محترم شمرده شده است و خود ناشی از استقلال و عدم وابستگی رژیم عراق است والا محال بود نیرویی مانند مجاهدین را در خاک خود بپذیرد و بر آزادی عمل آنها تأکید ورزد. برآستی هم اگر جز این بود خمینی بفکر ادامه‌ی جنگ و حمله و هجوم به آن نمی‌افتاد و خیال اشغال و تصرف آن را قطعاً از سر بیرون می‌کرد. گم‌اینکه در اواخر تابستان امسال رفسنجانی به صراحت از جانب خمینی اعلام واز آنها که باید دعوت نمود، دعوت کرد که خوبست این رژیم عراق را ببرند و بجای آن جانشین آمریکایی بیاورند...

محلی [منطقه‌ای] و صنفی، کیفاً ممتاز نموده و با تکیه به عنصر سلاح و قهر عادلانه حدفاصل بسیار روشن و البته خونینی، مابین آن و دیگر اشکال مقاومت‌های پراکنده، موسمی، موضعی، عشیرتی و فرمبستی ترسیم می‌کند" (نقل از پیام سی خرداد ۱۳۶۲) باین ترتیب بوضوح می‌توان دریافت که در دوران ما یکی مجاهدین و علاوه بر آنها یکی هم در زمان شاه چریک‌های فدایی (تحت رهبری شهید مسعود احمدزاده) به چنین مبارزه‌ای در ایران اقدام نموده‌اند که البته بر دامن هیچیک غباری از عدم استقلال و وابستگی ننشسته است.

این را هم اضافه کنم که وقتی ۲ جریان یا ۲ سازمان هر دو عملاً به مبارزه‌ی انقلابی مشغول باشند لااقل تا وقتی دشمن مشترک تاخت‌وتاز می‌کند نمی‌تواند از نظر سیاسی بیش از حد معینی از یکدیگر فاصله گرفته و به سر و روی هم بپردازد.

اما بموازات مبارزه‌ی انقلابی شاخص دیگر برای سنجش درجه‌ی استقلال و عدم وابستگی هر حزب و سازمان یا جانشین سیاسی، نحوه‌ی برخورد او با جریانات وابسته و دست نشانده است. بعبارت دیگر در رابطه‌ی که با انواع نیروهای وابسته تنظیم می‌کند درجات استقلال‌طلبی حقیقی خود را نیز برملا می‌کند. چرا که اشیاء را در اضدادشان بهتر می‌شود شناخت.

در پایان این مبحث باید بر چند نکته مهم دیگر نیز تأکید کنم:

اولاً - چنانکه می‌دانید و در اعلامیه‌ی رسمی نیز آمده رئیس‌جمهور عراق در دیدار صلح با اینجانب، قبل از هر چیز بر استقلال و آزادی عمل ایدئولوژیکی و سیاسی مقاومت ایران تا وصول به اهدافش تأکید نموده و گواهی داد. تأکیدی که تاکنون با دقت هر چه بیشتر در جمیع جهات محترم شمرده شده است و خود ناشی از استقلال و عدم وابستگی رژیم عراق است والا محال بود نیرویی مانند مجاهدین را در خاک خود بپذیرد و بر آزادی عمل آنها تأکید ورزد. برآستی هم اگر جز این بود خمینی بفکر ادامه‌ی جنگ و حمله و هجوم به آن نمی‌افتاد و خیال اشغال و تصرف آن را قطعاً از سر بیرون می‌کرد. گم‌اینکه در اواخر تابستان امسال رفسنجانی به صراحت از جانب خمینی اعلام واز آنها که باید دعوت نمود، دعوت کرد که خوبست این رژیم عراق را ببرند و بجای آن جانشین آمریکایی بیاورند...

مصوبه فوق‌العاده گزیده شده بود، بیچاره نمی‌دانست که عزم ما برای اینکه نگذاریم نوفل‌لوشاتوی دیگری تکرار شود تا کجا جزم است.

اینجا دیگر روشن می‌شود که بطور قانونمند تهدید وابستگی و عدم استقلال فقط پس از ترک مبارزه‌ی انقلابی می‌تواند محقق شود و نه قبل از آن.

وقتی هم از مبارزه و مقاومت انقلابی صحبت می‌کنیم، ویژگی‌های آنرا بدقت از پیش تعریف و اعلام کرده‌ایم:

"این مقاومت، انقلابی است. زیرا سرشار از فداکاری، تحرک، تشکل، انضباط، سازمان‌یافتگی و آگاهی و تماماً متکی به یک ایدئولوژی و خط مشی انقلابی است، که آن را از مقاومت‌های پراکنده‌ی خودبخودی، در چارچوب انگیزه‌ها و خواست‌های محدود

وابسته و هیچ نیروی غیرانقلابی نمی‌توان یافت که حتی خواب مبارزه‌ی مسلحانه‌ی از نوع مجاهدین را بتواند ببیند یا شعار آنرا بتواند بدهد، چه رسد به اینکه آنرا در طول سالیان باجرا در آورد. گم‌اینکه خمینی، وقتی که حاکم نبود، هیچگاه در برابر شاه حکم جهاد مسلحانه نداد. این امر از جوانب مختلف عقیدتی و سیاسی و تشکیلاتی و بالاخص به لحاظ اقتصادی - اجتماعی و طبقاتی با ماهیت ارتجاعی او در تناقض بود و سریعاً مهار اوضاع را از دست او خارج می‌نمود و رهبریش را نفی می‌نمود و خمینی اینرا خوب می‌فهمید که اوج گرفتن مبارزه‌ی مسلحانه در برابر رژیم شاه بمشابه‌ی نفی تاریخی خودش و همگانش نیز می‌باشد و محققاً نیرویی چون مجاهدین را به انکاء طبقات تحت ستم جامعه به قدرت می‌رساند.

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

رایعاً - اگر شورای ملی مقاومت ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران به وظایف میهنی و مسئولیت‌های مردمی خود در قبال جنگ ضد میهنی عمل نمی‌کردند و اگر ما به تنظیم رابطه‌ی اصولی برای صلح عادلانه با همسایه‌ی دائمی و ابدی خود مبادرت نمی‌کردیم، آنگاه باز هم حلاً، مربوطه را امثال شاه و خمینی بزیان مردم هر دو کشور و مردم تمام منطقه پر می‌کردند که این امر البته در شرایط کنونی برای میهن ما فوق‌العاده خطرناک بود و قطعاً زمینه‌های تجدید جنگ و استمرار خونریزی در آینده را حفظ و تقویت می‌نمود و چه بسا در مراحل بعدی تمامیت ارضی و جغرافیای ایران (و همچنین عراق) را به زیر علامت سؤال می‌گشاید و آشوب‌ها و خونریزی‌ها بپا می‌گردد. زیرا بجز این جانشین مردمی و انقلابی، که با درهم شکستن ظلم جنگ‌طلبی خمینی و عزیمت به عراق و عبور از خاک این کشور، ظرفیت منحصر به فرد و تاریخی خود برای استقرار صلح و آزادی را به ثبوت

تاریخی و اعتبار جهانی و دهها هزار شهید، از اساس غیر واقعی، باطل و بیهوده است و بیشتر برای "رد پاک‌کنی" و "ایز گم کردن" در رابطه با وابستگی‌های استعماری عینی و واقعی که سابقه‌ی تاریخی هم در ایران دارد صورت می‌گیرد. والا عراقی کی و کجا در تاریخ خود ایران را استعمار و وابسته بخود کرده است؟!

پس تهدید واقعی مقاومت انقلابی که پیوسته باید از آن برحذر بود و در گذشته نیز بسیار به زیان ما تمام شده، کم استفاده کردن از خاک عراق برای تدارک هر چه سریعتر و هر چه قاطعانه‌تر سرنگونی دشمن ضد بشری و درهم شکویدن هر چه قاطعانه‌تر ظلم دجالیت خمینی در قبال مسئله‌ی جنگ بوده است.

بگذریم که اگر قرار بود شورا یا مجاهدین بطور اخص، جز به مصالح و منافع ملی و میهنی و مردمی خود پای‌بند باشند، همانند فرومایگانی که رژیم خمینی آنها را در اوایل سال جاری بخاطر بی‌ارزشی سیاسی‌شان و

ثانیاً - نیاز ما (مقاومت ایران) و عراق به صلح و نیازمان به یگدیگر در این رابطه؛ طرفینی، متقابل و دو جانبه است. نباید از یاد برد که وسعت ایران تقریباً ۴ برابر عراق و جمعیت آن سه برابر بیشتر است و لذا طبعاً عراق نمی‌تواند جانشین یا رژیمی وابسته بخود در کشور ما روی کار بیاورد. حال آنکه مدت‌هاست تنها خواسته‌ی مشروع عراق صلح است. بخصوص می‌دانیم که از آغاز نیز این خمینی بود که جنگ را زمینه‌سازی کرد. در اینباره بعنوان مثال می‌توان به اظهارات ابراهیم یزدی وزیر خارجه‌ی دولت بازرگان و یارغار خمینی در نوفل‌لوشاتو و رابط او با بسیاری مراکز "غیبی" استناد نمود که هدف رژیم خمینی و دولت بازرگان و اولین محور مطلوب از اعزام نخستین سفیر خمینی به عراق (محمود دعایی) را چنین توضیح میدهد:

"محور اول، اعزام یک سفیر وارد به اوضاع عراق و قادر به ارتباطات لازم و منطقی و سری با گروه‌های مسلمان مخالف رژیم صدام در داخل عراق (که) این امر ضروری بود" (کیهان ۵۹/۷/۵)

۵ ماه قبل از تهاجم قوای عراقی بخاک ایران، منتظری ولیعهد خمینی نیز در ۲۴ فروردین ۵۹ به صراحت از خمینی درخواست کرد رهبری انقلاب عراق را هم بعهده بگیرد:

"این روزها برادران عراقی ما مرتباً مراجعه می‌کنند و می‌گویند همانطور که حضرت امام خمینی انقلاب ایران را رهبری کردند تا به ثمر رسید، انتظار داریم که انقلاب عراق را هم رهبری کنند!" (بامداد - ۵۹/۱/۲۵)

در آن ایام روزنامه‌های خمینی نیز پیوسته دم از فرمان خمینی برای تصرف و تسخیر عراق می‌زدند:

"به فرمان امام یا فرماندهی کل قوا، نیروهای انقلاب آمادگی خود را برای تصرف عراق با پشتیبانی مسلمین اعلام کردند." (روزنامه‌ی جمهوری اسلامی - ۱۸ شهریور ۵۹)

ثالثاً - فکر می‌کنم در دنیایی که بیش از پیش دو قطبی شده و اکنون وابستگی غالباً در ارتباط با یکی از دو قدرت بزرگ مطرح است، اصولاً سخن گفتن از وابستگی جانشین و مقاومتی با ابعاد مقاومت ایران به عراق که سراپا درگیر جنگ است، آنهم مقاومتی با یک چنین پایه‌ی اجتماعی و تشکیلاتی و سابقه‌ی

در دنیایی که بیش از پیش دو قطبی شده و اکنون وابستگی غالباً در ارتباط با یکی از دو قدرت بزرگ مطرح است، اصولاً سخن گفتن از وابستگی جانشین و مقاومتی با ابعاد مقاومت ایران به عراق که سراپا درگیر جنگ است، آنهم مقاومتی با یک چنین پایه‌ی اجتماعی و تشکیلاتی و سابقه‌ی تاریخی و اعتبار جهانی و دهها هزار شهید، از اساس غیر واقعی، باطل و بیهوده است و بیشتر برای "رد پاک‌کنی" و "ایز گم کردن" در رابطه با وابستگی‌های استعماری عینی و واقعی که سابقه‌ی تاریخی هم در ایران دارد صورت می‌گیرد. والا عراقی کی و کجا در تاریخ خود ایران را استعمار و وابسته بخود کرده است!؟

بخاطر ضدیت‌شان با مقاومت مسلحانه‌ی انقلابی به فرانسه بخشید تا عجالتاً در همانجا بمانند، ما نیز با پذیرش این‌که "هیچ‌کاری که بر خلاف منافع فرانسه باشد" انجام ندهیم، در همانجا می‌ماندیم و دیگر لزومی هم به تغییر مکان و استقبال از خطرات گوناگون نبود.

در هر حال مقاومت مسلحانه‌ی سراسری بی‌اعتنا به "رد پاک‌کنی"‌های دشمن ضد بشری و وابستگان و وابستگی‌گرایان، با کمال افتخار و اقتدار به سیاست مردمی و انقلابی صلح ادامه خواهد داد و هر امکانی را برای ریشه‌کن کردن هر چه سریعتر و قاطعانه‌تر دشمن صلح و آزادی مردم ایران در چارچوب اصول استقلال‌طلبانه و میهن‌پرستانه‌ی خود بکار خواهد گرفت. باشد که دشمنان این مقاومت روز بروز بیشتر رسوا و منفور شوند.

رسانده و مبشر صلح دائمی و پایان دادن تام و تمام به جنگ و خونریزی میان دو کشور همسایه است، هر حکومت دیگری که در ایران روی کار بیاید نه تنها قادر به التیام زخم عمیق و تب‌دار جنگ - جنگی با این همه قربانی - نیست، بلکه برعکس، منافع خود را در نمک پاشیدن دائمی یا موضعی بر این زخم هولناک خواهد یافت. در مباحث گذشته نیز دیدیم که هوشیاری و سرشت ضدبهره‌کشانه‌ی انقلاب نوین ایران و مرزبندی تاریخی آن با بورژوازی استثمارگر، قبل از هر چیز در طلسم‌شکنی تاریخ ساز در جنگ ضد مردمی بارز شده است.

پس بی‌مبالغه و به تأکید می‌گویم که دستاوردهای درخشان و قدر و قیمت تاریخی سیاست مردمی صلح ما برای مردم هر دو

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

روشن است که هدف رفسنجانی - این زبان گویا و پادوی اصیل خمینی - از این عرض حال دادن ها و ارائه امتیازات، جلب کمک هر چه بیشتر برای حفظ رژیم در برابر مقاومت و استمداد برای محدود کردن ما در سایر کشورها بوده و می باشد.

چند روز پیش (پنجشنبه ۱۹ بهمن) نیز رفسنجانی در کنفرانس مطبوعاتی خود، عجز و لابه برای دریافت اسلحه های بیشتر از آمریکا را با حمله به مقاومت ایران و آه و ناله از ضرباتی که رژیم خمینی از مجاهدین خورده است، عجین ساخت و از حضور و فعالیت های بین المللی مقاومت و داشتن دفاتر نمایندگی و مطبوعاتی در کشورهای مختلف جهان که پاک به بی آبرویی جهانی رژیم و اثبات تنفر عمومی مردم ایران از این رژیم نامشروع و سرکوبگر منجر شده، شکایت ها کرد.

روزنامه ای شیکاگو تریبیون همین حرف های رفسنجانی را با اشاره به این که "فرانسه به محدود کردن تظاهرات مجاهدین... ادامه داده" چنین گزارش کرده است: دولت ایران از ایالات متحده می خواهد که همان کارت را بازی کند. هاشمی رفسنجانی... به خبرنگارانی که ده روز پیش از نهران دیدار کردند گله کرد که ایالات متحده تروویست ها و عوامل ضدانقلاب را جا می دهد و حمایت می کند. او به آن به عنوان یکی از موانع در بهبود روابط دو کشور استناد کرد (۲)

دیروز (۲۱ بهمن) نیز خمینی شخصاً ضمن روضه خوانی برای خارجیان که همراه با وزیر ارشادش بدیدن او آمده بودند با اشاره به مجاهدین گفت "ما آزمون اشخاص بزرگ شهید شده است... و این برای ما سخت است..."

البته ما هم همیشه به خمینی و رژیمش پاسخ داده ایم که دفتر و مقر اصلی مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت ایران در داخل ایران، در کوچه و خیابان ها و در زندان ها و در قلب مردم ایران است.

بهر حال جریان افشاء روابط پنهانی و تسلیحاتی خمینی با اسرائیل و آمریکا، علاوه بر اینکه ضربه ای حیثیتی بسیار بزرگی در داخل و خارج ایران به رژیم خمینی زد و علاوه بر اینکه در میان نیروهای خود خمینی در داخل کشور بسیاری از وجدان های خفته

اینباره سؤالی مطرح کنند، با توپ و تشر سر جای شان نشاند و دهن بند زد؛ معلوم شد که تا گجا از افشاء لجن کاری های ایشان نگران شده و به وحشت افتاده است. این بود که باز هم به تابیدن تنور جنگ مبادرت کرد و قبل از موقع، تهاجم ضد گریلای ۴ را براه انداخت و در آن شکست خورد. آخر خمینی می خواست آن رسوایی بزرگ که هفته ها پشت سر هم در صدر همه ی مسائل و اخبار ایران بود، تحت الشعاع قرار بگیرد. سپس در ادامه ی قضایا هر روز نکته ی جدیدی افشاء شد و از جمله (بنا به نوشته ی واشنگتن پست ۱۰ بهمن) معلوم شد که رژیم خمینی مستمراً از اطلاعات جاسوسی آمریکا در طرح ریزی حملات جنگی اش استفاده می کرده است.

نکته ی بسیار پرمعنا و قابل توجه در ارتباطات مخفیانه ی رژیم خمینی با "شیطان بزرگ" که آنهمه علیه آن شعر و شعار می داد و روضه خوانی می کرد؛ شکایت های بی وقفه ی او علیه مجاهدین است که از سال های پیش تا همین امروز هیچ فرصتی را در هیچ گجا

نکته ی بسیار پرمعنا و قابل توجه در ارتباطات مخفیانه ی رژیم خمینی با "شیطان بزرگ" که آنهمه علیه آن شعر و شعار می داد و روضه خوانی می کرد؛ شکایت های بی وقفه ی او علیه مجاهدین است که از سال های پیش تا همین امروز هیچ فرصتی را در هیچ گجا در این باره از دست نمی دهد. بعنوان مثال اگر سفر رفسنجانی به ژاپن در تیر ماه سال ۶۴ را (که اساساً برای چفت شدن با "شیطان بزرگ" صورت گرفت و سفر به چین را هم سرپوش آن ساخته بود) بخاطر داشته باشید، می بینیم که در آغاز گفتگوهایش و در سر میز شامی که نخست وزیر ژاپن ترتیب داده بود، فصل ششیمی علیه مجاهدین و فعالیت ها و خطرات آنها صحبت می کند و از اینکه در فرانسه "مثل قهرمانان مورد استقبال قرار گرفته" و منازل آنها توسط پلیس فرانسه حفاظت می شود، ناله می کند... و استمداد می طلبد

در اینباره از دست نمی دهد. بعنوان مثال اگر سفر رفسنجانی به ژاپن در تیر ماه سال ۶۴ را (که اساساً برای چفت شدن با "شیطان بزرگ" صورت گرفت و سفر به چین را هم سرپوش آن ساخته بود) بخاطر داشته باشید، می بینیم که در آغاز گفتگوهایش و در سر میز شامی که نخست وزیر ژاپن ترتیب داده بود، فصل ششیمی علیه مجاهدین و فعالیت ها و خطرات آنها صحبت می کند و از اینکه در فرانسه "مثل قهرمانان مورد استقبال قرار گرفته" و منازل آنها توسط پلیس فرانسه حفاظت می شود، ناله می کند... و استمداد می طلبد و به ژاپنی ها می گوید که "اگر امروز که در جنگ هستیم در کنار ما باشید، راه را برای آینده بهتر باز می کنید." و اطمینان می دهد که رژیم خمینی "نمک شناس، هوشیار و حق شناس" خواهد بود.

کشور، و اهمیت و آثار عبور مقاومت ایران از خاک عراق به دنبال جنگی با اینهمه خون و ۷ سال گشتار بی امان، در سال ها و دهه های آینده بیشتر روشن خواهد گردید. تاریخ گواهی خواهد داد که شورای ملی مقاومت ایران بطور اعم و سازمان مجاهدین خلق ایران بطور اخص، در این راستا مصدر خدمات بسیار بزرگی گردیده اند.

هموطنان عزیز؛

روابط پنهانی رژیم خمینی با اسرائیل و آمریکا اکنون بر کسی پوشیده نیست. در این جریان دجالیت و فریبکاری شگفت انگیز خمینی و شعارهای پوشالی اش یکبار دیگر باثبات رسید و هر وجدان خفته ای را هم تکان داد. معلوم شد که "امداد های غیبی" از گجا می رسیده و امام قلابی در تمامی این مدت در جنگ ضدمیهنی اش به الطاف اسرائیل و آمریکا پشت گرم و در همین رابطه

با ضدانقلابیون نیگاراگوئه متصل و با تتمه ی دلالتان و ساواک رژیم شاه نیز چفت و جور بوده است. پس از افشاء و جهانی شدن اخبار مربوطه از جای دیگر، خمینی برای اینکه "عمامه اش" پس معرکه نیفتد، زود بهم گشت و رفسنجانی را به صحنه فرستاد تا با بکار بردن کلیه فوت و فن های روضه خوانی، تا جایی که می تواند از بار افتضاح بکااهد. متعاقباً یکی از روزنامه های رژیم نوشت اگر در این کار تاخیر صورت می گرفت... "کار از کار می گذشت و توضیحات بعدی و انفعالی و عکس العملی ما فاقد تأثیر مثبت و بلکه قویاً واجد تأثیر منفی می بود" (۱)

بیچاره خمینی که فکر می کرد روی یک چنین افتضاح و تعفنی را می توان با الکتلیفات سرپوش گذاشت! بعد هم وقتی که نمایندگان مجلس خودش را، که جرات کرده بودند در

پاورقی:

(۱) - اطلاعات - ۶۵/۸/۱۵

(۲) - شیکاگو تریبیون ۸ فوریه ۸۷

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

حتی مطالبی که دنباله‌های شاه در حسرت قدرت از دست‌رفته علیه رژیم خمینی بیان می‌کردند در عمل بسود رژیم خمینی و به زیان مقاومت عادلانه‌ی مردم ما بود. زیرا دشمن ضدبشری بدین‌وسیله می‌توانست در اذهان ناآگاه امر را در مورد مواضع ما نیز قدری مشتبه جلوه دهد. گم‌اینکه تابستان گذشته رفسنجانی در سخنانش ضمن نمایش جمعه‌گفت: "اتفاقاً یکی از چیزهایی که خیلی مفید برای جمهوری اسلامی (است) همینه که... این فسیل‌های جنایات دوران گذشته زنده بمانند و حرف بزنند و افکارشان را بگویند تا ملت بفهمد ضدانقلاب چیه. این خیلی بارزشه. ما اگر خیلی رندانه و سیاسی کار باشیم باید اینها را، ماکت‌هاشون و مجسمه‌هاشون و برنامه‌هاشون را همیشه زنده نگهداریم و بیاوریم تهران بگذاریم، ببینند مردم اینها چه هستند. این رادیوهای اینها واقعا برای ما نعمتی است..."

حضور اینگونه آدم‌ها یعنی کسانی که پشت‌سرشان پرونده‌ی روشن کثافت کاری

مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران و شورای ملی مقاومت ایران - بمثابه‌ی تنها جانشین مستقل و مردمی برای رژیم ضد مردمی خمینی - است. چرا که، هم «اول خط» و هم «آخر خط» استحاله‌گرایی و نظر دوختن به "میان‌ه‌ی" رژیم خمینی، یعنی جستجوی راه‌حل و جاننشینی در درون این رژیم خون‌آشام، بر همگان عیان‌شده و کارت سلطنت‌طلبی و همه‌ی فرضیات مبنی بر بازگشت به دیکتاتوری پیشین نیز بکلی سوخته است. در این اطلاعیه همچنین آمده بود:

"همچنانکه شورای ملی مقاومت ایران بمناسبت‌های مختلف در بیانیه‌های پیشین خود درباره‌ی بقایای شاه و خمینی و خیانتکارانی همچون امینی و بختیار و بنی‌صدر و مدنی و بازرگان اعلام کرده است، هم "کارت" سلطنت و هم "خط" استحاله‌گرانی که با نامزد شدن درانتصابات ریاست جمهوری خمینی و یا با نامه‌نگاری‌های ننگین به شخص خمینی قصد خزیدن به زیر قباب "ولایت فقیه" دزخیم خون‌آشام جماران

را بیدار و از او بیزار کرد و علاوه بر اینکه تمامی تبلیغات پیشین این رژیم را به کلی نقش بر آب ساخت؛ همه‌ی فرضیات مبنی بر امکان "میان‌روی" و "استحاله‌ی درونی" این رژیم ضد بشری را در عرصه‌ی بین‌المللی نیز باطل و بی‌اعتبار ساخت. در سال‌های گذشته ما می‌باید با صرف وقت و انرژی بسیار به چنین نتیجه‌های دست می‌یافتیم، اما اکنون بر همگان روشن شده است که افعی خمینی هیچگاه هیچگونه کیوتری نخواهد زائید و علیهذا سرمایه‌گذاری روی تحولات درونی این رژیم نامشروع برای هیچکس فایده ندارد و جز غبن و زیان ببار نمی‌آورد. بخصوص که هیچ دست پختی از درون این رژیم نیز مورد قبول مردم ایران قرار نخواهد گرفت...

از دیگر نتایج افشای زنجیره‌های روابط پنهانی رژیم خمینی با آمریکا و اسرائیل، آشکار شدن وابستگی برخی سردمداران خط استحاله‌ی رژیم خمینی در خارج کشور و سوزانده شدن و سوختن تمام‌عیار برگ سلطنت و همه‌ی فرضیات مبنی بر بازگشت بقایای دیکتاتوری شاه به قدرت بود که با انتشار جزئیات ارتباطات و شرح وظایف مزدوران مربوطه در مطبوعات آمریکا انجام شد. در همان هنگام بعنوان مسئول شورا طی اطلاعیه‌ای به همین مناسبت به عرض رساندم:

"آشکار شدن روابط مخفیانه و ممتد رژیم خمینی با آمریکا، برملا شدن تغذیه‌ی تسلیحاتی رژیم خمینی توسط «شیطان بزرگ» و افشای دست‌نشانده‌ی مدعیان سلطنت و تمامی بازماندگان رژیم شاه و همچنین افشای وابستگی برخی مدعیان "میان‌روی" و استحاله‌ی رژیم خمینی، از این قبیل است. آنهم با ذکر جزئیات و فاش کردن نحوه‌ی استخدام و اداره کردن و بکار گرفتن و به صحنه آوردن آنها و حتی فاش کردن نحوه‌ی عزل و نصب و تعلیق و "منتظر خدمت" کردنشان. روشن است که این حقایق در آستانه‌ی "خاتمه‌ی خدمت" نهایی و از دور خارج شدن گریزناپذیر راه‌حل استحاله و نیز جاننشینی سلطنتی برای رژیم خمینی، و پس از اثبات از کارافتادگی تاریخی و بلاصرف بودن سیاسی اینگونه جانشین‌تراشی‌ها، برملا می‌شود.

این، یک نقطه‌عطف مهم سیاسی در تاریخ

جریان افشا، روابط پنهانی و تسلیحاتی خمینی با اسرائیل و آمریکا، علاوه بر اینکه ضربه‌ی حیثیتی بسیار بزرگی در داخل و خارج ایران به رژیم خمینی زد و علاوه بر اینکه در میان نیروهای خود خمینی در داخل کشور بسیاری از وجدان‌های خفته را بیدار و از او بیزار کرد و علاوه بر اینکه تمامی تبلیغات پیشین این رژیم را به کلی نقش بر آب ساخت؛ همه‌ی فرضیات مبنی بر امکان "میان‌روی" و "استحاله‌ی درونی" این رژیم ضد بشری را در عرصه‌ی بین‌المللی نیز باطل و بی‌اعتبار ساخت. در سال‌های گذشته ما می‌باید با صرف وقت و انرژی بسیار به چنین نتیجه‌های دست می‌یافتیم، اما اکنون بر همگان روشن شده است که افعی خمینی هیچگاه هیچگونه کیوتری نخواهد زائید و علیهذا سرمایه‌گذاری روی تحولات درونی این رژیم نامشروع برای هیچکس فایده ندارد و جز غبن و زیان ببار نمی‌آورد.

دارند و مردم اینها را، لاقل نسل موجود اینها را بعنوان سمبل فساد می‌شناسند، بعنوان مخالفت با یک جریان، این به نفع این جریان است. (*).

هموطنان عزیز؛

چنانکه می‌دانید گروه کرد عراقی موسوم به یه‌کتی در تابستان و اوائل امسال با پستی و ناجوانمردی تمام، ۱۴ مجاهد خلق را در دو نوبت به شهادت رساند و تعدادی را هم مجروح نمود. یکی حین تردد از شهر کرکوک به سلیمانیه و دیگری به هنگامی که یک واحد رزمنده‌ی مجاهد خلق در یک معبر مرزی در حال حرکت برای ورود به خاک میهنمان

را داشته‌اند، در اساس هیچ خاستگاه و پشت و پناهی جز آنچه که اکنون در رسانه‌ها افشاشده نداشته و ندارد. کم‌اینکه اگر سیل تسلیحات و کمک‌های خارجی در کار نبود رژیم خمینی هرگز تا این زمان نیز در قدرت نمی‌ماند. (نقل از بیانیه‌ی مسئول شورا - ۳۰/آبان/۶۵)

ناگفته نگذاریم که در سال‌های گذشته نخستین کارگرد و وظیفه‌ی بقایای دیکتاتوری دست نشانده‌ی شاه (از بچه‌اش گرفته تا نخست وزیرش بختیار و ساواکی‌های مربوطه) مقابله با مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران و شورا و مجاهدین بود. به همین دلیل مگرراً خاطر نشان می‌گردیم که ضدانقلاب غالب و مغلوب همیشه بر سر بزن‌گاه‌ها دست‌در دست یکدیگر و رودر روی مقاومت و انقلاب قرار دارند. همچنین باید تأکید کنم،

پاورقی:

(*). - رفسنجانی ۲۴/ مرداد/ ۶۵

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

خمینی که از بدو انتقال مقر مرکزی ما به خاک عراق اکیداً به وحشت و بدست و پا افتاده بود طی یک اطلاعیهای جنگی که توسط قرارگاه موسوم به خاتم صادر شده بود، با طمطراق اعلام کرد که گروه یهکتی را در عملیات جنگی موسوم به "فتح" علیه مقرهای مجاهدین بخدمت گرفته است. (۱)

خبرگزاری فرانسه نیز همانروز خبر داد که گروه مزبور پذیرفته است که "منطقه‌ی مرزی را بر مخالفین ایرانی، جنبش مجاهدین خلق، ببندد" (۲)

سپس با چند روز تأخیر، یهکتی خود نیز ناگزیر به مزدوریش برای خمینی اعتراف و اعلام نمود که از این پس نخواهد گذاشت کسی از کردستان "به مردم (!)" و خاک ایران و جمهوری اسلامی ایران" حمله کند. (۳) باین ترتیب خیانت بزرگ، بر ضد مقاومت ایران و برای بستن راه او در منطقه‌ی مرزی کردستان، به تمام و کمال از پرده بیرون افتاد و مورد اعتراف قرار گرفت. دو- سه هفته‌ی بعد هم جلال طالبانی، همچنان که مجاهدین از پیش به استناد اطلاعات موثق اعلام کرده بودند، از تهران و از محضر رفسنجانی سردرآورد تا دستمزد خون مجاهدین را حضوراً دریافت کند. باید تأکید کرد که مجاهدین نه فقط تا آن تاریخ هیچ اقدامی علیه گروه مزبور نکرده بودند، بلکه براساس اصول اخلاقی و سیاسی خود در مقاطع مختلف از ملاحظات انسانی و جانبداری‌های مستمر سیاسی و پادرمیانی بسود آن نیز فروگذار نکرده بودند.

پس از رفتن طالبانی به نزد رفسنجانی و منتظری، اشرار مزدور در هر گجا که در نوار مرزی کردستان توانستند، پایگاههای مجاهدین را با مدد پاسداران خمینی از راه دور خمپاره‌باران و گلوله‌باران کردند و همچنین معلوم شد که نمونه‌های متعددی از دستگیری هواداران مجاهدین - که برای وصل شدن به سازمان به کردستان آمده و قصد عبور از ناحیه‌ی مرزی را داشتند - و تحویل آنها به سپاه پاسداران خمینی، وجود دارد.

با تعظیم به روانهای والای رزمندگان مجاهدی که با خون پاک خود و شهادت

فلج هر دو دست گردید و بسیاری عملکردهای دیگر به اثبات رساند که این‌بار نیز حسب‌المعمول شرط نزدیکی با خمینی و درآمدن به خدمت او، تیغ کشیدن بر روی مجاهدین است. در مقابل، ما مدت‌ها تلاش کردیم هرطور که شده از تشدید این تضاد، با تحلل و با تذکر، ممانعت کنیم. منجمله در اواخر سال ۶۴ وقتی که یهکتی پا در یک گفش کرده بود که مجاهدین ۲ پایگاه خود در یک نقطه‌ی مرزی در خاک کردستان عراق را تخلیه کرده و به او بسپارند؛ از آنجا که بدیهی بود با خوش‌خدمتی قصد تحویل آن پایگاهها را به رژیم خمینی دارد؛ مجاهدین که نمی‌خواستند با این گروه درگیری ایجاد شود و خونی بریزد، این پایگاهها را که حدود یکصد میلیون تومان هزینه‌ی ساختن آنها شده بود، منفجر و با خاک یکسان کردند. سفارش کرده بودم در عین اینکه خمینی نمی‌باید در این قضایا به سروسزنی نیز دست یابد، ولو اینکه گروه مزبور بر روی رزمندگان ما آتش بگشاید، مجاهدین

بود. گشتارها بسی وحشیانه و فجیع صورت گرفته و حتی از سرعت حلقه و ساعت نیز فروگذار نکرده بودند. شهدای مجاهد خلق اغلب از سوابق مبارزاتی فوق‌العاده درخشانی برخوردار بودند و بعضاً سال‌ها طعم شکنجه و زندان رژیم‌های شاه و خمینی را چشیده بودند. یکی از این رزمندگان، مجاهد شهید علیرضا نادری که فرماندهی واحد را بعهده داشت از این پیشتر در بیش از ۶۰ عمل نظامی علیه دشمن ضدبشری شرکت کرده بود. شهید والامقام دیگر مجاهد قهرمان فاطمه زائریان ششمین شهید خانواده گبیر زائریان (درخراسان) و مادر سه فرزند بود. اشرار مزدور به هنگام حمله به ماشین حامل او و سه مجاهد شهید دیگر، کودک ۴ساله‌ی فاطمه را هم بشدت زخمی کردند...

از مدتی پیش بر ما آشکار بود که گروه یهکتی چهارنعل به جانب خمینی می‌تازد، اگر چه رهبر آنها (جلال

طالبانی) در پایان سال ۶۲ کتباً به من نوشته بود "تلاش باند مرتجع خمینی در تحمیل سلطه‌ی دیکتاتوری مطلقه‌اش زیر پرده فقیه علیه خلق‌های مسلمان، خطر بزرگی را علیه مبارزات این خلق‌ها برای آزادی و دمکراسی و حق تعیین سرنوشتشان توسط خودشان... بوجود می‌آورد." اما تحولات بعدی، از جمله ۳۳ مورد مشخص ممانعت از عملیات رزمندگان مجاهد خلق و تردد آنها بداخل خاک میهنمان، آتش گشودن به روی هنگ آموزشی رزمندگان مجاهد خلق از فاصله چند صد متری و مجروح کردن شماری از آنها و بسیاری عملکردهای دیگر به اثبات رساند که این‌بار نیز حسب‌المعمول شرط نزدیکی با خمینی و درآمدن به خدمت او، تیغ کشیدن بر روی مجاهدین است.

مقابل به مثل نکنند. گویانکه فرماندهان مسئول آن پایگاهها، به جد می‌توانستند در یک دفاع مشروع، هرکس را که قصد تجاوز و تهاجم داشت بسختی گوشمالی بدهند.

اما قبل از هر چیز می‌باید برای مردم شریف و صمیمی کردستان عراق نیز روشن می‌گردید که رزمندگان مجاهد مستقر در نوار مرزی قصد خونریزی و پایمال کردن حقوق هیچ کس را نداشته و ندارند. حقیقت اینست که این مردم بی‌آلایش و خون‌گرم از این پیشتر مجاهدین را مدیون حمایت و محبت خود نموده و پس از گشتار رزمندگان ما توسط جنایتکاران یهکتی نیز در همه جا (اعم از شهر و روستا) صمیمانه همدردی نموده و مزدوران جنایتکار را که "جاش" خمینی شده بودند، محکوم ساختند.

چند روز پس از این گشتار، رژیم

سال ۶۲ کتباً به من نوشته بود "تلاش باند مرتجع خمینی در تحمیل سلطه‌ی دیکتاتوری مطلقه‌اش زیر پرده فقیه علیه خلق‌های مسلمان، خطر بزرگی را علیه مبارزات این خلق‌ها برای آزادی و دمکراسی و حق تعیین سرنوشتشان توسط خودشان... بوجود می‌آورد."

اما تحولات بعدی، از جمله ۳۳ مورد مشخص ممانعت از عملیات رزمندگان مجاهد خلق و تردد آنها بداخل خاک میهنمان، آتش گشودن به روی هنگ آموزشی رزمندگان مجاهد خلق از فاصله چند صد متری و مجروح کردن شماری از آنها، ۵ مورد سرقت و ۱۳ مورد غارت، بشهادت رساندن مجاهد خلق هوشنگ عباسی در حال نماز، کمین گذاشتن برای یک واحد مجاهد خلق با دو مجروح که تیرخوردگی یکی از آنها منجر به

پاورقی:

(۱) - ۱۹/مهر/۶۵

(۲) - ۱۹/مهر/۶۵

(۳) - ۳۰/مهر/۶۵

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

افراطی‌گری فارسی علیه اقلیت‌ها و ملیت‌های تحت‌ستم محکوم و ناروا و ارتجاعی است، متقابلاً یک چنین تعصباتی از سوی گروه‌های سیاسی کردی بر علیه ما نیز ناموجه و محکوم و ارتجاعی است.

*

هموطنان عزیز؛

پارسال همین موقع، در پیام سالروز انقلاب ضد سلطنتی بعرض رساندم که خمینی در بحبوحه‌ی دعوی‌های گریزهای داخل رژیمش بار دیگر "تاکتیک فرار بجلو" را برگزیده و بانقض همه‌ی قواعد فقهی و قانونی، منتظری ابله را بعنوان ولیعهد رسمی خود منصوب و معرفی نمود. "اما هیئات که خمینی از این فرار بجلو! همانند تاکتیک‌های جنگی‌اش سودی نخواهد برد و مضار استراتژیکی این تاکتیک نیز روزبروز بیشتر بارز خواهد گردید. زیرا که رقابت‌ها و درگیری‌های درونی گریزها را بالمآل تشدید نموده و باند مسلط را با باندهای ضعیف‌تر بیشتر دست به

ایرانی در برابر جنایات یه‌گتی است. آنها در برابر این امر و همچنین در برابر همدستی یه‌گتی با رژیم خمینی و آوردن مستمر پاسداران به این نواحی توسط یه‌گتی - که مستقیماً به مسائل روزمره‌ی کردستان ایران نیز مربوط می‌شود - سکوت اتخاذ کردند. گمان نمی‌کنم صرف خرده حساب‌ها و یا "کلی حساب‌ها" و تضادهای بنیادین عقیدتی و سیاسی و طبقاتی که این گروه‌ها با مقاومت انقلابی سراسری دارند، بتواند چنین سکوتی را که مشخصاً از نظر سیاسی بسود جنایتکاران بود توجیه کند. بخصوص که یکی از این جریان‌ها اخیراً اعلام کرد "اینکه یه‌گتی پاسدار به داخل کردستان عراق می‌آورد به خود وی بستگی دارد و هیچ ربطی به ما ندارد..." حال آنکه همه می‌دانند که یه‌گتی پاسداران را از روی آسمان به کردستان عراق نمی‌آورد، بلکه مشخصاً از طریق کردستان ایران می‌آورد و از همان نوار مرزی (در خاک عراق) که محل استقرار گروه‌های کرد سیاسی ایرانی نیز در آنجاست

مظلومانه‌شان بدست اشرار مزدور، ماهیت پس‌افتاده و عملگرد وحشیانه و پیوند ننگین جریان یه‌گتی با رژیم خمینی را برملا نموده و در تاریخ ایران به ثبت دادند، به مصداق "ریخت خونم از برای استخوان" یادآوری می‌کنم:

آنکه کشتنم بی‌مادون من

می‌داند که نخسبد خون من

برمن است امروز و فردا بروی است

خون چون من کس، چنین ضایع کی است
همچنین با تأسف از اینکه این گروه ننگ تاریخی رودرویی با انقلاب نوین مردم ایران را بجان خرید و رهبری آن حتی از زمان شاه پیوسته در وادی سیاست بطرز رقت‌باری از این دست به آن دست می‌شود؛ از آنجا که پس از اینهمه صبر و تحمل و اتمام حجت چاره‌ی دیگری بر جای نمانده، ناگزیر اعلام می‌کنم: در عین اینکه مقاومت انقلابی و مردمی ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران گماکان جز با رژیم خمینی با هیچکس دیگر سر قهر و جنگ ندارند و بغایت مراقبت نموده و خواهند نمود تا از تشدید و تعارض سایر تضادها بسود خمینی بپرهیزند، لیکن رزمندگان مجاهد موظف گردیده‌اند در برابر کلیه‌ی مزدوران خمینی در معابر مرزی قسمت میانی کردستان و هر کس و هر گروهی که بخواهد در خدمت خمینی مانع تردد آنها بخاک میهنشان شده و بر روی آنها آتش بگشاید، قاطعانه و با تمام قوا به دفاع مشروع انقلابی مبادرت کنند.

این را هم باید خاطر نشان کنم که اگرچه خوش خدمتی مزدوران به خمینی و خیانت عظیمی که در حق مقاومت ایران مرتکب شدند، یک چند برای ما ایجاد دردسر و اشکال نمود و زحمات و هزینه‌ها بر جای گذاشت، اما خوشبختانه ما توانستیم با تجدید سازمان دستگاه نظامی‌مان، آنرا به جهات مختلف نوسازی کنیم. اکنون این دستگاه با رفع کمبودها و نقاط ضعف پیشین و ورود به یک مدار استراتژیکی جدید، به کارایی کیفی بالاتری دست یافته است، باز هم دشمن ناخواسته سبب خیر گردید که خبرهای آنرا در زمان خود خواهید شنید...

*

نکته‌ی بسیار پرمعنا و قابل توجه دیگر در این قضایا، سکوت گروه‌های سیاسی کرد

نکته‌ی بسیار پرمعنا و قابل توجه دیگر در این قضایا، سکوت گروه‌های سیاسی کرد ایرانی در برابر جنایات یه‌گتی است. آنها در برابر این امر و همچنین در برابر همدستی یه‌گتی با رژیم خمینی و آوردن مستمر پاسداران به این نواحی توسط یه‌گتی - که مستقیماً به مسائل روزمره‌ی کردستان ایران نیز مربوط می‌شود - سکوت اتخاذ کردند. گمان نمی‌کنم صرف خرده حساب‌ها و یا "کلی حساب‌ها" و تضادهای بنیادین عقیدتی و سیاسی و طبقاتی که این گروه‌ها با مقاومت انقلابی سراسری دارند، بتواند چنین سکوتی را که مشخصاً از نظر سیاسی بسود جنایتکاران بود توجیه کند.

یقہ خواهد کرد."

در این پیام، همچنین افزوده بودم که فرصت طلبان و میوه‌چینان میان‌باز و استحاله‌گر و وابسته‌گرایان که از فهم مضمون و سمت و سوی تحولات این سال‌ها عاجزند و نمی‌توانند بفهمند که تشدید اختلافات در "بالا" و در داخل رژیم قبل از هر چیز ناشی از فشار توده‌های مردم و مقاومت قهرمانانه‌ی سراسری و ضربات کوبنده‌ی استراتژیکی است که بر فرق و بر پیگر و بر چنگال‌های گفتار فرود آورده؛ همچون محافل استعماری، بر روی تحولات درونی رژیم شرط‌بندی می‌کنند، اما از این تجارت سودی نخواهند برد. زیرا اصل مطلب اینست که رژیم خمینی با آن ماهیت قرون‌وسطایی و ضدتاریخی و با این بیلان جنایاتش نه

عبور می‌دهد و برای اینکه پاسداران راحت‌تر عبور کنند گروه‌های مزبور را هم مکرراً تحت فشار قرار داده و درخواست تخلیه مقرهایشان را نموده است.

بگذریم که معلوم نیست چرا فقدان دموکراسی! در شورای ملی مقاومت که از اساس کذب و ناحق است و یا اینکه گوئیا این شورا پیوسته "انحصاری‌تر" شده، به برخی ربط دارد ولی عبور پاسداران خمینی از مقابل مراکزشان به آنها "هیچ ربطی ندارد"!

بهر حال قویاً آرزو می‌کنم در قدم‌های بعدی "تازه‌تر از تازه‌تری" نرسد و رفسنجانی و مزدور جدیدالاستخدام، شیرین‌گامی جدیدی بر علیه مقاومت منطقه‌ای و بر علیه هموطنان ستم‌کشیده ما در کردستان حاصل نکنند. گذشته از این، به اعتقاد ما همچنان که هرگونه تعصب نژادی و ملی و حق‌گشی و

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

فایده‌ی دیگر، جلب بیش از پیش سیاست‌های استعماری بجانب رژیمش بود و اینکه با پهن کردن بساط رقابله‌ی "استحاله‌پذیری" و طرح فرضیات مربوط به "میانرو" شدن رژیم نامشروعش، در سطح بین‌المللی، حمایت بدست بیاورد و چنین وانمود کند که جانشینی خارج از رژیم او وجود ندارد و اگر هم تغییر و تحولی در کار باشد، بایستی آنرا در داخل همین رژیم جستجو نمود. بزعم خمینی، محدود کردن فعالیت‌های بین‌المللی مقاومت و افزایش انواع فشارهای سیاسی و تبلیغاتی علیه آن نیز از این طریق بهتر عملی می‌شود و شکوه و شکایت‌های دائمی از مجاهدین هم (که دیدیم یک محور دائمی شکوایه‌های رژیم در مناسبات بین‌المللی اوست) مؤثرتر واقع می‌گردد.

باین ترتیب، دلایل باز گذاشتن دارالتجاره‌ی سیاسی بازرگان و شرکاء و فواید آن برای رژیم خمینی را هم بهتر می‌توان فهمید. بهای خونین و پر رنج و شکنج بازگذاشتن این قبیل دارالتجاره‌ها را البته هر شب و هر روز رشیدترین فرزندان این میهن در اوین و دیگر شکنجه‌گاهها و محل‌های حلق‌آویز و تیرباران، می‌پردازند. بخصوص که رژیم در پس این دارالتجاره‌ها ادعا می‌کند که "آزادی" از مُدل "نهضت آزادی" موجود است و ما فقط "تروریست‌ها" را دستگیر و اعدام می‌کنیم.

گمانیکه سردمداران رژیم بکرات در بیانات و موضعگیری‌های رسمی خود از روی همان الگوی شاه گفته‌اند که در ایران زندانی سیاسی و اعدام سیاسی وجود ندارد، بلکه هر چه هست مربوط به تروریسم است.

اخیراً وزیر کشور خمینی نیز ضمن اظهارات خود راجع به اینکه گوئیا ایران هیچ پناهنده‌ی سیاسی در خارج از کشور ندارد و همه "یا طاغوتی هستند یا سران گروه‌های جنایتکار" با اشاره‌ی تلویحی به "نهضت آزادی" چنین استدلال نمود که: "در حال حاضر گروه‌هایی در کشور وجود دارند که نظراتشان با دیدگاه جمهوری اسلامی ایران مغایرت دارد ولی فعالیت سیاسی خود را انجام می‌دهند و دولت کاری به آنها ندارد" (۲) ولی هیئات که حقه‌بازی و مکر و حيله در

رسانده‌ام، واقعیت اینست که خمینی نابکار، برای ذوب کردن و تحلیل بردن ناراضی‌ها و مخالفت‌ها در درون رژیم و مانعیت از اینکه این مخالفت‌ها از چارچوب رژیم بیرون بزند و تمامیت رژیم را زیر علامت سؤال ببرد و البته همچون مقاومت انقلابی به خواست سرنگونی رژیم راه ببرد؛ به منتظری تکلیف کرده بود که در حرف‌هایش بعضاً موضع انتقادی بگیرد، تا چتری بشود برای سمت دادن مخالفت‌ها در چارچوب همین رژیم.

در همین راستا خمینی از همان فردای ۳۰ خرداد مستراً به مزدورانش سفارش می‌کرد مردم را طوری حفظ کنند که یک‌وقت نریزند توی خیابان و مثل مجاهدین شعار سرنگونی بدهند. بعنوان مثال سال ۶۱ خمینی خطاب به عده‌ای از مزدورانش در یک صحبت رسمی که در رسانه‌ها نیز منتشر شد گفته بود: "ما باید حفظ کنیم این مردم را، اگر یک وقتی مردم توی خیابان ریخته و شعار بر ضد ما دادند، شعار بر ضد کسانی

اما فایده‌ی این حقه‌بازی‌های سیاسی خمینی و نقشی که به منتظری داده بود اضافه بر فریفتن اذهان ناآگاه در جامعه، "نخ‌دادن" به کلیه‌ی تجار سیاسی و میانه‌بازان ضدانقلابی و دیگر اضداد مقاومت مسلحانه‌ی مردمی و فراهم کردن چتر و چارچوبی برای آنها برای خزیدنشان به زیر عبا‌ی رژیم و قانون اساسی "ولایت فقیه" (البته در عین ادامه‌ی دودوزه‌بازی و یکی به نعل و یکی به میخ زدن) بود تا هرچه بیشتر با او در برابر مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران، در برابر جانشین دمکراتیک و مردمی و در برابر مبارزه‌ی مسلحانه‌ی انقلابی همدست و همقدم بشوند. فایده‌ی دیگر، جلب بیش از پیش سیاست‌های استعماری بجانب رژیمش بود و اینکه با پهن کردن بساط رقابله‌ی "استحاله‌پذیری" و طرح فرضیات مربوط به "میانرو" شدن رژیم نامشروعش، در سطح بین‌المللی، حمایت بدست بیاورد.

دادند، خُب آنوقت چه مصیبتی است؟ ما بسمان است آن شعارهایی که در خارج برایمان می‌دهند و آن شعارهایی که منافقین می‌دهند." (۱)

اما فایده‌ی این حقه‌بازی‌های سیاسی خمینی و نقشی که به منتظری داده بود اضافه بر فریفتن اذهان ناآگاه در جامعه، "نخ‌دادن" به کلیه‌ی تجار سیاسی و میانه‌بازان ضدانقلابی و دیگر اضداد مقاومت مسلحانه‌ی مردمی و فراهم کردن چتر و چارچوبی برای آنها برای خزیدنشان به زیر عبا‌ی رژیم و قانون اساسی "ولایت فقیه" (البته در عین ادامه‌ی دو دوزه بازی و یکی به نعل و یکی به میخ زدن) بود تا هرچه بیشتر با او در برابر مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران، در برابر جانشین دمکراتیک و مردمی و در برابر مبارزه‌ی مسلحانه‌ی انقلابی همدست و همقدم بشوند.

اصلاح‌پذیر است و نه استحاله‌بردار و در تمامیتش باید برود و اینهم که خمینی با انتصاب ولیعهد و جانشین می‌خواهد رژیمش را باثبات نشان دهد، فایده ندارد و به ضدخودش منجر خواهد شد...

ولی هنوز یکسال نشده، دعوای درونی گرگ‌ها آنچنان بالا گرفت و مزار استراتژیکی آن "تاکتیک فرار بجلو"ی خمینی آنچنان ظاهر گردید که خودش مجبور شد ولیعهدش را بخورد! بعد هم از قول وزیر ساواکش شنیدیم که دجال خودش نشسته و فیلم ندامت تلویزیونی دستیار منتظری را دیده و سانسور کرده و گفته گجایش را در تلویزیون نمایش بدهند و گجایش را نمایش ندهند! باین ترتیب با تصریح و تأکید خود رژیم بر بی‌کفایتی و بی‌صلاحیتی منتظری، زیر آب جانشینی و ولایت این شخص از همین حالا در چارچوب خود رژیم هم زده شد و هر چند هم که خمینی در حال و آینده

استمالتش کند، دیگر آب رفته بجوی باز نخواهد گشت. چنین بود که به تمامی تبلیغات و مانورها و سرمایه‌گذاری‌های داخلی و بین‌المللی در باره‌ی "ثبات" و "استحاله‌پذیری" رژیم خمینی تیر خلاص خورد و سرمایه‌گذاران! مربوطه (اعم از میانه‌بازان ساخت داخله و صاحب‌سهامان خارجی) هر یک بنحوی غرولندگنان احساسات "ناگوار" خود را ابراز کردند. آخر هنوز از تجربه‌ی زمان شاه - که در اواخر حکومتش جناح "لیبرال سازنده" در حزب رستاخیز درست کرده بود - درس نگرفته بودند و حاضر نبودند بپذیرند وقتی رژیم‌هایی مثل شاه و خمینی اینقدر آب از سرشان می‌گذرد دیگر این حرف‌ها فایده ندارد.

همچنانکه در پیام‌های قبلی بعرض

پاورقی:

(۱) - صبح آزادگان - ۵/مهر/۶۱

(۲) - محتشمی - ۶۵/۱۱/۷

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

کرد. زیرا در دعوی گریها، رفسنجانی به هیچوجه مصون‌تر از منتظری نخواهد ماند. ولو اینکه خمینی با تمام قوا وی را زیر قبای خود بگیرد و برای پیش بردن مقاصدش، به او پیوسته بیشتر پروبال بدهد. در همین تهاجم جنگی ضد گریلای ۴، وقتی که اخبار شکست و تلفات وحشتناک برملا شد، خیلی از رقبا جرم آنرا به گردن رفسنجانی انداختند.

خلاصه کنم، قدرت امثال شاه و خمینی در خود آنها و با خود آنها از بین می‌رود آنها بدنبال خود جز مثنی خس و خاشاک و "برگ‌های سوخته" و مساکن ویران و لعنت فراوان چیزی باقی نمی‌گذارد.

هموطنان عزیز

چندی پیش رفسنجانی که قویاً از تأیید آمار و ارقام مقاومت در باره‌ی گاهش شدید درآمد نفت احتراز داشت، ناگزیر اعتراف کرد که امسال درآمد نفت ۱/۲ آن چیزی است که در بودجه پیش‌بینی شده است. پیش‌بینی

اما خیلی سریع، به اشارت خمینی ورق برگشت و آن "فضای باز سیاسی"؛ که اگر یک صدم "فضای باز سیاسی" شاه تحقق می‌یافت صدمبار زودتر به سقوط رژیم خمینی منجر می‌گردید؛ بدنیا نیامده گورزاد شد. روزنامه‌ی حزب خمینی حرف آخر را بالا آورد و نوشت: "لیبرال‌ها اگر توبه کنند و در عمل نشان دهند که از کارهای خلافی که کرده‌اند پشیمان هستند، تازه باید ۷ سال مانند بسیجی‌ها به جبهه بروند و در پشت جبهه در خدمت انقلاب باشند تا لیاقت اظهارنظر را پیدا کنند، نه آنکه روز بروز خود را طلبکارتر بدانند و در عین حال صاحب‌نظر هم تلقی شوند! کلام آخر آنکه هرکس نمی‌داند، بداند که هیچ چیز تازه‌ای اتفاق نیفتاده و لیبرال‌ها تا خودشان را عوض نکنند موضع نظام جمهوری اسلامی درباره‌ی آنها عوض نخواهد شد." (۲)

درباره‌ی بازگشت میانه‌بازان تواب از خارجه نیز، دادستان سابق خمینی در نمایش

تاریخ آخر و عاقبت ندارد و جریان فروپاشی و سرنگونی محتوم این رژیم ضد بشری، بطور اجتناب‌ناپذیر این قبیل بازی‌ها و حقه‌بازیها را خنثی و به ضد خود تبدیل می‌کند. پس بار دیگر باید تکرار نمود که اگر شاه توانسته باشد از خود جانشینی بگذارد و برود، خمینی هم خواهد توانست. بگذریم که خمینی خودش هم محکم توی سر ولیعهدش زده!

اما دعوی گریها همچنان ادامه دارد و هر روز بیشتر به جان یکدیگر می‌افتند. گاه پیرگفتار ظاهر می‌شود، توی سر یکی می‌زند، تکه استخوانی هم به یکی می‌دهد و تا چند روز ساکت‌شان می‌کند. و چند روز بعد باز هم روز از نو و روزی از نو... تا موعد سرنگونی محتوم تمامیت رژیمش فرا برسد. دو سه روز پیش در همین رابطه خامنه‌ای در قم با اشاره به اختلافات و درگیری‌های افزایش‌یابنده بین باندهای درونی رژیم، زبان به شکایت گشود که "عده‌ای طرف مقابل را... در سخنرانی‌های خود بمباران می‌کنند" وی افزود: "آیا مشکل اساسی انقلاب اینست که ما بجان هم بیفتیم؟"

*

فرضیه‌ی موهوم استحاله‌پذیری رژیم خمینی که پس از معرفی رسمی منتظری بعنوان ولیعهد خمینی توسط میانه‌بازان ضدانقلابی در داخل و خارج کشور و همچنین توسط قلمزنان و سخن‌پراکنان استعماری دامن زده می‌شد، حاکی از این بود که چه بسا بتوان زیر چتر منتظری به یگنوع "فضای باز سیاسی" دست یافت تا در سایه‌ی آن هم گسب‌وکار میانه‌بازان داخلی رونق بگیرد و هم میانه‌بازان نادم و "توبه‌کار" مقیم خارجه، بتوانند برگردند و از این نمذ گلاهی ببرند. در همین راستا نق‌زدن‌های اعتراض‌آمیزی از گوشه و کنار شروع شد و مقالاتی هم در یکی از روزنامه‌های رژیم نوشتند. حتی یکی از وزرای خمینی تقصیر دیکتاتوری مطلقه و اوضاع نابسامان سیاسی را به گردن مجاهدین انداخت و نوشت: "از خیانت‌های بزرگ منافقین (این بود) که ما را کشاندند به یک چنین شرایطی... آن وضعی که بعد از ۷ تیر و ۸ شهریور پیش آمد، معلول حرکت ضدانقلاب و شروع درگیری مسلحانه‌ی عظیم و وحشتناکی بود که از طرف ضدانقلاب بر ما تحمیل شد..." (۱)

آن "فضای باز سیاسی"؛ که اگر یک صدم "فضای باز سیاسی" شاه تحقق می‌یافت صدمبار زودتر به سقوط رژیم خمینی منجر می‌گردید؛ بدنیا نیامده گورزاد شد. روزنامه‌ی حزب خمینی حرف آخر را بالا آورد و نوشت: "لیبرال‌ها اگر توبه کنند و در عمل نشان دهند که از کارهای خلافی که کرده‌اند پشیمان هستند، تازه باید ۷ سال مانند بسیجی‌ها به جبهه بروند و در پشت جبهه در خدمت انقلاب باشند تا لیاقت اظهارنظر را پیدا کنند، نه آنکه روز بروز خود را طلبکارتر بدانند و در عین حال صاحب‌نظر هم تلقی شوند! کلام آخر آنکه هرکس نمی‌داند، بداند که هیچ چیز تازه‌ای اتفاق نیفتاده و لیبرال‌ها تا خودشان را عوض نکنند موضع نظام جمهوری اسلامی درباره‌ی آنها عوض نخواهد شد."

درآمد نفت در بودجه‌ی سال ۶۵ مطابق برآورد نهایی کمسیون برنامه و بودجه در مجلس خمینی بیش از ۱۵۰ میلیارد تومان نبود. بنابراین برحسب اظهارات رژیم درآمد امسال به ۴۰ میلیارد تومان هم نرسیده است. حال باید دید رژیم خمینی کسر بودجه‌ی خود را چگونه تأمین می‌کند؟ طی ۵ سال جنگ، تا سال گذشته قرض‌های دولت خمینی از بانک مرکزی به ۴۰۰ میلیارد تومان بالغ شده بود و امسال تا پایان آذرماه، ۱۵۵ میلیارد تومان قرض دیگر نیز بر آن افزوده شده است تا به تنور جنگ و

جمعه‌ی قم اعلام کرد: "اگر ایرانیان مقیم خارج بخواهند فرهنگ غرب را بیاورند، حزب‌الله در مقابل آنها خواهد ایستاد. باید بدانند ایران، ایران نماز جمعه و روزه و جهاد و شهادت و درگیری و تشییع جنازه‌هاست، نه ایران عیاشی و بی‌بندوباری و شب‌نشینی‌های مبتذل. بدانند، ایران حزب‌اللهی‌هاست نه ایران کراواتی‌ها" (۳)

*

آخرین نکته‌ای که در این مبحث راجع به مسائل درونی رژیم شایان ذکر است به رفسنجانی مربوط می‌شود. پس از افشای روابط و معاملات پنهانی با اسرائیل و آمریکا که خمینی آنرا توسط رفسنجانی به اجرا در آورده بود و هنوز هم ادامه می‌دهد؛ محققاً رفسنجانی را هم باید، برخلاف برخی گزارشات ژورنالیستی، برگ سوخته محسوب

پاورقی:

(۱) - بهزاد نبوی - کیهان - ۶۵/۵/۱

(۲) - جمهوری ۲۸/ مرداد/ ۶۵

(۳) - آخوند صانی - ۶۵/۲/۲۶

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

پاسخگویی اختصاصی به تمامی آنها نیست بدین وسیله با تعظیم و تشکر از عموم هموطنان؛ چه بعنوان مسئول شورا و چه بعنوان یک مجاهد خلق بعرض همهی شما می‌رسانم:

سرچه باشد که فدای قدم دوست شود!

اما در ضمن شماری از نامه‌ها و پیام‌های مستقیم و غیرمستقیمی که از شهرها و روستاهای مختلف می‌رسد، سوالاتی بالاخص راجع به مجاهدین، راجع به شورای ملی مقاومت و دولت موقت و راجع به اوضاع و احوال و چشم‌اندازهای آینده به چشم می‌خورد که امیدوارم آنها را در فرصت‌های بعدی طی گفتارهای جداگانه، از همین طریق مورد بحث قرار دهیم. بسیاری از این مسائل نیز در مصوبات شورای ملی مقاومت و در برنامه و طرح‌های دولت موقت و نوشته‌ها و پیام‌های خود اینجانب با وضوح تمام پاسخ داده شده است که می‌توانید با مراجعه به دوستان و آشنایان و همدردان و هوادارانی که موفق به ضبط این مطالب از رادیو صدای مجاهد شده‌اند، پاسخ‌های لازم را بدست آورید. البته چنانکه گفتم تلاش خواهیم کرد در فرصت‌های بعدی و طی گفتارهای جداگانه، مطالب موردنظر را مجدداً به استحضارتان برسانم.

اکنون اجازه بدهید مختصراً به مبرم‌ترین سؤال عمومی و اینکه همه می‌خواهند بدانند وظیفه‌شان چیست و بطور روزمره و مشخص چه باید بکنند، بپردازیم. ۱- اگر توان جنگیدن و سلاح بردوش کشیدن برای سرنگون کردن دشمن خدا و خلق و دشمن صلح و آزادی و دشمن عمران و ترقی ایران یعنی رژیم ضدبشری و دجال خمینی را دارید، از هر طریق که می‌توانید به رزمندگان مجاهد خلق در نوار مرزی ایران و عراق بپیوندید. این، کار دشواری نیست و اگر عزم جزم کرده باشید و مراعات‌های لازم را بعمل آورید و برای آن طرح و برنامه بریزید، کاملاً عملی و امکانپذیر است و دشمن به هیچوجه نمی‌تواند سنگ راه شما بشود و دیرتر یا زودتر متصل خواهید شد. از سایر مرزهای کشور هم

مرزهای غربی کشور" تدابیر جدید و تصمیمات تازه اتخاذ کنید(*) و پاسگاه و پست بازرسی و مزدور جدید بکار بگیرید و هر چه می‌خواهید در نزد "استکبار جهانی" عجز و لابه کنید و از مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران شکایت ببرید. اگر می‌توانید حتی یک دیوار چین دورادور ایران بسازید. اما در هر حال سقوط و گیفر قاطع و تردیدناپذیر شما حتمی است. خلق قهرمان ایران، مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران و مبارزه‌ی مسلحانه‌ی مردمی، دژ و دیوار بتونی شما را نیز درهم خواهد شکست و بجانب سرنوشت تابان خود عبور خواهد نمود.

هم میهنان عزیز؛

در سالروز انقلاب ضد سلطنتی و در شرایطی که چشم‌انداز سرنگونی سلطنت دجالانه‌ی خمینی روشنتر و اطمینان‌بخش‌تر از همیشه است، کمی هم درباره‌ی مبرم‌ترین وظایف روز در مسیر رهائی میهنان بگوئیم. مقدماً یاد آوری می‌کنم که پس از انتقال به

سياهچال اختناق ریخته شود. معنی این امر در زندگی روزمره‌ی مردم و بویژه اقشار زحمتکش و کم‌درآمد همانا گرانی بیشتر و بیشتر و بی‌ارزش شدن پول و درآمد هاست. بخصوص در شرایطی که سرتاپای رژیم، امسال را به صدزبان، سال سرنوشت و سرنوشت‌ساز اعلام کردند. تا تنور جنگ چنانکه می‌خواهند تابیده شود و بلکه بجایی برسند و خودشان در تنور جنگی که خود ساخته‌اند نیفتند و بمب ساعتی اختناق نیز زیر بالش خودشان منفجر نشود.

سه روز پیش خامنه‌ای در مقابل خود خمینی و از قول او وضعیت رژیم را در لابلای حرف‌هایش "به معنای حقیقی کلمه (در) محاصره" توصیف نمود و تأکید کرد که این "آخرین" تهاجم جنگ خواهد بود که اگر در آن پیروز شدیم بعد از این دیگران باید از خودشان دفاع کنند...

و افزود "ملت ما آخرین دفاع خود را دارد

پس از انتقال به خاک عراق و نزدیک شدن هرچه بیشتر به خاک میهن، که با تأییدات و تشویقات بسیار انگیزنده‌ی اکثریت عظیم هموطنان آزادیخواه و صلح‌طلبان در سراسر کشور مواجه شد، شورای ملی مقاومت ایران - یعنی تنها جانشین دمکراتیک و مردمی که پرچم صلح و آزادی را بدوش می‌کشد و تنها شانس رهایی ایران در شرایط تاریخی کنونی است - و همچنین سازمان مجاهدین خلق ایران هر روز با استقبال و حمایت‌های مردمی بیشتری از سوی شما مواجه می‌شوند که امیدوارم همگی ما و بخصوص خود من - بعنوان مسئول شورا و دولت موقت - شایستگی آنرا داشته و بخوبی از پس ادای دین و انجام وظایف میهنی خود برآئیم.

خاک عراق و نزدیک شدن هرچه بیشتر به خاک میهن، که با تأییدات و تشویقات بسیار انگیزنده‌ی اکثریت عظیم هموطنان آزادیخواه و صلح‌طلبان در سراسر کشور مواجه شد، شورای ملی مقاومت ایران - یعنی تنها جانشین دمکراتیک و مردمی که پرچم صلح و آزادی را بدوش می‌کشد و تنها شانس رهایی ایران در شرایط تاریخی کنونی است - و همچنین سازمان مجاهدین خلق ایران هر روز با استقبال و حمایت‌های مردمی بیشتری از سوی شما مواجه می‌شوند که امیدوارم همگی ما و بخصوص خود من - بعنوان مسئول شورا و دولت موقت - شایستگی آنرا داشته و بخوبی از پس ادای دین و انجام وظایف میهنی خود برآئیم.

طی اینمدت انبوهی نامه و پیام همدردی و همراهی دریافت کرده‌ام که چون امکان

نمی‌کند". روشنتر از این نمی‌شد وابستگی سرنوشت‌ساز وضعیت رژیم را به آخرین تیر ترکش جنگی‌اش بیان کرد؛ اگرچه رئیس‌جمهور خمینی جرأت نکرد در صورت عدم پیروزی به آن روی سکه هم اشاره کند. آن روی سکه چیزی نیست جز حتمیت سرنگونی دیکتاتوری ضدبشری و استقرار صلح و آزادی و جانشین دمکراتیک - انقلابی.

من‌باب اطمینان خاطر خمینی و خامنه‌ای و رفسنجانی و دیگر جرثومه‌های پلیدی و جنایت، ضمناً اضافه می‌کنم که سکه‌ی رژیم در هر حال همین یک رو را بیشتر ندارد: انقراض و نابودی!

حال هرچه می‌خواهید بقول وزیر ساواک و وزیر گشورتان برای ممانعت "از هرگونه تردد" رزمندگان مجاهد "در رابطه بایستن

پاورقی:

(*) - بین گیومه‌ها از سخنان وزیر کشور خمینی (جمهوری اسلامی ۶۵/۶/۱۲) که مکرراً توسط وزیر ساواک نیز عنوان شده بود.

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

است که کلید صلح و آرامش و امنیت اجتماعی و اقتصادی را در دست دارد. بگوئید که پس از خمینی کمیته چی و پاسدار و انجمن ضداسلامی منحل خواهد شد. بگوئید که سرانجام خمینی سرنگون و خلق پیروز می شود. بگوئید که ایران آزاد و آباد می شود. و بگوئید که ایران زیباترین وطن است و بی گمان از چنگال دیوان رها خواهد شد و بگوئید که نه فقط در سراسر کشور بلکه در مجاورت خاک میهن قلبهایی بخاطر آنها می تپد، مجاهدان سلاح بر دوش و جان بر کف، که هر صبح با نسیم بامدادان، رهایی خلق در زنجیر ایران را نجوا می کنند.

۱۵- اما اگر آنچه را تاکنون گفتم از شما بر نمی آید، اگر در وضعیت جسمی و سنی هستید که هیچکدام از این کارها را نمی توانید انجام دهید، هر روز هفت بار خمینی را در دل هم که شده لعنت کنید و بر صلح و آزادی و شهیدان و اسیران آن درود بفرستید و آنگاه مطمئن باشید که وظیفه خود را انجام داده اید و با ما

قبال اعتراضات صنفی و حرفه ای همبسته و متحد، یارای ایستادگی زیاد ندارد.

۷- از رسیدگی و احترام در حق خانواده های شهدا و اسرای مقاومت فروگذار نکنید.

۸- به پیام های صدای مجاهد اعتماد کنید. سعی کنید از طریق آدرس هایی که صدای مجاهد می دهد ارتباط برقرار کنید. پیام های مقاومت را ضبط و تکثیر کنید و خبرهای آنرا دهان به دهان به همه ی مشتاقان برسانید. شعارهای انقلابی و مردمی را در هر گجا بنویسید. مزدوران و جاسوسان دشمن را به یگدیگر و به رزمندگان مسلح مجاهد خلق بشناسانید و مهمتر از همه با روحیه ی یاس و ناتوانی و انفعال مبارزه کنید و در محیط اطراف خود شور و امید و اعتماد و حرکت و مقاومت بپراکنید.

۹- در هر گجا و در هر فرصتی از صف اتوبوس گرفته تا خانه و مدرسه و کارگاه و اداره و مسجد و مزرعه و دانشگاه مردم را نسبت به نقطه نظرهای مقاومت و انقلاب

می توانید خارج شده و آنگاه در اروپا یا آسیا از مجاهدین سراغ بگیرید.

۲- اگر توان جنگیدن با دژخیم ضدبشر دارید اما هیچ راهی برای رسانیدن خود به رزمندگان ما پیدا نکرده اید، بهر ترتیب که می توانید مسلح شوید و چه بعنوان فرد یا یک هسته ی مقاومت در هر گجا که به دژخیمان خمینی و چنگال های سرکوبگر و خون آلودش دسترسی دارید، قاطعانه آنها را به هر وسیله که می توانید نابود کنید. امروز مسلح شدن و تسلیح همه ی آنها که توان جنگاوری علیه دشمن ضدبشری دارند، یک وظیفه ی مقدس میهنی و انقلابی و مردمی و عقیدتی است.

۳- اگر به هر دلیل در شرایط جنگیدن نیستید، از هر طریق دیگر که می توانید مدد کنید و کمک برسانید. از رسیدگی به رزمندگان ما و تأمین مسکن و جا برای آنها گرفته تا تسهیل تردد و ارتباطاتشان و کمک های مالی و اطلاعاتی و تسلیحاتی و تبلیغاتی. توجه کنید که پیشاپیش باید از رسیدن کمک های مالی و اطلاعاتی و تسلیحاتی تان به مجاهدین یقین حاصل کنید.

۴- در هر گجا که می توانید و بهر شکلی که میسر است کارها و برنامه های ضد مردمی رژیم را به هر میزان که می توانید مختل و متوقف کنید. بخصوص پرسنل ملی و مردمی ارتش که می باید در حیطة مسئولیت های خود، بسیج جنگ افروزانهای خمینی و آخوندهای ارتجاعی را به هر میزان که می توانند درهم بشکنند.

۵- هیزم تنور جنگ خمینی نشوید. به جبهه های مرگ و ائتلاف او نروید. اگر اجباراً در جبهه های جنگ ضدمیهنی هستید بگریزید و یا دست کم به هر میزان که می توانید سرپیچی کنید و در کار جنگ خمینی وقفه و فتور ایجاد کنید.

۶- حرکات اعتراضی مردمی را در هر گجا و بر سر هر موضوع به قدر توان خود دامن بزنید از اعتراضات و اعتصابات موضعی کارگری گرفته تا اعتصاب پزشکان و دیگر اعتراضات صنفی و حرفه ای و اعتراضات اقشار مختلف مردم برای دریافت حقتان در محله های شهری و مناطق روستایی. در این چارچوب هیچ بیم و باکی از مزدوران رژیم بدل راه ندهید زیرا که رژیم آنچنان به جنگ و سرکوب سیاسی اشتغال دارد که در

به همشهریان و همقطاران و دوستان و آشنایان و همسایگان خود بگوئید اسلام مجاهدین برخلاف خمینی اسلام صلح و آزادی و روشنائی است، اسلام وفاداری و محبت و فداکاری است، اسلام عدالت و برادری و یکرنگی است. بگوئید که مجاهدین درست برخلاف خمینی به زندگانی خصوصی مردم و مکتب و مرام و عقیده و خوراک و مایملک و پوشاک و حاصل کار و زحمت آنها کاری نداشته و ندارند و خود را فدیه ی رهایی خلق و ایران می دانند. بگوئید که فقط این جانشین مردمی و این دولت موقت است که کلید صلح و آرامش و امنیت اجتماعی و اقتصادی را در دست دارد. بگوئید که پس از خمینی کمیته چی و پاسدار و انجمن ضداسلامی منحل خواهد شد. بگوئید که سرانجام خمینی سرنگون و خلق پیروز می شود.

هستید. با رزمندگان آزادی، با مجاهدین خلق. در قلب آنها هستید. با آنها بیدار می شوید، با آنها پا می گوئید و سرود می خوانید و ماشه را در قلب دشمن می چکانید. با آنها شکنجه می شوید و مقاومت می کنید. با آنها تیرباران می شوید و باز هم زنده می شوید. بر می خیزید و دیگر بار سلاح برمی دارید و این بار پر خروش تر فریاد می زنید: مرگ بر خمینی، زنده باد صلح و آزادی! بله آنقدر فریاد می زنید تا سرانجام عفریت شب پرست زوزه کشان می گریزد و محو میشود و صبح تابان رهایی می دمد...

سرفراز باد شورای ملی مقاومت

برقرار باد

دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی ایران

مسعود رجوی

۲۲/ بهمن/ ۱۳۶۵

نوین ایران و برنامه های شورای ملی مقاومت و دولت موقت و خطوط و مواضع مجاهدین به طریق مناسب آگاه و هوشیار کنید و سمپاشی های دشمن و مزدوران و متحدان او را برملا و خنثی سازید.

به همشهریان و همقطاران و دوستان و آشنایان و همسایگان خود بگوئید اسلام مجاهدین برخلاف خمینی اسلام صلح و آزادی و روشنائی است، اسلام وفاداری و محبت و فداکاری است، اسلام عدالت و برادری و یکرنگی است. بگوئید که مجاهدین درست برخلاف خمینی به زندگانی خصوصی مردم و مکتب و مرام و عقیده و خوراک و مایملک و پوشاک و حاصل کار و زحمت آنها کاری نداشته و ندارند و خود را فدیه ی رهایی خلق و ایران می دانند. بگوئید که فقط این جانشین مردمی و این دولت موقت

پیام مهم رهبر مقاومت ایران برادر مجاهد مسعود رجوی به مردم سراسر کشور در باره قطع موقت بمباران شهرها

بقیه از صفحه ۳

تا اینکه ظهر امروز - چنانکه لایحه شنیده‌اید - رئیس‌جمهور عراق خواستار تشکیل اجلاس مشترک شورای فرماندهی انقلاب عراق و رهبری کشوری حزب آنها گردید. در این اجلاس که وسایل ارتباط جمعی عراق از جمله تلویزیون این کشور گزارشات و فیلم‌های آن را پخش نمودند، تقاضای دیروز من مورد بحث و بررسی واقع شد و نهایتاً تصمیم گرفتند بشرط اینکه رژیم خمینی هم متقابلاً مراعات کند و به ماجراجویی جنگی جدیدی نیز در مرزهای دو کشور دست نزنند، بمباران شهرهای کشور ما از فردا ساعت ۱۲/۵ ظهر (۱۲ ظهر بوقت بغداد) بمدت دو هفته موقتاً متوقف شود که البته بنا به تصمیم شورای فرماندهی و رهبری کشوری عراق این آتش بس در جنگ شهرها، شامل هدف‌های نظامی و مراکز تجمع قوای جنگی خمینی و هدف‌های اقتصادی که مستقیم و غیرمستقیم در خدمت پشتیبانی جنگی هستند نمی‌شود. اجلاس مشترک شورای فرماندهی انقلاب و رهبری کشوری عراق همچنین در اطلاعیه‌ی خود تصریح کرده است که متوقف کردن بمباران شهرها با موضعگیری رژیم ایران در مورد صلح مرتبط خواهد بود. یعنی بر رژیم خمینی است که طی دو هفته‌ی آینده بدون هرگونه ابهام موضع جدید خود را در قبال موازین بین‌المللی و پیشنهاد صلح عراق مبنی بر استقرار صلح دائمی و همه‌جانبه بر اساس مرزهای شناخته‌شده بین‌المللی ایران و عراق، به جهانیان اعلام کند.

هموطنان عزیز؛
به این ترتیب صلح عادلانه در دسترس است. مانع فقط خمینی و رژیم ضدبشری و دجال اوست. این رژیم را باید از بن برانداخت. این تنها راه نیل به صلح و آزادی است. به حرکت و اعتراض برخیزید و در هر گجا و در هر فرصتی از خمینی بپرسید که چرا جنگ را ادامه می‌دهد. چرا حرث و نسل ایران را در تنور جنگی‌اش می‌ریزد و چرا به صلح عادلانه و در دسترس تن نمی‌دهد؟...

البته در شرایطی که ارتجاع خمینی برای سرپوش گذاشتن بر اختناق و برای ادامه‌ی حیات ننگینش همچنان زوزه می‌کشد "جنگ، جنگ، اختناق"؛ "جنگ، جنگ، تا نابودی"؛ از سوی مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران برای صلح و آزادی ناگزیر باید تکرار کنم که چون حیات این رژیم ضد‌مردمی در گرو ادامه‌ی اختناق و ادامه‌ی این جنگ ضد‌میهنی است و بدون جنگ و اختناق هرگز در قدرت باقی نخواهد ماند، بنابراین تنها راه حل برای یک ایران صلح جو و آزاد شورای ملی مقاومت ایران و دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران است که کلید صلح و آزادی و حسن همجواری و آسایش و آرامش ایران و این قسمت از جهان را در دست دارد.

مرگ بر خمینی - زنده باد صلح و آزادی

۲۹/بهمن/۱۳۶۵

تصحیح و پوزش

درج قسمت اول پیام مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت هشتمین سالگرد انقلاب ضدسلطنتی در شماره‌ی گذشته‌ی نشریه - که می‌بایست ۲۴/بهمن از چاپ خارج شود - ناگزیر با تعجیل همراه بود. به همین خاطر متأسفانه در چاپ آن چند مورد اشتباه رخ داده است که با پوزش بسیار ذیلاً تصحیح می‌گردد.

صفحه	ستون و سطر	غلط	صحیح
۴	پاورقی	۶۵/۶/۸	کیهان ۶۵/۶/۱۰
۷	ستون سوم آخرین سطر بعد از عبارت "میزان این اخاذی‌ها"	عبارت "از ابتدای جنگ" جا افتاده است	...میزان این اخاذی‌ها از ابتدای جنگ دست‌کم...
۴۴	ستون اول سطر ۸	۱۰۰ میلیون تومان	۱۰ میلیون ریال
۴۴	ستون اول سطر ۲۶	۱۹ میلیون تومان	۱۹ میلیون ریال
۴۴	ستون اول سطر ۴۶	۴۴،۰۰۰ کیسه خون	۴۰۰۰ واحد خون
۴۴	صفحه	ستون و سطر	صفحه
۴۴	پاورقی شماره‌ی ۸	وزیر مربوطه اطلاعات - ۶۵/۲/۳	مشاور وزیر مربوطه رسالت - ۶۵/۲/۳
۴۵	ستون اول سطر ۲۰	ساختن مین و انواع خمپاره	ساختن انواع قطعات خمپاره
۴۵	پاورقی شماره‌ی ۵	قم - ۶۵/۱۱/۵	رسالت - ۶۵/۱۱/۱
۴۶	ستون اول سطر آخر و ستون دوم سطر اول	۴۰ الی ۵۰ برابر	۴ الی ۵ برابر
۴۹	ستون سوم سطر ۳	"صداقت اخلاقی و اسلامی"	"صلاحیت اخلاقی و اسلامی"

آدرس‌های ارتباطی انجمن‌ها و واحدهای هوادار مجاهدین

آدرس پستی	تلفن روابط عمومی انجمن			نام کشور نام شهر
	شماره تلفن	کد شهر	کد کشور	
A.E.M B.P 49 - 75462 Paris - Cedex 10 France	۲۳	۱	۴۸۴۱۲۶۷۹	فرانسه - پاریس
BM BOX 9270 London WC1N 3XX England	۲۴	۱	۲۰۳۵۸۵۵	انگلستان - لندن
M.S.F BOX 7041 16307 Spanga Sweden	۴۶	۸	۷۶۰۷۹۸۵	سوئد - استکهلم
M.I.S.S P.O. BOX 57245 Washington, D.C 20037 U.S.A	۱	۷۰۳	۸۲۳۰۴۳۰	آمریکا - واشنگتن، دی. سی.
M.I.S.S P.O. BOX 4549 Culver City, CA. 90231 U.S.A	۱	۲۱۳	۸۳۹۸۳۹۵	آمریکا - لس آنجلس
M.S.V Postfach: 420531 5000 KOLN 41 West - Germany	۴۹	۲۲۱	۲۴۲۸۰۵	آلمان - کلن
M.I.S.S 719 Yongest Suite 205 Toronto, ONT M4Y2B5 Canada	۱	۴۱۶	۷۶۳۰۴۷۲	کانادا - تورنتو
صندوق البرید ۱۲۰ صندوق البرید ۵۰۷۵	۹۶۴	۰۱	۷۱۸۳۰۳۳	عراق - بغداد
ROOM NO 20 BLOCK 4 - EQBAL HOSTEL UNIVERSITY OF KARACHI P.O. BOX NO. 132 G.P.O - KARACHI 1	۹۲	۲۱	۴۶۴۱۶۱	پاکستان - کراچی

گمک‌های مالی خود را به یکی از حساب‌های زیر واریز نموده
و حواله‌ی آنرا به یکی از آدرس‌های مقابل ارسال دارید:

Midland Bank plc
281 Chiswick High Road
London W4 4HJ England
A-Khodabandeh N. 91082078

انگلستان

BANK SOCIETE GENERAL
No: 50114313 Mr. SAHELI MORAD
AX. TRINITE PARIS FRANCE

از خارج فرانسه

B.N.P. PONTOISE 1269652

در داخل فرانسه

مصاحبه‌سیمای مقاومت با آقای ابراهیم مازندرانی
نماینده کانون توحیدی اصناف در شورای ملی مقاومت

در صفحه‌ی ۲۰

واکنش بین‌المللی

علیه جنگ طلبی جنایت‌بار خمینی

* رهبر اتحاد شوروی: به جنگ ایران و عراق باید پایان داد

* گرومیکو خطاب به وزیر خارجه خمینی: "داشتن عقل سالم" و "حداقل هوشیاری عوامانه" ایجاب می‌کند که جنگ پایان یابد!

* مدیرکل یونسکو خواستار توقف فوری جنگ شد
* کنگره نویسندگان و خبرنگاران فلسطینی جنگ تجاوزگرانه خمینی را محکوم می‌کند.

* سخنگوی سازمان آزادیبخش فلسطین جنگ‌طلبی خمینی را محکوم کرد.

* سمینار بین‌المللی "در راه قطع جنگ ایران و عراق"

در صفحه‌ی ۵۲

انعکاس بسیار گسترده تظاهرات جهانی و بیسابقه

گرامیداشت سالگرد عاشورای مجاهدین

در رسانه‌های خبری جهان

(در صفحات ۲۴ تا ۳۰ و ۳۹ تا ۴۴)



صحنه‌ای از تظاهرات ۲۵۰۰ تن از هموطنان در دهلی‌نو
بمناسبت عاشورای مجاهدین

اوج دنائت همپالکی‌های خمینی ضد بشر در محاصره اردوگاه‌های فلسطینیان

در صفحه‌ی ۵۳

کنفرانس مطبوعاتی مجاهدین خلق ایران در واشنگتن
همزمان با هشتمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی

در صفحه‌ی ۴۵

گزارشی از مراسم پایانی سومین دوره آموزش رزمی هنگ آموزش شهید اشرف رجوی



مرگ بر خمینی، شعار محوری مرحله کنونی
مبارزه انقلابی مسلحانه، تاکتیک محوری مرحله کنونی